

کلکسیون جریدہ

نداء خلق

نامہ ملی - ادبی - اجتماعی و سیاسی

صاحب امتیاز: دکتور عبدالرحمن محمودی

مدیر مسئول: انجنیر ولی احمد عطائی

بازپخش: **راہِ رحم**
۴۴

بہ اہتمام: محمد قاسم آسمایی

شناسنامهٔ مجموعه:

عنوان: کلکسیون جریده نداء خلق

سکن شده توسط: **ACKU**

باز پخش: صفحه انترنیٹی راہ پرچم سال ۲۰۱۷

تہیہ، ترتیب و اہتمام: قاسم آسمایی



داکتر عبدالرحمن محمودی صاحب امتیاز جریدہ نداء خلق

(۱۲۸۸ - ۱۳۴۴)



سرلوحه جریده نداء خلق

«نامه نداءى خلق خادم خلق - رهنمای مردم بااساسات ديموکراسى و مبارز حقوق خلق است - نامه نداءى خلق راه حصول حکومت خلق - توسط خلق و برای خلق را بمردم نشان میدهد - متكى بر اساسات ديموکراسى - تامل ما برای رویکار آوردن یک شورای اساسى و آزاد - انتخابات آزاد - تامین تعادل اساسى در بين قواى ثلاثه سعى و نشرات نموده و در این ساحه خود را مدافع حقوق خلق ميشناسد ... »

به بهانه بازپخش کلکسیون جریده "نداء خلق"

قاسم آسمایی

نشر جریده شمس النهار (سال ۱۸۷۳ میلادی)، آفتاب تابانی بود که برای بار نخست خط فکری نوین را که همانا مبارزه بی امان بین جهل و دانش، تاریکی و روشنی است؛ در تاریخ کشور بنیاد نهاد و شیوه پخش افکار و ارزش های انسانی را به شکل مطبوع در وطن معمول و مروج ساخت و سپس این شیوه، خواستها و اهداف آزادیبخش را نشریه های دیگر چون سراج الاخبار، امان افغان و ده ها نشریه دیگر ادامه دادند. این نشریه ها بر علاوه اینکه نقش بسیار مهم و ارزنده را در امر بیداری مردم در آن مقاطع گوناگون زمانی ایفا نموده است، بیانگر تلاشهای بیشمار پیشگامان مبارزه با استبداد مسلط بر جامعه ماست که با تحمل درد و رنج فراوان و قبول کردن سال ها زندان، پرچم مبارزه و آزادی خواهی را بزمین نگذاشتند و راه را برای نسلهای بعدی باز نمودند.

در همین راستا بازپخش جریده وزین و تاریخی نداء خلق در کهکشان انترنیت، امکان آنرا میسر میسازد تا پژوهشگران و نوران افغان با يك بخشی از مبارزه و پیکار بزرگان اندیشه های رهبران و فعالان مشروطیت سوم افغانستان و منجمله با مبارزه و اندیشه های یکی از پیشکسوتان رهبران آن جنبش و صاحب امتیاز جریده نداء خلق، آزادیخواه شجاع زنده یاد عبدالرحمن محمودی فقید آشنا گردند. محمودی کبیر که نام بزرگش جاودان باد از مفاخر نهضت مترقی آتوقت میباشد که با تعهد و جسارت بخاطر عدالت، مساوات و ترقی اجتماعی رزمید.

در اینجا قابل یادآوری است که به روایت یکی از شرکت کنندگان نخستین گردهمایی زنده یاد بیرک کارمل برای کمپاین انتخابات دوره دوازدهم شورا (۱۳۴۴)، موصوف ضمن صحبت با باشندگان محله های هندوگزر، خرابات و شور بازار کابل، شاید اولین کسی بوده که بعد از وفات داکتر عبدالرحمن محمودی به صورت علنی و با کمال احترام از جایگاه رفیع این وطن دوست پرشور و خادم صادق وطن یاد کرد و رسالت خود و نیروهای مترقی را تداوم راه این بزرگ مرد، در جهت برابری، ترقی و عدالت اجتماعی دانست.

تدوین کلکسیون جریده نداء خلق در یک جلد و باز نشر آن از طریق صفحه انترنیتی راه پرچم اولین قدم در این راه است، امیدواریم موفق شویم تا سایر نشرات مطبوع آن دوره ها را که خوشبختانه توسط عده از افراد و سازمانهای خیرخواه و خیراندیش دستیاب و از آرشیف ها بیرون و سکن شده، بصورت وسیع پخش و در اختیار هموطنان قرار دهیم.

با ختم جنگ جهانی دوم، با وجودکه کشور ما مستقیماً درگیر آن جنگ نبود، اما پیامدهای نکبتبار و بحران اقتصادی ناشی از آن به پیمانانه وسیع در زندگی مردم احساس میشد؛ با اضافه خشکالی های سال های ۱۹۴۳ - ۱۹۴۴ و سرمای بی سابقه سال مابعد آن سبب بلند رفتن مواد قیمت مواد غذایی و گسترش فقر گردیده و توأم با آن فشار و اختناق دوره حکمرانی هاشم خان (دوره استبداد کبیر) سبب نارضایتی وسیع در کشور گردیده بود. در چنین وضع

خاندان حکمران و مشاورین بیرونی آن برای تداوم حاکمیت خاندانی و برای جلوگیری از عکس العمل شدید مردم و قیام آنها، تدابیری دفع الوقت تازه را روی دست گرفت و در همین جهت، قدم نخستین دور ساختن مستبد کبیر هاشم خان و جانشین شدن برادراندر او، شاه محمود خان وزیر حریبه به جای او و بیرون کشیدن ظاهر شاه از انزوای دوامدار سیاسی و اداری و تا اندازه دادن صلاحیت اجرایی برای نامبرده بود.

سردار هاشم خان خلاف میلش و تقریباً در نتیجه کودتای درون خانوادگی از پست صدارت (روز ۱۹ ثور ۱۳۲۵) معزول و برادرش شاه محمودخان جانشین او شد. میرمحمد صدیق فرهنگ در باره این تغییر در دربارمی نویسد: «صدراعظم (هاشم خان) به آسانی تسلیم نشد و در آخر کار استعفا در حالی بر او تحمیل شد که افراد اردو اطراف قصر صدارت را احاطه کرده بودند.»

صدراعظم تازه، اصلاحات نیم بند و موقتی را روی دست گرفت و به گفته زنده یاد غبار مجبور شد «با مردم از راه مدارا پیش آید و با ریفورمهای کوچک و ناچیزی آنان [مردم] را مشغول نگهدارد و اساس حکومت نظامی بیک حکومت نیمه نظامی اما زیر نقاب شبه دموکراتیک مبدل شد.»

در این دوره که بعضی ها آنرا "دموکراسی اول" نامیده اند؛ در سال ۱۳۲۸ انتخابات آزاد بلدییه ها، صورت گرفت و شماری از نمایندگان غمخوار مردم با رای مردم در شورای بلدییه انتخاب شدند. همچنان در سال ۱۳۲۹ خورشیدی در انتخابات آزاد سری و مستقیم برای دوره هفتم شورای ملی (۱۳۲۸ - ۱۳۳۱ خورشیدی) ده ها تن از روشنفکران طرفدار دموکراسی و شاهی مشروطه از جمله دکتر عبدالرحمان محمودی، امکان یافتند تا با رای مردم در پارلمان حضور یابند.

با استفاده از فرصت بدست آمده روشنفکران آزادیخواه، تشکل های سیاسی قبلی مخفی را علنی و به حیث جمعیت ها و احزاب شروع به فعالیت نموده و خواست های برحق مردم را به اشکال گوناگون از تریبون پارلمان تا نشر مضامین در نشرات مطبوع مطرح ساختند. این تشکل های سیاسی با انفاذ قانون مطبوعات (ماه جدی سال ۱۳۲۹) که به شکل محدود آزادی مطبوعات در آن تضمین شده بود، جرآید بیانگر خواستها و اهداف خود را منتشر کردند. چنانچه "حزب وطن" به رهبری میرغلام محمد غبار نشریه "وطن"، "حزب خلق" به رهبری داکتر عبدالرحمن محمودی "جریده نداء خلق"، ویش زلمیان نخست "نشریه انگار" به مدیریت مسؤل فیض محمد انگار و بعد از مصادره آن، جریده "ولس" به مدیریت مسؤل گل پاچا الفت را طبع و توزیع مینمودند.

خواست مشترک همه این جرآید حمایت از استقلال، تعمیل دموکراسی، آزادی، رشد اقتصادی و اجتماعی کشور و در کل شاهی مشروطه بود. البته باوجود این وجوه مشترک، این جرآید از لحاظ شیوه تبلیغ، تحلیل وضع وطن و موضعگیری ها در مقابل سیاست های حکومت، با یکدیگر تفاوت هایی نیز داشتند.

این جراید با وجود امکانات بسیار محدود (از لحاظ امکانات چاپ، قطع و صحافت و تیراژ در مقایسه با جراید سرکاری / دولتی)، به سرعت هواخواهانی بیشماری را در سرتاسر کشور پیدا و دست بدست میشدند و نسبت علاقمندی بیش از حد مردم و محدودیت تیراژ، در بیشتر نقاط افغانستان با دست‌نویسی و کاپی کردن تکثیر می‌گردیدند.

قابل یادآوری است که در این زمان، شماری دیگری از جراید غیردولتی از جمله نیلاب، آیین، اتوم، صدای ملت، پامیر، پیام افغان و الفبا، نیز برای مدت کوتاهی نشر شدند؛ اما از محبوبیت همگانی در بین مردم برخوردار نشدند.

جریده نداء خلق

شماره اول جریده نداء خلق بتاريخ ۱۲ حمل سال ۱۳۳۰ نشر گردید. صاحب امتیاز جریده داکتر عبدالرحمن محمودی و مدیرمسئول آن انجنیر ولی احمدعطایی (داماد او) بود. (در بعضی نوشته‌ها از جمله برنامه بی بی سی مورخ ۲۴ اکتبر ۲۰۱۱/۰۲/۰۲ آبان ۱۳۹۰، مدیرمسئول آن عبدالحمید مبارز، معرفی شده درحالی‌که موصوف تنها یکی از همکاران و خبرنگار آن جریده بوده است.)

عنوان "نداء خلق" با خط نستعلیق برنگ سرخ تحریر گردیده و سایر مقالات آن به شکل تایپ گسستتر تحریر و جریده هفته دوبرار به حیث "نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی" به روزهای دوشنبه و پنجشنبه به زبانهای پشتو و فارسی با تیراژ در حدود ۱۵۰۰ شماره در مطبعه گسستتر شخصی نداء خلق در کابل چاپ میشد.

جریده در چهار تاهشت صفحه چاپ و قیمت یکشماره آن از ۱۰ پول تا یک افغانی بود. همکاران جریده میر غلام محمد غبار، عبدالحمید مبارز، محمد یوسف آیین، محمد نعیم شایان، غلام حسن صافی، گل پاچا الفت و شماری قلم بدستان دیگر بوده اند.

در شماره اول، مرام جریده به قلم دکتور محمودی چنین بیان شده است: «نامه ندای خلق خادم خلق - رهنمای مردم با اساسات دیموکراسی و مبارز حقوق خلق است - نامه نداء خلق راه حصول حکومت خلق - توسط خلق و برای خلق را بمردم نشان میدهد - متکی بر اساسات دیموکراسی - تامل ما برای رویکار آوردن یک شورای اساسی و آزاد - انتخابات آزاد - تامین تعادل اساسی در بین قوای ثلاثه سعی و نشرات نموده و در این ساحه خود را مدافع حقوق خلق میشناسد. ...

...فدا کاری با نشتر قلم در راه حفظ، تمامیت خاک و ضمانت ناموس وطن و حقوق و نوامیس مشروطیت از فرایض اولیة نامه نداء خلق است...

...تامین دموکراسی حقیقی و ادراک حس مسوولیت اجتماعی و پابندی و عشق به قانون و نظم و دشمنی با تشدد و اغتشاش و بی‌نظمی که مخالف مرام و اساس دموکراسی است میتواند سعادت و خوشبختی را به آغوش کشیده مظلوم و سیاه روزی را بر طرف ساخت. این است روح امرانانۀ نداء خلق که بلا تفریق نژاد و مظهر احساس و عواطف و افکار

قوم از آمو تا سند بوده و حاضر است هرگونه مقالات و تنقیدات و شکایات مردم را بر روی این اساس بپذیرد - و من الله التوفیق، محمودی.»

جریده نداء خلق مجموعاً ۲۹ شماره اقبال نشر یافت و بعد از شماره ۲۹ و در آستانه ی دوره هشتم مجلس شورای ملی به جرم " چاپ مرانامه ی حزب خلق" در ۱۶ سرطان ۱۳۳۰ مصادره گردید.

حزب خلق:

در شماره ۲۹ جریده ندای خلق مورخ ۱۶ سرطان مرانامه حزب خلق نشر گردیده و در آن تذکر رفته است که «حزب خلق حزب ملی و بر اساسات دموکراسی بنا یافته و برای تأمین غایه ی حقیقی دموکراسی یعنی حکومت خلق توسط خلق و برای خلق مبارزه می کند. تأمین عدالت اجتماعی در حقوق و محاکم ، رفع مظالم از خلق، تأمین یک حیات اجتماعی مأمون و مصوون، نشر معارف عمومی، تأمین یک حیات صحی اساسی، تأمین آزادی فکر و بیان و نشرات، تولید عدالت اجتماعی در کار و ارتقای حقوق سیاسی از وظایف اساسی و اولیه ی حزب است...»

حزب خلق وحدت ملی را اساس فرایض خود قرار داده و لذا تمام افرادی را که در حدود سیاسی افغانستان زیست می نمایند بلافتریق نژاد، زبان، و رنگ و پوست همه را یک وجود واحد شناخته و در مقابل قانون دارای حق مساوی دانسته و هرگونه امتیازخواهی و تفرق جویی را منافی عدالت اجتماعی و اساسات دموکراسی می داند... حزب خلق وفاداری خویش را به اساسات دموکراسی و مشروطیت شاهی اسلامی، از فرایض خود دانسته و لذا تأمین تعادل حقیقی را در بین قوای ثلاثه، با تقنین و روشن ساختن حدود حقوقی در اجتماع و تشریح وظایف دولت و ملت را وجیبه ی خود می شمارد...»

از لحاظ ترکیب اجتماعی حزب خلق فراگیر و از روشنفکران، پیشه وران و دکانداران تشکیل شده و مدافع خواسته های آنان بود و موضعگیرهای روشن و قاطع در مقابل دولت و اقدامات آن داشت.

تعداد اعضای حزب خلق را حدود ۲۰۰ نفر ذکر کرده اند. متأسفانه فعالیت حزب خلق با دستگیری و زندانی شدن داکتر عبدالرحمن محمودی کاندید دوره هشتم شورای ملی (۱۳۳۱ - ۱۳۳۳ خورشیدی)، داکتر محمد رحیم محمودی، محمد عظیم محمودی، امان الله محمودی، داکتر نصرالله یوسفی، محمد نعیم شایان، نور علم مظلوم یارمیدانی، محمد یونس مهدی زاده، محمد سلیمان مهدی زاده، عبدالحمید مبارز و محمد یوسف آیینه با شماری دیگر از جمله ی سران حزب خلق که به تاریخ ۱۸ سرطان ۱۳۳۱ بعد از تظاهراتی در اعتراض به نتیجه انتخابات دوره ی هشتم مجلس شورای ملی صورت گرفت؛ خاتمه یافت.

دستگیر پنجشیری می نویسد که داکتر عبدالرحمن محمودی در زندان سازمان سری دیگری را به نام «گوند مردم» تأسیس کرد و از طریق حلقه رهبری آن، پیوند خود را با جامعه، جنبش و نسل نوین مبارزان انقلابی برقرار میکرد.

داکتر عبدالرحمن محمودی در سال ۱۳۴۴ بعد از سپری کردن بیش از ده سال زندان پرمشقت در حالی که سخت مریض و از پا افتاده بود رها و چند ماه بعد از آن وفات کرد. روحش شاد، یادش گرامی و کارنامه هایش آموزنده و رهنمایی کننده برای ادامه دهندگان راه و آرمانش بوده و خواهد بود.

نداء خلق

نامه ملی سیاسی اجتماعی و ادبی

دومره دفتر
جلالیه ۴۰ مولو نندا - کابل
نمبر تبلیغون ع
آدرس تلگرافی: «خلق»

شماره ۱۰۱

سال اول

دوشنبه ۱۲ حمله ۱۳۳۰

بنام خدا عزیز و توانا!

نامه «نداء خلق» خادم خلق و رهنمای مردم با اساسات دیموکراسی و مبارز حقوق خلق است - نامه «نداء خلق» راه اصول حکومت خلق - توسط خلق و برای خلق را بمرودم نشان میدهد - متکی بر اساسات دیموکراسی - نامه «نداء» برای رویکار آوردن یا بشورا اساسی و آزاد - انتخابات آزاد - تامین تعداد اساسی در بین قوا - فلاحه عمومی و نفعات نموده و درین سطح خود را مدافع حقوق خلق میثنا مده - تامین عدالت اجتماعی در حقوق و محاکم - مصونیت حیات و مسکن - نفعات برای به معارف مفید و عمومی و حیات صحی آزادی فکر و بیان و نفعات تامین عدالت اجتماعی در کسار و ارتقا و تامین حکمه آزاد هدف اولی و اساسی نامه «نداء» بوده و مبارزه در راه تامین این اساسات دیموکراسی را نداء خلق قرض خود میداند - برای بوجود آمدن این بنیاد - دیموکراسی و آگاه شدن مردم بحقوق خود و تشکیل حکومت خلق - البته نفع قوانین دیموکراسی لازم بوده و ما قوانین سایر ممالک و قوانین موجوده مملکت را با نظریات و عقاید خود نشر و تنویر خلق را درین زمین و جیبه خود میدانیم - قدا کار، یا نفع قلم در راه حفظ تمامیت خاک و صیانت ناموس و وطن و حقوق و نوامیس مشروطیت از فرا تخطی او لیه نامه «نداء» خلق است - مجاهده در راه تامین وحدت ملی - محرم مردم بکار و دفاع از حقوق و مناقع خلق در کار و بیکار و همه اساسی این نامه بوده در رهنمائی خلق و مبارزه با استعمار و دشمنان مناقع خلق را هدف خود میداند - نامه «نداء» خلق استبداد رای - استبداد در محاکمه و احتضار - استبداد در استضاد و تقاعد - استبداد در نفعات و مسانور و خلاصه هر نوع استبداد فکر و عملی را مخالف اساس و اصول دیموکراسی شمرده و بازو منتقل و توان قلم و قدرت آرا عمومی خلق مانند یا مجاهد بر علیه آن مبارزه مینماید - نامه «نداء» خلق ثابت میکند که چگونه نیروی مشترا، خلق آگاه شدن آنها بحقوق و قدرت مادی و معنوی خود و همکار در راه تامین یا دیموکراسی حقیقی و ادراک حس مسئولیت اجتماعی

پشمه در صفحه ۴

عطاشی

راه اصول دیموکراسی

ما طرفدار اغتشاش و خونریزی نیستیم و قنا بخلق نینز آثرات خوسید نمی نمائیم - اغتشاش نظام زندگی را از زمین برده هرج و مرج تولید میکند هستی را محو و مخالف نام دیموکراسی است - ما فقط انقلاب فکری میفوا همسم آرزو داریم هر طبقه افکار دیروز خود را ترک داده بحق گراشیده و برای نجات قوم راه نجات و رستگاری و سعادت یسجدند فرضا و خلق آگاه شدن آنها با حقوق خود شان است - بر از آشنا شدن بحقوق خود قدم دوم آن با نجات و اتحاد و مقاومت دفاع از حقوق خود شان است - طرز دفاع با حمله اغتشاش و انقلاب دیموکراسی بوده و نه مفید است و هیچ فردی از منورین مملکت آرزوی کوچکترین اغتشاش را در محیط نداشتن براسمه اولی آن بجامعه منور مملکت میرسد - فقط طرز دفاع با استفاده از قانون و مانوره و آزاد دیموکراسی است اوا باید در مقابل متصرفان با زبان و دانه نندن قانون پیش آمده و گویا برای این کار دانستن قانون سواد لازم است - اما چون ملت ما اکثر به سواد ندارند پس فوری و نامور هر با سواد است که حقوق خلق را مطالبه قوا نین با آنها بفهماند - نداء خلق نیز تقوا نین مملکت را با توضیحات لازم نشر مینماید - تا نینا اگر متصرف و یا مامور طرف معامله حرض خلق را نشنید مطابق قانون بهاسوی ما لاجرا مقام صدارت مراجعه لازم است - خواهی گفت که ما تا کنون همین جور میکردیم ولی سودی نداشت اما مطابق قوانین دیموکراسی و آزادی راه دیگری هم موجود است که تا کنون به آن مراجعه کرده نمیتوانستید و آن نشر افکار شما توسط روزنامه های ملی و آزاد بوده که لله الحمد اکنون به وجود آمده اند - بر اگر خلاف قانون بر شما مظالمی رفت و کسی بداد شما نرسید روزنامه های ملی مخصوصا «نداء خلق» که خود را خادم و آینه انعکاس افکار بشما در صفحه ۴

شاعلی سید احمد شاه ماشمی

نوی حق

مزاران حمد و ستایش نثار بارگاه خدای قدیر و کارساز -
چه اراده فرموده امانت یار از رکود و جمود مرگ آسائیکه سالها
است دامنگیر حیات این ملت مستعبدیده شده و نه تنها حق
گفتن و مال جان بود بل نفس کشیدن بر حق را نیز کامیوس
مولناکی دیده و اشهرالزین وادی خاموشان بنام نداء خلق

"نداء حق" برآید .
پیشوای اعظم مسلمانها - حضرت محمد (ص) میفرماید :
(الحق مر) حق تلخ است .

آری!! همین مرارة است که تخم حق در زمین افکار
ناص و سرشت های نا اهل نشو و نما نکرده به سر نمیبرد .
حق تلخ و نا گوار است - لیکن صوری که از نخل آن حاصل
می آید مذاق زنده گانی نردی و اجتماعی را شیرین میسازد
حق تلخ است - اما نسخه مجرب هست که بدست حکیم
معلق نوشته شده - و دوا ی کافی است که یک جرعه آن
در دماندن مرض خود بسندی - تا اهلی - ستمگاری -
خیانتکاری و بمرآه روی راشفا عاجل و کامل بخشیده براه
راست مهاورد .

را هیکه انحراف و لغزش هرگز در آن سراغ نمیتوان کرد .
را هیکه بشریت را بصادق - خیر - فلاح و بهبودی دنیا
و آخرت رهبر میکند - پس حق چرا تلخ است ؟ برای
اینکه آینه صاف و چهره نمای حقیقت میباشد - عکس هر
فرد را با کیفیت راستی - صفات لیبیمی و هویت ذاتی
او ب مردم معرفی میکند .

آینه راستی است که دورویی و فریب در آن نمیگنجد -
هر فردیکه بآن رو بپوشد چهره حقیقی خود را بسی
مداخته و پند در آن میگذرد . حق باین سبب تلخ است که
درد را دردی معرفی میکند - خاشن را خاشن میگوید خیانت
کار را جانی نمیشناسد - ظالم را ستمگاری نا اهل و نا اهل
دلداد میکند - هینچنانیکه صادق را صادق - نیکو کار را

نیکو کار - عا دارا عا دارا - و لایق را لایق خطاب
میشماید و احترام میکند بر فرموده مقتدای ما حضرت
" محمد ص " نیز راست است - یعنی حق باید تلخ باشد
اما بمذاق کدام مردم ؟

بلی!! یکام خا ثنین - جنایت پیشه گان - چقا کایان
و نا اهلانیکه نمیخواهند خود و دیگران چهره حقیقی
ایشان را در آینه حق ببینند و بگهری و کردارناهماک را آنها
آشکار شود .

ملتی که با مراض اجتماعی درد مند و علیلا باشد حق بدو ای
حق گفتن و حور شنیدن مداوا میشود . اهلای نا آرموده که
میخواهند صبور مریض را به سفوف و عقاقیر درمان کرده به
راه بیارند - خود گمراه بوده طریق غلط می بینا بند و مریض
خویش را بیجا تب مرگ می کشند .

ما پیشین داریم که اکنون میتوانیم با این نسخه مجرب درد
خود را درمان و کالبد افسرده و علیلا خویش را قاب و توانی
بخشیم . چه مریضی را که خداوند میخواهد شفا بخشاید

بهبیحا ذکی را بسر وقت رسا زیده و نسخه مجرب را بوی
الهام میکند . ما اکنون در بستر احترام افتاده و با سکرآت
موت دست و پا میزنیم - لیلای خویش بخت و امید واریم

که طبیب ما خدای بزرگ و حکیم بر حق قرار گرفته و "دعا مغلوب"
را برای درمان مانسخه مجرب فرستاد . ما بعد از بین
با "نداء خلق" نوی حق میسراشیم تا برتضها و راحت

نا سور ما مرضی گذاشته شود - ما حق میگوئیم تا آلام
جانکاه ما تخفیف و تسکین گردد . ما حق میگوئیم تا
قلوب افسرده ما تاب و توانی در یابد - ما حق میگوئیم

تا ارواح مرده ما با زنده شود و هیولای مرگ و فنا را از
خویششن برانیم . ما نغمه حور ساز میکنیم و از آنهاش
که نمیخواهند بشنوند هرآسی نشواییم داشت - زیرا ما طرفدار

حقیم و خدای بر حق نگهدار ماست . ما آهنگ حق را سرمیکنیم
و بتین داریم بگوش هاشیکه هنوز بناموس فطرت باقیمانده
اند گوارا می افتد - و سرشت آنهاش را که هنوز

از چاشنی این نوا بر خور دار نشده و الفقی ندارند با
صیقا اثر و عادت تزکیه و تطهیر مینماید - زیرا حق جز
صادق - خیر و فلاح ملت و مملکت - دیگر غایب و مقصدی

ندارد . اسامه دیمو کرامی اسلامی و جهانی بر حق گفتن
بجرتت و صاف و با احتقاق را اظهار نمودن نهاده شده است
" جاء الحق و زکات الباطل ان الباطل کان زهوقا "

بجرتت و صاف و با احتقاق را اظهار نمودن نهاده شده است
" جاء الحق و زکات الباطل ان الباطل کان زهوقا "

آمدگی

عجب خان و رجب خان

عجب خان - باید حال مردم هو شیار شده اند آیا باز میلا
دارد که مردم را فریب دهی ؟

رجب خان - نمی بینم .

عجب خان - بشدا در صمی نمی گفتندم یا بیجا است .

(هو خا مذا هی)

شاعلی آینه

حسرت نداشتن

در شمال تند و تیز و جارب و زندهای سرافراز و کوهزاران
 مکروب و با سیرا را برهنگذر اهدا میکند .. رجبخان نا
 بهنگام گیر آمده و شرف لنگو ته را زیر دندان گرفته
 بود - که بقا صله چند ساعتی متعوب بمرعت کارطوس -
 موترهای آخرین سیستم سو زنان از بقتلش رد میشد .
 رجبخان که جانتر را بقیمت کرده زمین دوست دارد به
 قهر شده و با قد کو تاهن بیابست بالای دیوار درسا
 برآمد .. او موترها .. آصده تر .. به ترافیک مشکاک
 میبیم - آخر برای مردم خطر دارد و ازین سخنان کس
 تقنو بسیار گفت .. هنوز گی در دهانش موجود بود
 که یار قدیم کاکه با جل خاموش خود رسید ..

هاهاها .. رجبخان چه میگی بخیاالم که عوض جل معالو
 تو ریز میکنی .. چه ریخته - چه پا شیده .. بروفته
 بخور .. رجبخان بقیط آمد و بدون کدام سلام علیه
 وضع راه و ی شکایت نمود ... :

خو کاکه آغا - ای موتراره میبینی - بعد اینکه آغا
 زاده ها را بخود نمائی شخص تحویل مدرسه نمود -
 رساندن بعمام - اعاده از دعوت و حمل بزرگان محفل
 و آوردن بیاز و شهر و تفریحات دور و نزدیک را بعهده
 دارد ...

بر زه هایش بیوسه گم و تبدیل و عوضش از دفتر -
 منظور است - تیار را ترگو که درین مد و جزر بازار بیک
 معاش دیگری است .. وقتی کمی مستعمل شد - لیلام و
 لو کر دیگر در گاراج موجود است .

کاکه - خوبرادر پولش از کجا میره ..

رجبخان - همین موترهاست که خرج اسما روی آن هاش کفین
 را قلمت بخشیده و هیمتر از مالیه که پرسو تقسیم نا
 منظم و بیصدالتی آن مادو هابی فرزندو خاتما بیوه
 شده اند و یا از مصو اوصفاشی بیصفا که در مرکز شهر

ها میبینی - تادیه شده است .. کارخانه های " وولز این
 " کبرسلو" و "یا کارد" بیوسه از فرمایشهای مادارند .
 و پولهای این موترهای لوکر از جیب خلیفه تهیه میشود .
 کاکه - رجبها بیادر اگه ای موتر او جاه و جلالتش به
 سو برسد - چه غلتشدی ..

رجبخان - راستی آنوقت است که پکلی ضمیر ما میت
 داده و ای گبا از یاد مام میره و چون تو شاعرو بذله گو

ما غلی بهار

د هوم د باره ینه صحیح خدمتگا را ر بنا شهیزی
 و اعتلا نه وطن بیا وینز خلمیان بنا شهیزی
 له تن و بنا و جسمی دی توله ورخی لگینا
 د خیر عمل او د بهبود چاره سنجان بنا شهیزی
 راخی چه تیرنورد تیرو لده یار نو خنده
 مشو لیت نه د سبا خلاصی د گمان بنا شهیزی
 که لاس تر زنی کمو پرونده داسلا فوگور نه
 تن لاس به یو استفاده اوسر که زمان بنا شهیزی
 د مد نیت کاروان دیرو اندی به دورمین نه وینر
 تر کله جهل خوب لعی مو زبند گمان بنا شهیزی
 ترخو قومونه سره پوشی هیواد و راندی بیاشی
 نو یو بشعون کبشی تورا و سبب محکوم زمان بنا
 دا کورنی قبیلسوی نقار کپودومره پسمان
 د مطلب لور ته په یو والی گرد روان بنا شهیزی
 بهار په سر او مال و لار غواری وحدت ملت
 جد و جهده سره د ژوند سرورستی آن بنا شهیزی

خوب است دهیقه بخندید

از حاشیه کتاب ملا نصرالدین

تقاعد - یعنی موسسه طرد کما نیکه اعضا است محبوس را ندانند .

رئیس شرکت - آنکه پورا زیاد داشته ولی بسواد باشد
 نویسنده گان مرتجع - یعنی نغمه سرایان موسعان
 مد یحه سرآشی که سیاه رابا اعجاز قلم سفید سازند .
 وینز خلمیان و یا جوانان بیدار - یعنی آنها شیک
 هنوز در خواب غفلتند .

قانون مطلوبات - مال ارتجاع - میراث استعداد و
 مخالف دیمو کراسی .

× هستی کاکه آغا - امی که موه سر موترم میبینی ..
 غات گفتی رجبخان ! به هو بقل بجل
 میسانی که زیرش اسپ و با لایش خواست

پندیده بر مقاله

و با بندی و عشق بقانون و نظم و دشمنی با تعدد و اغتشاش و بی نبی که مخالف مرام و اساس دیموکراسی است میتوان شاهد سمات و خوشبختی را باغوش کشیده و مظالم و سیاه رویی را بر طرفه ساخت - این است روح مرام نامه نداء خلق که بلا تقوی نژاد و قوم منظر احاسر و عواطف و افکار قوم از آموختا سند بوده و حاضر است هرگونه مطالبات و تنقیدات و شکایات مردم را بر روی این اساس بپذیرد - و من اد التوفیق . محمودی

بنامه راه حصار دیموکراسی خلق از هر طبقه و نژاد از مسلمان و هندو میداند و خود را مدافع حقوق و نامر مردم میشناسد - حاضر است از حقوق شما دفاع کند و صدای شما را بگوش های گرانشو برساند و در راه احقاق حق شما مبارزه کند - در راه حصار حق برای مردم عنق - ثبات - وحدت - و سعی در تحصیل سواد و تا زمان با سواد شدن و آشنا شدن بحقوق خود از راه گوش لازمیت - بر درین مبارزه متوربین و با سوادان مشورت سازگین و جدائی و ایمانی داشته و اگر در راه ایقاف این وظیفه ملی خود غفلت نمایند - در نزد حق و وجدان و تاریخ مشو لند . فالفاظ بسق قول نین دیموکراسی مردم حق دارند جمعیت های سیاسی یعنی حزب و پارٹی بصورت علنی تشکیل داده و گو یا بد دور یک مفکوره جمع شده در انتخابات و کلا خود برای مجالس مشوره و شعور ملی با اساس حزبی مجامعه کرده و گمانیرا که حقیقتا نماینده خود شان برده و طرف اعتماد شان باشد انتخاب کرده و نگذارند که حکام بعرضان مداخله کرده و نماینده خود را انتخاب کنند اگر کدام حاکم مداخله میکرد قورا شکایت خود را به کمیته انتخابات و هم در عین زمان بیک روزنامه ملی خود بنویسند تا قانون انتخابات و طرف انتخابات آزاد را برای معلومان خلق نشر مینمائیم بر ازانکه و کلا شما در شعور ملی جمع شد باید مطالب قانون با مرذات - شما نه و شهر حزب غالب کابینه را تشکیل و کلا خود ملت و زارتخانه ها را اشغال و مطالب آرزو و مرام خلق تشکیلات و قوانین را مرتب داده و چون و کلا ملت طرفقا اعتماد آنها میباشد پس لطفا برای رفاه و آرامی خلق کار میکنند برای اینکه عدالت برقرار مانده و یک حزب نتواند حسب میل خود و افراد خود با مقدرات مردم بازی کند - پس در شعور ملی اقلیتی که باقی میماند و کلا دست یاب و با مخالف حکومت را تشکیل میدهند پس آنها دنیا پور هر حرکت و قانون و طرف اداره و

مکتوبه آورده :

شاغلی عبدالرب حایل

بهر که مر بوطه است لطفا جواب بفرمایند ؟

بعد از القاب :

میلنگ دوله افغانی بطور اعاند از طرف مقامات صالحه بر استمدیده گان سیلاب تا حید ۱۴ منظور و شماره ۱۰۹ مورخه ۱۸ سنبله سال ۲۷ اصلاح یا نشر اساسی استمدیده گان سیرا خواجه صفا و میالنگ مصیبه شان تذکر داده بود که منجمله دوله افغانی تخصیص خساردهیده گان سیلاب میلنگ (۵۳۳۳) افغانی و ۱۷ یوا حسب بر آورد بستحقیم بروز سیننه توزیع و متبانی یعنی میلنگ (۱۷۱۷۱) - افغانی و ۳۳ یوا بر ابر مارا ترمیمات و انسداد مجرا آب سیلاب بالا کوه و دیگر حص ترمیم طلب آن تا حید مشغول گردیده است - اکنون دو سال و چند ماه گذشت ولی اثری از بند و یلان و یوا مذکوره پیدا نیست و شاید یوا بکدام مدارا دیگری صرفه و یا بصندوقی بند ما نده است . (نداء خلق روح شن مفضل آقای هاشم که در قون است ما هم بنویسه خود منقظ جوابیم .)

x سیاست حکومت یعنی و کلا اغلب و کثرت که کابینه را تشکیل داده اند - آزادانه اعتراض کرده و چون جریان شعور آزادانه نشر میشود (و لو تا کنون در شعور ما نیقد و هاید بعد ازین عده بتواند) پس مردم از اجراء دولت - دلایل شان و اعتراض و کلا مخالف واقف شده و باین صورت اجراء بمقاد مردم و کثرت خلق تمام عده و امور دولت سر و صورتی پیدا کرده و سلکت آباد و آرام عده و متافع هر طبقه و قوم و لو اقلیت هم باشد تا مین میشود - این است راه مجادله و مبارزه برای حقوق در یک حکومت دیموکراسی و تشکیل حکومت خلق برای خلق و توسط خلق - ما تجارب و - مشاهدات خود را در خارج با تطبیق آن در داخل مرتبیا نشر خواهم نمود .

شرح اشتراک

کابل	۴۰	افغانی سالانه
ولایات	۴۵	در در
خارج	۵	دالر در

قیمت یک شماره ۱۰۰ یوا

مناصبه گتتوشخی نداء خلق - کابل

ندا اخلق

امنيت چیست و مشمول بد امنی کيست؟

امنيت از نقطه نظر قانون عبارت از تعادل حقيقي در بين هوا به گانه دولت يعنى شه اجرائيه يا كابينه شه تقنينيه يعنى شورا ملي و يا پارلمان و شه قضائيه يعنى محاكم عدلي است شه ديروز جهان مشوره صحنه هاي خونين بد امنی قرار گرفته ولى امروز لو مليونها عملة اعتبار نموده و دست از كار ميكشند امري از بد امنی ديده نميشود و سرا ديروز در دنيا رواج بود كه مشدرات خلق را يك فرد و يا چند نفر شر كاء با دو ليخوشش تعيين كرده هر چه ميخواستند اجرا نموده بمر كه ميلشان بود تا ختم مبم تا ميتو حقيقي را عفو و خادم خلق را جرم قتل داده و دار زده بختون هر كس تجاوز - براي ميچكس مشو نيتي قائل نشده - شرف و ناموس و احترام خلق را با زچه بنده داشته و خود را قمار ما بيمد فلم داده و از مشوليت و صواب خلق و تاريخ و حق باكي نداشته - اما اين سويه روزي تند و سخت گروي... وحشت و توليد خوف - چشم كشيدهها و ذهن دو خنجا نتوانستند اي جز را خاموش ساخته و مجاهدين بشرت را بكلي از بين بيمرد .

شا غلي حيدر علي " بيكاران "

ستاره امرد در افق مطبوعات

چندى بود كه صدای نشر قانون آزادی مطبوعات و مدد جوشي در قضای اين کشور با ستانی تو ليد و اکنون طلوع جوايد نو بنگارنده گي نو بسنده گان با درد و سياس و وطن ترر اميد و کاميابي را در قشای دلها بيداد و در بسوازي از محافل مقالات جذاب و دلچسپشان تفصيل مجلس است ما كه تشریبا از بيست و پنج سال يا ميشور بيروز نامه های عادي و رسمي خوي گرفته بيمد اينك از مطالعه مضامين زنده و تند روزنامه های جديد لذت ميبريم تنها و براه ما همين روزنامه است كه توسط آن درد های قلبی خود را بدون كدام ترس و برده بشوي با اطلاع عامه رسانيده و بر خصمهای اجتماعي و اخلاقي ما مرم میگذازند و بعد ازین بغشوكا بات ما پيرداخته و صدای ما را بلند ميكند . اظهار مقاصد اخلاقي و اجتماعي و بي برده گفتن نقايص و مسايب و ملامت - سا ختن خلق پندار كارها يقينا در القيام جرات سات شلمي ما موثر و مفيد است - از طرفي همه ميدانيم كه مطبوعات آزاد در سير ترقی و تكامل يك سلكت رول - مهمي را بازي كرده و يگانه راز بيشرفت ممالك مترشوا ملتى كه فاقد ارادی فلم و مطبوعات است نمیتواند زود تر بخلا و مسايب كار خود ملتفت گردد و لذا پيمان اجتماعي دران خله با لآخره طوفان هولناك بد بختسي درد ناك بوده و همچ قره نمیتواند از ان استفاده كند و خلاصه پس از گذشتن خونها و مجارب بسيار تلخ و تجاوز و حاكم بر محكوم و از محكوم بر حاكم با لآخره بشر يفتكر علاج اين درد اساسي افتاده و آخرين نتيجه مشاهدات

شاغلی رحیم غفوری بقیع ستاره امید ..

گردش زمان ... !!

مقدس و توده بخواب رفته با درج مضامین مفید و مفاسد بزرگی برداشته و به مبارزه با تمام پلیدیها و مفاسد آن نشار است اگر چند صبا قبل فکر و خیال ما بیوا مو اجتماعی و اخلاقی برآیند امروز بیاری خدا که اولین این تصور میجو خرید که آیا روزگاری فرا خواهد رسید. شماره ۲۰۰۰ نداء خلق تشریح منتظریم که دواي جدید برای تا فضای آرزو و امیال بشری ما از غبار و آبرهای علاج درد و التیام جراحات و اصلاح معایب و تواضع مظلم او هام پاک گردیده و سیر فکر آزاد را دران مانعی ما تا بشود - امید واریم این جریده که قدم زیادد شاغلی این تصور در انوقت جز اندیشه موسر و خیال خام مفهوم دیگری نمیداشت - اگر تصور میبود بحکم طبیعت و صلیم لایبی در برابر اقبضای زمان زیست و زندگی مظلم ما هم تغییر و تحولی خواهد بود شاغلی مشاهده اضطراب و ناامیالیت مبهمی که در سر تا سر زنده گی ما رخنه کرده و روزنه هم برای فرار دران - مقصور نبود - این خیال را نیز نشی بر آب میساخت

اگر گمان میرفت صبر و حوصله محدود انسان را بیامد تا ایست که تضییق و فشار از حد فزون دران کنجایش ندادد شاید در انوقت ضجه و ناله ضیف و نارسای بیچارگان در این تصور و گمان را هم خیال باقی و هوا بیما می خص از غلط - حق را از باطل - نیک را از بد - زشت را جلوه میداد - ولی علی الرغم اینهمه نا امیدها گردش زمان ححو لاتی را با خود در محیط پدید آورد که ابتدا چهره زیبا و برانزنده آنها در آینه خیال جلوه و منظر نبود - بلی برخلاف اینهمه اضطراب ها و بیقراریها اینهمه هید و بندها - اینهمه زور گویی و زور نشوینها اینهمه ظلم و تعدی با لآخره آه و غریاد بیچارگان دل آسمان را شکافت و تحولی درین کنفجهان نمودار ساخت که فکر و خیال از تصور و تخیل آن عاجز بود - بلی با لآخره زمانه با این گوش مسعود و میسون خود بیداری و تکانی در کالبد بیروح و بیگر بیجان باشندگان این خاکدان دمید که میتوان آنها آغاز زنده گی نیند و جنبش رکود نا پذیر آینده ابناي این سرز و بوم خواند و بدان ایقان و تسلیم نمود - خوشبختانه که این گردش زمان و این تحول دوران با بیدار شدن کراکب فلاسفه در آسمان ثقافت و وطن عزیز نیز توام بوده اشعه - در خشان آنها بالعتکه ما را روشن و منور ساخت

یقینا ازین پس در بر تو این ستاره گان زیبا تاریخکیرین زوایای زنده گی ما را فروغی نصیب خواهد شد و در محیط حیات تو بین سیاه را از سفید را سترا از غلط - حق را از باطل - نیک را از بد - زشت را از زیبا - پاک را از پلید و صالح را از طالح تمیز و تشخیص خواهد بود - راهتوردان گم کرده راه را - طریق نزدیک بمنزل مقصود باز و مهیا خواهد شد بهر که موقع داده خواهد شد که راست گفته - راست رفته و به نیل آرزوها و امیال اجتماعی خود موفق آید -

آنا نیکه راحتخورد را در خواب گران دیگران میجویند ملتفت خواهند شد که پتیه غفلت را از گوش حسوس بدر آرند و از حق شنوی دم نکنند و الا در صورت عکس زود باشد که نداء خلق بحیث نوای حق او را به خود آورده و از کرده پشیمان سازد .

از حاشیه کتاب ملا نصر الدین ه

بنا کولته حقون - موسسه که با گرفتن نام کلمه حق متعلم را ازان تمیید کند .

جوانان - و لطفا خواهان شوقی که باید هم غازی - هم شهید و هم بخانه سلامت برسند .

حقون بشر در یوتو - مایه امید و احکام خلق ولی چیزیکه نمایندگان دول آنها مضار کرده ولی مطلق نمایان افکنده اند .

مکتوب وارده

شاغلی محمد آصف خان "مجنی"

ادبیات

بعد القاب

فیلر ریاست شورا ملی منج میگار را اطلاع داده بودند ولی بنده احتراماً بعضی میروسانم که تقریباً بیست روز اولتر از طرف حکومت بی بی مهرو یک نفر بلوگمتر با ۶۰-۶۲ نفر افراد عسکری در قلعه های موافق زنده بانان - دمخیدای و غیره بطور محصل ثوری و جبری در خانه آمده و بمنوان - اینکه اعلی حضرت معظم هما یونی جهت شکار بر سرک ده خدیاد تردد دارند و سرک قابل ترمیم است نفر بدهید بهمیسن اساس مردم بیچاره و غربی را از کار و بار او باز مانده بزور لت و کوب مه تیار کردن سرک موظف ساخته و انحصاری را که کدام مشغولیت و عذری داشتند و از خدمت کردن کنار جوشی میخواستند فی نفر ده افغانی بنام عوضی بدادن بول مجبور کردند چنانچه از شخص اینچنانکه در هر سه عبد العلی زنده بانان سکونت داشتیم با چند نفر دیگر بول اخذ نمودند . بر علاوه از طرف تولی انضباط هوا مرکز دو نفر عسکر با یک استعلامیه در فریه های ما رسیده و مینویسند که دیوار های دریا را از صه باغ علی مردان الی هوا مرکز دو طرفه که ویران شده ترمیم و آینه آن را محافظت نمایند .

نداء خلق : بیگار از نقطه نظر قانون اساسی ممنوع برده و هیچکس حق ندارد خلاف قانون بر خلق در اینبار امری نماید - ما عیناً مکتوب شاغلی مجنی را با لجه و عبارت خودشان نشر نموده و منتظر جوابیم .

اعمار شاغلی نباتی که در جلسه افتتاحیه نامه نداء خلق توسط شاغلی استاد یعقوب خان قاسمی و رفقای شان سرائیده شده است :

بیای طبع اعجازیکه من شعری بر سر دایم
 بیای سینته فریادی که آتش در جگر دایم
 بیای خامه امدادی که از غم چشم تیر دایم
 بیای ناله آوازیکه آهنگ دگر دایم
 بیای اکسیر استغنا بر ایمن بخش تا شعری
 نیانم خلق را در تلخا آورده است تدبیر
 ندانم که با سر اهل دل اونیوع انسان نیست
 و در اندر جهان آدمیت قدر چندان نیست
 شب تاریک دونان را بمالیم هیچ بیایان نیست
 برای بست طبعان دنی یک تیره و آن نیست
 خدا نراه گمراهی کندهما را نگهباری
 نمازد هیچگاه ما را در جا زلت و خوارت
 ز کار و سعی مرداندر جهان ممتاز میگردد
 میان هم نشینان ما حبا اعزاز میگردد
 بروی او در راحت و همسویا میگردد
 ز محنت دور با بخت و طرب دماز میگردد
 نداید شخص صادق یا دهر گریبا یلوسی را
 بیای هر که از تور خیا نت دیده بوسی را
 رسیدی ! خیر مقدم اخوی سیدان ای نداغلی
 شوی مقبول پیران و جوانان ای نداء خلق
 مبارک مقدمت بردوستداران ای نداء خلق
 بود گلگهای رنگینت بدامان ای نداء خلق
 بگو شر جان و دل دایم ندایت با ارمیاند
 نهال گلشن زیبا شیت شیرین دهر با شدد

عجب خان - رجب خان نه شوه - گله دی در لوده چه د ممنوعه شیانو جدولونه نه نشر بیژی - اوس خودی زوه بی غمه شوه دا اعلان خودی ولوسته !
 رجب خان - رشتیا چه عجب شی اوس بیوئل غم بیسدا شوه مالونو اعلی او ادنی خنکه معلوم شی ؟
 عجب خان - وروره دا خسر آسانه خیره ده - که دکاندار و ویل چه اعلی توتوه د ۱۳۰ افغانسی ورکه او که شی و ویل ادنی ده (۴۵) افغانسی ورکه .

پهیه امنیت چیست ..
 و تجارب و تفکر بشریت عبارت از تشکیل حکومت خلق و یا دیمو کراسیت - پس یک حکومت که توسط خلق یعنی ما رای آزاد خلق تشکیل شده و نماینده اکثریت خلق بوده و نظر به قانون دیمو کراسی شورا ملی و یا مجلس عوام و کابینه وزیرا را تشکیل داده و حکومت خود را در نظر خلق مسئول شناخته و خود را مجبور بداند که تمام جریانات و نظرها را روتبیه کار خود را برای معلومات خلق نشر نماید - تا من امنیت بوده و بر عکس تجا و زبر حقوق مردم و مخالفت با اساسات دیموکراسی - اختناق خلق و تجا و زبر آزادی آنها موجب بدامنی شده و بدبختی یا رمیا و بد - پس مسئول بدامنی بر مقام خلق - تاریخ و حق متجا و زو شوی و گویا حکومتها بوده و اگر حکومتها رفتار بول زور و تجا و زبر نظر و خلق را با دیموکراسی آشنا ساخته و بگذاوند که مردم آزادانه از حقوق خود دفاع نمایند امنیت قایم و بدامنی مه دوم میشود

خلق چه میگوید *

شاغلی آینه

خرفه پو شان همگی ست گذشتند و گذشت
 همه ما ست که در هر سربازار بمانند
 کور شدیم و از مشربها جز اینکه خالیکاه و کمبود را
 بوجدی بر نمایند - چیزی ندیدیم . تبدیلیها و مقترن
 ها برای این نیست که مد عاماش معینه بودجه را کسی
 بگید و نامی در اس کار داشته باشد... یعنی تنها
 اعضایش نماید و در مجالس سنگین نشینی و سکوت .
 چون کارها برای اهل آن پیش بینی نمیگردد... لپه ا
 فتور و رکود و پریشانی را در هر رشته طوری مبینیم
 که ابداء جسدش نی نیست ... طرفه تر اینکه همین
 تبدیلی جنابها حکار - مرد د یگری که نو پیش میرسد
 از نهمی بر پراگنده گی موجوده افزوده و آنوقت است که
 اجراء و تصمیل سر جبهه میرود .
 در روزهای سال بیوسته روزنامه ها از نائب الحکومت
 حکام اعلی و غیره کار اندان امر و حکم اخباری نشر -
 مینمایند و ما که امور کشور و جامعه خود را در دست
 این کار گردانان عالی بامید و آرزو نگرانیم - با اول
 و شوق این خبرها را گوش و حظ میبریم ...
 خواننده گان گرام نیز در حافظه دارند که در صد نمود
 و بیشتر آن تحت همین دو عنوان در دست "هدایت و رکول"
 و "کننه" آمده ... هدایات شان همانا - در باره تها
 شانی و گاهی اهمیت معارف و کننه از کدام عمارت است
 که موقع تفریحی عمارت جبهه رفع خستگی اعصاب و دماغ
 از کار روز که نکرده اند دیدن مینمایند و یا خرابی کدام
 سرک و پل ... که آبادی آن درک ندارد .
 شاید حرف های از قبیل فهرست سرکها و عمارت های
 و مکاتب جدید القاسیس و تربیه اجتماعی و آموزشی
 مستحصلات و ترفی و اصلاح در جهات دیگر را بیست ها
 گرفته و بروی ما زنند... اما محترمانه عرض میگردد...
 آیدار طول این مدت از نقطه * تفرس و وقت و آنهم
 در قرن بیست شما آنرا کافی میدانید - و با کامسالک
 همجوار ما قابل مقایسه است؟

عمارات بزرگ و پارکهای شان را برای تفریح و بهشت و
 بیسواد و مریض که اصلا نشاط روحی و زندگی ندارند - چه
 می بخشد و این بدان ماند که عمارت دار الفنون اسکفورد
 را در دست بایر (بگوا) بیاریم و حتی کسی برای تماشا
 آن پیدا نگرند - تا چه رسد به محل و طالب و یا بسر
 برهنه و گسته * يك طاقه لنگی زری ببندیم .
 شما بمرز شریف بگذرید - نشانه * ترفی و بهشت زندگی
 در يك ولایت و آنهم در و هله * اول آب - سرکها و برون
 است .. آبش محلول میکروبهای ملاریا - محترمه - و با
 بیچش های آمیبی و میکروبی - صورت دندکه انسان و گاو
 و خر در آن یکجا حبابه دارند - در سرکهای که جا زب
 اند خوی و میمنه روانست موتر بس تا بر میورد و کابل
 ریگی و خامه - برون که در عدم است ... مردم میگویند
 چشمه * "شفا" جهت بکار انداختن دستگاه تولید برون -
 خیلی موافق است و آب "ماربل" که در نزدیکی افتاده
 خیلی صحت و گواران کما نیکه در مشربی و خزانه و سایر
 استها در مقاره ها زیسته و برست حیوانات میباشند
 حرفی هم نمیزنیم .

چرا در کتنه و هدایت و رکول " این فعالیت ها
 شامل نیست و نبوده با تذکرفوق البته خواننده گان در
 موضوع قضا و شخراهند فرمود اما آنچه باز قابل عرض
 است این است که چرا خبر گذاری ما اصل خطابه شانی را
 که هدایات را احتوا میکند عینا نشر نمی نمایند تا دیده
 شود که گفتار چه بوده... و نتیجه چه بشود انهم تا چه
 وقت سنجش و نظم در تممیل کارها درک ندارند اینکه اصلاح
 و ترفی از کجا شروع گردد و هدف و نفعه وجود نداشته و یا
 از طرف که انیکه اهل آن نیستند طرح گردید؟

شرح اشعار

- کابل : ۴ افغانی سالانه
- ولایات : ۴۵ در در
- خیابان چرخ : ۵ دالر در
- قیمت يك شماره ۵۰ پون

مطابقه : گفتار شخصی نداء خلق - کابل

نظاره خلق

صاحب امتیاز
دکتر عبد الرحمن محمودی
مدیر مسئول
ولی احمد عطاشی
هر دو شنبه و پنجشنبه به پشتو و
فارسی نشر میشود

آدرس دفتر جریده
جاده میوند پارتمان ع ۳
آدرس تلگرافی "خلق"
تا سیس ۱۲ حمل ۱۳۳۰

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

شماره سوم سال اول دوشنبه ۱۹ حمل ۱۳۳۰

روش نامه ما

واقعا جای بسیار شکر است اکنون خلق بسیر حوادث - مملکت خود علاقه گرفته و در چند روز مقالات بسیار متمدنی پدید آمده است با کمال ممنونیت بنویسندگان محترم عرض شکران نموده ولی با احترام روش خود را در آتی برای معلوماتشان بمرض میرسانیم - نویسندگان عزیز! ما با ماضی سیاه و چه بود و نبود چها کردند و نکردند - درامه های ننگین و مثلین آن سر و کاری نداشته و نداریم - حال و آینده در نظر ما قیمتدار - روزنامه ما کوچک و وقت ما تنگ است - نویسندگان ما از مظالم و سیاه روزها - رشوتستانها و خرد سریها داستانها سروده ولی ما ما مور تصفیه حساب ماضی نیستیم - ما نمیتوانیم قانون متین حضرت خلیفه دوم یعنی قانون صادره علی الصمال و ضبط اموال - ما مورین دولت را یا حساب و سنجش عملی ما زیم - ما محاکمه و دادگاه تشکیل ندادیم که خوب و بد دیروز را سره کرده و مجسمه هر کس را در جبال نظارش مجسم سازیم غایب حقیقی ما آگاه ساختن مردم بطرز تشکیل حکومت خلق یعنی حکومتی که توسط رای آزاد مردم انتخاب شده و توسط خلق یعنی بواسطه نمایندگان شان کابینه مسئول تشکیل گردیده و برای خلق یعنی مطابق میل و رضای مردم و برای راحت و سعادتشان کار کند و همین است تصرف حقیقی دیموکراسی - ما آرزو داریم بخلق مفهوم قانون - حقوق و راحتی را که قانون اساسی و قوانین عمومی برای خلق تهیه میکند - حقوق حاکم و محکوم - طرز انتخابات و کلا - حقوق و کلا - شورای ملی - آزادی بیان - نشرات و اجتماعات سیاسی و تشکیل

شاغلی م. غبار

ما چه داریم؟

ظاهرا هر چیز! مثلا وزارتات - ریاسات - موسسات متنوع - معارف - تجارت - شوارع و حمل و نقل و صدها چیز دیگر. اما معناتشریبا هیچ چیز و یا کم چیز - بطور مثال دیروز نداشتیم و امروز وزارت معدن داریم اما این وزارت در عمل چه کرده؟ نفت و نغال و آهن استخراج کرده یا کدام شی دیگر؟ همه میدانیم هیچ چیز تنها کاریکه کرده همان نمک کهنه یادگار دوره حضرت نوح را در عوض قاطر توسط لاری حمل و نقل و بقیمت گزاف تری بمردم داده است - همچنین در قرن گذشته ما وزارت مالیه نداشتیم و امروز داریم و لسی همانطور که در گذشته حساب قطعی ما لانه مملکت را تمیذاشتیم امروز هم نمیدانیم - فقط قرقی که در زمین دیروز و امروز است این است که آنوقت مستوفیهها اسپ سوار شده و روی توشک می نشستند و امروز سوا مالیه یا قلم رنگین امضاءهای پر نقش و نگار طفوانی می نمایند و موترهای چند متره سوار میشوند - کسار دیگر و مهم تشکیلات جدید ما این است که هر یک به توسعه بی سبب ادارات مربوطه خود کوشیده - اعضا لا شعبه های بولمون بمتوان تدقیق - ارتباط مخصوص و اصلاح و ترقی و دها چیز دیگر ایجاد - و رتبه های سرگیج کنی اختراع کرده میروند - بدرجه که اینک در یک ریاست چندین معین اول و ثانی و ثالث و رابع و در یک وزارت چندین وزیر و وزیر مختار - و در یک کابینه چندین وزیر دولت و ملت رویهم ریخته اند - در حالیکه نه مملکت زراعتی شده و نه صناعتی

برهیز غور وال

شاغای سور وال

هدا اوس باید خه و کسرو؟

مری ته دیر کارونه به مخ کی براته دی چه بایدویی کور
 مگوبه دی تولو کی کوم چه الزم اوام وی باید هغه ته مخ
 کی برید و کور که خه هم دا پشتمه دیر غلی بخوا هم شوی
 وه - به خوله مودیری خیری اتری کیری دیر تبه تبه معقول
 معقول یلانوه موم جور کیری مگرد عمل به غای کی مو
 یو پل هم ندی ایسی . به هر صورت موز باید تیزو خیمو
 بسی و ته گرزو چه خه شویدی او خه نه دی شوی - تیر به
 تیره هر خه چه و هغه باید میر کور - او هم نا اوس باید
 دی ته غیور شو چه خه و کور که زه پخبله خو به دغه عقیده
 یم چه که چیری موز حقیقتا اصلاحاتو طرفدار یو او غوا
 چه دا بد بشت شو د خاورو ته پورته کیری اود نیکبختی
 به لار هم کور - نو امری تر هر خه دا به کار دی چه
 خیل تقا بی او مایب اصلاح کور - که موز خیل خانونه
 اصلاح کولی نمی نو ز موز و کونی محیط او ماول هم موز
 به بل خی - ز موز اخلاقی مفاد او اجتماعی مایب به
 هغوی کی هم غای نیسی و وو و وو کوخه وال او بیاتسول
 کلی وال به هغو بدوا و نورو خو و نواخته کیزی .

بشری جو لنی او جوامع تولد همدغو افرادونه جو ریسی
 که افراد صالح و - تولد صالح او نیک مرغه وی او که
 افراد مفید وی تولد هم ورسره مفید بی . ز موز -
 مامورین او کار داران - د زور او د قدرت خاوندان -
 دکامداران او کاسیان چه که نن خپله گنده پل به ضرر
 کی لتوی علت بی دا دی چه اجتماعی تربیه نه لری او
 بله دا چه تولد موز خیل ورونه دی یا موخا من دی د کوم
 پل مملکت نه ندی راغلی - تولد هدا خپله یو - برا به
 او اجنبی را باندی حکومت نه کوی - که موز د خصیاتواو
 خان خانی تخر تولد کور او په ریتیا بره د ملی او -
 اجتماعی درد روحیه به خان کی هزی کور نو خود بخود ه
 او توماتیکی صورت سره ز موز تولد کار و نوسیدونکی وی مگر
 له بده مرغه ز موز د هر یوه خان خانی او شخصیت پرستی
 روحیه دومره هوی ده چه قام او ملت خود اوله سره -
 بیژن نوعه نه - فقط او فقط د خان به غم کی دروب یو -
 ز موز زیات تره کارونه نمایشی دی به هر کار او هر خیره
 کی مو شخصی استفاده به نظر کی وی موز دیر خلیک بیژن نو
 چه به همدغه چل او تقلب - به همدغو دروغواو نمایشی -
 کاروئی بی یوه وقت کی دیر خلق تیر ایستی و - خانونه

انصارات دولتی

شب اول حمل اعلائی را از طرفش رکت کنند و بطول در
 کابل راندیو شنیدم که حاکی از ارتباط امور استوارکت
 بموسسه (انصارات دولتی) بود چون برای اولین مرتبه
 نام انصارات دولتی را شنیدم ب فکر افتادم که یعنی چه ؟
 اول فکر کردم که شاید این موسسه نظیر دیگر شرکت های
 انصاری خواهد بود و جدیداً برای خدمت بمملکت تشکیل
 یافته باشد ولی دو کلمه (انصارات) و (دولتی) -
 وادام کردیم فکر کنم حتی از بعضی اشخاص با اطلاع
 صبح اول حمل از چندین نفر پرسیدم آنتوانیز
 عدم اطلاع خود را وانمود کردند . یا اخرا ساعت یک و نیم
 زده جدید التاسیس (وطن) بدستم افتاد در صفحه
 دوم آن نوشته شده بود از شورای گذشت خدا کند
 نشر شود . اما اکنون که مجلس موسوی وجود ندارد یا
 يك كوی میته میتواند حکمی صادر کند ؟ از چند سال است
 در یه رادیو و مطبوعات فارجه مطلع بودیم که در دنیا
 اکثر موسسات بزرگ که بحیثیات عامه ربطا هستند دارند
 ملی ساخته میشوند یعنی بدولت تعلق میگیرند چنانچه
 صنایع آهن و فولاد برطانیه که اساس تمام صنایع می
 باشد نیز بالاخره تشریبی بعد از چهار سال مذاکرات و
 مشاجرات سخت ملی ساخته شد یعنی (بشبه دومرغه ۲۵)

x بی تولتی تمدد ویتو او جاسو ظالمونه نامش دولتی وه
 ما غو ندی دیر خلق پری غو لیدی او عقیده بی لوله
 چه ریتیا گوندی دوی د کوم اجتماعی درد خاوندان دی
 دا خلیک به هغه وخت کی چند کوسی لوری ریتی او چوکی
 خاوندان نه و خپله حدیثی او اصلی بنده او خپل مانعیت
 بی داسی بت ساتلی و چه له سره پری خو یو هیدل هم نه
 مگر خنگه چه خپل غرضی هدف او عندی نسب الصین ته -
 ویدل بیجا د تکه سره - هغه جعلی او ظاهره وی شمیری
 بی بدلی شوی او د هغو بخوانو خیر و یوه هم ورسره نه
 لیدل کیده - هیچا دا گمان نه شو کولی چه دوی به
 گو ندی هماغه سری وی گمان کوم دی نه دومره ضرورت نه
 وی چه د داسی خلکو نومونه و اخرا عقلی حکمتول بی -
 بیژن ندلی بی - نوموز باید د هغی نمایشی خاوندان د
 تقلب نه عبرت و اخلاقی هر گره پدی باید عقیده و لرو چه
 خلیک موز بیژنی او موز بیژنی احوال او کردار و تنقید به تلذ
 تلی ا - بیجا ز موزد سبا و غی نا سوال او کردار بره بی -
 خوا بخواند دی - که لوشاننی تقلب او و تخلف به کسی
 و وینی نو د نثروین او لعنت به کارونه مویلی
 نو پدی صورت کی به داده چه موز لیمی تر و تره دمان د اصلاح
 د باره مجادله شروع کرو که موز خیل خانونه اصلاح کیری
 شونو ریتیا و کیری چه تولد هم اصلاح کیدونکی ده .

بقیه ما چه داریم ؟

نه صادرات ترقی کرد و نه واردات منزلت حکومت قانونی
 شده و نه ملت باسواد. رانها خراب. پلها منهدم حمل و
 نقل قلیل. زراعت و صنعت مانند قهرون وسطی نرغها
 متری و ملت فقیر و بیچاره است و سالهاست این
 تدریجات وسیع و اسی ما محسوف تعیین القاب و رنگ و
 روغن عمارات است و ما هادر سر مقور فلان عالیجناب در
 فلان بست مباحثات گری می نماید گاهی هم شکل البسه
 چیراسی ها تمدیل و کلاه مستخدمین از وسیع به گوسه
 تبدیل میشود. لکن نه معدنی استخراج نه نهی حفیر
 نه فابریکه تورید و نه بتدی تصمیم گردید. مگر گاهی
 بطور بیسابقه و مغرور در جراید اعلان میشد که فلان
 فابریکه دولت (یعنی ملت) ملی شد (یعنی بقلان شخصیه
 قیمت نازلی فروخته و امثال مال شخصی شد) خوب پس علت
 این بیخبری ما چیست ؟ خواهید گفت و چیز و یا هیئت
 مدیره حکومت نخواستند اند ما چیزی داشته باشیم و یا
 خواسته اند ولی نتوانسته اند و چون استحقاق کرده اند
 در هر دو صورت نزد خلق و تاریخ مملکت مسئولند ولی به
 عقیده ما علت اصلی نهفته تراست و آن این است که اصلا
 ما شین اداری ما چیه و غلط بسته شده. فی المثل اگر
 عقل و ذوا روی زمین را از یک دروازه این دستگا
 داخل کنید بعد از یکسال از دروازه دیگر آن خسته
 تا کام و بد نام بیرون می رود. زیرا بسته کاری ماشین
 حکومت بارها از بسته کاری ماشین یک ساعت بزرگتر
 می بود و محتاج علم و دانش بیشتر است. علم و دانشی که
 نتیجه تجارب بی پایان و چند هزار ساله بنی نوع انسان
 بوده و بنام علم حقوق و اداره در دسترس ملل روی زمین
 گذاشته شده است مثلا یک ساعت اگر بیزه های آن چید
 و غلط بسته شود گرچه توسط بیرو قیصر های بزرگی هم
 باشد آیا کار میکنند؟ ما حصل این علم را میتوان در
 یک جمله (اصول دیموکراسی) خلاصه کرد یعنی تفکیک
 هوای ولایت. حکومت قانون. مسئولیت کابینه در نزد
 ملت. آزادی و مساوات ملت و اشتراک در امورا جماع
 پس تکرار میکنیم که علت عقب ماندگی و بیخبری ما عدم
 رعایت اصول دیموکراسی در طرز اداره ماست و بس و تا ما به
 تحکیم این میانجی ارضیم قلب و با تمام هوا متفقا کوشش
 نکنیم. نه اینکه مالک چیزی نخواهیم شد بلکه خطر از
 دست دادن چیزی است که فضلا داریم. پس وظیفه نخستین
 منورین و جراید ملی همان تبلیغ اصول دیموکراسی و مبارزه
 با بقایای مطلقیت و استبداد است و بس.

بقیه انصارات دولتی

با انصار دولت درآمدند. همچنین در ایران. هند. مصر
 برما و غیره. مناطق منابع مهم صنعتی و تولیدی بدولت
 که نماینده کامیالیت است ارتباط گرفت. فکر کردم
 شاید این اقدام نیز از عصبه اقدامات الهام گرفته کدام
 قدم اصلاحی خواهد بود که برای خیر و بهبود عامه به
 تاسیس این موسسه اقدام کرده باشند. صرف باین فرق که
 در دیگر جاهای صنعتیکه رعایت و آراء عمومی قیمت نهاد
 دارد بر هر اقدام نیک و لود قصد بخیر عامه باشد چنان
 و جنجال میان اندازند و حکومت های که عملی ساختن چنین
 بلانها را بشوری پیشنهاد میکنند حتی با اثر دلایل و
 مخالفت های احزاب مخالف مرض خطر سقوط واقع میشود
 و در تمام مردم آنها بکنوع هیجان و دلچسپی دیده می
 شود ولی در اینجا چون کار خیر و نیک بتداشته شده
 بدون کدام سر و صدائی چشم بت مهر های صور بیچسبانیده
 شده اند یا باین علت لایحه تاسیس شدن آن بی سر و
 صدا مراحل خود را طی کرده خواهد بود که در اینجا اصلا
 حزب یا احزاب بالف و جود نداشت تا صدای آنها بلند
 شده و ما هم خبر میشدیم. بهر کیف تمنای ما این است
 که موسسه مذکور حقیقتا برای خیر و منفعت عامه تاسیس
 شده باشد نه اینکه برای کدام بیکار کار پیدا کرده
 باشند. خواه تصمیمیم اگر از جمله اسرار نباشد مقصد
 اصلی تشکیل آن موسسه را که از روی کدام بلان اقتصادی
 بعمل آمده و آینده بطور عموم سیاست اقتصادی چه
 خواهد بود بجهانند و میبهرسیم که کدام چیزها با انصار
 آن درآمده است آیا شه دل نیز منصرف با نیت یا پوای.
 غریبی بعضی از غریبهای ملیونریجای خود است و هم
 تاریخچه فصل انصار شد و بطول را اداره مربوط نشر
 بفرماید که تا اکنون امتیاز انصار آن نزد چه کسان
 بوده و ازین درک بدولت چه اندازه عواید میبرد است زیرا
 امتیاز انصار تصور هر سه سال بعد بمرض دا و ظلمی
 گذاشته میشد ولی در خصوص امتیاز انصار بطول رفتند و
 بپوره. موسسوتها چند وقت هم شه دل و میوه قندهار و
 غیره چیزی تشنیده ایم.

نداء خلق : ما مفضلا در این باره صحبت کرده و دلایل
 مخالفین را هم که نشر آن قرض شوری است اشاعه می
 نمائیم. کمیسیون فقط با نه مقابل هفت رای ایسن
 پروژه را پذیرفته ولی موسسه بعد از تصویب شوری
 باید شروع بکار میکرد. اما علت عملی نشدن آن فضلا
 از تصویبشورا ما معلوم نمیشد.

شاغلی غلام حسن خان صاحب

مکاتیب وارده :

دعوت مسودم بخرافات پرستی!!!
 از چند بست در سرخ رود و ننگرهار عمارتی بنام موسوی
 مبارک ساخته شده است کسه چار جر بزمین احاطه
 آن آیت - آیا اسناد و شهود و روایات تاریخی برای
 آن موجود بوده و تا کنون این موسوی کجا و به که منسوب
 است؟ دینما باطاعت افعال و اقوال موثوقه پیش
 وایان اسلام مکلفیم و حقیقتا اسلام ازینگونه خرافات
 پرستی ها بیزار است - مردمان با اطلاع آگاهند کسه
 سی و چند سال اولتر زیارتی در غور بند تاسیس و لسی
 حکومت فوراً بعهدهقیات شروع و اشخاصیراکه برای فریب
 مردم این دستگاه را چیده بودند حبس و زیارت ساختگی
 شان را کاملاً تخریب نمود اما اکنون سی سال میگذرد ولی
 ما مورین بزرگ حکومت موسوی مبارک میسازند متصل همان
 جا شیکه اکنون زیارت موسوی مبارک ساخته شده احاطه
 مکتبی است که از مدتها تمصیر آن به تصویب افتاده و
 حتی مصالح آنرا با این زیارت جدید صرف نمودند - آیا از
 نقطه نظر دین که تحصیل علم را بر هر مسلم و مسلمه فرض
 میداند و از نقطه نظر ایجابات مدنی ما به تمصیر مکتب
 محتاجیم و یا بساختن زیارتهای جدید برای گمراه ساختن
 مردم؟ حالت امروزی ما شرم آور است افغانستان و مخصوصاً
 مشرفی محتاج بمدیره های مدنی است که چشم مردم را به
 حقایق تلخ و ناگوار مملکت باز ساخته و آنها را از گرداب
 جهالت و بدبختی و خرافات پرستی برهاند ما از علماء کرام
 و جوانان منور آرزو مندیم که با اینگونه خرافات پسندی
 ها و فریب کاریها مبارزه کرده و نگذارند که یکده -
 مفرضین چشم و گوش مردم را بسته و آنها را باین زیارت
 سازیها و موسوی مبارک پیدا کردنها فریب دهند .

از شاغلی سید وزیرخان که نامه نداء خلق را -
 ترجمان احساس نوزده ملیون نفوس افغانستان از
 امو تا سند دانسته و کذا از شاغلی غلام ذکیخان
 مسود که نامه ما را نماینده احساسات ملت و
 مداری در د های اجتماعی شمرده و همچنین از شاغلی
 سید عزیز حسین خان مسود که نامه ما را خادم
 خلق و مبارز دیمو کراسی خواننده و خدمات افتخاری
 خود ها را عرضه کرده اند اظهار ستونیت نموده و
 از شاغلی حق جوی (داخل لفافه) و خادم حق گوی
 (خارج لفافه) که بد کشور محمودی دشنام داده اند
 تمنا مینمائیم که اسم و شهرت مکمل خود را با داره
 بیابورند تا به نشر مکتوبشان اقدام نمائیم و لسی
 خدا کند که خود شان با این نام مطلقان اجیر و مخیر
 خا شنین نباشند .

تبریک و شکران :

اولین شماره نیر هوس (امید های جدید) مورخه
 ۱۵ حمل که در اثر تشویقات محترمات خانم انصاری
 و خانم هیوم بزمبان انگلیسی از طرف محصولات مکتب
 نسوان نشر شده است با داره واصل و ما طلوع این
 ستاره درخشان و زاده قلم و احساسات دختران
 با هوش و وطن را تبریک گفته دوام این نامه را آرزو
 و از خانهای موصوفه از مصیم قلب تشکر مینمائیم .

× بجهت نشان داده و برای حصول این جو خلق مبارزه
 نمائیم - اینک با تشریح مرام خود از نویسندگان -
 محترم نیز تمنا داریم که برای رفیناشی خلق از
 جوانین اساسی سایر ملل - طرز انتخابات شان آزادی
 و حقوق شان - آزادی مذاہبات و روش آنها و خلاصه از
 اساسات اولیه دیمو کراسی حرف زده ترجمه کرده -
 امثله آورده و حساب دیروز را بحدالت الهی و تاریخ
 و حکومت خلق بسیارند .

شرح اشتراک

- کا بل : ۴ افغانی سالانه
- ولایات : ۴۵
- خارج : ۵
- قیمت یک شماره : ۵۰ پول
- مطابعه : گسترش شخصی نداء خلق - کا بل

بقیه روزنامه ما
 احزاب و یا جمعیت های سیاسی را ب مردم بیاموزیم - ما
 آرزو مندیم ب مردم نشان دیم که چگونه با صبر - ثبات
 و استقامت بدون زور و تشدد فقط از راه دیموکراسی بر
 منزل نجات میروند - ما سعی میکنیم حس مسئولیت و احترام
 قانون را در خلق بیدار نموده و ب مردم طرز محاکمه آزاد
 و علنی و روش اثبات جرم و رویه با خلق را در وقت آنها ×

نظاره حلق

شاغلی نهفت

اولتر از همه جا همه را باید زنده کرد

امروز صما تطوری که دنیا بتکارات ساینسی و علمی خود را در مقابل چشم ما جلوه میدعد و رویدادهای پر کیف و - آبرو مند روز خود را هر شب بگوش ما میرساند از طرز حیات اجتماعی - سیاسی و اداری ما هم اطلاعی کامل دارد ما از عان داریم که احوال تاریک مادر جهان روشن آفتاب بیست و لذا خیانت میدانیم که از شرح وجبات بسد بختی خود تنگ و وامه کنیم و طرز اصلاح انرا با اقتراح نگذاریم ما باید از دنیای بیشترفته که هر ان با وی در تماسیم تجربه امخته و حرکت انها حرارتی پیدا کنیم جوامع بشری اعم از سیاه و سپید - کوچک و بزرگ - مستقل و غیر مستقل - امروز دنیای خود را میدان مسایقه علم - فضل و کمال ترار داده اند - امروز بجز از ما همه ملل و وسایل راحت و سعادت خود را تکمیل کرده اند و دیگر آنچه میکنند تفتنی است که در تمدن بکار می برند - ولی ما و محیط افسرده ما اگر به کفرم نگیرند آینه این دو مصرعیم :

با غبار غسره و گل همیکس و گلچین گستاخ

من فقط خون دلی میخورم و تا شادم

وظیفه نویسنده است وقتی قلم بدست میگیرد یا بر سر عثراح آئین و وجدان نگذاشته و درین جریده ملی که برای انعکاس حقیقت حال ملت اینده راستگو و بیفیار است راست بنویسد ولی ای خواننده عزیز از تو چه جدا تنها میروم تا آنچه به منفتخورد و کسورت تمام میشود بشنو و از گوش بهوش بسیار و بکار بند تا علمت بیصمل و عملت بی ثمر نگردد . تا بحال آنچه خواندیم شنیدیم غالباً یا اغفال بود و حاشیه و یا استرضای خاطر بزرگان و این یکی از عوامل مشومی بود که محیط ما را محیط افراط و تفریط ساخت - یکطرفه عده قاهره - مضروب - خود سر - بیدرد عبد النفس - تفرقه انگیز -

عذر معقول و برهان قاطع!!!

اگر از يك وزیر بی سیم که چرا در مملکت فقیر - قانده گرسنگی - مریضی - خرابی سرکها - بندها - نهروها و تعفن و فساد عمومی حا کمیت دارد ؟ چرا مملکت روز بروز فقیر تر و نا توانتر و خلع بد بخت تر و بینواتر میشوند ؟ چرا سویه تعلیمی طلاب روز بروز پست تر شده گرفته - از صنف دوازده تقریباً بیسواد خارج شده چرا در مقابل بیسواد عمومی مجادله بعمل نمی آید ؟ چرا هزاران نفر در مملکت در مفارها با حیوانات و سوسیه حیوانات زیسته و چرا بمتعداد داکترها - قابله ها و - شفاخانه ها افزیده نمیشود ؟ چرا بجز در شهر کابل در ولایات قابله های با تربیه وجود ندارد ؟ چرا عساکری را که ترخیر میکنند مجبور باشند که چند وقت گلکاری و فقیری نمایند تا بول کرایه موتور و وسیله رفتن به خانه خود را بپایند ؟ چرا در مقابل حمای لکه دار محتره ملاریا و فرنگی مجادله نمی نمائید ؟ چرا این مملکت وسیع را که مساحت آن از فرانسه بیشتر است قابل زراعت نمانده و به تولیدات زراعتی مملکت نمی افزائید چرا در عوض بیل و کلند و اصول زراعت دو هزار سال قبل دهافین را تربیه نکرده و ماشین های زراعتی وارد نمیکنید ؟ خلاصه چرا چنین نمیکنید و چنان نمی نمائید تا مملکت آباد و هم راحت گردد ؟

بمجردیکه این سوالات را وارد کنید شاغلی وزیر که در يك اطاق لوکس و تقریباً مشا به اطاق سایروزای عالم در عقب يك میز بزرگ مفتح و لوکس - پر جوکی مملو و مچرخ و لوکس نغمته اند فوراً آه سردی از دل بردرد کشیده و دوری بچوکی داده و شما میفرمائید :

شاغلی رحیم غفوری

خبرهای از اندک : قراریکه اطلاع میدهند تقریباً

ما حق ما که آزاد میخواستیم همه میدانیم از وقتیکه افراد بشر زنده گی بدوی را ترک گفته و کم کم گرد هم جمع گشته اند برای قایم نمودن شیرازه * حیات اجتماعی بوسایل و عوامل متعیش شده اند که در آن مصونیت و تامین زنده گی شان بیشتر - مرکوز بوده و گویا بشر بنای زندگی اجتماعی خود را از اول بر اساس قانون و قضاوت استوار ساخته است اینک رویه رفقه تشکیل اساسی مالک مدنی امروز بر سه رکن عمده * قوه * مقننه - اجرائیه - و قضائیه استوار میباشد - ولی آنچه مطمح نظر ماست این است که اگر در مملکتی یکی از این سه قوه بصورت صحیح و مقتضی کار نمیکند شیرازه * نظام اجتماعی از بین رفته و بنیاد آن متزلزل میگردد . کما نیکه باین اساسات سه گانه و قسماً قایل نمیشوند مسلماً بقانون ناموس زندگی اجتماعی معتاد نموده و مملکتی که این ارکان ثلاثه دیموکراسی در آنجا استقلال نسبی ندارد نمیتوان آن را دارای - نظام مدنی اجتماع خواند - مملکت ما هم که امکان ندارد از تشکیلات اساسی مدنی صرف نظر نماید و باز بحالت بدویت و زندگی ارتجاعی تمایل کند خواهی نخواهی بتشکیل نظام اجتماعی خود مجبور بوده و لازم است که اساس حکومت مشروطه خویش را بر روی ارکان ثلاثه مذکوره بگذارد - منجمله بقوه قضائیه یعنی محاکم عدلیه بیشتر عطف توجه لازم است تا ملاحظه با حکام شرع متین محمدی و هوانین مدنی راحت و سعادت خلقی در مملکت تامین گردد . از همه مهمتر برای مصونیت زندگی افراد محاکمه علنی و آزاد را که تا کنون مخصوصاً در اتهامات سیاسی - اصلاً وجود نداشته دایر نمودن حتمی است تا هر فردی بتواند از حق خود دفاع و لافل ما عیت اتهام و قضیه را که باین متهم شده است بداند - اساساً آزادی محاکمه بیک رکن بزرگ آزادی و دیموکراسی بوده و وقتیکه بیک عمل جرم شناخته شده و ارتکاب آن خلاف قانون اجتماع بوده و اضرار آن متوجه جماعت گردد بر جمعیت حق پیدا میکند مجرم را محاکمه و یا لافل از محاکمه آن واقف شود -

با تشویش ملی و قوه اجرائیه مملکت جدا تقاضا میمائیم که گذشته را گذشته بگذارد و بداند قبولی در آینده محاکمه اشخاص و مخصوصاً افراد بر اکتفاات آنها وقف بهیچ وجه نبوده و در هر قدمی بیم اضطراب و نگرانی در میان موجب است علنی و

سه هزار نفر دکاندار بر علیه اعلان ترتیب بسته قیمت های اموال وارده اعتصاب نموده و دکانهای خود را بسته اند - اطلاع ما بعد میرساند که یک نفر محمد عمر نام یکی از وکلای بلدیه از زمره * دکانداران حبس شده و شاغلی رئیس امنیه محمد اکبر خان و شاغلی شو ما عدان امنیه در کور استقلال در جمعیت مردم حاضر شده و آنها را با زور منطلق و براساسین قاطع پراکنده ساخت (الحکم لله) میگویند : مصالح ما مورین امسال در شرف زیاد شدن بوده و وزارت اقتصاد و مالیه مشغول یافتن مدارک - عایدات برای اینکار اند .

میگویند : استاد محمود خان طبله حی که در فن خود هنرمند ما هری بود چندی قبل مرد و استاد غلام حسین خان را چندین ساعت سرگردان ساخت که برای کفن او یک مشت پولی تهیه کند (این استاروش هنر در کشور - پس صبی کنید هنر مند شوید) .

میگویند : در امور سینما اخلاسی به صل آمده و در نتیجه مدیر عمومی سینما بر طرف وعده * از ما مورین حبس شده اند میگویند : دو نفر از اعضای کابینه یعنی شاغلی وزیر مالیه و رئیس زراعت بنا بر مشکلات وارده استعفاداده بشیه اولتراز همه جا همه را باید ..

فائد رحم و عاف طفه بوجود آمده و در مقابل مردم افسرد خاطر - تارک مشرف - مداح - چا پلوس - ستمکش - آله دست و نا توان و برای قبول هر گونه ظلم و ناروا با سر افتاده تسلیم بوجود آمده است . خوب بگفته شاغلی محمودی ما که ما مور تصفیه * ماضیه نیستیم و بجز گرفتار بنداز گذشته بان کاری نداریم - موضوع بحث ما فکرا بنده مردم مظلوم و بیچاره ایست که با داشتن استعداد ذاتی و هزاران و دایع گرانبها در تمام دنیا تنها ملتی است که از رشد عقلی و اجتماعی و حقوق سیاسی خود محروم مانده و بطوری فشار روحی و اقتصادی حیات نیمه اش را تهدید میکند که اگر صحت های مردانه دستگیرش نشود بزودی از دنیا خواهد آمد . پس ای جوان مغرور اگر راستی در دین وطن داری و نسیخواهی جامعات بقنا و زوال مواجه شوی با این جراثیم تفرقه انگیز و برتری جو که جامعه را بگردال قنای و نیستی بینامهای سنی - شیعه - زیک - تاجک - و ژرمنی و گند و خیل میکشاند بنیت باک و قوت وجدان مجادله نما .

شاغلی آیتمه

آبروست یا آب جـــــو ؟

معاشرت امروز و آنهم در جمعیت داخل وطن - البته بدون امتیاز طبقه - نب - رتبه - ثروت - جایاد - القاب و نفوذ ایجاب احترام متقابل را مینماید . از انسان گرسنه تا محکوم بای دار شریف است تا که عزت و حرمت خود را مایلیم در نظر آبی و خاکی و هراشی به مینیم و حتی بدون حق بی زور تممیل نمائیم پس چرا تاخت و تاز و هتاک کی کار ماست . مردم افتاده طبعاً جز در سودای تن و شکم فرصتی برای این گپها ندارند هرگز بشنوند و بپوشانند و بر آنها وارد گردد مانند کلنج چشم دار از بد بد ترش ترسیده و جرش دفاع هم در آنها نیست . چون روحیه ضعیف و اساساً نمی فهمند حقوق فردی و اجتماعی تقوس در وطنش که تذکره تبعیت به دست دارد و تهه يك برجم رعیت گفته میشوند چیست ؟ علاقتا تلقینتی نیز در زمینه بدانها نشده و خود را ابدان نمی شناسند - لهذا آبروو موصفت اجتماعی خود را و هسی نگذاشته و در مقابل هتاکي - تحقیر و تمسخر هوی روز بروز بست گردیده و اخلاقاً سقوط مینمایند - وانگاه جرم - جنایت - اعمال قبیحه و عدم احترام مقلایله در نهاد شان می خمینند و از هیچ چیز باک نداشته و بیاسی آبروشی عادت نمیگیرند . شما خواننده گان گرامی - معا عدا ت - غا طرات و حوادثیکه شب و روز عمریدان مواجهه شده اید مراجعه نمائید و بعد افاضت کتیبید را ستش کدام است ؟ بنده از یله گردان مهمم و بر عکس در ماه یکمرا تیه هم رجیخان معروف که خلقی به دنیال او سر گردان است مرا نمی یابد - هر جا سری زده ام . . . نا حیه ها - مقامات امنی - مضرحکام حضور خوانتین و هویه دار ده - قوی - صا حککار و با نفوذ ابداء بحرم و شخصیت کسی اعتبار نمیدهند - دو و دشنام که چیزی نیست از سبلی باران و چو یکاری شال تویه - تو گوئی اینها عیبسه دو ولت اند - خصوصا که بجرمی تحت اشتباه آبی آتوق است که دست و مشک بسته چه بیروزت آرند - شما بخاطر بسیارید - تشکیلات

شاغلی م کبیر عرفان

نا امید نباید بود ؟

جوانان منبع هوش و قدرت و امید های آتیه این سر زمین بوده و اکنون که تازه بحرکت و جنبش آغاز کرده اند امید است فردا بتوانند با توان دست و دماغ خود کشتی مهین را با سر نشینان سیاه روزان بساحل آسین و نجات برسانند - جوانان در مدارس می آموزند و در مکاتب و دارالفتوتها با معلومات و اسلحه که انسان - امروزی سخت بان نیاز مند است مجهز میشوند و برای مبارزه زنده گی آماده میگرددند - آنها شیکه درین - پرورشگاهها خوب حرف زده - خوب فکر کرده و خوب میفهمند - خوب مبارزه نمودن و خوب کار کردن را نیز میآموزند - گویا مدارس و دارالفتوتها ماشینیت که برای اجتماع پرزه های مفید و دلخواه تهیه مینماید در ممالک مدنی آموزشگاههای شان بر اساس تربیه استقلاللی استوار بوده و با اسلوب خاصی جوانان را برای مبارزه زنده گی تربیه مینمایند مامم سخت محتاجیم که روش تربیه ممالک مدنی را تعقیب و اصول تربیه استبداد و تحکمی که ما را محکوم بنفنا گردانیده است ترک گوئیم اکنون قرض منورین و هو یسنده گان مقتدر است که مهر دیروزی را از زمان نلم و بیان خویش بر داشته و برای رهنمونی جوانان که مردان فردا و مبارزین آتیه جمعیتند دروازه امید را بیا ز نمایند .

x عریض و بهنار در دو لتها برای حفظ حقوق مادی و معنوی و امنیت فردی و اجتماعی ملل در دنیا موجود آمده نه وارونه - نتیجه صیحه اوضاع همانا اینست که آبروها چون آبجو ریخته و شخیصک عزت نفس و حرمت و آبرو در پیشهم و طنان و جامعه خود نداشته باشد آیا از او چه انتظار دارید ؟

ندا، خلق

محمد علی بیام

خواهی اگر خبر شوی از ماجرای سبها گوش دل بیا بشنوی این ندا ^{خلق} دوران صم و یکم برقت از میا و - زمین پس مجال گفت و شنودان ^{برای خلق} برخیز ای جوان اگر تدر دمنگست یا آنکه بودشی تو بشکر و ای ^{خلق} بگذار امتیاز نژاد و قبیله را - زیرا بندگان خود زنی تیره میای ^{خلق} از افتراق عیبسه و سنی جز یکن - و ز مردم متافق و شیطان تمام ^{خلق} بنیاد اتحاد بر لزل پذیر نیست - تا آن زمان که استعمار انگلی ^{خلق} گامی به راه هر فی تسیرود - دستگرتان جاکه بود پیش پای ^{خلق} از دیده امیدا گری بیا م - شاید ندا معلق شود و شما ای خلق

بشبه عذر مقبول و ...

جانم! از بودجه مملکت واقف نیستید مملکت فقیر و غرب است عایدات مملکت برای مصارف آن کفایت نمیکنند - ملل گیتی برای انهمه یلانهای بودجه کافی و ثروت زیاد دارند میدانید کار هر کس در خورتوان مالی و بودجه وی اوست یا رشک خوشی نموده و میفرمایند - شما جوانها بی تجربه بوده و از درد دل کسانیکه مشغول کارند و هر روز با عزاران موافق مواجه میشوند واقف نیستید - گفتن آسان و کار کردن دشوار است - میبینید که تقریباً همه ملت بیسواد بوده و در مقابل پلانیهای مفید حکومت مانع بزرگی اند - این گفته ها همه مقبولست - آقایون درین فرمایشات همه حق میفرمایند - حال اگر بپرسید که چرا بودجه مملکت را نثر نکرده و این مشکلات خود را علناً بجرا میدارید اعلان ننموده و چرا مردم را از علت حقیقی بد بختی - شان واقف نماندند و آنها را با امداد دعوت نمی نمایند

مکتوب وارده :

شاعلی سکندر شاه

ما به هو لیس های با تربیه محتاجیم روز ۱۹ حمل ساعت ده ضعیفه میل داشت بسو خود را در تو شیفخانه ببینند - بر خلاف قانون جاریه منقضی نمیدند - خواست بدر باره ما ندان امنیه رسیده و امر حاصل کند او را نگذاشتند اصرار کرد ولی اصرار ضعیفه آتش غضب ظاهر کرد و کرمیوال را ترحیم کرده و لگدی به سینه مادر بیچاره زده و او را از زیننه های سنگی داد گاه امنیه (؟) بپاک انداخت - و سر ما مور - بیچاره را در حال بیهوشی بشفاخانه نقل داد - مرگ و زنده گی این زب فقیر تا کتون نزد ما معلوم نیست - اینست نمونه از رفتار دیمو کراسی و آنهم در مرکز با بیخت و روز روشن با مردم و همین است مثال زنده از انجام وظیفه - محافظین ناموس ملت !!

کهنه ترین خبر های روز :

آزادان دلخک با سایر اطلاعات موثوق خبر میدهند که دشمنان دیمو کراسی یعنی آنها شیکه در طرز اداره بگرو ببند و بکش و بزن منافع شخصی دارند در صدند با ساختن خبر های دروغی و اطلاعات بی اساس اراکین دولت ابد مدت را که تازه بسوی دیمو کراسی تمایل نشان داده اند مضطرب ساخته و نشرات دوسه روز نامه ملی را که تازه بمیان آمده اند علت تیزی احساس خلق در مرکز وانمود کنند - و با اصلاح باز آب را خن کرده و ماهی بگیرند ولی ما یقین داریم که او لیای دولت برای منافع چند نفر گوشت پازین خبر های خود ساخت نداده و نخواهند گذاشت که محاکمه فردا آنها را مشول بد بختی ها و سیاه روزی های امر روزی فلنداد کند - شاید تعهداتی هم در پیونو در میان بوده و سیر گیتی هم در نظر باشد -

آرزوی ما از هموطنان گرامی

از هموطنان محترم آرزو مندیم قطع جریده ما را بنظر گرفته و مقالات خود را مختص خوانان و یا آدرس مکمل خود بفرستند و ما را ممنون گردانند . (اداره)

شرح اشتراك

کابل : ۴۰ افغانی سالانه
ولایات : ۴۵ رو رو
خارج : ۵۰ دالر رو

قیمت پانزدهم ۵۰ رو
مطبوعه گسترش خلقی ندا خلق کابل

و چرا از پیشرفت پلانیها و خدمات و مصیبات و عیایات شما روزنامه های پر شده ؟ بجواب نمیدانم چه خواهند گفت آیا نمی رنجند اگر عرض نمایم که آقایون یا شامهم وزیر یک مملکت فقیر - غریب - مریض - گرسنه و بینوا میدارند چرا از عمارات مزین و بزرگ - اطاقها و مقروشات لوکس مو تر های لوکس و مصارف لوکس نمیگذرند - شاید سکوت کرده و یا جواب دهند که فدا کاری که در قبول وزارت این توده پسمانده کرده اند کم است که باز هم فداکاری نمایند - اما استغفار از ترس مسئولیت که اکنون مود نشده است - (محمودی)

از حاشیه تاموس ملانسر الدین :

هیئت مدیره شهر کتیا - مجله چند نفر بیسواد و تصویب در امور فنی و اقتصادی و فیصله بمقاد چند نفر و لوپتزر تمام ملت باشد .

همت - تسلیم و رضا .

یونسکو - موسسه عرفانی بین المللی که را یورا و حتی در افغانستان هم کمی اهمیت و قیمت ندند .
کلیه غریبا - صحنه درامه های خونین و تراژیک و مد فست امیدها و آرزوها .

کلوب ملی - مجمع تقریباً همه ما مورین بزرگ و حزب نیم رسمی که با داشتن یکصد و چند عضو می دارند در انتخابات آینده اکثریت جو کپهای خواری را گرفته و حکومت را بطریق دیمو کراسی (؟؟) تشکیل کنند .

زاد خلق

نامه ۶ ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

شاغلی محمد ابراهیم عباسی

راه نجات و چاره درد ما چیست!!!

درست است مردم شکایتها دارند و مطالبی میکنند. از رویه مامورین و پلانیهای معارف و قواید و زراعت و اقتصاد ... نتیجه مقیدی ندیده و منجزند. کتله بزرگ خلق سواد نداشته و بمفهوم دیموکراسی (حکومت خلق) نمی فهمند - و اگر بانها بگوئیم که معنی آن اید است که مردم حق دارند خودشان توسط انتخابات و آرا ازاد خود حکومت را تشکیل کنند هنوز هم اترسیاه روزی دیروزه میترسند و باور کرده نمیتوانند. زیرا می بینند که این صدا فقط از مرکز بلند است و حکام فعال ما برید همانند که بودند و شاید بگویند کسه همان خواهی بود - ولی نکته که خلق باید بان ملتفت شوند این است که چون دولت طرز اداره خود را - دیموکراسی اعلان کرده است مردم هم باید باور کنند و بدانند که آنها حق دارند خودشان با آراء ازاد خود حکومت را تشکیل نمایند اما باید دولت را از حکومت فرق نبرد دولت مجموع هوا ... گانه مثلاً در مملکت ما شورای ملی - کابینه و وزراء و ملحقات ان و توه قضائیه را که در راس ان اعلیحضرت هائیونی قرار دارند بوده ولی حکومت عبارت از توه اجرائیه و یا کابینه و وزراء و ضمایم ان است - اکنون که دولت در اثر سیر - حوادث گیتی و مجبوریتهای سیاسی و تجارب تلخ چندین ساله خود را دیموکراسی میخوانند. خلق هم حق دارند برای تشکیل حکومت توسط رای ازاد خویش مبارزه - نمایند - طوریکه چندین بار متذکر شده ایم طرز تشکیل حکومت خلق بصورتی ممکن است که ما همه و یا اکثریت ما به طور یک فکر و نظر به جمع شده - یک پروگرام را قبول و حزبی را تشکیل نمایند - اما در تشکیل حزب نباید افکار قبیله وی - هومی - و نژاد را - بیروی بقیه در صفحه ۴

شکوه بهمان

با استفاده از آزادی قلم من هم بحدیث يك بهمان بد بخت و رنج دیده از ان هموطنانیکه دارای حس نوع خواهی و وطن پروری هستند شکوه و شکایت نموده و سوال میکنم که آیا من مستحق التفات و توجه نیستم؟ اگر نیستم چرا؟ و اگر هستم تا چند چنین باشم؟ من با قوت بازو و قوگ بیل دل زمین را می شکافم - با گاو مال و مینمایم با دست تخم میباشم و با خون جگر بیماری میکنم و باز با داس مژه آنها درو کرده و با سایه بیکه با اشک و خون میچرخد میبرسانم - و بساز حاصل رنج و زحمت خود را برای بقای هموطن عزیز بسا کمال اخلاص تقدیم میکنم - پس آیا حق ندارم در پهلوی توه دیگر برادران خود زندگی مسعود و آرامی داشته و بتوانم بجامعه خود مفید تر ثابت شوم - آیا تنها وظیفه من - امثال من - بیخوایان بار بردن و کار کردن است و بس؟ ما امروز بجز لطف خدا و کدک - و پلطان چیزی نداریم - چه میشود بحال ما توجه کنید و بجای اینکه سرمایه های گران خود را در راه تخریب و سایر تفریح و ترتیب محافل عیش و طرب صرف کنید - چه میشود اگر در راه تخفیف صائب و تربی وضع زراعتی مملکت و تقویه بنیه اقتصادی توده ملت صرف کرده و برای تولید محصولات زراعتی و فلاحی مملکت خود بکوشید - میدانید که ربع اراضی وسیع ما باغون دل زارع زراعتی شده و اگر همه اراضی مملکت توسط تبلیغ و تشویق و تعاون مادی و معنوی دها همین با اتحادیه عوض اصول زراعت دو هزار سال قبل آلات و ادوات عصری زراعتی وارد گردد - این مملکت میتواند برای بقیه در صفحه ۲

مکانیب وارده و

شاغلی میر سعید گلچین

سرموشت وازگون

نمیدانم این هیولای شوم بد بختی تا کجا مراتصقیب خواهد کرد؟ اروزهایم رامندوم و امیدهایم را بیوسته عقیم میگرداند - وقتی از فراز جبال سرمبلك کشیده یا من اشمه خفیف امیدواری بسویم تبسم میکنند - بلا تحمل این کابوس وحشت زاجلو نظرم حایل و نسیدگزارد لحظه در بر تو فروخ او آرام گیم - وقتی زورن - ما یوس مالتم در بحر بیکران زندگی بامید یا فتن سا حل تک و یو میکند ناگهان این همکل دیو بیگسر بشکل طوفانی حادث گردیده - بحر را متلاطم کشتی را طوفانی و در بین امواج بیرحم بحریا نیستی و فنا دست و گریبان میسازد - وقتی ستاره کمشور برومندی شامگاهان در افق امالم تجلی میکند - فوراً این دیو بد منظر بسان ابرهای سیاه و ضخیم ظهور و شوره های شهر و غضبش بسویم مانند تیر رسیده شام حیاتم را ظلمانی و اقر اروزهایم رانگتر و مجهولتر ساخته و مرا در بین اضراب و بد بختی ششدر میسازد آه ای خدایک مخلوق عاجز و ناتوان و اینهمه مشکلات و موانع - صرف امداد و رهنمائی توای دست و دماغ توانای جوان میتوانی این شام تیره را صبح ساخته این ابرها را متواری - این دشت را مرفوع - این اضراب را زایل و این کابوس هول انگیز بسد بختی را از بهالم براند و در نهجاره تصور و مستقیم در خطر است .

بتره شکوه دهقان

بیست ملیون نفوس نان و همه چیز تهیه کند - امروز سویه دهقانین با حیوانات برابر است - از هرگونه وسایل تفریح - سواد - خانه - برون و همه سعادتها محرومند - زمین هم که ما یه امید و اتکاء دهقان است روز بروز با فشار زندگی و دسایس و حیل از دست خارج میشود - پس ای هو سلطان اگر خواهان محاد تید بحال زار دها زمین رحم نما تید .

× شاغلی صالح سمعی درخواست مینماید که ما مؤز که در فن شریف توانگری استاد بوده و میتوانند از معاش يك الی ۲ هزار قفاتی ما عاانه قصور متعدد در کارته و شهرت ساخته و صاحب چند سهمک حقیقی و علفی در (د - خ) و موتوهای لوکس گردند بحال زا و خلق رحم کرده و این فن شریف وراز این نگین سلیمان را بمردم بیاموزند ورنه ... (اداره)

شاغلی حقیق ال خان در حالیکه دکتر محمودی را بحدیث رهبر خلق و وکیل حقیقی ملت خطاب نموده شکایت مینماید که چرا از کیسه عمرانی پول گرفته و بشکر ساختن خانه افتاده اند - میگیرند اگر چه محمودی تا کنون ما نمشد اکثریت نموده ملت بی ما و مسکن بوده وای انهاى که مقام رهبری و رهنمائی خلق را دارند باید بمتابعت رهنمایان اسلام بفکر راحت و تهیه قصور نگردند زیرا آنها ثیکه برای سعادت خلق کار میکنند در طلب مردم جا دارند - آقای موصوف میفرسند که مبادا محمودی هم مانند اکثریت مردم باز بفکر اثاث البیت لوکس - موتر لوکس و اسهام بانك افتاده و از بین بروند - (ندا مخلق امید میکند که محمودی از راه راست نگفته و گمراه نشود) آقای اروز مندبنام " وکیل کل " مکتب تجارتمی مینویسند که در حالیکه طالبها فقط دوسه کتاب انگلیسی را خوانده و تازه بفظ آن آشنا شده اند... وزارت معارف چند مضمون سلکی شام را بر زبان انگلیسی تدریس مینماید - شاغلی وکیل کل از غایه وزارت معارف درین مورد سوال کرده و عطف توجه شانرا درخواست نموده اند (آقای وکیل کل مکاتب ما شین بیسواد سازی است - و راه بیسواد ساختن همین است .)

کذا شاغلی غلام سخی خان چوب فروش بعد الهاب و تبریک مینویسند که یکمده ما مورین در اثر عرض و داد اهالی یا در اثر تفتیش و اثبات جرم تعطیل ملازمت شده و لی پس از سیری شدن دوره جزادو باره بهمان وزارت مرصوبه بعین رتبه مشور و یا جواز حاصل نموده و بمعادل رتبه خود جای دیگری کار میکنند - اما بر عکس ما مور دیگری که در اثر عدم سازگاری محیط و ماحول - فشار آمرخوف ساختن دام و دسیسه و غیره عللی که نمیتوان آنرا به جوت شرج داد بی آنکه در همه عمر اخطاری دیده و یا جرمی کرده باشد مجبور باستعفا شده و قانوناً از مقام پس از طی یکسال بر طرفی بیکرتبه بائینتند و باره - ما موریت نماید - (ندا خلق از دارالانتای شورای ملی تمنا میکند که برای این درد یزرگ ما مورین راه حل قانونی توسط و کلا جستجو نماید) ×

خبرهای آژانس رد لنگه از شفاخانه مستورات که برای

تمام امراض گوناگون و دوازده ملیون نفوس مملکت فقط یکصد و شصت بستره دارد غیر مید هندکه موسس صرفینسو متخصص جراحی برای سه ماه باستناد حرار داد خودرضتی رفته اند و دیگر کدام جراح قابل اعتبار در آنجا وجود ندارد - (نداء خلق بهمضمو طئان گرامی انتباه میدهد که تاوایس آمدن متخصص جراحی یکدام مرض جراحی طلب د چار نشو ندورنه)

میگویند نماینده یونسکو در وزارت معارف نظر با اینکه برابورهای او توجیهی نشده و اکثر بیجواب میماند به تنگ آمده و ممکن است بزودی از یونسکو تقاضا نماید تا نامبرده را از بلای توصیه های بیسود و رایورهای بی اثر نجات دهند .

میگویند مکاتب ابتدائی - عالی و لیلیه های مرکز و ولایات نظر به بوره شدن نیت شان دیگر طلبه نمسی پذیرند - چنانچه حرار را بوزیر نگار شخصی ما روز ۲۱ حمل یک آمر رسمی وزارت معارف بتقاضای رسمی یک نفر از برادران مشرفی ما جواب رد داده است - (ما هم از وزارت معارف تقاضا مینمائیم که پیش ازین طلبه قبول نکنند زیرا با سواد شدن ملت و ازدیاد طلبه بدرد سر شایمی افزایش)

میگویند یکصد دستان جاده میوند مقصد نفر او لیا ی اطفال عریضه داده ولی نظر به مشکلات پولی روزنتون نمیتواند بیشتر از دو صد طفل را قبول کند - (گرفتن اطفال زیاد غلط است باید بگذارند که اطفال در سرک های پر گرد و غبار و کوجه های متعفن بازی کرده و زیر موتر و گادی از بین بروند تا همه از درد سر نجات یابند) میگویند که با ستناد خبر سابقه آژانس دلنگ در مورد استحقاقی شاعلی رئیس زراعت مقامات صالحه خاموش مانده ولی خبر استحقاقی شاعلی وزیر ما لیه موجب تاثر وزیر موصوف گردیده و بیخبری کامل خود را اظهار نموده اند .

از حاشیه قاموس ملا نصر الدین کتب معارف - رموز و اسراریکه نه معلم بدانند و نه متعلم (خصوصا در ابتدائیه و متوسطه) غیوت - فشار و زیر دستی با زیر دستان . کوریا - حخته - امتحان اسلحه و تمرین هوا بر اخصاص

اتصکات : شاعلی غلام حضرت خان کوشان

اینهم يك كلاه با زی

میگویند اطلاق تجارت کابل پیشنها دی کرده و خواسته اند استصمال کلاه قره قلی در بین ما ترک شده و آنرا هم در جمله پوستهای تجارتمی بخارج بفرشند و از حاصلات اسما برین بما کرتیهای لیلای و بیوا من بینه بر خارجی یا اینکه چند بوتل اودو کلون و چند بارناریسی و تاس آوند و با زهم تا بت کنند که قر ما یس آن قبل از تصویرب لایحه منع اشپای لو کس داده شده - این است فکری که برای رفع هلت اسما ر خارجا بران میگردد - ما شاله تشویش ما ازین نیست که چرا چنین پیشنها دی کرده اند بلکه قابل اند یشه این است که آنرا تصویربیم خواهند کرد و با اساس ان یگانه صیفه ملیت ماکه در سر و بر ما باقی مانده از ما گرفته خواهد شد - بفر ما یشه ببینید

از جمله تمام کما نیکه پوستهای (۱۵۰۰) افغانیگی را کلاه میسازند کیبا اندر مدارک خرید ان کلاهها از کجا شده .. بیچاره رجبان يك پوست صد افغانیگی را سه سال میپوشد و .. پوستهای صادره مافلا در بازارهای دنیا مصرف شده و آنرا بنام افغان سکن هم میشناسند و حتی استصمال پوست قره قلی بحیث کلاه یکی از ارکان ملیت ما شناخته شده .. اینکه اسما صادره آن چه میشود و چرا کفایت نمیکند زیر کلاه افغانیگی و جبان بیچاره نیست .. باید انرا در کدام جای دیگر با لید - میگویند قیمت این پوستها نیکه در داخل کلاه میسازند به ملیرنها دالر بالغ خواهد شد (؟) قهلا درست نخواهد بود .. ملیونها دالر .. رجب خان بیچاره و اینقدر کلاه بازی .. از روی یک لحاشیه تشریحی هم اگر بگیریم قیمت تمام پوستهای که در داخل کلاه ساخته میشود از دو ملیون افغانی زیاد تر نخواهد شد .. آیا لازم است که این (تواید محسوس) را از سر غریب و بیچاره جبران کردیا اینکه از جمله فرمایش موترهای کریز لرو یکا رد (هتقاد هزا افغانیگی) ۲۰ ۳۰ آنرا کم نمود ؟؟ ما از پوشیدن کلاه شاپرو کاست بد نمیبریم اما شتر میگوید کجا یم راست است که کلاه شاپو باشد .. کاست و جبن جور نمی آیند اما شالکی و کلاه قره قل یکجا پوشیده شده میتواند شیو هم از خود ارشن و درشن میخواهد .. با بیزار اوگی و پوستد بینه شی هو کلاه قره قلی بیچاره و ما مردم .. لطفلا اگر ضیل دارید یا زیاد اسما ر خارجا کفک کرده یا شده یک چندی جبر کتهای ۱۵ هزار افغانیگی نیارید بجهار وایشی ساخت مدنی قناعت کنید و این معقولتر ترک کلاه پوست

ادبیات :

شاغلی خیری

زندگی همین عدل است
 ای بشر! عدل است و حق خواهی سعادتمندیت
 وای اگر جز حق بود سرمایه دل بندیت
 حق تلف کردن نباشد جز که با حق دشمنی
 دشمنی با حق نباشد جز که از امر یعنی
 دشمنی با حق چنان ممکن بود در بندگی
 جز که با خود دشمنی وانگاه بخود شر مندگی
 ای بشر! گردشمنی با خود نمیخواهی نمود
 پس ممکن حق دشمنی کز وی نخواهی دید سود
 ای بشر! بیجا شرمایل زوال خویشتن
 از ستمگاری مکن زایل جلال خویشتن
 آنچه نیستندی بشود چون می پسندی با کسان؟
 با کسان میسند بد - تا باشدت حق مستعان
 تا کی استعمار منوعان شماری خیر خویش؟

گیرم ارگشتی هوی - آخر نخواهی شد پریش؟
 میتوان گیتی بکام خویش تنها یا فتن؟
 خویشتن را با خدا انباز و مستیا یا فتن؟
 میتوانی نفی غیر خویش کردن در جهان؟
 میتوان گشتن عدو با خالق کون و مکان؟
 پس چه سود از بی سبب آزدن خلق خدا
 پس چه سود از همتی کز راه ظلم آید ترا
 از چه رو خود را نمیخواهی هوی گشتن بعدل
 تا خدا و خلق باشد یا ورت از روی فضل

تا به ترین خیرهای شب :

آوا نبرد لغات اطلاع میدد که مقامات خبیر - خیر
 خواه و دور اندیش دولت از مدتی با بیطرف با بین
 فکر اند که برای حفظ شان - شرافت و مصونیت
 و عدم مسئولیت رئیس دولت و تا میسن بیطرفی
 دولت در امور اجزایه بساطت کا بینه موجوده را
 جدید و کا بینه جدیدی از اعضا صالح شورای ملی تشکیل نم
 اما



انگار - محمودی بیاد چه خیال داری ؟

محمودی - چه کنیم رفیق میفهمی که مقدم مبارزه برای
 تشکیل حکومت خلق برای نجات مردم از بدبختیست .
 انگار - خیی موه چکته که مام دمی فکر و خیال هستم -
 (آقای غبار میفرمایند که من از سالها پیش فکر پیوده
 و لذا دست خود را برای این اتحاد دراز کرده اند -)
 (اثر حریف تجوی)

بقیه راه نجات و چاره درد ما چیست؟

و بدست خود بر بنیاد هستی خود تیشه زنیم - پس اگر ما
 با اساس حزبی و کلاسه یا تا موسس و نماینده حقیقی خود را
 انتخاب و باین صورت شورای ملی و کا بینه را بدست
 خود گرفته و یک حکومت صحیح و مسئول در مقابل خلق را
 تشکیل نمائیم پس همه درد های ما علاج شده و راه حقیقی
 نجات خرید را پیدا خواهیم نمود - این امر حق اساسی
 و مشروع ملت ما برده و شما شواهد آنرا در شب از رادیو
 های خود شنیده و از سقوط کا بینه ها و تشکیل کا بینه
 جدید از و کلاسه شورای ملی و اخذ رای اعتماد از مجلس -
 شورا - تشریفات از سراسر گیتی می شنوید - این است راه
 نجات و چاره همه درد های ملت . (محمودی)

شرح اشتراك

کا بیل : ۴۰ افغانی ما لانته
 ولایات : ۴۵ در در
 خارج : ۵۰ دالر در
 قیمت يك شماره : ۵۰ ببول

تلمبه : گفتار شخصی ندا • خلق - کا بیل

نقد خلق

صاحب امتیاز
دکتر عبدالرحمن محمودی
مدیر مسئول
انجمن مدیر ولی احمد عطشانی
هر دو شنبه و پنجشنبه به پیشو
و فارسی نشر میشود

آدرس دفتر نشر
جاده * موبد - کابل
شماره تلفون
آدرس تلگرافی : " خلق "
تاسیس ۱۳ حمل ۱۳۳۰

ماه * ملی ادبی - اجتماع و نشاط

سال اول

شماره * ششم

پنجشنبه ۲۹ حمل ۱۳۳۰

شاغلی عبدالشکور خان الم

ایثار و فداکاری ضامن سعادت است

حقوق ما ... !

جنگ عربی دوم با آنکه ملیونها بشر را سیاه روزی بدبخ ساخت اما در ساحه سیاست بین المللی و حقوق بشر در چهار روز و یکدیگر پخشیده و افراد گیتی را زنده تر ساخت - در آن زمان بیرونی که هر شهید افتاد سال میر سید در یکی از دارالفنون نمای المان مشهور مشغول خدمت بوده و همچنان در درس و تعلیم بی ابروخ - در اثناش که خطابه میداد و جوانان به وقت کامل خطابه او را تمقیب میکردند به سینه رسان داخل اطاق خطابه گردیده و با کسی را که حواشی آن با خط سیاه محدود در گوشه آن خوشه گندم سیاه نقش سیاه روزی را در بر داشت و حاکی از مرگ جوانی بود که در میدان جنگ برای حفظ ناموس و وطن جان داده بود به بیرونی داد و برگشت - بیرونی با آنکه از ظواهر مملکت حقیقت را درک کرد ولی بی آنکه با آنکه در جیب خود نموده و بصورت هادی خطابه خود دوام داد - بعد از آنکه خطابه اختتم شد و میخواست از اطاق خارج شود یکی از متعلمین با او نزد یک شده و اظهار نمود که ای خیریت است بیرونی با آنکه از جیب خود خارج نموده ابرایز و کلر را از پین آن خارج کرد که در آن بخت خیلی نوشته شده بود * آقای مسوات بمقابل محاکم میباشد - حقوق شخصه را باز هم ... حمایت خود را برای حفظ ناموس و شرف ملت و مملکت ایثار نمود و ما برای شما حوصله و صبر خواستیم * بیرونی با خواندن مکتوب اشک ریخت و گفت - این پنجمن پسر من است که در راه دفاع از شرافت و ناموس قوم فدا میشود چهارم حریت نشر خیالات - حریت شخص که باعث امتیاز است اما اکنون باید اشک بریزم زیرا که فرزندی ندارم که برای دفاع از مین قرمان سازم - خودم هم پسر و نا توانم و توان بر داشتن سلاح را ندارم ... ای هموطنان گرامی این جمله را بکجهان روح مردی و مردی را در خود پختن باز دارد ما هم در تاریخ نویسان مثل بهار زنده ازین گونه نشناخته کارها داریم - مللی که امروز سعادت شان تامین شده و هر بقیه در صفحه ۴

فضل و امتیاز انسان از سایر مخلوقات پرحایه کلمه مبارک حق بوده و با طاعت و احترام حق شرایع مساویه امر اکید فرموده حق در معنی لغوی خود ملک را نامند و هر کس تجاوز را بدون اجازه مالکش مان نداشته و ندارد - علمای حقوق مجموع حق را بدو حصه تقسیم کرده اند * اول حقوق طبیعی دوم حقوق وضعی * اول (حقوق طبیعی * حق آزادی - حق حیات و تامین راحت و خور و سندی را مینامند که ایزد شمال بهر فرد اعطا فرموده * دوم) حقوق وضعی که بر دو حصه سیاسی و شخصه تقسیم شده - حقوق سیاسی امروز در ممالک عالم حق مشروع هر فرد است مثلا حق انتخاب - حق براقبت حکومت - حق عضویت در مجالس تقنین - حق وضع قانون و تصویب حق تمین مالیات که بعضی از آنها لزوماً و کمال مستحب - شان گذارده میشود - حقوق شخصه عبارت از حق آزادی افکار - حق آزادی شخص - آزادی عمل و کار و کسب آزادی تحریر - آزادی بیان - آزادی اجتماع با بنی نوع خود و حق مساوات بمقابل محاکم میباشد - حقوق شخصه را باز هم ... مبداء مساوات - مبداء حریت در مواد چهارگانه آتی حمل میشود اول حریت شخص دوم حریت مملکت - سوم حریت عمل آزادی را افاده میکند - حریت مملکت این است که هیچ فردی حق ندارد که در ملک مزبوطه و اسباب شخصه کسی که عثمان مقدراتش بدست صاحب آن باشد تجاوز کند - تمسک حق حریت مملکت در یک محیط نمایندگی ترقی آن است حریت بقیه در صفحه ۳

مکاتیب وارده :

مدیریت نشریات رادپو کاپل / به اساس خبر از اسردلخک رسماً اطلاع میدهئید که به پاس قدرشعاسی یک مشت پول برای تکفین و تدفین محمود خان طبله چی داده اند (ما از لطف شان تشکر نموده و از صحت خیر از اسردلخک متوتم) *

شاغلی غلام حضرت خان وکیل گاهماستقید ما راهرقاتون مطبوعات تو هین بقانون و ملک خواننده و از قانون مذکوره ستايش کرده اندای کاش شاغلی وکیل از نظریات متخصصین قانون و حقرق - خصوصاً سمرقانه مجله اقتصاد به قلم آقای محترم معصومی در مورد قانون مطبوعات آگاه من بودند تا بر ما خوردده گهروی تمکیدند - اساساً تقید برای اصلاح و ارتقاء جامعه بوده و اگر تقید را تو هین ملک و قانون و مانستند شاغلی وکیل حکم تکفیر صادر میگردند - امروز در همه گیتی یک قانون صالح بر جود نی آمد (تا جائیکه اداره اطلاع دارد محمودی در روز تصویر قانون مذکور هم تقید خویش را اظهار کرده) * شاغلی خواجه خیر محمد خان مشکین از شاه شهیدعلیه الرحمه میتو بستند که شرکت سرویس بحال اطفال - محصوم و ماهورین فقیر کارته شاه شهیدتقدی نبوده ویک دو سرویس را هم بهانظرف بکار اندازند *

شاغلی م اصغر خان غریب با اشاره به مضمون آقای آینه در شماره دوم نداء خلق - از مردم رجا میکنند که اگر کارکنان حکومت غم نان و آب و برق و خانه مردم را سد ابرند و بجز در مرکز در هیچ جای صحت وجود ندارد باید اشخاص ملی سرمایه های شخصی خود را باهمین امور خیره وقف نمایند (فکر مادرین امور مفاد بزرگی است کاشیرو لداران ملتفت شوند) *

تاریک ترین خبر های شب

انوائس دلخک اطلاع میدهد که در اثر وجود آمدن سه جرمیده ازاد ملی با اجازه رسمی دولت و نشرات انها مطابق با اساسات حق و دیمو کراسی و عدم حمله برافراد باز هم عده که سهر دیمو کراسی در مملکت مفاد شخصی انها را تهدید میکنند در صدد اند افراد قهائل و بیادب محض از حضرات ملا صاحبان راهبرسانی که با شد بگردن کارکنان روزنامه هاننداخته و باین صورت هرج و مرج

شاغلی دپل انترنیشنل

یک نفر موتران داد میخواستند

بعد القاب - بنده یک فرد از طبقات خیلی غریب این مملکت میباشد - چون نامه ملی ندا خلق آینه آرزو ها و تمسکات سایر افراد وطن و با لخاصه اشخاص همچو من است میخواهم باین وسیله در دل خویش را بشما بنگارم تا اگر لازم دانستید به نشر ان اقدام خواهید فرمود - مشغولیت بنده در ایوری و با بهمارت ساده تر موتر رانی است - دلرای هیچ سفر عایله میباشد - تنها وسیله - ممشق همین مماش موتر رانی میباشد و بس - تصور نکند که موتران عایدت خیلی زیاد دارند و از هر خصص گذاره اثر بدرستی خواهد شد (و شاید هم درست باشد) اما ان اشخاص میتوانند بجای هائی مانند نقلیات دولتی - شرکت سرویس و غیره متوک شوند که دلرای واسطه با رسوخ بوده و با مملتی بطور شوق دهند و خود را چهره کنند اما بنده سه واسطه با رسوخ دارم و نه حبه و دیناری بنسب مدت عیب تزکری سرگردان شدم - شبها نا تنه با عایله خود بسر برم - بهر دری سر زدم و بد بختانه جواب منفی شنیدم - بالاخره بعد از تجسس فراوان بشر که اهاک یا صد عجز و نیاز و آه و زاری داخل توکری گردیده و کارم رسانیدن سنگه و جوب و غیره مصالح تعمیراتی بود - دانستند من چند نفر دیگر نیز در آنجا توکری بودند از بخت بد بنده شرکت مذکور چار ماهه معاش در ایوران را معطل نموده - بندان و فرهاد ما گو شرداده و در نتیجه انس قدر بهریشان گردیده ام که نمیتوان انرا شرح داد - بعد از عرض و داد زیاد رئیس صاحب شرکت تنزل نموده و بسلام ماسری جستهائید و با یک عالم قهر و غضب بفرمود که چون موترها را بنسب به خرابی بترزه ها مدتی بکار مانده لهذا نمیتوانیم که معاش شمار بترزه دهیم سه ماهه معاش را بدست ما داده و یک ماهه معاش در قیمت بترزه ها داده بشود - معلوم است که بترزه هر ماهین بعد از استعمال زیاد خراب میشود و موتران ضامن خراب شدن موتر نیستند - داد و فرهاد زدم - حقیر کردم - جودی توکری و اخیراً فرمودند بفرمودند دستتان ازاد من بول مفت بکسی داده نمیتوانم و با استعمال چند کلمه * برج تولید و دوله صحابه را با ان افسانچیز نشان دهند اما باید * (الراضی بامر اله)

شاغلی سید احمد شاه هاشمی

مجادله ارتجاع و تجدید

شاغلی عبد الحمید خان یوسف زی

و حسد علی

تغیر و تحول ناموس جهان افریدن است - هیچ چیزی در گیتی وجود ندارد که ازین سنست سر بتابد - گمان نکند که اسمائی از آغاز پیدایش خود بهمین صورت بوده و همیشه بطور خواهد ماند - گمان نکند قطعه ارباب از روز نخست همین طور آباد و معمور - با شان و شکوه - سبز و خرم بوده - بل وقتی را طی کرده که صفحه اثرا آب و یخ پوشانند و جز به حال چیزی نبود - ازین تحولات محسوس و بعضی نامرئی میباشد آنچه مشهور است طبعاً در طول زندگی ما حادث گردیده و قابل رویت است - اما آنچه غیر محسوس است یا از حوزه زندگی ما خارج بوده و با طوری یکصدی و درنگ حادث میگردد که طول زندگی ما برای درک اثر بارز آن کفایت نمیکند - و یا چنان دقیق است که ما آن را ندیده - نمیتوانیم - انسان که جزو جهان افرین است هم باین قانون محکوم بوده و مرا حل مختلفی را طی میکند مثل تحول در جسم - قوت - عقل -

جسارت - اخلاق - سبیه و بالاخر تحول در کلیه مظاهر باطنی و ظاهری - مادی و معدوی - چون اجتماع از افراد متشکل است فلذا جامعه نیز باین تحولات معروض بوده و بحکم ناموس طبیعت مانند افراد جوامع نیز تولید شده بود - جوان شده - پخته گشته - پیر شده و اخیراً معمور - پس این تحول رنگ و ماهیت و شکل را تجدید میماند و جوامع بشری را باین جهت از یک توقف مقدار محتاج به تجدیدند زیرا در قانون افرینش و طبیعت سکون مطلق وجود قطعش وجود ندارد - این سیر تکامل و مجادله بشری با قوای طبیعت و محیطه امر فطری است اما در سرشت انسان تقیض خاصه تجدید موجود است که ما اثر ارتجاع و

کهنه برستی مینامیم - این دو قوه در تمام مظاهر اجتماعی ما هم در تضاد و مجادله بوده و خواهد بود - هر وقتیکه دین - مذہب یا عقیده سیاسی و مفکوره علمی جدیدی بظهور رسد یا قوه ارتجاع پسندی و کهنه برستی و اطاعت کور کورانه اساطیر آبهائی مواجه و مجبور بجهارزه خویشی میگردد - همه ادیان سماوی مخصوصاً قرآن حمید اینگونه مردمان را محفل و کهنه برستی را شکوهرشود و وسخافت رای و عمل شایسته را اعلان میکند *

یگانگی عامل نجات و کلید سعادت قوم بوده و برام و از روی حقیقت هر فرد ملت است - از روزی که ملل غرب بفکر جهان کشائی و استعمار افتاده اند - بزرگترین سلاح شان تولید نفاق و پارچه پارچه ساختن قطعات زمین مثل آفریقا و امریکا و - مخصوصاً آنها بوده و ما هم این زهر جانکاه را از یک قرن پیش باینطرف دریغ نکرده ایم - تا ممکن بود که وسیله دیگری در مملکت کمر هساری چون افغانستان با مردمان سلحشور - و طبعاً خواه و فداکاران کاری از پیش برود - ولی سیاست شوم و فزونی و سیاست خوب کار گرفتند - هر گاه خواستند ما را بر روی هم افتادیم و داد و ستد و جدال بدادیم - پس ای هیو طغان گرامی! بخود آئید - نفاق شما و تجزیه شما بامهلبای پشتون - تاجک - اوزبک - هزاره غایب دشمنان شما است - اگر مصادیق خود و وطن خود را طالبید و متحد شوید و در مقابل هر تجاوز همچو مشت آهنینی باشید *

عقیده حترق ما
عمل تمسین کسب ازاد بوده و حریت تشریحاً لا عبارت از ازادی در تخریر اجتماع است - یعنی هر فرد حق دارد روز و مفکوره خود را ازادانه تشریح در زیر هر مفکوره سیاسی بخواهد ازادانه جمع شود و ازادانه از حقوق خود دفاع بکند - مظلوم تنقید نماید - مصادیق مساوات که تفریق بین فقرو غنی و غیره امتیازات بین مذتبط را باستثنای خدمات امتیازات و فداکاری را محو سازد - در خاتمه ازادانه مستقل مظهر حیات زهرا در قانون افرینش و طبیعت سکون مطلق وجود قطعش وجود ندارد - این سیر تکامل و مجادله بشری با قوای طبیعت و محیطه امر فطری است اما در سرشت انسان تقیض خاصه تجدید موجود است که ما اثر ارتجاع و

کشف و بیدار شدن (لست) *
قرار خیر آژانس دلخک وزارت معارف بکشف و بیدار شدن برای تریچه موفق شده و جدا امر کرده است که در تمام مکاتب متوسطه و ابتدائیه به بیدار و وسیع استعمال شود - (ما از بزرگواران تجار میگیریم که باین انسانیت این کشف بزرگ را خریداری و در همه دنیا استعمال نماید *

بقیه سر مقاله

راحت و آسایش دارد در سا به تخمین خداکاری عاست و
سای قوم عزیز شما مرکز و منبع همه قوت خدا و قدرت های
مادی و معنوی بوده و همه چیز از شما ساخته شده می
تواند - ایما نمیتواند که با همه یک پیر مرد همسری
کرده - مفاد و مرام شخصی خود را پس پا زده و تمام مصلحتی
مادی و معنوی خود را برای خدمت مملکت و ممالک ایشان نماید؟ رفته اند

به یقین بدانید ما و شما چند روزه بوده ولی ملت
مملکت و نسل و نژاد ما هر طولانی دارند - ما و شما -
امروز و فردا مسئول همه بد بختی های خاک بوده و -
مبارزه برای حقوق و حفظ نوا پس آن فو غنی همه ما و شما
است - امروز چشم یک ملت فقیر و پر رفته - چشم بیسوی
زن و بچم - چشم آنها تنگه سویی * شان از حیوانات پست
تر است بیسوی ما و شما بوده و پدران فقیر و محتاج ما که با

تمام جان کنهها و عرق ریزهها در اخیر مملکت و فاقه د
و گریهها بوده و بمشکل کفن می بلند از تهر بیسوی ما نگران موافق نموده - جا نب دار جوانها در تسهیلات از نوا چند
بوده و سر دقت ماراته مید و تشویق می نمایند - که برای
دفاع از حقوق مشروع قوم و حفظ نوا پس مملکت و ارتقاء و
عمران خاک خوش اینثار و فدا کاری نمائیم - سعادت
و شرف - راحت و عزت خورد و بزرگ ما همین خاک مریوط
بوده و لذت فرخی ما است که برای منافع خاک و منافع جا مده
خود مبارزه و جان نثاری نمائیم * (عطا نی)

همان که راحت کنیم :
وقت صداقت رسد تو زور شوست کنیم
راستی از مردمان دیده قناعت کنیم
جنبه ما غالب است حاشی پیر گرشه *
یکی و دو سال دیگر بحیله راحت کنیم
بهر رفیقان اگر مرض کم از صفا
تو که صفاها را ارض خفا نه کنیم
تلخ و ترش میشود رفیق از راستی
میگد که دیرانده همان که راحت کنیم
صدق و صفا یعنی چه راستی اندر کجا؟
از سخن این وان ترک سعادت کنیم
قول یکی حاصل کجاست و لائق کنست
بهروشگر شدن چرا حماقت کنیم
طالب بد دگر شد ربه و چو کی رسید
بیا بگیریم پول چرا شکایت کنیم
مقومت زور و پول پارتی خو پیشرا
بناز و معقول و خوش بلی حمایت کنیم

شاغلی مختار زاده

پیشنهاد خلق

ای بسا جوانهای آراسته که از عدم استطاعت یا تنگت
تصر - باغ - ورتو غیره یا لا خرم جو به خود را با چشمهای
گرهان در حجله افشار یافته اند و دخترانی هم در اثر
جفای پدر طماع از پاران گزیده - جدا و زنده در گور
مادی و معنوی خود را برای خدمت مملکت و ممالک ایشان نمایند؟ رفته اند

پدر و مادر دختر های جوان بر رواج یک پیکر - چو محسبگر -
بازار گران می فرو شدند * * * مقررات شرع انور - فوضیه *
مقامت و گفتار مردان خیر خواه اهدا تسفونی در آنها دارد
عده جوانهای مجرد و دو شیطان بی شهور و از ایشراست
نظر بهای و در خراست دختر داران همانا چیزی ها می است
که انسان را از داماد شدن توبه مید هد *

رو حائون گرام الهته با چنین او ضاع پدر هسا
بر ضد این خرافات و احیاف هرگاه جوانها اتحادیه تشکیل
دهند - در مقابل موانع خلاف تهذیب و دین که در راه
زنا شویی استوار شده - مبارزه نمایند و در مورد ازدواج
ها * * * دستگاه و لیس و تحقیقات بصورت آبروفشا نه
از طرف علماء اعلام بر پا باشد - ایما برین فساد پیشرو که
جامعه مرفه است و با خیر * * * آتیا عدالت اجتماعی و -

نخواستند سید ظهیر الدین تعلیمات خدا و پیغمبر مستلزم آن نیست * * *
خوبه است پدر و مادر دختران نامزدی برای دختر شان
بترا شدند * * * یکی اگر ترسید دیگری رسد *

شرح اشعار

- کمال - ۴۰ اشغالی سالانه
 - ولا یات - ۴۵ زر زر
 - خارج - ۵ دالر زر
- قیمت یک شماره ۵۰ پول

مطمئن - گفتار شخصی دواء خلق - کابل

نظاره خلق

شماره هفتم

سال اول

تاریخ ۲ ثور ۱۳۳۰

موضوعیت و عدم مسئولیت رئیس دولت

واضح است که هر دولتی سعی میکند در نزد خلق و تاریخ مقام محترمی داشته و بر تاه زندگیتر سفینه و درخشان باشد اگر تاریخ محول سیاسی ممالک را در ادوار مختلفه ورق زنهـ احترام و منزلت هر دولت مربوط بحمایه او از حق --- قانون و بیطرفی کامل او در مقابل ارکان و اساسات سلطنت است --- از همین جا است که رئیس دولت و یا شاه در یک حکومت مشروطه و دیموکراسی قانونا مصون و غیر مسئول است --- چه رئیس دولت کاملا بیطرف بوده و به هیچ فرد و حزبی و دسته تمایل و یا دشمنی شخصی نداشته و خودش هم تابع قانون و مراتب اجرای قانون است --- فلذا از همه شر و شور اجتماع در مملکت بر کران و مصون میباشد --- برای اینکه رئیس دولت در قضایا بیطرف مانده بتواند --- قانون اساسی مال تصریح میکند که افراد خاندان شاه نمیتوانند در کابینه شامل شده و مسئولیت اجرائیه را بدوش بگیرند --- طبعا درین نگاه یک راز مهمی نهفته است --- چه در صورت شمول رسو بین رئیس دولت در امور مهمه آن وقت بحکم فطرت رئیس دولت بیطرف نموده و لذا و وظیفه بر اقامت قانون و حمایت از حقوق خلق و تساوی افراد در مقابل محاکم دولت از همین رفته و در نتیجه بار همه مسئولیت ها امروز فردا بر رئیس دولت تحمیل و عدم مسئولیت مقام دولت تابعین شده و در نظام عربی اختلال پیدا میشود --- برای حل این معضله هم چاره اساسی و قانونی سنجیده اند --- هر روی این اصل در انظار ممالک مشروطه در مقابل مجلس عوام که از نماینده گان حقیقی خلق تشکیل شده است --- مجلس شورای دیگری بنام مجلس اعیان تشکیل داده اند --- مجلس اعیان عموما دو نوع اعضای انتخابی و انتصابی داشته و در برابر هر حزب و سواست پیوسته و مشغول در میدان از مابین فواید و زیروز شو وند و ما لاخره در برابر هر تجاوز --- خطی --- ظلم اجحاف --- خدعه --- خیانت --- ربه و تا جو انفرادی مقاومت و جان بازی نمایند و مردوار سبک را سهر سازند --- اکنون هم

شاغلی رحیم غفوری

آیا میتوان انکسار نمود ؟؟؟

مقام محترمی داشته و بر تاه زندگیتر سفینه و درخشان باشد اگر تاریخ محول سیاسی ممالک را در ادوار مختلفه ورق زنهـ احترام و منزلت هر دولت مربوط بحمایه او از حق --- قانون و بیطرفی کامل او در مقابل ارکان و اساسات سلطنت است --- از همین جا است که رئیس دولت و یا شاه در یک حکومت مشروطه و دیموکراسی قانونا مصون و غیر مسئول است --- چه رئیس دولت کاملا بیطرف بوده و به هیچ فرد و حزبی و دسته تمایل و یا دشمنی شخصی نداشته و خودش هم تابع قانون و مراتب اجرای قانون است --- فلذا از همه شر و شور اجتماع در مملکت بر کران و مصون میباشد --- برای اینکه رئیس دولت در قضایا بیطرف مانده بتواند --- قانون اساسی مال تصریح میکند که افراد خاندان شاه نمیتوانند در کابینه شامل شده و مسئولیت اجرائیه را بدوش بگیرند --- طبعا درین نگاه یک راز مهمی نهفته است --- چه در صورت شمول رسو بین رئیس دولت در امور مهمه آن وقت بحکم فطرت رئیس دولت بیطرف نموده و لذا و وظیفه بر اقامت قانون و حمایت از حقوق خلق و تساوی افراد در مقابل محاکم دولت از همین رفته و در نتیجه بار همه مسئولیت ها امروز فردا بر رئیس دولت تحمیل و عدم مسئولیت مقام دولت تابعین شده و در نظام عربی اختلال پیدا میشود --- برای حل این معضله هم چاره اساسی و قانونی سنجیده اند --- هر روی این اصل در انظار ممالک مشروطه در مقابل مجلس عوام که از نماینده گان حقیقی خلق تشکیل شده است --- مجلس شورای دیگری بنام مجلس اعیان تشکیل داده اند --- مجلس اعیان عموما دو نوع اعضای انتخابی و انتصابی داشته و در برابر هر حزب و سواست پیوسته و مشغول در میدان از مابین فواید و زیروز شو وند و ما لاخره در برابر هر تجاوز --- خطی --- ظلم اجحاف --- خدعه --- خیانت --- ربه و تا جو انفرادی مقاومت و جان بازی نمایند و مردوار سبک را سهر سازند --- اکنون هم

شاغلی عطاشی

نویسنده غلام حضرت وکیل کلبیسا

در ستاد در صدان است که باری عکس خود را بنام
 قهر مان تقلاب و غریبکاری سبز و سرخ در يك صفحه روزنامه
 به بزرگواری پر دای ما میان چاپ کند و یا اقلا نمره تیلفون
 خود را بحروف درشت (۳۱) اعلان نماید اما تو که روادار —
 هستی گران بار باشم از اصل نام بنده بمصدق مقاله "عنوانهای"
 شاغلی سلجوقی حروف زاید را هم کم ساختی... راستی "آئینه"
 و آئینه همان است که بود... ولی هوشت باشد که از پهلوی
 کدام — ص را کم کنی و یا اگر اتفاق افتاد از اشخاص نام
 مبری... البته هر قسمت اجتماعی اندازه ایثار و خدمت و مقام
 علی و فضایل دیگرش که بدرد نی خورده که مخصوص سر مایه
 املاک و حجم و جسامت آنها بگردند بواهر اشخاص معمولی صرف
 شان و کالا به نماید لازم است در نظرت باشد... در شماره ۱۰ را
 ۳۰ نده خلق از قانون اساسی و منع بیگاری طبق یکی از مواد آن
 گمپ زده بودید... من هم بخود اجازه داده... خود...؟؟
 باز معترض دیگر... خدا... علاوه اقبال را مقفرت کند... او
 تویم که ندای خلق و مثال آن تواند ستند در پرتو آن افکار گفته
 خود راهبر رنگ و صفت که دل شان بخواند جلوه دهند
 این قانون دیری نمیگذرد که مورد ستایش و تقدیر اغلب —
 نویسنده گان و گویندگان وطن قرار یافته و در بزایهای
 آن مقاله بنا نوشته بودند و هنوز آن گفته ها و استدلالها
 و ستایشها در فضای مطبوعات ماطمین انداز است... به
 عقیده من تو همین بقانون تو همین بدجلس مقلد و تو همین
 مجلس تو همین مملکت است... زیرا قانون دستاویز ملی میباشد... نامه های موضوعه توقیف و مجازات نمیشود... (الا آخر)

(اگر چه در شماره ۱۰ ششم تدری ازین مکتوب داده بودیم
 اما در اثر تقاضای دو ستانه ۱۰ شاغلی رئیس مطبوعات
 اصل مکتوب را اینک نشر نمیشم)
 تو همین بقانون تو همین مشورا و تو همین مشورا و همین
 مملکت است

شماره اول جریده نده خلق را خواندم و به یاد ایمن
 مثل معروف افغانی افتادم که در کودکی شنیده بودم
 زه د مری ژارم — تم بی خولی پوری خاندی
 ز برادرین شماره نوشته بود قانون مطبوعات میراث ظلم و یاز
 مانده... استبداد و مال ارتجاع است!

من بسیار متاثر شدم از يك جریده که خود رانده خلق
 معرفی کرده و ادعا دارد که آواز ملت است چنین چیزی —
 شنیده شود که در آن تو همین صریح بقانون باشد آنها هم
 قانون مطبوعات که خود مبداء بوجود آمدن این همه روزنامه
 ها و نگارش ها گردیده... قانون مطبوعات یعنی همان وثیقه
 خود راهبر رنگ و صفت که دل شان بخواند جلوه دهند
 این قانون دیری نمیگذرد که مورد ستایش و تقدیر اغلب —
 نویسنده گان و گویندگان وطن قرار یافته و در بزایهای
 آن مقاله بنا نوشته بودند و هنوز آن گفته ها و استدلالها
 و ستایشها در فضای مطبوعات ماطمین انداز است... به
 عقیده من تو همین بقانون تو همین بدجلس مقلد و تو همین
 مجلس تو همین مملکت است... زیرا قانون دستاویز ملی میباشد... نامه های موضوعه توقیف و مجازات نمیشود... (الا آخر)

ماده ۱۹ قید درجده است (ششگجه و دیگر انواع زجر تماما
 به توف است و خارج احکام شرع شریف و اصولنامه های دولت
 برای هیچکس مجازات داده نمیشود) آیا اشخاص متهم و یا
 محمودی نیز درین قانون بحیث وکیل شهر کابل موافقت درجده تحت اشتباه و یا مجرم و جانی و ملزم قبل از فیصله محاکم و
 علاوه بر جناب ایشان یکصد و هشتاد تن که همه دانستند محکومیت اصولی مجرم از درجه آن بتوقیف و باز داشت نماید
 اووکلای ملت و به اصطلاح ندای خلق — نماینده گان
 خلقتند آنها تصویب نموده... آنها تصدیق یک قضاة یک جاو
 تردید آن جای دیگر از روی منطقی و عقل تعاقبش نمس ؟
 آنها تو همین قوا نمس قانون شکنی محسوب نمیشود ؟
 آنها در وقت واحد قانونی را تصویب نمودن و خود همان قانون
 را تبیح کردن مستلزم تولید اختلاف و در نتیجه نمیشود ؟
 من که یکی از نماینده گان ملت... در حق افغانی و خدای را
 افکار و نظریات خود را در مورد قانون مطبوعات و نمره مکتوب صاحب روزنامه از آنجا

ماده ۱۹ قید درجده است (ششگجه و دیگر انواع زجر تماما
 به توف است و خارج احکام شرع شریف و اصولنامه های دولت
 برای هیچکس مجازات داده نمیشود) آیا اشخاص متهم و یا
 محمودی نیز درین قانون بحیث وکیل شهر کابل موافقت درجده تحت اشتباه و یا مجرم و جانی و ملزم قبل از فیصله محاکم و
 علاوه بر جناب ایشان یکصد و هشتاد تن که همه دانستند محکومیت اصولی مجرم از درجه آن بتوقیف و باز داشت نماید
 اووکلای ملت و به اصطلاح ندای خلق — نماینده گان
 خلقتند آنها تصویب نموده... آنها تصدیق یک قضاة یک جاو
 تردید آن جای دیگر از روی منطقی و عقل تعاقبش نمس ؟
 آنها تو همین قوا نمس قانون شکنی محسوب نمیشود ؟
 آنها در وقت واحد قانونی را تصویب نمودن و خود همان قانون
 را تبیح کردن مستلزم تولید اختلاف و در نتیجه نمیشود ؟
 من که یکی از نماینده گان ملت... در حق افغانی و خدای را
 افکار و نظریات خود را در مورد قانون مطبوعات و نمره مکتوب صاحب روزنامه از آنجا

اقتباس حافظی

از کتابچه یاد داشت رجب خان

یارها علی و بن پرده گفتد امان هم میگویی ...
اگر ازین هر سندی تو گفته ای میگویی آری من گفته ام ...
ولی آنچه من اکنون میگویی نظیر گفته های سابقه نیست
اکنون اصرار دارم همه بشنوند و بدانند

لا کن این! ژانگفت و بخطا رفتم چه عر گوش نشوای نیست
در گوش یکی مایست سر سر کرد و در گوش دیگری فغان کشیدان دیگر از دست ماساخته نیست

اما این گران شویها؟! بهتر است نزد هر یک ازین هم
بروم و جلو میز شان زانو بزنم و با اشاراتی که میتوان به گنگ
هم افاده مرام و مطلب نمود ایشان را از چگونگی اجوائشان ساخت

گاه سازم آنها آتیه چگونگی اجوائ خود هنوز بی نبرده
اند؟ و آیا منتظر تبلیغ و یاد آوری من اند؟ شاید چنین باشد

بیشتر ازین باری خود را بنرفته آری کشتیده و بوی گفته بودم
" فلان مادون شما اهل کار نبوده و نیست ... چطور مابین
کرسی رسیده؟ و چرا بجز او یک نفر از اهل کار نمی آید"

در جواب من گفت: رجب احق ترا در پیشگاه من کی راه
داده؟ زود باشی خارج شو ...

لیک اکنون طوریکه حکومت دیمو کرات ما میا موقع داده میخواست
به پیشگاه آرمین محترم خود را بر ساقم و یا هر یک از چگونگی
اجوائ خود شان و مادران شان سخنی چند بمیان آرم

موقوفه که هر یک از ایشان به سخنان من گوش داده
قانع شود و یا دلایل قانع کننده بمیان آرند و اگر
باز هم مرا از خود رانده و در مقابلم براهین قاطع زور و ستم
را قایم ساختند مستحق باشند که دیر یا زود کشتی ستم
در بحر ظلم مضروب گشته و تاریخ خط سیاه درشتی را بر نام
شان خواهد کشید !!!

بقیه صفحه ۲ - ستون ۲

است بدون تطبیق و جواز شرح شریف و اصول دولت تمهیل استعدادهای از ازل و استیصال این مصائب و دردهای ما را
نداده است؟ و آیا آینده را ضمانت میکنید که بشود؟

با تذکر اینکه مقامات عالی و کارمندان و رئیس البته از قانون
اساسی رعایت و از موضوع استیضاح من خارج اند - در باره آری

امر و حکم و نفوذ پادشاهی که هر واحد ما را در حضور شان
گیر آمده ام و نیز باره خلق دیدن نهبها و یا شنیدن نهبها داشته
باشند و تو مستعدگان هم توجهی نبوده توضیحات و سرگشتگی
تحلیل فرمایند ... شاید اید آل بی الا همش ما اصلاحی بار

آورد ... بسف آینه

شاملی غ نهمان

زمره خلق

خلق میگویی دیگر تحمل عقب ماندن از کاروان تمدن بشوید را
ندارم زیرا اگر پیش ازین به تحمل آن تن در دهم تباخی -
فتا و امحاء ما را بار می آورد مردم بهم میگویی دیگر سنگی -

هر دهه کی ادبار فقر و مسکنت بحدی رسیده است که برداشت
در گوش یکی مایست سر سر کرد و در گوش دیگری فغان کشیدان دیگر از دست ماساخته نیست

اقتضای محیط و تحمل ما را بجای کشانده است که هرگاه
بروم و جلو میز شان زانو بزنم و با اشاراتی که میتوان به گنگ
هم افاده مرام و مطلب نمود ایشان را از چگونگی اجوائشان ساخت

ندارد تا از یکطرف تامین حیات مان را نبوده و اقتصاد ملیک را
روقی بخشید و از طرف دیگر بازار این همه شرور و مفاسد -

اجتماعی ما را کامد سازد مردم زمره میکند که عناصر
رشوت خوار و وظیفی واحدی حاصله هستی ما را یکیده اند که ما
سرو پناهی بخود نداریم ولی کاخ عیای سر بظلم کشیده اتان

در هر جا بقصر میکنیم و بقصر سفید شمری میکنیم
احساس مباحثات میکنیم دیگر یکده مایشاه و مقام بزرگ مسئولی او
یک مستشعیریم و ذات همما بونی آخر را مرکز وحدت ملی
می انگاریم - اما راضی نیستیم این عقیده پاک ماسو تمهیر

گردیده و چنان وانمود شود که تا وقتی یک فرد خاندان شاهی
بجایک باشد خلق بخود حق نمیدهد در امور دولتی سهم بگیرد

خلق می بیند که با مصاب بودنش مایا پدیده بد بختی ها و
مشکلات عدیده - حکومتی نعال - جدی - رحمت کفر - حق
شانس برایش ایجاب میشود - خلق نیک ملتفت است که حکومتی
واجد این مزایا تنها زمانی ایجاد گردیده میتواند که از خلق
برای خلق و توسط خلق انتخاب شود - خلق میگویی که اگر ما طوری

که هستیم مایم کاخ هستی ما نابود خواهد گشته - خلق ما
ایقان کامل اظهار میکند که حکومت حاضر ما اهل بیت و -

ندارد زیرا این حکومت امتحان خود را داده است و لزومی
ندارد و حتی دور از مصلحت است که آزوده باز آزما میسر
شود - زیرا برای ترقی ملیک تنها نیت نیک و لو موجود هم
باشد کفایت نکرده و بلکه اهل بیت - صداقت و کار دانی -

هم لازم است - پس ما از شاه دیمو کرات خود تمنا داریم
که برای صیانت ناموس مملکت و رخصتائی قوم پشاهراه -
دیمو کراسی امر بفرماید که کا پدیده - صالحی از
نما پدیده گان حقیقی - قوم تشکر -

گردد



بقیه سرمقاله

آنها استفاده و در مواقع لازمه از حقوق قانونی دولت مدافعند
 نمایند. باین صورت هم لعل بدست آید و هم پارتی نچند
 گو یا از یکطرف ملت توسط انتخابات آزاد و اساس یک قانون
 اساسی انتخابات. توسط نمایندگانی خوبین مجلس تقنینیه
 و گاه بینه را بدست گرفته و از طرف دیگر برای تامین موازنه
 در مملکت و دفاع از حقوق اقلیت غایب از اقلیت اساسی در انتخابات
 حزبی. مجلس اعیان تشکیل و بر همه قوانین و تصویبات
 شورایی تجدید نظر نموده و از جانب دیگر افراد متسویب
 بهخاندان سلطنتی مقامی در خور شان خود یافته. از آداب
 از نظریات دولت مدافع و در نتیجه بیطرفی مقام سلطنت و
 مصونیت و عدم مسئولیت رئیس دولت و پادشاه شخصی شاه
 تائید میگردد (محمودی)

بقیه آنها میتوان ۰۰۰

همین جوانان اند. جوانانیکه متکین آنها ایشان را اجزای
 همبل. دو رنگ. متظاهر. بهمه. تا توان و طالب چونکی
 میخوانند با قبول صد ها فداکاری و ایثار تحولات حیرت
 آوری را درین ظلمتکده پدید آورده و هنوز هم حاضر اند
 در میدان مبارزه بهترین امتحان شهادت برده باری بدین
 بولی آتاتیکه یا اینجه شواهد و حقایق و امتحان جوانان را
 حامل هیچ تحولی نبی شماره دو برورد و سهم بارز آنها
 ایقان ندارند. یا انهایی اند که بکلی فایده بصورت آرد و یا
 میدانند ولی تماهیل کرده و روحا توان ندارند و این متبع
 نور و قوت نظر افکنده و یا برای تسلی خود ابتکار ازین تیره را
 که در همه دنیا محور و مدار چرخ زنده گی بوده و در افغانستان
 هم حیات مملکت در هر رشته پیازی جوان انگار مدافعند

آزاد دلخک با کمال تأسف اطلاع میدهند که یکفسر
 مامور پو لیس و دو نفر ضابط ساعت دو بجبهه روز شماره
 شانزده نامه انگار را که هر روز یکشنبه اول ثور تشر شده بود
 از دست موزعین جمع و کد آنها را باقی باقیمانده نامه را که در
 اداره بود با ستفصل شماره مذکور ضبط و با استعلاهی آقای
 محترم انگار مدبر مسئول روزنامه را مامور پو لیس سمت جلب
 نمودند (علت و نتیجه تا کنون مجهول و این عمل مخالف ماده
 ۴۶ قانون مطبوعات است)
 از زا پیشگاه (ژیژتون) که برای چهار میلیون زمان مملکت
 ۱۲ بسته دارد خبر میدهند که دکتر منور خاتم پسرای
 دو ماه رخصتی رفته است (ما با کمال احترام از خانمهای
 محترمه تقاضای مینمائیم سعی نمایند که با هر دو فردی
 د چار نشووند و و نه ۰۰۰
 با استناد مورتوق خیر میدهند که وزارت معارف و پوهنتون
 در تقسیم طلبه بفرگانه ها مذاق محصلین را مد نظر گرفته
 و بلکه با جبر و اکراه برخلاف ذوق و استعداد شان آنها
 را بهشعباتی که بخواهند داخل میسازند ولی بازرهم اوامر
 فوق العاده و استثنائی نیز ۰۰۰ داده میشود.

میگویند که فاکولته دوا سازی که یکسال قبل تاسیس شده
 بود نظر بخدمت معالین سقوط کرد (انا لك و انا الیه راجعون)

ادبیات فریاد
 دامن صبر از کفم بیداد داد
 یارب از بیداد استبداد داد
 تا یکی باشد مقید ناله ام
 میژیم فریاد هر چه باد باد
 سخت در دام غرور ها جزم
 از تواضع هایت ای صیاد داد
 داده ای بیداد آلام بیداد
 ای ستمگر خانه ات پر باد باد
 ای فلک ای آسمان باری تشد
 از شما یک خاطر نا شان شد
 یارب از بند ملت وارسان
 انا که او را مادر شر آزاد
 ذوق هستی رفته از یاد دلداد بیداد صیاد دلم
 زندگی در خواب تنگین تا یکی نشه از زهر نکوتین تا یکی
 رونق بازار هر چه جوان بهر دور و نظیر و جلاتین تا یکی
 عینک برد تو اندر چشم ناز. مانند نو خلق و بدین تا یکی
 فارغ از گفتار بلخی تا بچند. معواشمار لا مارتین تا یکی
 " ماد موازل " گذشتن ز رخسار زخوبش. کشته. سابق بلورین تا یکی
 هر دم اندر زندگی گرم جدال
 ما بفکر خام و سودای محال

باید که... شخص نداء خلق... کابل

نداء خلق

شماره هشتم

سال اول

پنجشنبه ۵ ثور ۱۳۳۰

و ظهفه مطبوعات در يك مملكت!!!

در همه دنیا هدف روزنامه های ملی (یعنی انبساطیکه به بودجه دولت نشر نشده و از طرف خلق نشر میشود) عبارت از آگاه ساختن مردم بحقوق شان روشن ساختن جریان امور در مملکت - مبارزه برای احقاق حق خلق - تشویر افکار مردم و مبارزه با افکار شوم و مخالف منافع خلق و غیره است. مردم بتوحید سعی و عمل - نشر انکسازات افکار مردم در مورد سیاست حکومت - پلانیها و پروژه های آن - جرکات خلاف قانون مامورین - روشن ساختن مظالم و سیاه روزی - و جگر تکی امور در مملکت بوده و هر کس حق دارد ازادانه نظریات و عقاید خود را اظهار روزنامه ها افکار مردم را بیان کند و یا صرف پس از اصلاحات ادبی باید نشر نماید - در ممالکی که احزاب سیاسی موجود بوده روزنامه های حزبی هم در مملکت موجود و آنها افکار و نظریات و عوام حزب خود را در سطح سیاسی و اقتصادی - نشر و پر مرام و عقاید مخالفین خود انتقاد میکنند - او را قی مطبوعات ممالک را ورق بزنید - مثلا مجله مشهور عقیده و آرتیز و يك منشوره در امریکارا بخوانید - در هر شماره آن کاریکاتور های ترومن - ایژن هاوور و کلا و ووزرا را مطالعه و مشاهده کنید که نه تنها پر پلان و پروژه و سیاست حکومت ازادانه تنقید کرده و بلکه در تحت عنوان پیر میگر با از اسرار و پشت پرده حرف زدند و حتی واضحا بر اشکال صحبت و غریب و رئیس جمهور و سائر اشخاص برانزده مملکت اسماء شان را هم می زنند - کذا بصورت متقابل روزنامه ها و مجلات هر ملت کاریکاتور های زعمای دول مخالف خود را نیز نشر و آنها را پلانیها و سیاست شان را مسخره میکنند - اما در مملکت ما طوری که در همه ساحه های زنده گی فاقد همه چیز بوده و حتی از مستعمرات دیروزه انگلستان مثل هندو مستعمرات افریقائی آن هم پیراتب در ساحه اقتصادی -

شاغلی سمدالدین خان بهاء
 بهمنشهاد در ستانه بطرفداران وحدت ملی
 مرام یگانگی ملت و مخصوصا مخورین از همه گفتن ها و تر شدن ها فقط و فقط ایجاد يك منظوره سوچ دادن ندهد های توده بسوی همان يك سلسله اوزو ها می آست که تمام ان را جمله مقدمه (وحدت ملی) اختیار میکنند - برای اینکه به مرام ملی خود را پل شویم باید مواضع مدیده را که در جلو عزم و اراده خود داریم بر طرف و صاف و پیوسته کند. حرف بزنیم - ما بکساتیک استفاده خود را برهوط به پناشدن تخم نفاق و تفرقه دانسته و از حاصل ان استفاده میشود - سرو کاری نداریم - بلکه روی قلم ما بر طرف ان طبقه جوان و ملت در سنین است که دعوت ما را پذیرفته و یا يك قلب صاف برای این خدمت ملی حاضر میشود - در حالیکه همگی بگویم این بنای مقدس بوده و با تمام قوا و موجودیت مادی و معنوی خود پیش بسوی يك هدف مصون مجریم باید جزئی ترین اعمال و حرکات خود را بشوید و اولتر از همه باصلاح تواقص که ظهور قصدی و یا غیر شموری از قلم و زبان ما بروز میکند - تو چند تعامیم - یعنی فریضه مسلک ما ایجاب میکند که نسبت از همه به کسانی که با ما همعوا هستند باید بگوئیم که (چون در سلسله اسباب و موجبات تفرقه ملی امتیازات قومی و نژادی - برتبه اول عوامل ناگانی ما را فراهم و مساعی ما را در رسیدن به هدف عقیم می سازد - فلذا ما باید خود را ازین گروه لشرش های ملی پاک ساخته - از ان اعراض نمائیم) این لغزش بزرگه بمتقدمه بنده عبارت از وضع اسماء متخلصی و یا فانیلی یکدسته از رفقای ما مثل بهمندی - صافی - تره کی - داوی و امثال ان است که باید مقدم از همه این اسماء که شمیم نفاق و تفرقه از آنها احساس میشود بطور کلی ترک و اسماء فانیلی خالص انتخاب نمائیم - و کذا این را هم فرض ملی خود بدانیم که جدول کشان تذکره تفصیلی بقیه در صفحه ۲

شاغلی بناد میر

ترخونه ولی واز واز دی

به بازار کیشی خورا دیره گران دی - قصایان - دودی والا
 اووه والا همداسی نور نور دکانداران هر یو پخیل سر شوی
 او خانو ته مستقل گئی - د بلدی بی تر خفاو خوک بی داخله
 دی کوی - تر خفای بی دول او د بازار ترخونه بی دولدی
 چه هیچ ته مقایسه کیزی .
 که خوک د اغوهور تمبر محترک انوشه پتینه وکری چه روزره ولی
 غو تیر، یاو په غلور تیر او یا یاو په غلور خرغوی؟ په خواب
 کینی وایی چه زه غو پی ته لرم او که وی هم بی تا باعدی
 نه خرخرم - که په همدی قیمت رانهسی بته تریشه او کسه
 نه هیش .

همداسی دودی والا او نور نور دکانداران همدامنی -
 خوابونه وایی چه د دوی خوابونه د عقل او فکرسوه برابر نه
 راغی . اووه - غنم - سهو نه د خارج نخخه نه راغی
 تول دهمدی مملکت نخخه موجود بیژی - نو نخه و شراو کوبه تنگ
 ولویدله چه داسی گران همدا شوه - ولی داریوسریه ۱۸ او
 ۲۰ شو یا دا چه سبز کال بارانز نه او واری و نشوی کوبه
 وچکالی راغلی یا خه خو بی دی .

ته ا معلوم شوه چه د بلدی نخاتگه به دی اتوی عصر کینی
 خوب دی یا دا چه (میر د وژی د تن نه خیر ندی) .
 دکانداران ولی پخیل سر اشی - ولی خپل اجناس گران
 خرغ تیزی - ولی چه خوک بی لا س نه تسی .

د بلدی د پلتنی نخاتگه وظیفه خه شی دی؟ ولی به هسره
 میا شته بازار ته تفتیش کیزی؟ او محترک انوشه ولی سزا نه
 ور کولی کیزی؟ ولی د خوب نخخه نه و بی بیژی؟ یا دا چه
 مور د بل د حال نه خیر ندی .

خبر های اژانس دلخک : نامه نگار خصوص ما اطلاع
 میدهد که در شفا خانه هاشمی اباد و مستورات عملیات جراحی
 توسط دکور صاحبان داخلی مانند همه وقته در جریانست
 میگویند بد کور محمد عیسی خان که سه سال در شعبه
 نسا بی کار کرده با وجود تبه دن دکور دین شق اجلسزه
 کار در شعبه نسا بته نداده و بحیث مشاهده در علی اباد از
 کار گرفته میشود .

میگویند وزارت معارف برای باسواد ساختن با کور کوس مسازد ما
 جدا از هر وطنان گوی خود تقاضا میکنیم که باین کورسها شامل شو
 ولی خدا کند کورسها عمری بیده ومانند دیگر چیزها زود سقوط کنند

شباغلی محمد حیدر خان ژو هل - لسانیه
 اد بیات
 از آمو تا سند

هرکسی کو دور ماتند از اصل خویش
 باز جو بد روز گار و نیشله خویش
 "مولوی بلخی"
 ق کلمات از آمو تا سند در اولین سر مقاله "نداء خلق"
 مرا تکان داد - خداوند قوا تهن طبیعت را طوری تنظیم
 فرموده که اگر بشر طهق ان حرکت میرکند و لو غس و

خا شک باشد این سلسله بجایش میر ساد و اگر بی خلاف
 مسیر ان راه بی معاید و لو کوهپاره حفظه باشد در برابر
 امواج کره بیکر از پا در بی آید - اگر بشر با قوانین طبیعت
 همترا است میتراند ان قوا را ببقا خود بچرخاند از بخار
 ما شهن ها بکار اندازد - از آب برق بکشد و از ذره جهانی

را ویران (یا آباد؟) کند - و اگر بهست مقابل ان در حرکت
 باشد اندک بخار ذغال وی را مسموم و درکن اب غرق و در
 چند میلی گرام یک ماده کالری تمام میشود - آمو و سند
 سر حد طبیعتی قوم افغان است که در این محیط جغرافیایی

زمنه و بهاست ملیت خود را مستحکم و وحدت ملی خود را
 بدست لرنند - حوادث سوء و اتفاقات نا گوار روزی د ست
 البرده و د سسه کاری را آورد تا خط سباه و مقوس د بورتند
 را کشید و انگاه با د سسه و فریب دو افغان را باین
 منطق که تو از انطرف خط هستی و این از انطرف خط از هم

جدا کرد و گتت شما دو یا شود تا من حکمرانی کم حال
 آنگه هر دو دارای نعمتات مشترک - تاریخ مشرک - اد بیات
 مشترک - آرزو و آمال مشترک - نظام سیاسی و اقتصادی
 مشترک و حتی دین - توان - زبان و خون مشرک اند و
 ملت واحدی اند - این تقسیم اقتدر مضحک و ظالمانه است

که گویا اتسا بی را با یک خط سیاه بد و حصه راست و چپ
 تقسیم و فخر گنم آنها دو انسان هستند حال آنکه هر دو
 دارای یک دل و یک احساس اند - پس وقتا که طبیعت آمو
 و سند را سر حد طبیعتی افغان قرار داده حرکت برخلاف

این سر طبیعتی خود را تصادف در رهنگ ارسیل بد حشر قرار
 دادن است که نتیجه ان طبعاً محو زوال است - این
 پارچه عزیز که با د سسه و فریب از افغانستان جدا شده
 قرار تا موس طبیعت بهاست اتحاد ایشان صورت بگیرد و روح

افغانیت دو باره درین بیکر نیم جان ولی صاحب استمداد هگا
 بد مد زبیرا آمو و سند سر حد خداداد قوم انسان است
 آب اگر صد باره گردد باز با هم . . .

شاغلی انگار

مصادره بدون تحقیق و محاکمه
 خواننده گان میدانند که شماره روز يك شنبه انگار را خلاف
 ماده ۴۶ قانون مطبوعات که مرکز قضاوت و تحقیق جرایم
 ملی را ریاست مطبوعات تعیین نموده است بقره یو لیس -
 قو ماندانی بدون کدام امر تحریری ضبط مصادره گردید و
 در همان روز - روز نامه انیس نوشت که شماره امروزه انگار
 بر طبق ماده ۱۴ فصل پنجم قانون مطبوعات مصادره گردید
 کار گمان جریده انگار از یکطرف خوش شد که در محیط
 ما کم کم میخوانند قوانین را تطبیق کنند و دیگر سیستم
 بگرو بکشید و بهند را از بهن میبرند - ولی از جانب دیگر
 در اثر این اقدام چند سوال وارد میشود :

اول) چرا یو لیس قو ماندانی بدون اینکه امری از ریاست
 مطبوعات و یا از قو ماندانی داشته باشد فقط با استعداد
 امر شفاهی شماره های روز یکشنبه انگار را با مستعمل آن
 ضبط کرد و برد ؟ در صورتیکه نه در مملکت حکومت نظاص
 اعلان شده و نه بکدام امر ریاست مطبوعات درین باره
 جواب رد داده شده بود .

قانونی خبر مصادره آن در روز نامه رسمی انیس نشر شد
 اگر هر آمر خوشی مفسر و معبر قانون بوده و بدون دایر
 ساختن محاکمه و احضار مدعی علیه و ایوان براهین و -
 احضار شواهد و بدون طی مراتب قانونی حکم صادر و معر
 اجرا بگرداند پس بیشتر قوانین احتیاجی نموده و هر آنچه
 را مطابق قانون میدانست مکافات و آنچه را مخالف میسرود
 مجازات میداد - در حالیکه حاکم قانون است نه فکر شخصی
 یک فرد . این بود عرایضی ما نمیدانیم خواننده گان چه
 میگویند .

بقیه پیش نهاد دو ساعته . . .

را هم باین اشتباه بزرگه شان ملتفت سازیم زیرا اورا تیکه
 برای تفویض افغانستان توزیع میشود تذکره تابعیت است
 نه تذکره قومیت - هکذا اوراق تعهد نامه اولیای طلاب
 معارف و غیره و وثایق نیز بدون احساس کدام ضرورت دارای
 ستون و ضوح قومیت بوده و روح تفرقه و نفاق را دانسته و
 یا نادانسته بذهن مردم سپرده و هر لحظه از جلوس
 افکار شان میگردانند - این است قدم های کز چک و لسی
 اساسی و بزرگی که باید در راه تأمین وحدت ملی برداریم

گفتار معلم

مادست نهفته بدل زار معلم اسرار معلم
 بیکار بده گو ش گفتار معلم ای یار معلم
 غمروست بی کسب هنر بر زده دامن صد حیف که چون من
 تجدید نشد چهل و پسیزار معلم دستار معلم
 ماهانه قلیل است ولی خرج نژو نسته دل چشمه خون است
 کس نیست درین غمگده غمخور معلم در کار معلم
 دیدیم که جز دست تهنی هیچ ندارد تا قوع ندارد
 گردیده گرو لنگی و دستار معلم ای یار معلم
 شب خاتمه جو آید نبود در دل احوال از گریه اطفال
 روز است هریشان همه افکار معلم گفتار معلم
 دردی است مگر ز دماغش متصاعد تا شد متقاعد
 میداد کند بخت نکوستار معلم از ادب یار معلم
 در روزی که مسافر شد و از خانه خود نوار از عایله مهجور
 آنجا که زند بپسته پشوار معلم کشد یار معلم
 با آنهمه سختی سراواست ممتش در شده هر شش
 زیرا که ندیدست شب تار معلم روزگار معلم
 بیکار خهر نیست که مکتوب جزایش آید ز قفا پش
 تا دم شود از دادن آزار معلم بیکار معلم
 با سینه هر درد بهر سوی روانست بقوع دوان است
 بازی بنگر آمر و سرکار معلم دل زار معلم
 خوش بپشت معلم که تو هر چند ضعیفی در سلك شریفی
 در خشر دهن عزت و مقدار معلم داولو معلم

دوم) چرا خلاف ماده ۴۶ قانون مطبوعات مابوریت
 یو لیس تا حیه چندول مدیر انگار را جلب و به تحقیقات در
 باره مرام اخبار و غیره که مربوط به ریاست مطبوعات است
 بهر داخل - چه مرجع تحقیق و قضاوت ریاست مطبوعات است
 سوم) برای اینکه خواننده گان ما از محتویات نصل پنجم
 ماده ۱۴ قانون مطبوعات خوب واقف شویم مامانده مذکوره
 را عینا نقل میکنیم (نشرات مخفی امنیه و خلاف رژیم
 مشروطیت و بهر یو لیس هر خلاف وحدت ملی ممنوع است -
 اگر روز نامه و مجله و رساله مو قوت باشد علاوه بر مصادره
 همان نسخه مدیر مسئول و نگارنده الی چهار ماه عایدات
 جریمه و از ششماه الی پنج سال از دواثر رسمی طرد میشود
 و هم دوران بدنه برایش اجازه نشرات داده نمیشود - و
 اگر تو شتجات ان عملا با عی اخلا ل امنیه گردد مطابق
 اصول موضوعه مجازات میگردد) حالا ما از مصادره کتده
 گان مهر سیم که کدام مضمون ان شماره مخفی امنیه و یا
 خلاف رژیم مشروطیت و یا بهر یو لیس هر خلاف وحدت
 ملی بود ؟ آنها در کدام مجلس و در کدام محکمه قانونی
 قابل مصادره بودن روزنامه مذکور فیصله و بکدام دلیل -

بقیه سر مقاله

مصارف - زراعت - صنعت و عمرانات ... عقب تریم - در ساحه مطبوعات نیز هنوز گره شهاو چشم هماهین حقایق اشعاشده و تنقیدات ازاد و نظریات پاک مردم راهبوی اصلاح امور در مملکت که دو سه روز نامه ملی که تازه پس از سالها انتظار قوم و اختیارات ازادی شان برویکار آمده اند مخصوصا کسانی را که این جویان بمنافع شان صدمه میزند و ماساس محارره مشهور بر سر خود بر دارد خوف دارند که مبادا روزی دست حق از روی جنایات و تجاوزات شان پرده بر دارد بمضطر بی ساخته و این حرکت را خلاف دیمو کراس و حق و قانون حساب میکنند - حال آنکه قرآن حمید در آیه مکره لا یحب الاله الجبر بالاسوء من القول الا من ظلم - به مظلوم حق میدهد که ازاداند تنقید کرده و حتی بجبهه بر علیه کسانی که با ظلم و مستم حقوق از را غصب مینمایند. فریاد و فشان - نماید - پس برای ما بحیث یک مسلمان از ارشادات کسایب حمید سند موثوق تری برای فریاد بر علیه ظلم و استبداد ظالمین و متجاوزین وجود دارد و آیا قدرتی وجود دارد که برخلاف این نص صریح و قویم قرآن حمید امری در حد از طرف دیگر جریان او ضاع در ممالک دیر کراس همان است که ما فوقا شرح دادیم پس تنقید بر علیه ظلم استبداد و کج رویها مطابق با نص صریح قرآن و قوانین دیر کراس که همه ازین سر چشمه قریم فرخ گرفته اند جا نیز برده و برای اصلاح و ارتقاء بشر خدا صحت میکند (محمدی)

مکتوب های وارده

شاهلی میر عبدالحق خان آلف میر میسند که مسکو تبین علاقه داری کلکان در حالیکه ۹ هزار نفر نفرس دارند از مکتب - محروم برده و اولاد های که در مکتب سراه خواجه هم شامل شده بودند اخراج گردیدند (ما توجه وزارت مصارف را - اگر هست شان پیوره بشده باشد خواهانیم)
شاه علی محمد اختر خان تسلی خان را ایضا انعکاس افکار خلق و یگانگی مان که از احساس مردم نماینده گی میکند دانسته و از استعداد های عالی و بلند قوم انضام تذکر داده و متاسف اند که در اثر عدم رهنمایی - اختیارات و فشار سیاه روز مانده اند (خدا کند ما بخود آمده و همین اختیارات

و سیاه روزی خاسته دهم *

مطمئن گشتن شخصی تداء خلق - کمال

حسب الحال ما از زبان حضرت مولوی بلخی :

یکی همیشه می گفت واز با خاسته (وطن !!)
مشو خراب به تاگه مرا بکن اخیار و
شبی به تاگه - خانه برافروید آمد
چه گفت - گفت کجاشد وصیت بسیار
نگفتمت خیرم کن بوقت افتادن (بایراد شدن)
که چاره سازم من باعیال خود بهفرا و
نکردیم خبر ای خانه حق صحبت کسو
فرو فتادی و کشتی مرا بزاری زار
جواب داد مرا ورافصح ان خاسته (وطن !!)
که چند چند خبر کرد مت پیلو بهار
ز هر طرف که دهن باز کردی ز شگاف (روزنامه ها)
که طاقم برسیده است - وقت شد اهر - ار
هیدرودی بد هاتم ز حرص مشت گن (بازور !!)
شگافها همه بستنی سراسر دیوار
ز هر طرف که کشیدم دهن فرو بستنی
بهشتیم (و بدانی) که بگویم چسانم ای معمار
بد آنکه خانه وطن! رنج بهاست همچو شگاف
شگافها (روزنامه ها) پتو گردید که وقت شد همدار

از گو شده - اخبار های رسمی :

تالدهای هوا تنی

خاشع

خطای اغنیاهر چند بد باشد پسند افتد

کجا عیب غریبان مستتر شد این من زاین تو

ز مقصد اورو ما مورو و مد برو کاتب و مدعی

کدام از رشوه خورلری در گذر شد این من و این تو

جانیل

تا یکی هر نشود کیسه اخذ و چرم ما

چینستند ای قتلپ تروند از حسرت ما

با چنین خصلت مذمومه بغفلت خواهیم

وای ازان روز که اعمال رسد کفر مسا

ع - ص

یکی با خوس و اخرس همچو مال است

دگر هم بزم بار شوخ و شنگی

اعتناق اسلام هرات

بند آزادی خلق

نامہ ملی ادب - اجتماعی و سیاسی

شماره نهم

سال اول

یکشنبہ ۹ ثور ۱۳۳۰

معنی آزادی در حکومت خلق ؟؟

آزادی عبارت از مطابقت قوانین و مقیود و مقررات پایمند بودن و حسن مسئولیت اجتماعی را در خود تربیہ نمودن است - آزادی مصادل و حشت و پرہیز نیست - دریک حکومت دیور کراسی راحت و سعادت وجود داشته - هر کس درہیان شہرات - عقاید و آمال و تشکیلا - آزاد سیاسی آزاد است ولی تا جائیکہ مخل و مانع آزادی دیگران نگردد - و هر کس مجبور است مسئولیت خود را در جامعہ احساس و قیود و مقررات آن را احترام کند - آزادی وحشیانہ در حقیقت دریک حکومت استبدادی وجود دارد - زیرا حاکم آزاد است کہ حسب میل و ارادہ خود بنا بقدرات مردم بازی کردہ و ہر حقوق آن ہاہا بآزاد و فصال ما برید است کہ حیات و مناس و ہمہ چیز مردم را با حرکت دو لب خود تصمین نماید - آزاد و مختار است کہ ہر کرا بخرا ہد حبس کردہ - کشتہ - مال و جاسہ را بتاراج بردہ و اطفال صغیر و بین گناہی را بدار بزند - مردم در دین طرز ادارہ آزادانہ کہ اطاعت کند یا عصیان بخلق احترام نماید و یا بی اعتراض - آبرین خویش را صیانت کند و یا قتل - این ہا حقایقی اند کہ کتاب ہفت ماضی باکمال - وضاحت آن را ہما نشان دادہ و ہزاران امثلہ درخشان آن را قیاد کردہ است - دریک حکومت استبدادی ہر چیز با زور و تحکم اجرا شدہ ہر لہہا مہر سکوت بودہ و جریان امور بشف چند نفر خدمت میکند - خلق ہم ظاہرا مطیع و متقاند - اطاعت کار و فدائی - بملق و جا پلوس بودہ و با مدامتہ - و سافاق - دروغیانی - جال و نیرنگ روز خود را گذرانیدہ وجان و مال خود را صیانت میکنند - ولی این ظاہر آرام نمایشی و غیر حقیقی بودہ و ہنگام فرصت طوفان ہای شدید در ہر گوشہ و کنار مملکت تولید شدہ - تر و خشک را با وحشت سوختہ و انتقام مظالم را از کوشی و باغ و باغچہ و ہر کہ اتفاقا بدستشان برسد بکشند - تاریخ بشر ہزاران امثلہ این طرز ادارہ را نشان دادہ و ما ہم ہمہ شامہد این درام ہای تنگین بودہ ایم - ولی بقیہ در صلاخہ ؟

شاغلی سید احمد خان فریق از

کاپیسا

انتخاب و کلا کاپیسا در شہر اہمیلی قانونی میباشد

از ہدو ہر وجود آمدن پارلمان در وطن ماتاکون انتخابات

و کلا کاپیسا قانونی تہرہ و ہر شخص کہ زور و وسیلہ داشت

و لو جاہل محض ہم باشد میتواند وکیل شورا شود - شاید

خوانندہ گان محترم تصحب خراہند کرد کہ چرا سوزہ بین

عریضو بہنشاور کاپیسا مبتلا بقحط الرجال است - حقیقت

آنطور نیست و کاپیسا امروز فرزند آن تہرہ - فکور - لایق و

ہر جستہ را مالک و در ہر گوشہ و کنار ان مردان وجود

دارد کہ تہرہ مہتوی ان ہا کتر از رجال دیگر حصص -

مملکت نیست - اما مناسباتہ با و صف ان ہم از چند بین

سال ہا این طرف مردم کاپیسا فرق بانتخاب و ارسال یک وکیل

قانونی در شہر اہمیلی تشدہ اند - علت ناکامی مادر انتخاب

و کلا - ہا عبارت ازین است کہ قسمت اعظم محیطہا بسواد

بودہ و اشخاص ۰۰۰ و استفادہ جو در بین ان ہا تفوذ -

ما دیات ہر متی خود را قائم و نمیکارند کہ رای گیری ہسہ

صورت آزادانہ اجرا گردد - کذا ما از کدام قانون انتخابات

اساسی و اصول انتخابات و کلا ہم مملوبات نداریم - ہندہ

بہحیث بکنفر وطن دو ست کاپیسا بحال اسف ناک و وقت آور

قوم خود تاسف تہرہ و جدا از دولت ہمہ خواہ و پارلمان

مملکت خود خواہشہ میکنم تا در دورہ ہشتم انتخابات و کلا

کاپیسا بہ مجلا ہا و طوہار ہای جعلی اشخاص بسواد ترتیب

اثر ندادہ و ہم تا ان زمان یک قانون اساسی انتخابات بہ

دسترس مردم بگذارند تا خلق ہا اثر ان آزادانہ و کلا ی خویش

را انتخاب کنند (حقیقتا ما دارای یک قانون اساسی -

انتخابات نبودہ و از طرف دیگر مردم ہم تازہ ہر ہشہای -

دیوکراسی آگاہ شدہ اند ہر فرہا ساسی دولت و شہروای

ملن تڈ وین قانون صحیح انتخابات بودہ و ہاید ہم مردم

حق دہند کہ ان ہا آزادانہ نمایند گان حقیقی خو بخرا

انتخاب و ہوا ی درد ہای جانگاہ ولا پتہا ہی خود چارہ اساسی ہستند

شاغلی مصماز زاده

روزگار خلیق

هرکس روزی میبگذرد از ایام
عبرت آن است که هر روز بدتر میبینم

آخرین سبک خود را امتحان کرده به رفیق گفتم پارک ملی و باغ عمومی در کابل نیست ورنه گشت و گذار ما و شما که نه پول تیاتر و سینما را داریم و نه مصرف کافی در کسبه - موجود است بدون تفریح نخواهد بود - رفیق شهریتم که چون دفتریان مشکل تراتر کاه را کوه میسازد بدنهال یک دهان خنده فرمود - جناب شما البته هر روز های تعطیل علاوه بر تصدات مایهین و کارگر - نظام عسکرها را دیده باشید که در عوض گردنبر و هوا خوری یکدام باغ دلی و پارک عمومی که تماشای قصر و کوئی شده - دسته دسته کنار سرک ولپ جو لمیده اند و یا در مهابرج هسته - اقلای برای انتساب دادن و تفریح یک روز هم جای ندارند - در حالیکه قبلا به همین باغ عمومی کوچک کنار پل سنگ اندازی - خیز - اتن ساز زنی - بیت خوانی و انواع بازیها و تفریحات هر روز های تعطیل میدویدند - خودم را به کوی زده و از داستان - و اندازی هایش گرفتم - قول بقول داخل کافی ملی شدیم و به کجی افتادیم راستی کافی ها هم غنیمت است - خاطر کج کارنگ داشت تا مالک کافی را اصولا استنطاق نکند - بنده - اتای مالک چقدر وقت است که کافی داری و چقدر کرایه میبرد داری -

از مکاتیب وارده :

فاصل محترم مدبر صاحب جریده نداه خلیق

در شماره تاریخی پنجشنبه ۹ حمل جریده شریفه مضمونی را تحت عنوان (شاغلی دبل اتنر نیشنل) تسوید گردیده بود مطالعه و چون ضمنا ریاست نقلیات را مورد تصرف قرار داده بودند از حصه متعلق به نقلیات دفاع وتردید آن ذیلا پرداخته میشود :

اشخاص گرچه بی سروپا و صاحب غریب با شند چون در جمله مخلوق شامل هستند البته نامه ملی مجبور است گفته های شان را استماع و به پیشنهادات شان را پذیرفته و در نشر آن نیز اقدام نمائند - ولی ما نیز تا گریه تا در صد دفاع برآمده از یکطرف مقررات خود را خاطر نشان و از جانب دیگر اثبات مدعا را طالب شویم -

الف) ریاست نقلیات در برور ها را بجه تریجیب پذیرفته و - استخدام بی نماید -
۱ - در برور های که شجاعتنامه و لا یستس داشته باشند در خواست خود را بحا ضرور در حالیکه کمبود باشد عنوانی هیئت متحنه امر اخذ امتحان داده میشود -
۲ - هیئت متحنه که مرکب از اشخاص فنی بوده و - مسئولیت آینده در برور را ذمه وار هستند پس از امتحانات عملی و نظری هر گاه لیاقت در بروری او را مصدق شوند از شصه مریوطه مقرر و بوتر برایش سروده میشود -

۳ - در موقعیکه تصدات در برور ها تکمیل و بوتر فالتو نباشد از در برور های که مراجعه میدمانند معذرت خواسته میشود ب) شخصی که تعرض بیجا نموده چه تکلیف دارد -
۱ - یکدام تاریخ بر ریاست نقلیات به پیشنهاد و یکدام نفر شصه مراجعه کرده است ۲۰ - تفری که از او رشوت - خواسته باشد واضح شود ۳۰ - بوتر رانهای که پذیرفته اشخاص صاحب رسوخ و یا پذیرفته رشوه مقرر شده باشند یک نفر آن را مبروفی و اقلای کدام قرائن هم باید داشته - باشند تا به راضی مجازا شددیدی داده شود که دیگران عبرت بگیرند - ۴ - در حالیکه اثبات مدعا کرده نتوانند - شخص مذکور را محض مفتی دانسته خواهشمندیم جزای افترا - برایش داده شود بداه مراتب فوق الذکرا بمسج قارئین گرام رسانیده وهم قضاوت موضوع بانکار عالی و - حق سنج خود شان و گذار و خاطر نشان می نمائیم که ریاست نقلیات جدا حاضراست تا در صورت اثبات مدعا شخص مسئول را بحزای عملن برساند - با احترامات

(رئیس نقلیات)

(ما از شاغلی رئیس صاحب نقلیات تشکر نموده و امیدواریم که یگانه شکایت عار غر و سایر دایوان را که عبارت از تقدیس بیگانه شدن در بدل خرابی برزه جات استعلاج نماید مرقع شکایت بدستند)

مالک - چهار سال و ماهانه ۳۱۰۰ افغانی تا حال ۱۴۸۸ افغانی یعنی تقریبا قیمت ابارتمان را بر داشته ام -
بنده - واضح گردید که اساسا گران فروش و بی انصافی و این کرایه و تفاوت -
مالک - شما که از مشتریان ما هستیدی میتوید مامله چطور است - ابارتمان کافی ملی از ما بملک هو تل کابل و شاید - این تجویز و فیصله ایست که مخلرج (۵۲) شان را تکافوینمائید این ایست روزگار خلیق بفرمائید تقصیر ملاک های غیروسی چیست -
مکاتیب وارده -

شاغلی غلام محمد خان اختری میتوید که در سال بهش - کوپو نهیای سه ساله را برای شکر باعالی تقسیمولی برای چار سفر شهری در یکگاه ده باورولی مردمان اطراف و اطرافیان مسکونه کابل بطنش متفرقه برای چار نفر ۳۰۰ یاوقایل گردیده بودند یکی در پاریس و یکی در کوشند نمرد پولی جواب درستی ندادند بفرمائید ملتی این عدم مساوات چیست ؟

پاسخ بمکتوب شایلی غلام حضرت خان وکیل کا پیسا :
 طوریکه اداره اطلاع گرفته است در روز تصویب قانون مطبوعات که نظر به بیانیته مشخصین قانون یکلی ما هیئت قانون مطبوعاتی نداشته و بلکه بیشتر مشابه قانون جزاسه و کیل کا بل دکور محمودی بیانیته ایراد و اظهار نموده بود که این قانون چندین سال قبل نظر پانچایات و شرایط همان زمان تدوین شده و نمیتواند برای پیشبرد امال ما — مخصوصا ادعای دیو کراسی خدمتی نماید — چنانچه پانچایان در تصویب قانون مذکور نیز امضاء نکرده و همعده از مطبوعات کشور مثل نامه انگارو مجله اقتصاد تقییدات مفصلی در مورد قانون مذکور نموده اند منجمله سر مقاله مجله اقتصاد که جمعی قبل نشر شده است و بقلم شیوای شایلی محترم مصوبی متخصص حقوق تحریر شده خیلی جا لب دقت بوده و مادر شماره آتی فضلا ان را نشر مینمائیم — ما بارها گفته ایم و باز میگوئیم که قانون مطبوعات کنونی ما دارای نواقص زیادی بوده و از طرف متخصصین قانون تصویب و تدوین نشده و با تمام قوانین سایر ممالک دیو کراسی مضایر و مخالف است — اساسا تقیید بقانون — تو همین بملت و — نماینده گان ملت نبوده و فقط برای اصلاح حال جامعه و به وجود آمدن یک اصول اساسی ترو مفید تری است —

پاره از گفته های مردم :

محترمه حقیقه حیات که اداره نداء خلق بدیون عرضشکری باو شان است بی تو یسعد که شایلی رئیس امته با داشتن مقام عالی خو بی تو یسعد مقاله آواز اتحادیه محصلین منتشره در نامه انگارو ضح بسیار شوقانده نموده اند — خاتم محترمه مراتب امتنان خود را باین وسیله تقدیم مینماید (با از تمجیب خاتم محترمه ملتفت راز شده و عرض مینمائیم که در یک حکومت خلق ماورین روسی از خورد و بزرگ همه خادم خلق اند و باید در مقابل هر کس وضع شوقانده نماید مخصوصا رئیس امته و پو لیس که در همه جهان خادم راحت و سعادت خلق حساب میشوند — امید است بعد ازین همه ماورین او ضاع حاکماته ... را ترک و بحق خود و خلق آشنا گردند — همه کس را احترام کنند و هم باین وسیله دیگران را نیز جلب نمایند) .

خبر های اوانس دلخاک : شایلی غنیسان نویسنده مقاله زمزمه خلق قرار اطلاع اوانس دلخاک به — جس بدون حیاکه محکوم گردیده است (این است روش دیو کراسی ما)

شایلی حمایت اله خان

آر زوی جوانان

جای بسیار خوشی است که پس از قرن ها مرحله رسیده ایم که میتوانیم اقلا چیزی بگوئیم و یا چیزی بنویسیم — گفتن و نوشتن ما برای اصلاح مفساد ما یا رفتن چاره و علاجی برای درد های جاتگاه ما است — اما دشمنان ما نباید ازین گفته های ما استفاده سوء نمایند زیرا ما پشهادت تاریخ همه وقت در مقابل دشمنان خویش متحد و هم آهنگ مینمائیم — ما بد دشمنان خاک خود بجا سدان ترقی و بد دشمنان پیشرفت و مخالفین وحدت ملی خود بنظر تفرق می بینیم و خا طرف نشان مینمائیم که جوانان افغان خاشن — هنگامه جو و مخل امنیت و وطن فروزه نبوده و نمیتواند بسازد دیگران بر قصد — محرک و سابق جوانان افغان آرزوی پاک و بی الا میی است که برای سعادت و ارتقای خاک خود در دل بی پروا راند — ما از صمیم قلب خواهان دیو کراسی بوده و در مقابل دشمنان ملی خود و احقاق حق برادران پشتون خویش تا دریای سند مرد ولر به پهلوی شاه جوان خود استاده و صدای بلند میگوئیم که حتی ما برای این مبارزه ملی خود بندها کردن جان های خویش نیز حاضریم — درست است ما از کاروان بد نیت عقب مانده ایم و تازه بحقوق خود آشنا گشته ایم و مرد وار در مقابل هر گفته موافق برای حق خود مبارزه می کنیم — اما این مبارزه ما بحقوق برادران پشتونستانی ما یا صدای دشمنان ملی ما ربطی نداشته و ملت افغان با این مخالفت منطقی که از دستگاه نشراتی استعمار یون بود دشمنان گفته کار افغانستان منشاء گرفته است هیچگاه فریب نمیخورند .

چند قرن بعد ۱۹۱۹ شایلی آینه

زارس و تقویه بهره های چرخ دولت از طرف جوان های هرگی پیشقدمی در اصلاحات بر علاوه اصلاحات — اتحاد شکل در پو شاک و از بین رفتن روش پو قلمونی — همکاری و اتفاق نظر برنا و پیر — آسوده گی از سودای تن و شکم — نجاست از مجالسین نتیجه — صواب گردیدن خطا بر بزرگان گرفتن — (۶) نداء که حین ترکیب با (خلق) در اضافت واقع و بلطیق لیس تواند باید به (ی) تبدیل گردد به (ای) ندائی خلقی صحیح البی خواهد شد (عده از علما مخصوصا مولیانای تحفتم افضل و پشیمان مخالف این عقیده بوده و ما پانچایان مشوره شان در عو غر (ی) نداء را در حال اضافت نیز به (۶) نوشته ایم — چه آنها معتقدند که الف تابع قانون مذکور بوده ولی (۶) در اضافت فقط با قبول کسره بحال خود باقی مینماید .)

بقیه سر مقاله

ولی اکنون ما مجبوریم خوف و د هشت - ربا و چا بلو سی
چال و تیرنگه - فریبکاری - رشوت د هس و رشوت ستانی
و سایر مفاسد اخلاقی خود را که همه زاده استبداد اند
ترک گفته و حسن احترام قانون و مسئولیت اجتماعی را که در
وجود ما توسط استبداد کشته شده است بیدار ساخته
و یکبار بخود تکان داده و بدانهم که اگر ما از همه کس کار
فصالت - صداقت - راست کاری و ندای کاری آرزو میکنیم
ما هم مسئولیتی داشته و مجبوریم فرایض و واجبات خود
را در مقابل جامعه عملی سازیم - ما مجبوریم همان طوری
که طالب احترام و عزت نفس خود میباشیم دیگران را نیز
احترام نموده و به عزت نفس شان صدمه نزنیم - ما
مجبوریم همان قسمی که طالب حقوق و آزادی خود میباشیم
آزادی و حقوق دیگران نیز تجاویز نمائیم - ما مجبوریم -
و ظایف و واجبات خود را در مقابل جامعه - قانون و
حق احساس کرده و این را هم بدانهم که در یک حکومت
دیم کراسی مبارزه برای دفاع از حق نیز فرضا است -
ما مجبوریم به اساس قانون بن جا ربه بحقوق خود آشنا شده
و در هر جا بمقابل حق خود یا فشاری کرده و بهر کس -
بفهمانیم که ما دیگر هر شیاری شده ایم و نمیشود به سهولت
ما را فریب داد در یک حکومت دیم کراسی مبارزه برای حق
و مرام خود فقط از راه قانون و مقاومت و ثبات ممکن بوده
و هیچگاه نباید با زور و تشدد مواجه کرد - (محمودی)

برای تحصیل یک لقمه نان ؟؟

مگر بند شیوی ازان طرف دریا که قهله کوچی در کنار آن
افتاده بود میگفت سگ قهله ازین کنار رود یک عالم
شور و غوغا خاکباد و عوف نمود و در مقابل شیرجمله و جسته
و خیز آغاز کرد - شیر با تعجب بوی گفت که رفیق اگر دریا
در بین نباشد میدانم که با یک سر انگشت خود کارت را
میسازم !!! سگ آهسته (برای اینکه صاحبش نشنود)
بخاک باد و عوف خود میافزود جواب داد - اگر این کار را

حکم چین نان (۲۲) نمیدهد *

شای علی محمد ابراهیم خلیل
شد بهاران و به بلبل همتوانی میکنم
در چمن چون آبشاران تر صدائی میکنم
درد دل را با زبان شعر میسازم همان
هم بسکه تازه طبع آزمائی میکنم
چون مقامات بلند و خاندانهای شهر جو
از هنر مدان دانشور جدائی میکنم
همچو موترها و مانند معاشکد - میل
بمد ازین جا چای ساز آشنائی میکنم
ز بهر صورت بدست ارم گم در بانک جمع
سود خوری در لباس پارسی میکنم
د عوی حب و طغخواهی و ملت پروری
بیشتر تا اهل و اهل از خود نمائی میکنم
زهر دارم در نهاد اما بظاهر همچو ملر
خاکساری پیشه از بیدست و بهائی میکنم
میکنم بیدار ملت را مضروب قاسم
تا به پنداری که من باوه صرائی میکنم
معتقدم من نهائی زانگه مانند خلیل

"گرمزای میکنم گاهی رویا میگویم"

خواهش

از دو بسته گان مجله میکه مقالات و مضامین خود بخیر و
جهت نشر باین نامه میفرستند خواهشمند است آن را
با تحویل اسم و آدرس مکمل خود بفرستند و الا مقالات و
مضامین شان از نشر باز خواهد ماند (اداره)

شرح اشتراك

- کابل : ۴۰ افغانی سالانه
 - ولایت : ۴۵ " " "
 - خارج : ۵۰ دالر " " "
- قیمت یک شماره ۵۰ پول

نذر خلق

نامه ۰ ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

شماره د م

سال اول

پنجشنبه ۱۲ نور ۱۳۳۰

تا تون مکافات و مجازات ضامن سعادت خلق است!!

بشر در تمام کره زمین بشر است - همین مخلوق دو پا که معجون مرکبی از نیکی و بدی - خوبی و زشتی - صفات ملکی و شیطانیه است - ربع مسکون را اشغال کرده و در هر جا تقریباً دارای صفات و مشخصات مسائل و هم مانند است - صرف امروز این قدر فرق دارد که در بعضی گوشه های دنیا مردم تربیه دیده - با عیوب خود خوب شهیده - به حق و قانون و احترام حقوق دیگران و وجایب ملی خود اشفا گشته اند - اما ما در زیر فشار و استبداد و دسائیس گوناگون استعمار و استثمار فائده نضایل شده و پسانیمه و تا شا پسته را - اتخاذ کرده ایم - ولی این خصایص و صفات طبیعت و فطرت ما نبوده و ظوریک تجارب بشر در همه دنیا ثابت نموده است - با تربیه و تبلیغ و دلسوزی اصلاح می شویم - اما روی سخن باین موضوع است که همین معجون مرکب را که انسان تمام داده اند چرا در سایر ممالک کار کرده - صداقت و فعالیت نموده - کاشف و مخترع گشته - به آسمان پرواز کرده - در داخل خاک خود بحق خود و هموطنان خود احترام نموده و مجسمه حیات و حرکت بوده ولی درین گوشه دنیا برای هیچ کار نفع صالح پیدا نشده - داد قحط الرجالی به آسمان رسیده آنها بی که چو کی ها را اشغال کرده اند کار نکردند و یا توان کار بیشتر را نداشته و اگر کاری هم می نمایند منافع شخصی خود را اول به شمار کوچک باشد پروماتبع بزرگ ملی ترجیح داده - روح تحری و تنبیه در ما مرده - مانند خزندگان همیشه در روی خاک خزیده - خروا اشتر هم برای ما از تمامی بزرگ خداوندی حساب شده - حق خود را ندانسته - و بحق هیچ کس هم احترام نکرده و کالبد مرگ و نموده مسکنت و ذلت و بد بختی هستیم - همه اینها محقیقه بقده فقط و فقط یک علت دارد و آن نبودن قانون مکافات و مجازات است - گفتیم که روح حیات بشر تقریباً در همه جهان یک رنگ است و هر فرد بیف شخص تمایل داشته و

تاریخ یعنی چه ؟

شاغلی محمودی! در یکی دو مقاله تان خواندم و در چندین مصاحبه تان شنیدم که شما تصفیه حساب ماضی را پرتاریخ محول می نماند و باین عقیده خود هم کمال اعتقادی دارید البته اگر تاریخ را از نگاه اهمیت و اضمحلال تاریخ در حیات بشر بنگریم شما حق بجانب هستید زیرا تاریخ مجموع حقایق مثبتی است که سیاهی و سفیدی هر انسان را در تمام ادوار زندگی کما حق حق بد سترس و مظلومه و قضاوت ایهای نوع ان قرار - می دهد و یا بهاره دیگر ایته ایست که کتر میتوان تشریها را در ان یافت - ولی آنچه مرا پتو شتن این سطور امیدوارم این است که همه می بینیم دیگر کتر اشخاص بمشهور حقیقی تاریخ عقید بوده و بان وقص می دهند - پلی ما که لله الحمد مسلمانیم را از وعد و وعید خداوند انکار نداریم و بنام او میرو توانی ان احترام می گذرم خوب میدانیم که در برابر عمرت همین الهی جزائی موجود است مثلا بمرتکب دزدی - رشوه - قتل نفس ۰۰۰ جزای میباید وجود دارد - خلاصه اگر دروغ - گفتیم - خیانت کردیم - بخدعه و ربا پرداختیم و حشرق مشروع ابتدای نوع خود را با مال نمودیم در مقابل آن عقوبت و جزائی برابما معین است (چشم اگر بینا بود هر روز روز حشر است) باز هم اگر با وجود اینهمه وعد و وعید اینهمه او امر و تواهی مسلمان پیدا میشود که بدزدی - رشوه ستانی - قتل نفس - شهادت دروغ - تولید فتنه و فساد در بین مردم فریب - ربا - ظلم و استبداد و صد ها اعمال نا مشروع و نا پاک دیگر مبادرت نماید و از روز باز پرس نمیترسد - آیا به قضاوت فردای تاریخ چه قدر و قیمت قابل خواهد شد؟ در دیوار یکی از ادارات ملی ما بخط جلی نوشته بودند (هر که در این جا رشوه می ستاند شرفی در خطر است - هر که رشوه میدهد شرفی در خطر است - و هر که بر ما بوزیر این دستگاه پاک تهمت رشوه ستانی می بندد شرف بقیه در صفحه ۲

شاغلی محمد رحیم خان هاشمی وکیل
گلنگار در شورابیلی

مکتوب وارده •
محترمه قمرآز بارانیه کابل
تعمنا از خواهران محترمه

روز گسار !!!

این خادم دین و دولت و ملت که در جمله وگلا شورابیلی دو سال پسر بدم از هر زبان صدائی و از هر کله ندائی می شنودولی با مشاهده سیر روزگار باز هم شکر می گویم که میادا از بد بد تر شود. بدین مقدس اسلام و پادشاه مسلمان خود فخر و شکر کرده و باید از ممالک همچوار خود عسرت بگیریم. اول عقب سال ۱۳۲۹ وگلا شورابیلی رخصت باو طمان خود ها گردیده ولی نتیجه که رفاه ملت و یا مفاد دولت ازان متصور باشد ندیدم خریداری غله که يك تكلیف شاقه و کمر شکن در ملت است و قوم را محروم خواهد ساخت که زمین های خود را واگذار شوند از دو سال با طرف در شورابیلی زیر بحث بوده و تاکنون نتیجه نداده است. بیکار که از نقطه نظر قانون اساسی ممنوع بوده و در اثر شکایت و کلا تصویب جدیدی دران باره شده و برادریو اختیاز ها تشر شدولی همینکه ۱۵ روز از تصویب شورا گذشت همان مثل را چشمسر دیدم که شنیده بودم که شاه می بخشد و شاه قلی می در اطراف همان بیکار. خر ها از ریگ بار. بخر ها بازتجیل های خمجه دار. از پشت شان بر آیس های خوش رفتار (؟) در قریه ها قطار و بدست شان ...

سا. حواله بیکارو پنهان شان این گفتار که زود زود بکنند کار و بکشند خروس های تاجدار ۱۰۰۰ ما از که بمالیم و از خرابی کدام کار داد بر زمین ماورین ما از مملکت خارج نیستند ما از کدام عزیز و قوم خود شکوه کنیم و از ستم کدام برادر خود فرهاد زمین وزیر ها. رئیس ها. والی ها و حاکم ها برادران ما و قاضی ها و مفتی ها همیشه و ملا امام مایند گریها از ماست که بر ما است. در حالیکه ما حکومت و ماوریت های گو ناگون را از پول حلال برشود میگیریم و در عر. غناز مال ملت بیچاره و از بیت المال بصورت رنگارنگه جبراً و ظلماور شوق و تحفه گویا می ستانیم پس طبعاتواز کار دزد و من از بزد دزد. کجا خیر ماند میان دو دزد. ما در هیچ رشته خود باستثنای چند فاکولته طبعی که چند نفر داکتر کشیده است استفاده ندیده ایم و حسب الحال ما این گفته های خیام است که:

دو تر با عقل در سخن بودم + کشف شد بر دل سوالی چند
گفتمش چیست زندگانی ما + گفت خوابوست باخیالی چند
گفتم اهل زمانه در چه رفتند + گفت در جمع مالی چند
گفتم اهل ستم چه طایفه اند + گفت گزگه و سگ و سفالی چند

طوری که همگان میسوقند جریده شریفه نداء خلق از بدو تشر تا کتون با يك عالم بی بضاعتی و مشکلات عظیمه سعی میکند تا آلام و مصائب هر فرد درد مند و مستمند ملت را به سهله تشرات بین آلا و شرو خالی از غرور گنه شایعه خرد التیام بخشد. با آنکه گفتار حقیقت شان بعضی • • •

ملی و جنگجوی صفات را بسته آورده ولی توقع میرفت که مردان و طغخواه که در هر مزم داد. نزع پروری داده و حق از پایار و قربانی در راه حصول کام دل میلا فیوند. بهوشانی مساوت و استمداد گردیده و دیگران را نیز تشویق و ترغیب خواهند کرد. ولی مع الاضافه اصطلاح صدا از زمین برآمد و از آنجا که من که يك دستخو مام وطنم از چاه و خود شرمیده. مصمم شدم تا بروختن مرمایه محترمی قیضا او خود. (سه جلد کتاب) بلیغ بهتجاه افغانی را بطور اعانه میداد. بریت نداء خلق که از هر حیث قابل کمک و مساوت میباشد اهدا نموده و تشر شدولی همینکه ۱۵ روز از تصویب شورا گذشت همان مردان و جوانان مادر گفتار و کردار خویش ضد و مضاد را قایل نشده بیکار دیگر و رجحان اراده خود را تسبیح. جوانان بین عدل ثابت و بدادن اعانه از یکطرف و تنگ دستار برادران و پدران خویش را بجای از جانب دیگر بیکار. توان اقتصادی نداء خلق را استوار فرمایند. درخامه آرزو مقدم با پذیرفتن این وجه تاجیز کار کنان نداء خلق منور تم سا زد. (ما با یکجهان تشکر و احترام این هدیه گرامی خواهر محترمه را پذیرفته و از خداوند نیاز میمانم که بر ایمان رفیق خدمت بهیتر طمان گرامی اعطا فرماید. اداره)

بقیه تاریخ یعنی • • • و وجد انشور در خطر است (یقیناً کسبکه این جمله ها را نوشته شرف و وجدان نزد او محترم است ولی در مورد دیگران ایامید امید حاصل این نوشته. چیست آقای محمودی ازین تذکر من باین گمان و واهمه اندر نشوید که من شما را ماور تصفیة حساب ماضی میسازم. کجا خیر ماند میان دو دزد. ما در هیچ رشته خود باستثنای چند فاکولته طبعی که چند نفر داکتر کشیده است استفاده ندیده ایم و حسب الحال ما این گفته های خیام است که:

دو تر با عقل در سخن بودم + کشف شد بر دل سوالی چند
گفتمش چیست زندگانی ما + گفت خوابوست باخیالی چند
گفتم اهل زمانه در چه رفتند + گفت در جمع مالی چند
گفتم اهل ستم چه طایفه اند + گفت گزگه و سگ و سفالی چند

مضمون دیگری نداء (ما حساب باضی را حکومت خلق که تشکیل شدنی است نیز حواله نموده بودیم بطنش با شیلاداره)

تاله * پیمار

محترمه میرومن عابده فاروقی

تهریک و تهیت میگویم که آقای محمودی در حالیکه نمایندگی این ملت فقیر و بیثبات در شوراهای دارند و تاجاتیکه اطلاع داریم هر دو بار از حقوق ما دفاع میکنند ولو نتیجه نمیدهد - اکنون حیث یک طبیب برای علاج درد های اجتماعی خلق که همت بسته و خواسته اند آلام اجتماعی ما را که تزدیک است کلیم هستی ما را جمع سازد تدای میبندد - اما همد اشخاصی که صورت داشته و حال زار و بد بختی عمومی خلق را مشاهده میکنند خوب میدانند که ما چه حال داریم - دیروز مملکت در زیر استبداد و ضرورت عمومی شکل محیی داشته ولی امروز تنگ دایر المساکین و دارالمحجزه را بخود گرفته است - اما با هم چندی قبل مطالبات و دگرگوزان داخلی و خارجی ها یکجهان طغنه و آب و رنگ بر سه پانزده روز صحت کفترانهایی داده و وصایای خود را که شاید عده بسیار و بسیار محدودی در مملکت ان را بشهتند و یا توان عملی ساختن ان را داشته باشند آیا یک ملت مریض که در تمام مملکت برای ۱۲ میلیون نفوس ۱۲ بستره برای مادر ها و شاید ۵۰۰ الی ۶۰۰ بستره برای تمام امراض عمومی و گوزاگون و صرف چند صد نفر داکتر و آنهم در نقاط محدود داشته باشند در حالیکه هزاران نفر در ایران و فقر توان دادن فیس داکتر و خرید دوا را ندارند و بهزاران مریض اجتماعی گرفتار است حق دارد پانزده روز صحت بپاژد و افتخار کند *

گفته های خلق -

آقای میر اسمعیل خان نجیبی جوانان را ستوده و ان ها را دشمن استبداد - جاسوسی - تعلق - بوی پاک و مبارز حقوق خلق دانسته و امید وار اند که روزی مملکت در سایه فدکاری شان ترقی نماید (اداره خلق نیز امید وار است که همه جوانان اقلا به تبع سیاست روز افکار سیاه دیروزی و خوف و دهشت خویش را که زاده استبداد و مظالم دیروزی است ترک گفته و اقلا در فدا کاری مطابق آخرین مودجهان برای منافع خلق صرف سعی نموده و حسن ظن شاعلی میر اسمعیل خان سرور نجیبی را احترام نمایند) *

شاعلی * و که معتقدند ملت افغان دارای استمداد های بزرگ فطری بوده و فقط در اثر عدم تربیه و فشار و مظالم سیاست استعماری و استبدادی سیاه روز گشته اند میتوانند با تشکیل یک حزب ملی و آزاد و در نتیجه با تشکیل حکومت خلق قدرتی شرافت ملی خود را در باره اکتساب و بیروق افتخار ملی را بدست میآوردند و در خواست می نمایند که ما بهر ای خلق هر گرا یک حزب ملی

شاعلی عبدالکریم خان سرکاتب

چه باید کرد ؟؟

در یک حکومت دیمو کراسی حق حکومت برهوط بهخلق بوده و تمثال عالی ترین این اقتدار عبارت از تشکیل قوه تقنینیه و اجرائیه از طرف وکلاء ملت است - وکلاء باید نرین بصفتی باشند که از لسان مبارک حضرت علی (رضی) در هیچ البلاغه روایت شده است (ای جان کاخ زنده گی چهار پایه استوار است و این چهار پایه را هم آدمی زادگان تشکیل داده است نخست مالیکه بهام خود عمل نموده قوم را درهنمونسی کند - دوم نادانی که نادانی خود معترف بوده ولی از روشن ضمیران استفاده نماید - سوم ستمواری که بتواریان را سنگبری کند - چهارم تیره بختی که فقر را با صورتی بخت ستری نموده و لکه گدائی را بر دامان خود روا ندارد - هر که ازین چهار دسته مردم نباشد از جاده استقامت سخت بدور است - ای کاش جامعه ما ازین خود این گروه افراد را جستجو و کالت خود انتخاب نماید - اما چه باید کرد در اکثر حکومت های اطراف افراد ترده از آزادی محرومند و این حق بزرگ هزاران نفر را فقط و فقط قریه داران امسی و غیر این گرفته و در وقت انتخاب بمشور حکام حق هزاران نفر را تلف و شخصی را وکیل ملت انتخاب می نمایند که صاحب رسوخ برده و جنگال و برحماته اش از خون پشیمان و بیوه زنان رنگین باشد و قدیمی در راه علم و حقوق شناسی - تر داشته باشد و اگر در کرسی وکالت از هدف ملت و ملت وکالت و دیمو کراسی از اوسوال نمائید کلمه جواب داده نتوانید - در جای که قانون اساسی انتخابات وجود نداشته باشد طبعاً دیمو کراسی مفهومی ندارد ما چه از حکومت - و شوراهای تقاضا می نمایم که برای انتخابات آینده یک قانون درست انتخابات تدوین و بدسترس مردم بگذارند تا خاسق بتواند بازادی نمایندگان حقیقی خود را انتخاب و برای آلام اجتماعی خود چاره سفنی نمایند *

سلوک مسا شاعلی خسته

بمدعی نتوان گفت حرف را زنیاز * هزار مرحله دور از حقیقت است مجاز بیایا که گوشه گر اریم بر صبر قلم * که از کجاست بد بنگونه دشمن آواز بفرستی که رس در مقام خود بیخی * متاع گذشته خویش را بیایی باز تو از برای بقای میانی محو قضا * بونگ شمع درین انجمن بسوزد از اساس هستی ما خسته نئی و آنجاست * بوی همه و اخلا سرسرفرازی نیاز * و انشرو آنها را جمع شدن بدور یک مقوله دعوت دهم - (ماهم بقاضای شاعلی * و سایر دوستان بزودی خلق را دعوت خواهیم داد که با اساس دیمو کراسی یک حزب ملی را تشکیل کنند)

شیرت منع است



۱۴ حریف

آمر - فهمیدی امروز رشوت منع است !!

خد متکار - قربان ما نرفی های دیروزه که پول آورده بودند چه بگویم ؟

آمر - احقر لوده گفتم که واره بگو که بعد ازی بخانه بیا بقیه سر مقاله ۰۰۰ و منافع و راحت شخصی خود را دوست دارد - فقط عاملی که خلق را در دنیا بسوی کاروفضالیت سوق داده و موجب انکشاف قدرت های خفی آن ها کشته و اختراعات خارقه را سبب میشود همانا عبارت از تشویق و مکافات و عاملی که از مفاسد اخلاقی جلوگیری میکند عبارت از قانون مجازات است - ما تقریباً فاقد این قانون بوده و اقلاً از کسانیکه از مدارک مجهول صاحب قصور و باغ و اسهام بانک و موتر های لوکس گشته اند نمیسورسیم که باجه توزع کرامات و پاساس کدام فن توانسته است از یک معاشیکه ده روزه مخارجش را کفایت نمیکند اینهمه جاه و حشم را تولید نماید - اگر گاهگاهی هم از مکافات و مجازات در روزنامه های رسمی دولت حرفی بمیان بی آید عموماً مکانات مربوط به بزرگان و مجازات مربوط بزر دستان است - آیا قابل باور است که اشخاصیکه از سی سال بمابیطور ترقی و ترقی ما را بدست دارند اقلاً سهواً مرتکب عملی نشده باشند که مورد کدام جزای کوچکی قرار گیرند ؟ حال آنکه تکامل مطلقه و تنزه از عیب و خطای برای بشر امکان نداشته و ما بچشم سر بی بینیم که پلان های ما (۲۲) ناکام شده و نتیجه ندهاند روز بروز احوال ما بدتر شود - مردمیکه دیروز تبه بیباهیمه چیز داشتند امروز بزهت و فقیر گشته آماج کس مستثول نبوده و مستحق کوچکترین جزا محاسب نمیشود و اگر بخاک پهای یک - بزرگواریکه هزاران خطا کرده و عدا و با سهواً و با دلائر عدم ادراک و سنجش بلهون هاپول بیملکت خساره رساننده کوچک ترین تجاوزی بحمل آید ضرور ستاخیز برپا میگردد - ولی ما بجزرت میگوئیم که سعادت قوم مربوط بمقانون مکافات و مجازات است - اعتذار - مقاله آقای محترم مصوبی در شماره آینده بمعمودی

مکتوب هلال احمر

ظوریکه در شماره اول جریده نده خلق خواندم بستون ۲ صفحه ۴ جریده موصوف سطر ی چند اشاعه یافته - شانسی عبد الرب خان بی گوید در سال ۱۳۲۷ راجع بجلوگیری سیلاب کوه شیر دروازه از منابع با صلاحیت تجویزی اتخاذ و یک مبلغ هنگفتی بمقتضای اقتضای آمادای مواضع سیلاب بوده کی شخص شده در حالیکه از موضوع دو سال سهری میشود فهمیده نشد که این اعتبارات بکدام صندوق قید مانده و یا بکدام بدارک دیگر خرج شده .

در اثر این سوالیه که بگرفتن جواب هم انتظار دارند تاجای که موضوع بمدریت عیوبی هلال احمر متعلق و معلوم مسوده به تفصیل اتی رضا حت داده میشود .

شکی نیست که در اوایل ۱۳۲۷ سیلابی از دامنه کوه شیر دروازه بر قوع پیوسته باثر ان بعضی اهالی گذر قاضی فیضاله خان و چقرک درخت شفق - سنگ کفر ها خساره مند شده

بیتناز مقامات صالحه برای تشییت دیده گان حادثه سیلاب مذکور یک مشت پول از دارائی هلال احمر تخصیص داده شد که پس از میزوی و بر آورد یک اندازه آن بمسحقین تا دیده و حصه باقیمانده ان برای انسداد رو سیلاب مذکور منظور و امر تکمیل ان بوزارت قواید عامه موکول گردید پول مذکور بحساب مربوطه بمرغض مصرف کار سازی هم شده بود - گر چه وزارت قواید عامه بملا حظ اینکه وقوع سیلاب و خطر ان تنها بخصه گذر قاضی فیضاله خان محدود نبوده همچو خطر بصوم خانه ها و عماراتی که دامنه کوه شیر دروازه و کوه - آسمانی واقع است متصور بوده تصدب العین داشته که تماماً مواضع مذکور تو سط شاخصان فنی سروری و نقشه و بر آورد و ترتیباتی اتخاذ شود - معذالک چون انسداد عموماً حصه جات مذکور خالی از مشکلات نبوده مطابق امر واصله عجالتاً آنها با انسداد بمح بی سیلاب گذر قاضی فیضاله خان اقدام و ترتیباتی اتخاذ نموده بمالنتیجه درین قسمت هم در اجراء وزارت قواید عامه مشکلات واقع گردیده یعنی در صورت جلوگیری از سیلاب مواضع مذکور قبرستان ها زیر کانال جدید واقع میشد بدون دور کردن قبرستان دیگر چاره نبوده اهالی بخراب نمودن و پامال شدن قبرستان های خو بخر رضایت ندهاند به اساس عدم رضایت اهالی که اسناد شان بمشعبه مربوطه وزارت قواید عامه موجود است اعتبارات بودجه وی هلال احمر که نظر بمقررات اساسی هلال احمر صرف ان امور خیریه بوده از مابهمیکه با اجرای این کار بر وظیفه بوده دوباره بحساب جاری هلال احمر انتقال داده شده کسه عند الوقوع بموارد حقیقی و اساسی ان صرف خواهد شد - این بود خلاصه موضوع که به تفصیل فوق بمرغض فرموده معلومات شاعلی عبد الرب خان تحریر شد بمقتضای مقتضای شان خواهد افزود اگر با آتمم قانع نبوده اشتیاهی داشته باشند بهتر است سوابق موضوع را بمدریت عیوبی هلال احمر و چاپشعبه سرک های وزارت قواید عامه از نزدیک نگاه کنند در ان وقت بصورت عین الیقین تصدیق خواهند فرمود که در زمینه ملیک اهتمام کامله رسیدگی شده است ولی بملت محضبت متذکره مسئله انسداد اجراء سیلاب مذکور جابه علی واد بر - نتوانست خواهش بشد است بمدریت جریده نده خلق مراتب فوق را بید بمرغض فرموده معلوماً بمرغض شاعلی موصوف یکی از شماره های خو بفرودج نما طبعه - کشتن نده خلق - کاپل

نہاد خلق

نامہ ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

پار دیگر مادر وطن بسوی مانگران است !!!

شہیدن خیر تمغہ پنا کستان بر تہانہ باقی وجودم واپلوزہ در آورد - ہا خود گفتم آیا ما اولاد ہمان نیاکان مرد و صاحب ناموسی ہستیم کہ ہا ہا در میدان مبارزہ ہمسبار خوتین در مقابل بزرگترین و اولترین دستگاہ قدرت عسکری و سیاسی داد مردی دادہ و ہا توان دست و دماغ خود حق مشروع زندگی خود را ثابت کردہ اند؟ آیا یک دستہ عساکر ساخلوی و افراد ملکی مادر مقابل دروغ توالت و یکصد و چند نفر صاحب منصب و اردو ہای منظم انگلیس و توپخانہ و دستہ ہای سوارہ قوی دشمن در میوند ہا ہمہ پلان و ہرزوہ حوسہ شان غالب شدہ و تا امروز تاریخ ہیگانگان نام ثانی آن مردان را ہا افتخار قید نکرده است؟ آیا مہا جبین بزرگہ و نامدار بہ پدران مرد و ہا ناموس مساج دادہ و از خیبہ ہا بدرتہ افغانی عبور نکرده اند؟ آیا نادر نظر بہ نوشہ خود انگلیس ہا یک افغان را ہا بیست نفر ہندی از روی شہامت و غیرت مساری عمید اند؟ آیا ہمان خون پاک و مقدس در عروق و شراہین ما جریان نداشتہ و ما از مبارزہ برای دفاع از توامیس و شرافت ملی خود خوف داریم؟ بی و ملیون ہا ہارن ! اولاد افغان از آمو تا سعد ہمان مردان فدا کار و ہا ناموسی اند کہ در ہر زمان بمقابل دشمن در خشان ملت افغان را کہ پدران ما ہا خون خود ہر در صفحہ برای فدا کردن جان و مال خود حاضر ہودہ و ہا ہم میتوانہ تاریخ روزگار ثبت کردہ اند مظالمہ نمایند و یقین کنند کہ بہ آشوب طلبان و خائنین و اجہران دستگاہہای دہمسہ و استعمار در میدان مبارزہ درام حقیقی و روشن داکتر ہر ایدن مضاعف ہرادران پشعون خود را تا دریای سعد یک قضیہ حیات را تمایض دادہ و ہد نہا نہایت کند کہ روح شہامت و مردی و ایثار در وجود اولاد افغان نوردہ و تا جہان باقی است انشاء اللہ نخواہد مرد - ہاری ای ہمو طغان ! برای یک مرد ہا ناموس و ہا شہامت تنگہ است کہ حکومت ہا کستان - ہا یک دستہ اجہران و غلامان استبداد و استعمار ہر خاک ما حملہ نمایند و ما خا ہو ہر ہا شہم * ہیائید از شا مجوان حیات خود را تو شہتہ و از دشمنان ملی خود انتقامیکہ تاریخ ہان ہتاژد ہستائند * (محمودی)

و مہور خود جدا در خواستہ تمائم تا امر د ہمد ہجنگہا ی زبانی و مشا جرات قلبی خاتمہ دادہ و اجازتہ ہفرمایند تما جوانان و شہر مردان افغان این لگہ سیاہ ہجاوز و تخلفی را از دامان پاک و ہا شرافت ملت افغان ہا خون خویش سندن و ضرب و توان ہا زوی افغانیہ را ہکسان کہ پدران شان تا ہنوژ در احمق خاک سیاہ از شدہ آن ہملوزد نشان دادہ و حقایق کہن را ہار دیگر روشن سازند - ای شاہ عزیز و نامور ما ! ما از روی وجدان و شرافت عرض میمائیم کہ در مقابل تجاویز اجنبی و پلان ہای شوم استعمار برای حفاظت و صیانت توامیس ملی جان و اولاد خویشی را ہا افتخار فدا ساختہ و حاضر ہا ز ہمان روح شہامت - غیرت و وحدت فکر و عمل قوم افغان را در مقابل ہجاوز و دشمن وطن ثابت سازیم - درستہ است ہا از جہا و جلال مادی چیزی نداریم - راستہ است کہ ما تازہ ہدیو کراسی آقا ز کردہ و برای تنویر افکار خائق و تقویہ بنیان روحی قوم خود در داخل سخت مبارزہ میمائیم - حقیقتہ است کہ ما اختلاف نظری داریم ولی این اختلاف فکر و نظر در ہمہ دنیا ہو ہبود ہودہ ولی مراد ہا شقاق و نفاق نیست - اما دشمنان افغانستان ہاید ہاری ہخورد آیند - صفحات کارنامہ ہای مردان فدا کار و ہا ناموسی اند کہ در ہر زمان بمقابل دشمن در خشان ملت افغان را کہ پدران ما ہا خون خود ہر در صفحہ برای فدا کردن جان و مال خود حاضر ہودہ و ہا ہم میتوانہ تاریخ روزگار ثبت کردہ اند مظالمہ نمایند و یقین کنند کہ بہ آشوب طلبان و خائنین و اجہران دستگاہہای دہمسہ و استعمار در میدان مبارزہ درام حقیقی و روشن داکتر ہر ایدن مضاعف ہرادران پشعون خود را تا دریای سعد یک قضیہ حیات را تمایض دادہ و ہد نہا نہایت کند کہ روح شہامت و مردی و ایثار در وجود اولاد افغان نوردہ و تا جہان باقی است انشاء اللہ نخواہد مرد - ہاری ای ہمو طغان ! برای یک مرد ہا ناموس و ہا شہامت تنگہ است کہ حکومت ہا کستان - ہا یک دستہ اجہران و غلامان استبداد و استعمار ہر خاک ما حملہ نمایند و ما خا ہو ہر ہا شہم * ہیائید از شا مجوان حیات خود را تو شہتہ و از دشمنان ملی خود انتقامیکہ تاریخ ہان ہتاژد ہستائند * (محمودی)

نظر به آقای محترم معصوم در باره اصولنامه مطبوعات
 آقای محترم معصوم شرحی که نمیتوان مع الا سف نظر
 بخوردی قطع نامه نداء خلق آن را نقل کرد بطور مقدسه
 نوشته و باز میگوید که درین اصولنامه تراقص نموده
 موجود میباشد لهذا به منظور ایفای یک فرضه ملی رجوع
 توجه مقامات قضائیه و اجرائیه دولت اینکه به تحلیل تراقص
 موجود در اصولنامه مطبوعات می پردازیم ؟ آیا جریمه تشدید ؟

۱ - در فصل اول اصولنامه در حالیکه باید احکام
 اساسی و مخصوصا مقصد اصولنامه مطبوعات نیز ذکر میگردد
 تنها تصریحاتی در باره مطبوعات - مطبوعه - طابع - نشر
 و توزیع روزنامه - مجله - نشرات موقوته - مدیر مسئول
 صاحب امتیاز - اعلان - عایدات بر میه بدون داشتن -
 رابطه یا کدام ماده اصولنامه توضیح شده است - درجمله
 این تصریحات از همه اولتر جالب توجه تصریحاتی است و جامع
 به مطبوعات - زیرا چنانچه در اصولنامه تذکر رفتن در
 تعریف مطبوعات تمام روزنامه ها - جراید - مجلات و رسایل
 موقوته کتب - رسم - ریکارد ها و فوتوگرافی - رادیو -
 سینما - تیاتر - خطابه و غیره شامل شده است - تاجای
 ۲ - ماده ۲ اصولنامه قرار ذیل است (مضامین و مقالات
 اساسی و مخصوصا مقصد اصولنامه مطبوعات نیز ذکر میگردد
 تنها تصریحاتی در باره مطبوعات - مطبوعه - طابع - نشر
 و توزیع روزنامه - مجله - نشرات موقوته - مدیر مسئول
 صاحب امتیاز - اعلان - عایدات بر میه بدون داشتن -
 رابطه یا کدام ماده اصولنامه توضیح شده است - درجمله
 این تصریحات از همه اولتر جالب توجه تصریحاتی است و جامع
 به مطبوعات - زیرا چنانچه در اصولنامه تذکر رفتن در
 تعریف مطبوعات تمام روزنامه ها - جراید - مجلات و رسایل
 موقوته کتب - رسم - ریکارد ها و فوتوگرافی - رادیو -
 سینما - تیاتر - خطابه و غیره شامل شده است - تاجای

۳ - در ماده سوم فصل سوم شرایطی راجع به کالیف
 تیاتر و خطابه را با مطبوعات فهمیده نتوانستم اگر چه این
 ها نیز از رسایلی است که در میه آن میتوان اظهار فکر و
 عقیده نمود ولی با وصف آن نباید همه تحت مفهوم مطبوعات
 داخل اصولنامه مطبوعات باشد زیرا هر کدام این و سایر
 خصوصیات علیحدده داشته و مستقل نظام قانونی جداگانه
 میباشد و اگر مقصد از ذکر آن باین جا نشان دادن ارتباط
 آن بر ماست مطبوعات است این مقصد باید در میه اصولنامه
 مطبوعات نیز بلکه تر سط فرامین علیحدده صورت میگرد
 در جمله تصریحات فصل اول تعریف عایدات بر میه که تحت
 فقره (ل) ذکر شده نیز قابل دقت است - لزوم تذکر این
 تصریحات چنانچه از محتویات اصولنامه بر می آید از احاطه
 تطبیق جزای های مطبوعاتی نشسته میکند و این گمان حکیم
 تذکر چنین تصریحاتی که تطبیق آن نیز جزای های مطبوعاتی
 را غیر عادلانه ثابت میسازد موردی نداشته باشد زیرا
 گذر شده از اینکه تثبیت عایدات بر میه در ذات خود بیسنگ
 مسئله مشکل است تطبیق آن در یک جر میکه از طرف چند
 شخص ارتکاب میشود نیز عادلانه گفته نمی شود مثلا اگر

میکند اغلبا معقول است در فقره (ه) همین ماده
 چنین تذکر رفتن (سر مایه) که برای مطبوعات و کار
 اندازند از خود بی با از شرکای داخلی او باشد و
 سر مایه خارجی نباشد - هیچ شکی نیست کس در مایل
 باشد که مطبوعات آله دست اجانب گردد و سرمایه خارجی
 افکار ملی را بیخود و مابین مقاصد غیر مشروع خرد نماید
 لذا بران واصل شدن باین هدف در جمله شرایط مذکور
 مسئول ذکر فرجه افغان) بودن کاش بوده و آیا چطور می
 توان سرمایه خارجی را کنترل کرد -
 (بقیه در آتی)

مکاتیب وارده : سر ماهوریت پولیس کا پل شعبه
۳۶۰ - ۲۹ ر ۳۰ مخصوص

آقای ولی احمد خان عطائی مدیر مسئول جریده تداء خلق
مدیریت امنیه وزارت داخله تحت مکوب نمبر ۱۴۵ - ۲۹ ر ۳۰
خویش با اساس ارتقا نمبر ۱۶ - ۲۹ ر ۳۰ مدیریت عمومی
نشریات ریاست مستقل مطبوعات مینگارد - شاعلی غمسان
در شماره هفتم تداء خلق تحت عنوان زمزمه خلق مضمونی
نوشته که در آن با مسافانه بر خلاف ماده ۲۰ قانون مطبوعات
درین جملات که میگوید (حکومت حاضره ما اهل بیت استمداد
از اهل بیت است و استیصال این مصائب و درد های ما را ندارد زیرا این
حکومت امتحان خود را داده است و لژیونی ندارد و حتی دور
از مصلحت است که از موده باز آزمایش میشود زیرا برای ترقی
مملکت تنها نیت نیک و لو موجود هم باشد کفایت نکرده و بلکه
اهلیت - صداقت و کار دانی هم لا زم است) مشخصات تصریح
صریح نموده است و لهندا بایست طبق ماده فرق مجازات
شود - ریاست مطبوعات با اساس قانون همچو جرایم مطبوعاتی
تا ششماه حبس تعیین میکند به پاس این که تا موده منسوب
مصارف است حکم میکند که سه ماه حبس برایش کافی است -
اصولاً بالا پیش تطبیق شود و مدیر مسئول جریده نیز که
این جملات را بدون اصلاح تشر کرده است مطابق ماده
(۲۱) پانزده روز عایدات جریمه شود و چون همین شماره
را از خوف ناسور نیز بر ریاست مطبوعات فرستاده بودند -
مطابق ماده ۱۲ دو ماهه عایدات دیگر نیز جریمه شود -
قرار نشر عایدات فوق نظر ریاست مطبوعات حسب ماده ۴۶
فصل چهارم هم امر اندام مطبوعاتی جزای آن ها عملاً تطبیق
شود - لذا جریمه مذکور را که عبارت از دو نیم ماهه عایدات
شما باشد خود تر تحویل و رسیدش را بما گسیل کنید تا بمسئله
موجبه من تقدیم داده شود (محل افضاء سرمایه)
همو طنان گرامی ! یک ماه و چند روز از نشر این نامه ملی
من گذرد مده زیادی از جوانان و افراد حساس بما حقایق
را در شنیدند - اما از جمله مکاتیب و مضامین وارده چیزیکه تا
کنون تشر شده در اثر ان اولاً آقای محمد اصف خان محسنی
و ثانیاً آقای غلام علی خان نسیان محصل صنف چهارم فاکولته
ساینس بدون محاکمه و بدون حق استیضای حبس شده و آقای
نراقی (قرآن اظهار خود شر) طرد شده اند و طوری که مسی
گویند ولی ما قطعاً بازار کرده نمیتوانیم اوامری صادر شده است

که دیگر ما مبرین دولت نماید یا روز نامه های ملی همکاری
نمایند - بر خلاف اظهار مکوب مذکوره ما در همان روز
نامه خود را بر ریاست مطبوعات فرستاده بودیم و ریاست
مطبوعات صاحب امتیاز نامه را با استملا می بردیست -
خواستار وانی مو صوف نداشت که مقصودشان چه بوده و
چه فرمایش داشتند زیرا در صحبتی که با (ج) محمد هاشم
خان میرزاد وال رئیس مطبوعات نموده و از تصور قانون مطبوعات
حرف زدند رئیس مو صوف گفته های صاحب امتیاز نامه را
تا نبود فرموده و هم وضع پشمار با شرفا نه نمودند - کذا
بار سوم است که مدیر مسئول نامه را به مدیریت عمومی نشریات
جواب می نمایند و از آن ها دریمه استملا م رسمی سوالاتی
می نمایند ولی خیلی تمسج ابر است که استملا م را با و
نداده و فقط در مقابل سوالات خود از وی استحضاری
میگردد و حتی خلاف قانون از هویت کسانی مبرم شده که
بر نوشته شان امیرادی هم ندارند و این نوشته خیرهش
را نیز رسماً به مدیر مسئول سپرده و بلکه در استملا میکند در
تزد خود شان محفو ظاست از وی استحضاری میگیرند -
این است رو غیر دیمر کراسی در مملکت و مخالفت با قانون
مطبوعات پس ما از همو طنان گرامی و بر میسدگان حساس
تمنا داریم که چون مطابق ماده ۴۶ قانون مطبوعات تحقیق
و قضایت یعنی محاکمه عانی و ازاد وجود نداشته و ریاست
مطبوعات خلاف قوانین همه دنیا و قانون اساسی افغانستان
بدون محاکمه و تحقیق امر صادر میکند پس بر میسدگان مسی
توانند نوشته های خود را از ادارت تداء خلق رلیس گرفته
و خود را از خطر حبس بدون محاکمه و خلاف قانون نجات
دهند - و اگر باز هم حاضر اند در مقابل اظهار حقایق
ایمان و شهادتشان دهند پس فتاد امید داریم که لطفاً همیشه
کسانیکه نوشته های شان تا کنون تشر نشده است بار
دیگر آراده خود را بما کنیا ارقام فرمایند تا ما علیروی
لا شهادت تمام همو طنان گرامی خود و شهادت خدا ای توانا
اعلان و تمسجدها می توانیم که تا آخرین قطره خون خویش برای
دفاع از حقوق مشروع ملی خود و همو طنان گرامی خود به آرزو
نموده و شاد میگردیم اگر روزی با افتخار بگردیم
حاصل عبرت نثاره یا ری کسردم
شادیم از زندگی خویش که کاری کردیم
(محفوظی - غطاسی)

قدسی در راه رض سوء تفاهم :

مکتوب و ارده :

این نامه ایست که دانشمند گرامی شافلی فیخر محمد خان سابق وزیر معارف مربوطه مقاله که بمقام (ف . م) در روزنامه رسمی انیس در روز ۹ شنبه ۹ تیر نشر شده و فردای آن بنده (محمودی) جوابی در آن باره نوشته بودم تحریر کرده اند - بنده بمقام عالی علمی و شخصیت وزیر موصوف معترف بوده و معتقد بوده و هستم که جناب شان ازین گونه اعمال خلاف قانون و پشت پرده بهزار بوده و آنرا از شان و شرف خود دور میداند - اگر مقاله بنده شایسته در نزد شان تولید کرده باشد بنده باین وسیله از جناب شان معذرت خواسته و اینکه نامه شان را هم عینا در این جا نقل میمائیم :

جناب برادر عزیز القدر و محترم آقای دکتور محمودی !

شنیدم که اشتباهی ایجاد شده که مقاله ف . م را بر علیه شما من نوشته باشم زیرا ف . م مخفف اسم مشت حالا که من ف . م هستم اگر چیزهوی رسم بامضا فیضی کابلی خواهم نوشت و هیچ ترسی از هیچ کس ندارم که اسم خود را جعلی شمای کنم - و هم میگویند که آن برادر ارجمند جوابی به مقاله ف . م داده اید که راجع بمن میباشد - مقاله جوابیه شما را مطالعه کردم آنهم بمن راجع نبود زیرا من فعال ما یرید هیچوقت نبودم و دستم نمیدانم ف . م کیست و فعال ما یرید شما چه کسی است ؟ خواستم باین نوشته اگر اشتباهی باشد از خاطر شمارش شود - اگر لازم ببینید در جریده تدا خلق شایع کنید منو من میبشوم با احترام مورخه ۱۳ تیر ۱۳۳۰ (فیضی کابلی)

از حاشیه قلمرو ملا نصر الدین -

کار و فعالیت - بلی سبلی و قربان صاحب گفتن - فاروق کم نشین و با عزت باشین را یاد داشتن .

اقتضات محیط و تجربه - و سبیل خوب دفاع برای عدل لیاقت و اهلیت و ادراک .

اطفال - بیچاره های که بازیگانه های شان کوجه های متعفن - هر از هزاران کثافت و مکروب است .

پلان های چند ساله - نشر کلمات مطعطن و با شرتنگ در رادیو و روزنامه ها - چند روز تلفون هاو دوید تنها و باز چند کاغذ سهوا در دوخته میزند انداختن .

شافلی لعل محمد خان احمد زنی

تطبیق نوا تین را رجا می کنیم

قانون متشکل از الفاظ جامد است که خود بخود تاثیر کرده نمیتواند پس قانونی که وضع میشود وظیفه توه اجرائیه میباشد که آن را جامعه عمل پویا شامده و تطبیق کند و آن هم وقتی ممکن میشود که حکومت برای ملت و بانتخاب ملت باشد و به پشتیبانی و اعتماد ملت تشکیل شود .

اگر چه راجع برواج تباه کن ازدواج در مملکت تشراف شد و لویایح پیاس گردید لیک در ساحه عمل و تطبیق هیچ اثر مثبت آن دیده نشد چون این رواج موجوده ازدواج - مخصوصا در عصر اتوم برای ملت ما نهایت شرمناک و تنگین است لهذا خواستم افکار متورین و مقامات مسئول راه ایسن طرف جلب نموده عرض نماید که باین مصارف و مخارج کسر شکن تو یانه از یکطرف مقررات اسلا می پامیال و از جانب دیگر جوانان و دو شیازگان ما را بد بخت ساخته و بد سیاه روزی و هزاران نجاج رهنونی میکند و حتی احتمال خود کشی درین رواج و رسوم موجوده ازدواج متصور است کذا سایر بد بختی هاو کشمکش های فامیلی و طلاق هااز همین ناحیه نشئت میکند - پس اگر پدران طالب پول و خاتمه های لو کس در شهر نو و کارته و اسبام مانک باشند و دختر ۱۴ ساله خود را با شرایط متذکره بد پیر هفتاد ساله بد هند طهما سیاه روزی بار آورده و جوانان صاحب تربیه و تعلیم که فاقد همه چیز اند در اثر همین سابق بهنیت و رشوه خواری مجبور می شوند - در حالیکه اگر قوا تین موضوعه ما در طاق فراموشی گذاشته شده و توه اجرائیه ماتواند درین راه کو چیکترین قدسی بر دارد پس بر جوانان بیسار افغان است که برای جلوگیری این رواج تباه کن خواه به وسیله تبلیغات و خواه بواسطه س - احزاب ملی و مجاهده اد رین راه اقدام کنند و الا از فساد جوانان جامعه بریاد و تباه میگرد .

اشتراک

کابل : ۴۰ افغانی سالانه
 ولاهات : ۴۵ دد
 خراج : ۵ دالر دد

قیمت یک شماره ۰۰ پول

مطبعه - گسترش شخصی تدا خلق - کابل

د کتور عبد الرحمن رحمانی
مدیر مسئول
انجمن ولسی احمد علی
هر دو شنبه و پنجشنبه به پشتو و
فارسی نشر میشود

نداء خلق

جاده ۶ میوند - کابل
نمبر تیلیفون
آدرس تلگرافی "خلیق"
تاسیس ۱۲ حمل ۱۳۳۰

شماره ۶ ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

پنجشنبه ۱۹ خور ۱۳۳۰

سال اول

شماره دوازدهم

ملخ

پلاهای قیمتی و گران و بیوثائی کم بود که ملخ در گرفته
هم از هفت دریای شور خود تیر کرده به بیجه و ساند
ما هنوز تترانستیم به تناسب سال و ماه گشته ارضی
زندگی را با تین بهرم در حالیکه آفتاب و باران و
سیاست شوم استعمار و استبداد ما و ملت همجواری و دست
زین همان است تا چه رسد بهجوم ملخ درست است که
ریاست مستقل زراعت در قسمت افقای دستجات ملخ ترتیبات
لازمه را روی دست گرفته اما قحطی و قیمتی و عدم پیدایش
خوار و بار را در مناطق ملخ چه چاره نموده اند و
میتوانند - هر روی همین سیاست تفرقه جوئی اخیرا در

میتوانند - هر روی همین سیاست تفرقه جوئی اخیرا در
ایران اغتشاشاتی برپا کرده شده است اما با رویکار

اعلامیه وزارت حربیه

شماره است که ساعت ۱۹ روز دوشنبه ۱۳۳۰ قوای منظم
عسکری و ملیشایان پاکستان که به ۴۰۰ الی ۵۰۰ نفر بالغ
میکردند باستقامت پست سرحدی افغانی موسوم به باقی
به تضرع آغاز و از طرف محافظین پست مذکور با کمک قوای
که فوراً از مرکز غنچه برای تقویه آنها فرستاده شده بود تضرع
شان متوقف ساخته شده تمام شب محاربه دوام داشت -
ساعت ۷ روز ۱۱ خور ۱۳۳۰ عساکر تضرع پاکستان که در
اثنای شب تقویه شده بودند مجموع قوت آن درین روز پسند و
کند که تخمین میگردد تحت حمایت آتش دو بطریقی و
تضرع شوموع (بقیه در صفحه ۴)

از بازا و بغور شر برسانند - یکی از وظایف بزرگ دولتها
کنترول شدید نرخ مواد ارتزاقی است و اگر گذاشته شود
که محترکین با سرنوشت این مردم بدبو بازی کنند پس
کار خلق تمام است - اگر بخاطر با شد سال گذشته
تیز دولت کمیسیون برای تهیه و حفظ مواد ارتزاقی
و نرخ آن مقرر نموده اما تا امروز نتیجه مؤثری از آن -
در محیط دیده نشد - جریده نداء خلق به نمایندگی
از افکار و احساسات مردم ناتوان و بیوسپاه منتظر
است که اقدامات ذری و عاجل کارگزاران مسئول است (اداره)

درد های اجتماعی علاج حقیقی و تدای

جذری میخراهند!

هموطنان گران! مطالبه سیر حوادث گیتی مخصوصا
حال همسایگان ماحقایی را روشن سازد که ماسخ
محتمل جیم بان پدیده تحقیق میگردم - از یکطرف با بیطرف
سیاست شوم استعمار و استبداد ما و ملت همجواری و دست
زین همان است تا چه رسد بهجوم ملخ درست است که
ریاست مستقل زراعت در قسمت افقای دستجات ملخ ترتیبات
لازمه را روی دست گرفته اما قحطی و قیمتی و عدم پیدایش
خوار و بار را در مناطق ملخ چه چاره نموده اند و
میتوانند - هر روی همین سیاست تفرقه جوئی اخیرا در
ایران اغتشاشاتی برپا کرده شده است اما با رویکار
آمدن آقای داکتر مصدق که یکی از نمایندگان حقیقی
قوم و یکفرد با ناموس و ملت خواه است امید است در
ایران برای چنددی دیگر این سیاستهای شوم عملی شده
تواند - امروز دنیا همشا به کشتی بزرگی است که در طوفان
سیاسی گیر آمده و همه سر نشینان این کشتی اجتماعی
مجبورند برای نجات خود دست و پا بزنند - ایران ملت
دوست و همسایه ما بوده و همواره دیگر برای یک انسان
مؤثر ایران همشا به وطن ثاتوی عزیز است - بحران نفت
ایران طوریکه در خانه شخصیم آتش افشاده و مرا هفک
اندازد یا اضطراب آورد - با خود فکر نمودم - ببخشید ما شهیدان
های ثقیل تکراره - تضرع شوموع (بقیه در صفحه ۴)
چون مسلک طایفه تهر در تحت اساسات و میادیدی طبیسی
فکر میکنم - مصرین انگلستان بحران ایران و کشمکش
سیاسی این خطه را به نفت و ملی ساختن نفت و مداخله
سیاسی در انگلستان برهوطی دانند اما منطبق و استدلال
بقیه در صفحه ۴

گواهی ارزاقی

قراریکه در بطریق چند روز اخیر از بندوی خیر میگردم تضرع
آرد بصورت غیر منتظر به ۲۰ حقیقی افغانی رسیده
و اخیرا مجلس رفاه عالی درین باره مجلس تشکیل و
فیصله پسند او را در تندر که از آرد کوپرا تفرقه (۱۳۳۰) قدامت ذری و عاجل کارگزاران مسئول است (اداره)

نواقص حقوقی قانون مطبوعات

قلم شاغلی معصومین

انتهاست از مجله اقتصاد

(۲)

از طرف دیگر اگر مکتوبات فقره (د) عمیق تر مورد ملاحظه قرار بگیرد دیده میشود که سرمایه لازم تنها برای روزنامه ها - مجلات - کتب و رسایل بلکه برای مطبوعات داخلی باشد نه خارجی. اگر در صورتیکه تعریف (مطبوعات) مجدداً از نظر گذشتانده شود معلوم میگردد که برای این کار - فوتو گرافی رادیو - سینما نیز باید سرمایه داخلی بکار برده شود اگر این تحلیل غلط نباشد مشکلاستی بزرگی در تولید و سایل نشراتی ظهور خواهد کرد احتمال قوی می رود که در فقره (د) کلمه (مطبوعات) سهواً شامل گردیده باشد.

۵ - ماده ۴ اصولنامه بعد از تصریح مربوط به طبع اعطای امتیاز بر ریاست مستقل مطبوعات مطالبی را که باید صاحب امتیاز در درخواست خود ذکر نماید زیاده واضح همسازد. "اگر یک شخص است اسم و اسم پدر و شهرت - مسکن و اگر موسسه است اسماء اعضاء با اسم و شهرت و معرفی مدیر مسئول و یا مدیران مسئول و کلیات قانونی ایشان" مقصد من از تحلیل این فقره نشان دادن مشکلاستیست که در مورد موسسات مطبوعه میسرست. فرضاً اگر بانک ملی خواسته باشد امتیاز کدام مجله را حاصل کند آیا اسماء تمام اعضاء بانک را معرفی خواهد کرد؟ علاوه بر آن نمیتوان فهمید کلمه اعضاء چه معنی دارد؟ آیا از اعضاء مقصد شرکاء است و یا هیئت مدیره و یا مأمور منسوب به موسسه؟

۶ - در مواد ۶ و ۷ اصولنامه مدیر مسئول و صاحب امتیاز و موسسه طباعتی مکلف شناخته شده اند. کس به اکثریت ۳۰۰۰ - ۵۰۰۰ - افغانی ضمانت بدهد ولی تکلیف یک شخصی که هم بحیث مدیر مسئول و صاحب امتیاز و هم بصفت صاحب موسسه طباعتی اجرائی وظیفه میکند معین نیست آیا در باره چنین شخص کدام ضمانت تطبیق میشود؟ آیا ضمانت مدیر مسئول و صاحب امتیاز و یا صاحب موسسه طباعتی و یا هر دو با هر سه ضمانت؟

۷ - حکم ماده ۱۰ بدین قرار است (روزنامه و مجله اگر در ظرف شش ماه از تاریخ آغاز انتشار نشرات خود رایبه صورت منظم ادامه ندهد ۵۰۰۰۰ (هفتصد در آنسی)

فیصله مجلس وزرا در باره انکار

عریضه سرکشاده بحضور اعلیحضرت معظم هما یونین

اخیراً آقای فیض محمد خان انکار مدیر جریده مو توف انکار مکزیکی بما فرستاده و در آن ماجرای دلچسپ اخبار خود را با فیصله که درین مورد از طرف مجلس عالی وزرا بحمل آمده شرح نموده است اینک ما عیناً چاپ آن میور دایم.

مشترکین و قارئین گرام نامه ای انکار مسوق هستند که در شماره ۱۶ جریده متذکره از طرف دواتریو لیس بر خلاف قانون صادره گردید خبر صادره آن در عصر همان روز صادره از طرف روزنامه رسمی انیس و فردای آن از طرف روزنامه رسمی اصلاح (بدون اینکه تفصیل داده شده باشد که از طرف کدام مقام باستناد کدام دلیل و منطق در آنسر کدام محاکمه و به تضار کد ام قاضی صلاحیت دار صادره مذکور صورت گرفت) تشر گردید و اینکه در روز بعد بنده به ج رئیس مستقل مطبوعات مراجعه و توضیحات تحریری در اطراف موضوع خواستم رئیس صاحب مو صرف از تحریر و ردییل نوشته من ابا روزیبه شفاهاً گفت: "الی اجازه فائسی اخبار تشر کرده نمیتوانید و عنقریب فیصله رایب رسماً ابلاغ خواهد شد." یقین دارم ازین یک سلسله مهمات و توضیح روزنامه انیس منتشره روز پنجشنبه ۵ نور که مبهم تر بوده هیچ کس از چگونگی مسئله و عاقبت جریده مصاب بمکروب - صادره نفهمیده اند. اینک جریانات ما بعد قضیه رایبه اطلاع قارئین میرسانیم.

ریاست مطبوعات فیصله غیر قانونی مجلس وزرا را که درین موضوع بحمل آمده بود در نامه مکاتبه ۲۹۹ - ۸ نور باین جانب ابلاغ نمود بنده با انتظار این که فیصله مذکوره در روزنامه های رسمی تشر خواهد شد مگر تشر آن چون از طرف ریاست مطبوعات بحمل نیامد اینک در ذیل عین فیصله (شماره ۱۶ انکار و قانون مطبوعات در جلسه دوم نور مجلس وزرا مورد ملاحظه قرار داده شد چون اصولنامه مطبوعات جزای کسانیکه در اثر خلاف رفتاری مستوجب مجازات می شوند بصورت قطع معین نگردیده و در مقابل خلاف رفتاری تنها حد اقل و حد اعظم نشان داده شده و راجع بمقالاتیکه درین شماره انکار بقلم حمایت اله نام نوشته شده و مقاله مذکور یک نوع تحریک برای اخلا ل امنیت شمرده میشود. مجلس وزرا تصور میکند که با سانس (هفتصد در ۳)

دختر هم اگر مردانه باشد او را پسر میگویند
 دفتر جریده دوازدهم خلق را در نامه شماره ده دوازدهم خلق نامه پر حماسی از همشیره ام (قبر) بنظر رسید که مردانگی
 یک دو شیوه افشان را عدالتا بهت میکند من باین دختر با حماسه افشان میگویم * همشیره محترمه ای شاعر چیزیکه
 نسبت به مست عصری جوانان نوشته اید بخدای پاک سوگند که صحیح و بجا است * واقعا ما تمام او صاف و جودت را
 باخته ایم * زود باین روزگار شوم و حسرت بار گرفتار نمیشدیم * ما شهادت تاریخ و بیروایت بزرگان خود چشیدن نبودیم
 ما در سابق مرای داشتیم - شجاعت داشتیم - حماسه داشتیم الحاصل هر چه داشتیم و اکنون بهتر از یک توده غافل
 (۱۰)

ولی خدا را از ته دل سپاس میگزارم که در بائران و دو شیوگان این کشور هنوز او صاف مردانگی و خصوصیت افشانی موجود و حماسه
 ملیه زنده است. شما هم خوش باشید که هنوز یک جوانی پیدا میشود تا صدای یک دو شیوه یا حس و مردانه تلرهای و جود
 تحفیض را بساز آورده و آهنگه حزن انگیزی از درد های نبسته آن بر خیزد * مدیریت محترم دوازدهم خلق دیده آدم فقیری
 ام و از رهنظر بماش ماهانه ۵۰۰ افغانی که بهمشکل تامین همیشه میمانیم بهلا ۵۰۰ افغانی ذخیره کرده ام و بپند
 ندوده بودم آن را در مشکل ترین وقت بصرف برسانم - اینکه آن واینام اعانه بچیده دوازدهم خلق تقدیم میکنم امید است با
 بن مضاعفی که دارم بهتر بپرد و بر من ممت بگذارند * (دوازدهم خلق - ما از حسن نظر این جوان صاحب درد سخت متحسین
 بوده و از خدا تیا ز میکنیم ما را درین خدمت عرفانی توفیق عطا نماید) *

مقیه فیصله مجلس وزرا * ماده ۱۴ اصولنامه مطبوعات بر علاوه مصادره آن نسخه مدیر مسئول و نگارنده آن بقدر و
 عایدات سه ماهه جریمه و دو سال از دوا بر روسی طرد شود و در ظرف مدت نمیتواند مدبر اخبار شود) و اجابت مزید
 معلومات تاریخین گرام نشر و تراقتا توئی که در فیصله مذکور موجود است ذیل تشریح میمانیم - اول این که موضوع -
 تذکره که هیچ گونه ارتباطقا توئی بمجلس وزرا نداشته چطور فیصله دران قضیه صادر نموده است * دوم - آیا این
 فیصله از نقطه نظر قضائی بوده و یا اداری؟ آیا مدعی کیست دو سیه تحقیقات کجا است؟ از مدعی علیه تحقیقات
 بعمل آمده؟ مدعی علیه از طرف مجلس عالی وزرا احضار و سوال و جوابین از او شده؟ از من که طرف میباشم کسی
 سوالی نموده است و نه مرا مجلس عالی وزرا احضار نموده * سوم - موضوع مصادره جریمه انگار که به هیچ صورت قضیه
 اداری نبوده بلکه قضائی است و در فیصله های قضائی میباید وجود نداشته باید اسباب جرم و اسم مجرم در حصه
 که جزا تعیین می گردد واضح باشد حال آنکه در فیصله مذکور در حصه سبب جرم تذکر داده شده (مقاله مذکور یک
 نوع تحریک برای اخلا ل امنیت شمرده میشود) در این جا سوال پیدا میشود کدام جمله مقاله - چه نوع تحریک -
 برای اخلا ل امنیت و این که تذکار رفته است مدیر مسئول و نگارنده بقدر سه ماهه عایدات * * * در اینجا سوال شده
 میتواند کدام مدیر مسئول و کدام نگارنده * چهارم - لایحه ماده ۱۴ مطبوعات صریحا تذکر داده (مقاله تیکه مخل -
 امنیت باشد * * *) اما مجلس عالی وزرا فیصله میکند که مقاله مذکور و یک نوع تحریک برای اخلا ل امنیت شمرده میشود
 حالا تذکر تحریک اخلا ل امنیت و اخلا ل امنیت فرق دارد مثلا سوء قصد جرم علیحد و قتل جرم علیحد میباشد از
 نقطه نظر تعیین جزا فرق باور دارد بهر حال این بود جریان واقعه که عرض شد ولی اینهم بنا گفته نباید که ساعت
 ۸ نوبت (همان روزیکه فیصله مجلس وزرا از طرف ریاست مطبوعات بمن ابلاغ شد) یکفتر را بر ریاست مطبوعات معرفی
 نمودم تا او را بجهت مدیر مسئول شناخته اجازه بشمار اخبار بدهد چون در تحریری مذکور تذکر داده بودم که به فیصله
 مجلس وزرا قناعت ندارم و تا امکان موجود باشد از حق خود مدافعه میدارم * رئیس صاحب مطبوعات فرمود (چون فیصله
 مذکور را قبول ندارید پس نوبت خود را ادامه دهید قبل ازان مدیر مسئولی را که معرفی کنید قبول ندارم) این
 فرموده رئیس صاحب مطبوعات هم شغاهی بوده تحریری مرادون این که چیزی در ذیل ان نوشته کند رد نبود *

پنا برین جهت غوررسی بحضور ذات مار گانه که یگانه عامل و حامی اصول دیموکراسی در مملکت عزیز ما میباشد عسار
 گردیده و امید قوی دارم شاه محبوب و عدالت پرور ما عادلانه غور خواهد نمود *

باز هم سیلاب کوه خواجه صفا

در چند شماره قبل دوازدهم خلق مکتوب یک تن از جوانان را راجع بمسئل کوه خواجه صفا خطراتی که ازین رهنگر عاید
 مردم آن منطقه میشود شرحی را بجا ب رسانده بودیم * متأسفانه این نوشته بیخوش بجای این که ما سورین
 مسئول را بلفت بدین نیکه ساخته و در بی جلوه برآیند یک بحث جواب های نورمالیته برخ ما و خوانندگان ما
 کشیدند که ازان درد ان بیچاره هنا که همه وقت معرض خطر حمل میباشد مداوا نمیشد و اینکه بد بختانه بساز
 بروز ۱۵ فورسها بی از کوه خواجه صفا سرازیر و خساراتی بمردم ان ناحیه ولود آورده است * جای خیلی تمجیبات
 که با وجود آنکه یک مشت مبلغ کافی برای تعمیر سدی منظور گردیده بود چرا شروع با اقدام نموده و بواسطه چند قوسر
 کشته که شرعاً بحد از مدتی تخریب ان جا بجزا سه مسستی صد هانفرا د جا و مناطره میگردد * (ادامه)

بقیه سر مقاله

عکس قضیه را ثابت میکند. مثلا مریضی که شب بیدار
سوزش دارد - لاغر میشود و مرق زرد میشود - همین
که بطریقی با این اعراض مزاجه میکند و از موجودیت
بحران عمومی در سرا سر منظره وجود خود حکما به مس
تواند - پس یک طبیب هو شهار و آگاه نو را بفکر می
افتد که محراق - مرکز منبع این بحران مرضی در -
وجود مریض در کجا است - پس از معاینه با لاخره
بوقف به تشخیص محراق مرضی شده و مثلا کشف میکند زخم
کوچکی در یک شش مریض موجود - این بحران عمومی
را به وجود آورده است - چون قضیه با این جا رسید -
اکثون طبیب بفکر تداوی می افتد - ایران عزیز همیشه
مشا به یک وجود اجتماعی است درین مورد هم اطباء -
اجتماعی باید عمل و عوام و محراق و مرکز فساد را
کشف و پس از تمین و تحریر آن بفکر علاج میفتند - بنده
بمحیت یک طبیب جنوب ایران و مرکز صدمت نفت را محراق
فساد و مرکز مرض اجتماعی آن شمرده و آن را کارخانه
ستون پنجم و عامل حقیقی بحران ایران حساب میکنم
اگر با یک علمیه جذری این محراق مرضی از زمین برود پس
طبعاً اعراض عمومی مرض اجتماعی یعنی فتنه و فساد
مصنوعی نیز از زمین رفته و دیگر مثلین لندنی توقع برای
ترقیب درامه های خونین و تشنگین نمی یابند و بحران
اجتماعی خود بخود ختم شده و ایران بی بیچاره فرصه
می یابد که برای درمان درد های عدیده خود دست و پا
بزند - از نقطه نظر سیاسی و اجتماعی سطور فوق به
نصو طغان گرای می باشد داده و ما را آگاه میسازد که
در مورد مقدرات حیاتی خود نیز از عملیات جذری و
تداوی قطعی کار بگیریم - ما هم آلام بزرگ اجتماعی
داریم - از قافله مدتیست سخت بدوریم - در ساحه
مصارف - اقتصاد - زواید - صنعت و حرفت از همه
اولاد آدم محتاج ترمیم - تازه نام کلمه حق را بوزبان
زبان بجه و بیوز بزمیم ما بحقوق خود آشنا نبوده و حتی
بجوریت حق خواهی را هم با خسته اند - ما با مواج
مشکلات شدید بدنی مواجه شدیم بوده و مها رزاق خویش
در قبال دایم و کلی برای همه باید یک تدابیر جذری
کنیم نه موقتی و گذری و آن سمن در بدست آوردن -
دیو کراسی حقیقی و یا حکومت خلق است - (نجمودی)

بقیه اعلایه وزارت حریمه

و محاربه ای ساعت ۲۰ و ۱۰ دقیقه در خطبهست های
(باقی ... محمد حمید - بخ و اشرف) بمعرض تقریباً چهار
کیار متر بین محافظین سرحدی و قوای متعرض با کستان
شدت دوام نمود در نوبت ۱۱ - ۱۲ کدام حرکت مهمی
موقوفه بیوست ساعت ۷ روز ۱۲ در تکرار محاربه شروع
شده و ای ساعت ۴ روز ۱۳ نور که جماد ۵۷ ساعت شود
محاربه جریان داشت و پس از آن دشمن بر جمع مجبور
گردیده و با استفاده از تاریکی شب قوای خود را عقب
کشیدند در نتیجه این تصادم از طرف ما یک نفر از اهل
مسکوته جوار سرحد شهید و یک نفر طفل خورد سال و یک نفر
عسکر جدوی خفیف مجروح گردیدند - قرار مملرم از طرف
قوای متعرض با کستان چهار نفر مقتول گردیده است -
تداؤ خلق : در حالیکه اعلایه وزارت حربیه را بکمال
بسیار تاثیر جای میکند به بازماندگان آن شهید که زندگی
خود را وقف حفظ شرف و ناموس وطن نموده تسلیم می
فرستد و ضمناً دولت که حافظ ناموس و حقوق کشور
شناخته شده است جدا تقاضا دارد که به محله ازین -
عساکر تجاوز با کستانی را مجال تعرض به خاک افشانی ندهد
و بهر ازین که آنها دست بچنین اعمال ناپاک خود بزنند
به نوبت هر چه پاسخ دندان شکن و موثر که خاصه قسم
سلحشور و ما شرف افشان است بد همد همچنان مردم
با بیقراری منتظر اقدامات فوری و جدی وزارت امور خارجه
افغانستان درین مورد میباشند *
XXXXXXXXXXXX
از گوشه اخبار های روسی *
قانون توه اجرائیه
اگر قانون و قوه اجرائیه در مملکت دیو کراسی تقویه نشود
دیو کراسی زود بانار شین تبدیل میشود و اتار شین استبداد
های تاریک و مرتجع را ایجاد مینماید - خصیات مردم را
بان در چه تمایذ تحریک کرد که با لاخر کنترل آن مشکل
و یا ناممکن شود و اصلاحات مطلوب با اختلال های فساد
مرغوب متعرج گردد - (اتمس - نصو ص اجتماعی)
XXXXXXXXXXXX
از خاشیه کتاب ملا نصر الدین
تخته مشق - بعد اندر این که هر بهار تمبر میسوز
از مستان تخریب میشود *
مقدیر - هو تل کابل که هر چه میزند هیچ پسر نمی
XXXXXXXXXXXX
اطفال در جمع نوشتن مقالات قطع کوچک تداؤ خلق را هم
در نظر بگیرند *
XXXXXXXXXXXX
مطمئن - گسترش شخصی تداؤ خلق کابل

تذکار خلق

شماره سیزدهم

سال اول

دو شنبه ۲۳ ثور ۱۳۳۰

شاغلی "مسعود"

محاکه آزاد و علنی!

محاکه آزاد و علنی یکی از حقوق اساسی خلق و راهس و مبداء همه آزادی‌ها بوده و در مملکتی که محاکه آزاد و علنی وجود نداشته باشد گویا بطور قطع آزادی وجود ندارد - درست است ما قانون اساسی داریم (و لو بسیار ناقص باشد) و ما در آتی در مورد آن عرایض خود را تقدیم خواهیم نمود (و بودای هم در آن وجود دارد که اگر تطبیق شود و یا میشد یکجهان مامون و راحتی تولید شده و مردم حیات مسعودی میداشتند - مثلا مصونیت شخصی - مصونیت مال و خانه و املاک و آزادی نشرات در قانون اساسی ما موجود بوده و هرگونه زجر و شکنجه ممنوع است - ولی مردم نتوانستند آنرا بطور کلی ازان استفاده زیاده کنند - به عقیده ما ملت اساسی و حقیقی این باید بختی همانان نبودن محاکه آزاد و علنی است - چه در حالیکه محاکه آزاد و علنی وجود نداشته باشد پس با زار دزد گشتن هر بستن گرم بوده - مجرم و جانی و بری و صالح از هم فرق نشده و خلق از هیچگونه آزادی و لو موجود هم باشند استفاده کرده - نمیتوانند - مثلا امروز ما قانون مطبوعاتی داریم - آزادی‌ها و نشرات که از اساسات اولیه دیو کراسی است به ما داده شده است - بعد از قرتها ما دو سه روزنامه ملی هم تازه صاحب شده و تنقیدات و نشراتی هم می‌نمائیم - اما این‌ها همه بیسود است و تا زمانیکه محاکه آزاد و علنی وجود نداشته باشد خلق نمیتواند از آن‌ها مستفید گردد - زیرا در صورتیکه مفسر و معبر قانون و تحقیق و قضاوت و فیصله فقط زور و امر باشد - پس تو بستند - مدیر مسئول - صاحب امتیاز و خلق در هر حرکتی بخطر مروضه بوده - جان و مال مردم مصون و مامون نمائند و هیچ فرد نمیتواند از حقوق و آزادی‌ها بیسود منظور استفاده نماید - اساسا راز امتیاز هم بمحاکه آزاد و علنی مروضه بوده و در صورتیکه مردم از ناحیه جان و مال و ملک خود مصون و مامون بوده و بتوانند ازادانه از حقوق خود

نقص در کجا است !!!

محترم مدیر صاحب جریده شریفه تذکار خلق! جریده ملی تذکار خلق در شماره ۷ خود پسر مصادره شماره ۱۶ جریده انگارو خلا ف ماده ۴۶ قانون مطبوعات - قلمداد و ولی در عصر همان روز - روزنامه رسمی انیس مصادره شماره مذکور را بموجب ماده ۱۴ فصل ۵ قانون مطبوعات با اطلاع عموم قانونی حساب داد - برای بنده خیلی حیرت د است داد که يك اطلاع مهم داخلی با پتخت مملکت خود را در یکروز آن هم در حالیکه از هر دو طرف استناد بمقانون میشود در و اخبار متضاد همدیگر مطالعه میکنم و طبیعا قضیه از دو صورت خالی نیست :

- ۱ - یا نقصان در قانون است .
- ۲ - یا نقصان در قوه مخینه و مدرکه اشخاصی .

بزرگم بنده هیچ زمان نقصان در قانون نیست که بشود - این دو شکل متضاد را بیک قضیه بد همدو همین قانون است که در تمام دنیا نظام جامعه و مصونیت جان و مال خلایق در زیر سایه و حمایت ان تامین میشود - پس طبیعا هر نقصان که است در قوه مدرکه و خیال اشخاصی است که بمیل و مرام خود قانون را محکوم ترجمه نموده جامعه را در پادیه ضلالت و گمراهی سوق میدهند - بهر طریق چون مطلب ما شرح و قانع گشته نیست میخواهم که حقایق این دو خیر متضاد معلوم شود - و لذا از کارکنان حکومت تمنا دارم که جریان محاکه را بطور علنی زود تر در معرض اجرا گذاشته و دلائل و براهینی را که طرفین در زمینها بدست دارند پسر خد آگاهی عموم در جراید نشر فرمایند تا اهالی از حقایق آگاه گردند - همچنان سال گذشته در همین اوان خیری را در روزنامه های رسمی ملا حظہ نمودم که چند نفر دسهمه کاران میخواشتمند خدای تا خواسته مرتکب یک جنایت بزرگی شوند محبوس شده و زمینه تحسنت

مکاتیب وارده :

شاعلی نقیب اله "نقیب"

بمد القاب - میدانیم که جریده شریفه ملی تدا خلق آینه انصکاس آلام و مصایب دوازده ملیون نفوس گرسنه و برهنه این خطه یا ستانی با یک عالمی مضاعفی مصایب است - صاحب امتیاز نامه آقای محمودی ته از پدر میراثی دارد و ته از خود سرمایه - ته از راه غیر مشروع و شرعی میگیرد و ته از راه مشروع اندوخته دارد - با انکعایدات ماهانه اش از همه شرکتهای عواید مشروع فیس که ده فیصد مراجعیتش را تشکیل میکند ماهانه به ده هزار افغانسی میرسد ولی چون با اسناد و شراحت موثوق شاعلی محمودی بدستگیری غریب میبرد از دوازدهم بی بضاعت است و فقط نظر بدرد و عشقیکه بوطن و هموطنان خود دارد آلام و مصایب درد های اجتمانی آلام روزی ناله و ترحم ما را بگوشه همگان میرساند - اینجانب شخص فقیری بوده و بجز دو صد و چند افغانسی معاشی با داشتن ده سرعایله عایدات دیگری ندارم ولی باز هم از جمله پولیکه درین عرصه چهار ماه برای خرید یکجوره بخت ذخیره نموده بودم مبلغ سی افغانسی بخریده تدا خلق تقدیم و امید وارم بر قبول آن بر شایسته گذارند . (محمد کبیر)

کذا آقای عبد الرحیم خان تو سط مکتوبی از مباشر ماهواره یکصد و پانجاه افغانسی خویش مبلغ سی افغانسی اعانتا به تدا خلق لطف کرده اند.

د حقیقت بهیام
ته یو هیزمه چه دیوین که انسان بی
لیبره بی که ویده بی که بی نشان بی
د کوهی بی شینگ و لا ری خیر دار شه
هله و لیوی نا خیره له خهل خان بی
د خهل قام د پاره و کوه خد مت اوس
که ملا بی که ملک بی او که خان بی
که دی و کوی خدمت د خهل و طن اوس
پس له هغه رتبه وایه چه شخوان بی
ر شوت مخوره ظلم مکره مام - و ره
په غلط لاره کوره چه روان بی
رحم نه گوی به ورور لا بی خوری غریبی
دغه شومره به زه کلکه اکه ستان بی
ولی غریبی د مظلوم خوری ای ظالم
ما خیر که چه لیبره بی که انسان بی
وظیفه کینی صداقت رتبه به کار دی
خیاات مکوه وارره مسلمان بی
د امید سحرگی اوس تاته خلق بی
دادی وخت دی ته خالی ددی زمان بی
که نقیب به خوله دی و کوه عمل تدا
گمان و کوه چه ته فخر افغان بی

همچنین یکی از هموطنان گرامی مبلغ صد افغانسی بقا به تدا خلق اعانه داده ولی از بردن نام خود مصدرت خواسته اند (نامه تدا خلق با کمال تشکر و احترام اعانه های مذکوره را پذیرفته و این نکته را بسمع مبارک هموطنان گرامی میرساند که مالول های اعانه را بهیچ مرضی نرسانیده و اگر ازین مدرک توانستیم در تریید یک بهایه ما شین استفاد نمائیم مفاد مستحصله را وقف راحت هموطنان گرامی خود - ساختن و ازین مدرک برای فقرایکه توان خریداری آرد و اداء فیس دکتور را نداشته باشند کمک خواهیم نمود)

بقیه نقص در کجا است ؟
تحقیق است - در ختم تحقیقات نتیجه بنظرش آگاه سی عامه در خرابید انتشار خواهد یافت - چند روز بعد از واقعه مذکوره شرورایعلی ذریعه نامه محاکمه علنی و آزاد مجرمین را از حکومت درخواست نمود ولی تا امروز که اضا نه از یکمال میگردد نتایج آن مسلم نشد و لسی خلق یکمال بی صبری انتظار محاکمه و نتیجه محاکمه را دارند

شرح اشتراک
کا پستل : ۴ افغانسی
ولایات : ۴۵
خارج : ۵
قیمت یک شماره : ۵۰ پول

از گوشه روزنامه های رسمی :
از مسکه بود منتظرین همیشه دوا بر
نی بیروزان بلکه جوانان گله دار د
دزد از گله خویش فرابوش نموده
از زجر عس الجک و زندان گله دار
از کوه و غرور و ضرور ظلم
بی شبهه و شک خالی بی زبان گله دار
(اتفاق اسلام)

توضیح از طرف شرکت ابانگ :

پاکستان سنجنا و ز

شاغلی محترم عطاشی ا در شماره ششم مورخه ۲۹ حمل
نامه تدا خلق مضمونی (یک نفر بوتروان داد میخواستند) -
مطالبه شد - ما موتر وان های زیادی در خدمت شرکت
داریم چون اسم و هویت این شخص مجهول است ممکن نیست
شود باحوال او رسیدگی کنیم تا جا شیکه با ما مربوط است
خارج اصول موافقه و با موتر وان های این شرکت معا ملسه
فنده اگر نویسنده آن مقاله خود را با ما معرفی کند حاضریم
با حوالش از روی حساب مر بر طرف رسیدگی کنیم در صورت
اثبات حقتو قضا را بدیم - بنا سفارته با این صورت مجهول
ما نمیتوانیم مقضیه او رسیدگی کنیم چه ما موتر وان های زیاد
داریم و نمیدانیم کدامیک بحساب خود قانع نیست - اگر
موتر وان بحساب خود قناعت نداشته باشد مانع از مراجعه
مستقیم و حسابی او با شرکت در بین نیست - نسبت کلمات
دو شت و رکبک را از خود رد می کنیم - و بیکمال احترام -
اعتراف هوش میکنم اشخاص را موقع ندهند که - به مخلص
اعتراف و بهتان زنند - (محل امضاء شاغلی خان محمد خان پوئیس
شرکت) (تدا خلق) - از حسن نظر شرکت ابانگ و اینکه
حاضر شده اند بناله موتر وان ترتیب اثر بد - سند مستحکم
بهید حال از تو رسیده مضمون تقاضا میکنم که اگر بمصر فسی
هویت خود موافقت داشته باشند شرکت از روی حساب ()
بحال او رسیدگی خواهد کرد و معرفی هویت شان بر ما
ماتمن نیست - چه بحق رسیدن یک ناتوان مصراع آرزوی کلر
کتاب تدا خلق است)

طوریکه خبر میدهند درین چند روز باز تجاوزات شوم
عساکر پاکستان پخاک افغانی صورت گرفته است - وقتی
انسان این خیبروا از راهیوی شتزد خون در شراشش
بجوشر آمده و دنیا را بر خود تنگ و زندان می باید -
شهادت او راق تاریخ ملت با ناموس و دلیر افغان هیچگاهی
چنین در مقابل تعرض تجاوز دست زیر الا شه نشسته
و این لکه تنگن را با کاغذ پاره پاره تست نشسته است -
ما نمیدانیم دولت چرا با سخ این تعرض صریح و نامردانه
را با قوت نمیدهد ؟ دیگر صبر و قرار ملت به پایان رسیده
و اگر شها تحمل این نوع اخبار را نندارد - اکنون کشتور
متجاوز و متصرف تمام دنیا آشکار گشته و با بستن پیمان
احترام احساسات ملت هر چه زود تر اقدام جدی و -
توانان شکن بعمل آید - یقین است هر قدر باین -
تعرضات نادمردانه موقع داده شود و ما سعی دهیم
جواب و حشت و بوبریت و تعرض مسلح بخطر مقدس خود را
بخط و فلسفه بدیم همان اندازه دشمن بهیجا را بر
خود دلیر تر ساخته و دامنه این تعرضات دزدانه را
طولتر خواهیم ساخت و طهما بهمان پیمانته محیثت -
سیاس و تاریخی کشور عزیز افغانستان لطمه عمیقی وارد
شده و احساسات ملت جریحه بیشتر دار خواهند گشت (عطاشی)

آژانس دلخ

افتخار بزرگ علی یا بن علی؟؟

در اثر انتشارات لا براتوار (بشتو و باور تنگ) اخیراعده
از عامای سیاسی اداری بکشف ادویه جدیدی بزعم
خود بنام زورو ما یسین موقف شده اند که برای چرخاندن
ما شین اداره ان را خیلی مفید و اکسیر اعظم حساب میکنند
اطلاعات اخیره میرساند که انتشار این خبر در مقامات
صالحه بین المللی اثر صافه آسایش نموده و چند سواد
اعلامیه حقوق بشر را مقامات مذکور بهملای بزرگ سیاسی
دولت فرستاده و سعی کردند ثابت نمایند که این دوا
مدتها اولتر کشف شده ولی در اثر تدقیق علمای متبحر
سیاسی و هزاران تجارب تلخ بشری ثابت شده است که
دوای مذکور برای گیتی یک سم قاتل بوده و لذا تمام
نمایندگان سیاسی دولت تصهد - تصویب و امضا کرده اند
که این سم جانکاه نباید بر علیه بشریت استعمال شود -
اما آنهاشیکه این کشف بزرگ را مال و افتخار بزرگ علی خود
میدانند در چهارابک مرزه کرده و اصرار دارند بهر قیچی که ممکن
است این دوا بخلق تطبیق کنند (خدا کند نتیجه خوبی دهد)

آشوب طرقتی

بهر تا سر گیتی اثر از صلح و صفا نیست
در پلنگی نیست که آشوب بپا نیست
جنگ دگری میشود از دور نمایان
کس نیست که در وحشت ازین دور نما
انصاف و عدالت همه جائینست کجا هست؟
طغیان و تمدی همه جااست کجائینست
رحمت پتر حشر ک درین عصر تمدن
آتسک که گرفتار نباشد به سلا نیست
در کار خود انگنده پش عقده بسیار
انوس انگشت کسی عقده کشا نیست
در دینست بجان بشر این پش و عداوت
جز لطف خداوند برین درد دوا نیست
ای حکروایان جهان بشریت !!
از تنوع بهتو اعتمه بید ادروائینست
از وحشت این جنگ به لوح دل احباب
تقدیر دگر از عا ططف و مهر وفا نیست
(نوای اصفهانی)

عجیب ترین خسرو

زمین های گارته بایر را که قبلا ریاست بلدی به اشخاص بی سر پناه و آتیه نیک منازل شکسته و ریخته شان در عرض جاده پر طعنه میوند از بین رفته بود طبق قباله های شری جویب (۲۵ هزار افغانی) فروخته و مردم بعضا مصالح تعمیر از قبیل ریگ و سنگ و مصالح تهناد کتی را کار سازی کرده اند. اخیرا بر حسب فرمان مقام متبع صادرات معظی کاران معطل و امر شده است زمین های فروخته شدگی که بعد یک عالم خون دل بکنار آمده - مسترد گردد .

نمیدانم این جا چرا کارها وارونه است مثلا اول شهر آباد می نمایند بعد در بی کافالها سبون می افتند اول جاده ها را اسفالت میکنند بعد سیم کبیل را در دل آن میکشند و حالا هم اجازه تعمیر را دادند و تازه امر میکنند که کار های عمرانی کار ته بایر بایستی تخریب شود از ریاست بلدی بهر سیم که ایا وقتی اجازه تعمیر در آن منطقه را میدادند این فکر را نکرده بودند و از مقامات صالحه که حالا امر تخریب آنجا را میدهند اجازه - نگرفته بودند؟ بمقیده ما بایستی ریاست بلدی فرز برین حکم شود که سبب اتلاف لکها روپی و پیر بهشتی صدها خانواده است تجدید نظر نمایند -

از ملخ چه خیر داریم ؟؟

عترت هم که هنوز است اجراء ریاست مستقل زواعت (با ستثنای خیر عزیمت مدیر عمومی دفع آفات ملخ به مناطق ملخدار) به صورت جدی و بارز که سبب قناعت مردم گردد بهلا حظه تر سید - قرار معلوم ملخ در ایران هم آشوبی پیدا کرده اما آنها جدا داخل اقدام شده و حتی سازمان ملل متحد در امریکا و روسیه خوار بار و زواعت در روم حاضر به مساعدت در رفع این آفت شده اند و در اثر فعالیت نمایندگان سیاسی آن دولت امریکا بهلا عو فرزند طهاره سمبائرو دوا های موثر برای امحای ملخ در اختیار مقامات مربوطه ایران گذاشته است .

نداء خلق - هر گاه باز مانند سابق به دهل و تقاره تا ده سال دیگر با ملخ نادر نبرد میمانیم بهتر نیست نمایندگان افغانستان هم در مراکز بین المللی ازین جهات استفاده کنند تا قبل از اتلاف محاصیل زراعتی و مساله کشور

بایه سر مقاله - استفاده نمایند بفکر تو طه و د سیمه لیبتهاده و لزوم کار خفی و زیر پرده باقی نمانده و هر کس آرزو و مرل خود را به خوف و خطر علنا اظهار هر مقامی بی - عصا نیت بقناعت خلق پر داخته و مجرم و بی گناه بصورت - علنی از هم تفریق شده و در نتیجه امن و امان و راحت و سعادت عمومی تامین میشود - و طبعاً بر عکس - قضیه و نتیجه هم بر عکس بوده و همه اختشاشات - بد امنی علو تجاوزات زاده خوف و عدم مصونیت و مابونیت بوده و نظام جمعیته مختل گردیده و سعادت از همه ملکت رخت می افتد با بقوانین و مقررات جامعه با پند و مطیع بوده - حاضریم بخوشی حبس شده - اعدام گردیده و ملک و مال مایه تاراج ولی همه بحکم قانون و محاکمه آزاد و علنی - نه بایر و حکم و قضاوت و تحقیق عندی و فردی - پس ما جدا از دولت - تقاضا میمانیم تا این حق مشروع و اساسی خلق را نیز ببرد اعطا کرده و امر بفرمایند که قانون حکم و آمر و قاضی امور باشد نه مفکره و تحلیل و قضاوت افراد .

(محمودی)

بقلم شائلی معصومی

انتباس از مجله اقتصاد

(۳)

اصولنامه مطبوعات باید بندهت - نتواند شود
 ۰۰۰ ریاست مطبوعات حق سلب امتیاز و دادن جزای نقدی الی نصف پول ضمانت را خواهد داشت (صرف نظر از این که کلمه (منظم) در این جا خوب استعمال نشده است زیرا از کلمه منظم نمیتوان مفهومی سلسل را استخراج کرد علاوه شدن عبارت (بدون عذر ووجه) نیز برای تطبیق جزای نقدی الی نصف پول ضمانت موید عادلانه بودن حکم این ماده بشمار - میرفت ۸ - از مقایسه احکام مواد (۱۱ - ۲۹) اصولنامه مطبوعات میتوان وجود یک نقص دیگری را در اصولنامه در کرد اول ماده یازده را از نظر بگذرانیم (در نشرات روزنامه و مجله و رساله موقوفه باید اسم مدیر مسئول - صاحب امتیاز و در نشرات کتب و آثار اسم ناشر با تاریخ و اسم مطبعه که در آن نشرات طبع میگردد بوده شود - در صورت عدم تذکر شخص مسئول الی پسانزده روز عایدات جریمه میشود) محتویات ماده ۲۹ نیز قرار ذیل است (در اول و یا اخیر هر یکی آثار حتی در پهای اعلان هم نام مطبعه و اسم ناشر هم چنان تاریخ طبع نشان داده شود در صورت خلاف ورزی - متخلف الی ۵ روزه عایدات جریمه میشود) اگر چه صریحا فهمیده نمیشود که شخص مسئول و متخلف برین مواد کیست ولی به تعمیر روح مواد باز هم علت مغفارت بودن جزا برای یک جرم معین - زیرا در ماده ۱۱ جریمه با اندازه ۱۵ روز عایدات و در ماده ۲۹ با اندازه ۵ روز عایدات میباشد قابل ادراک گفته نمیشود . . . (تا تمام)

شماره آینده نداء خلق را با مضامین و صحافت عجیب آن منتظر نظر فرمایید
 با شهید

نداء خلق

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

شماره چهاردهم

سال اول

پنجشنبه ۲۶ ثور ۳۰

حقوق خلق !!!

اگر مردم بگوئیم که آنها حق دارند بدون خوف و ترس -
و مداخله حکام نماینده های حقیقی خود را انتخاب و یک
شورا و یک کابینه مسئول در مقابل خلق را تشکیل دهند که
جریان امورات آن علناً نشر شود - پس بطبعاً مردم برای حق
خود مبارزه نموده و چون مبارزه برای حق مصلحت و وحدت
ملی تمیز شده و اساس ماده ۱۴ قانون مطبوعات نامه صادره
نویسنده پنج سال طرد و چهار ماه عیادت جریمه میشود
پس از نوشتن چیزی بیشتر درین مورد معذرت میخواهم . . .

(محمودی)

نویسنده - جناب محترم مولینا
فصل ربن عضو جمعیت العلماء
بدعت و سنت
موتی که منسوب بحضرت رسول اکرم صلی الله علیه
و سلم است
درین ایام در اطراف این مسئله تحقیقات میکنند کسی (چ)
طلب است - چیزی را که به سرور کائنات و سید المرسلین
و خاتم النبیین نسبت میدهند باید که مد لایل شریعتناست
گردد - اقولیکه بر رسول اکرم صلی الله علیه وسلم مردم
منسوب کرده اند پیغمبر در صورت کذب در مورد آن -
میفرمایند (من کذب علی محمد فلیتو مقصد من
النار) یعنی کسیکه دیده و داسته بر من دروغ بسته -
گند پس بسازد جای تشنه خود را در آتش - پس اگر
نسبت این موی بحضرت رسول اکرم به دروغ باشد از گناه
خالی نیست و تعظیم غیر رسول خدا کردن است - د لایل
شرعیه چهار اند - کتاب الله و احادیث رسول (ص) و
اجماع و قیاس و برای عقیده در یک شی یکی ازین چهار دلیل
لازمی است - دلیل یقینی و ضروری عبارت از کتاب الله و
حدیث متواتر است و حدیث متواتر آن را گویند که از رسول
اکرم (ص) تا بن آخر آفتدر مردم آن را روایت کنند که -
اجتماع ایشان بدروغ ممکن نباشد - مثل خبر بوجود مکه
مطمئن و غیره - اگر بجهت طریق ما ثابت شده باشد
عقیده بان درست است اما بخبر واحد صحیح در اعمال و
اقمال درجه وجود دارد و اگر نهوشر بخبر واحد صحیح
نباشد پس آن را موی مبارک گفتن جا جائز است - شفیقه ام
که غلام حسن خان صافی درین باره چیزی گفته اند و چون
جوان مو صوف علماً مذهب در دانسته میشوند بنده در آن مورد
به تفصیل صحبت خواهم کرد - توضیح قول الهیته مربوط به
اعتبار قایل است و تشبیه شی بشی دو و صف مشترک شاید
علت حکم باشد مثلاً زید شیر است پس زید شنبه و شیر شنبه
به و شجاعه وجه شبهه است - پس زید در تمام اعضا مانند
شیر حیوانه و نمیتوان چنین حکم کرد - اگر قایل قول دهری
است سب حقیقت بهتر بوده و اگر مسلم است مجاز است و
بد لایل شرعیه نبوت اینها بنده مدعیان است ولی برای
موی نزار ساختن و آن را تعظیم کردن بخصوصاً چون اصلیت
نداشته باشد بدعت است . . . (در آتی منتظر تفصیل باشید)

(خواندنی مهم)

در شماره آینده منتظر نشر مباحثه مدیر مسئول
نامه نداء خلق با رئیس صاحب زواعت که قبلاً خیر استمفای شان
راتو سطاژانس دلخک نشر نموده بودیم ملاحظه کنید .

تتقیات اجتماعی

چون تتقیات اجتماعی و وزارتخانه ها و سنوال از نتیجه اجراءات شان سبب میشود هر روزی کتابی در باره مشکلات و علل و عوامل و فقر بودجه ۰۰۰ متریستار ما مجبوراً نظیر بنوریدی قطع نامه از نشر آن خود داری نموده و لذا باستناد ماده ۱۷ نامه ما ششماه توقیف شده و با اساس ماده ۲۰ نیز یستنده ششماه حبس گشته و ما مجبوریم معذرت خود را به هموطنان گرامی تقدیم کنیم

..... (م ص)

چرا نرخ ها روز بروز بلند تر رفته و مردم فقیرتر میشود

اگر بگریم علت بلند رفتن نرخ آرد به ۲۳ افغانی و سیاه روز شدن و فقر و بیهنگی مردم در اثر تمرکز پول و زمین بدست چند نفر محدود و نتیجه انحصارات شخصی است و درین مورد توضیحاتی در همین میترسیم با اساس ماده (۲۰) تمرکز شخصی حساب شده و با اساس ماده ۲۱ آن را از دایره عفت قلم دور دانسته و جزای دو ماده مذکوره را بر ما تطبیق کنند امید است هموطنان گرامی درین مورد ما را معذور پندارند

..... (ع م)

هموطنان عزیز و گرامی

جمعی از دوستان جدا از نامه نداء خلق تقاضا کردند مناسبتی برای انتباه مردم و اصلاح امور بی نظم و پراکنده ما نشر نمایند - و وقتی ما در هر رشته عنان صحبت را بدست گرفتیم مواجهه بیکی از بد های قانون مطبوعات شدید و معتقدیم خود این شماره بهسریں معرفت قانون مطبوعات باشد - ولی ما هم هموطنان ما متیقن باشیم که ما مبارزه بسناک و مقدس نشراتی خود ما نند. ما مسوق د و ام خواهیم داد

بسیارنداران بی سرمايه

درین مورد استاد و شهرد و گفتنی های زیادی داریم ولس آتای غ ۰ م رسد از ما بر سیده اندک قانون اساسی را میترسیم نوشته ما را با اساس ماده ۱۵ خرافات و جزای از کجا میتوانند بدست آورد و آیا ما میتوانیم آن را برای آن را ۱۵ روزه عایدات و با اساس ماده ۲۰ تمرکز مشخصات معلومات مردم طبع نمائیم یا نه ؟ (بستیده ما در طبع تلقی نموده و نویستنده را به ششماه حبس محکوم سازند قانون اساسی خود متبزرگی مملکت نبودن است و ما در فلذا این حرف ما را بد تقدیم معذرت داشته آتی نه تنها قانون اساسی واطیح و مجانتانشر خواهیم نمود و بهتمام کسانیکه مقدرات مملکت را بدست داشته و مجبور اند در تمام اعمال خویش اساسات این قانون را احترام کنند و رایگان خواهیم نمود بلکه مقدمه نیز بران ایزاد و نقطه نظر خویش را در باره آن عرض خواهیم کرد زیرا امروز - قانون اساسی در دنیا بمثابة ناموس ملل حساب میشود

(اداره)

جریانات شورابلسی

خبرهای آژانس دلخک -

اگر بهر سیم چرا در جلسات علنی شورابه نمایندگان سفارتخانه ها و مردم آزادانه اجازه استماع داده نشده و چرا مایندگانی که ممالک پدر جات مختلفه برای استماع جریانات شوراتک طبع نمیکند و چرا جریانات شورا که مهمترین و اساسی ترین اخبار مملکت است در جراید نشر نشده و چرا شورا تا کنون از خود نشرات مستقلی نداشتند و چرا تصویبات شورا اکثر اجامه عمل نپوشیده است و چرا جریانات مجالس و کمیته های علنی شورا اسرار حساب میشود؟ و اگر ما بخواهیم این جریانات را شرح دهیم خوف آن می رود که نوشته های صاف و حقیقت ما را سوء تمهیر نموده و آن را بجز ماده ۲۴ قانون مطبوعات کشتانیده و حکم ده سال حبس و جریمه ششماه عایدات را بر ما تطبیق نمایند. پس طبیعا عقل سلیم فضلا ما را از توضیح این مطالب معذور خواهد پنداشت..... (م. ص)

تفقید آقای معصومی بر

قانون مطبوعات

چون اداره تداء خلق قبلا تصمیم خویش را در مورد غرایت نامه کتبی اعلان کرده بود و هم تمسب بود بژودی فسخ عزم کرد پس بقیه مقاله آقای معصومی را نیز در شماره های آتی وعده داده و هم نقطه نظر خویش را در مورد قانون مطبوعات و مخصوصا قانون مطبوعات دولت دوست و برادر ما ترکیه را که یک مملکت اسلامی و هم دارای مسک انسانیتین و هم کرامتی شرفی است برای مطالبه هموطنان گرامی خویش شرح خواهیم داد. (اداره)

کسار و یکسانسوز

کاریکاتور مرتبه ما دزد ملیو در نام داشت و لیس خوف ماده ۳۰ ما را از نشر آن باز داشت جستجو نمودیم که همکار متخصص خوشتر را در رسم کاریکاتور بدست آوریم تا کاریکاتوری برای کدام حیوان چهارپا و رسم نماید ولی این کار هم ممکن نشد. بکری مرغ تلگرامی دادیم که آن ها از مجله ستاره مرغ که مخصوص کاریکاتور ها است کاریکاتوری را برای نشر در نامه ما بفرستند اما آن ها نیز بواسطه نقصان تخنیک در بوق و نا بریکه مشهور در آن بجاوب تلگرام ما نپرداختند پس از هموطنان گرامی خود تقاضا میکنیم حسب میل و مطابق ذوق خوشتر کاریکاتوری درین صفحه رسم نمایند و اگر خواسته باشند میتوانند کاریکاتورهای مر سوه خوشتر را هم بدهند خلیف نیز بفرستند که پس از قضاوت به برنده گان جایزه بدهد خلیف برای یکسال مجازاً فرستاده شود اما شرط اساسی و مهم این است که اصل و ۶ قانون مطبوعات یعنی از ماده ۱۳ تا ۲۰ را خوب مطالعه کرده و مد نظر داشته باشند والسلام *

از نامه دلچسپ تر

اکنون چه باید کرد ؟؟؟

با مشاهده این همه مشکلات بالا خیره بشکر افتادیم که به نوبت مستفسر گشتیم و متخصصین قانون و صاحبشهرت که تمین هویت شان نیز اشکال ندارد دعوت دهیم تا این قانون را که تقاضای زیادی داشته و بیشتر محتوی پیام خدا و وجدان ما همکاری کنند ولی چون قسمت اعظم این مردم مربوط به دستگاه دولت است پس با استناد خیر آژانس اکنون بطور قطع ما خبر دادند که در اثر فرمان رسمی نویسنده گان مذکور تقاضا میکنند با نامه های همکاری کنند و مقالات تنقیدی بنویسند (دایره خوشحالان کبوتر سیم تظویل عرایض مادرین مورد سوء تعبیر شده و اساس ماده ۱۸ اخذ التزام و ده سال حبس را در مورد ماهدون محاکمه علی و تحقیق و تضاروت اساسی حکم دهند پس عرایض خود را با یکجهان احترام ختم میکنیم (اداره

بالا خیره !!!

توده مظلوم ملت هم ما کمال احترام عرض میکنند :

ای آنکه باقیات تو در عالم نیست

کیوم که غمت نیست غم ما هم نیست

اگر یک عده بسیار و بسیار قلیل میفرمایند :

ما را بجهان بهتر ازین یکدم نیست

کز نیک و بد اندیشه و از کس غم نیست

نذات خلق

صاحب امتیاز

دكتور عبد الرحمن محمودی

مدیر مسئول

انجینیر ولی احمد عطاشی

شر دو شنبه و پنجشنبه به پشتو و

فارسی نشر میشود

آدرس دفتر

جا ده میو ته - کابل

تلفون —

آدرس تلگرافی "خلق"

تاسیس ۱۲ حمل ۱۳۳۰

تا به ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

دو شنبه ۳۰ ثور ۱۳۳۰

سال اول

شماره پانزدهم

تا موس فطرت !!!

تا موس فطرت است که در هر جا شبکه صدای حق بلند گردد و یک مرد حق پرست برای تا مین حقوق خلق مبارزه کند پس بصورت طبیعی و فطری دو دسته دیگر هم در صحنه ظهور میکنند - اول دسته مخالفین که این صدای حق و نصدای خلق را مخالف ملاحظه خود پنداشته و میترسد که آگاه شدن مردم بحق و مبارزه شان برای حصول حق مفسد او را بخطر انداخته و آزادی مردم او را از اعمال مستبدانه اش باز داشته و طبعاً مطابق با تا موس فطرت و طبیعت - بشری بخود حق میدهد که جهت دفاع از مفاض شخصی خود بر علیه مجاهد و حقیخواه و حق پرست بهر منطق و حیل و نیونگی که دارد مجادله نماید - دسته دوم که در هر مبارزه حق پرستانه بطرف فطری تولید میشود گروه

مناقضین اند - این دسته مردم تقسماً یا شرخو فرقسماً در اثر طبع و هم عده همایقده ساختن رزح و جلی که ناقص روح مردی بوده و اند حوصله مبارزه برای حق را داشته و نه جرئت دارد که مرد وار و وارد صحنه مبارزه گردد پس طبعاً با تذبذب سعی میکنند که از هر دو فرقه استفاده کرده ولی یا آخر به دسته به پیوندند که در مبارزه فاتح شده و یا اقل قویتر باشد اساساً همه مفاسد اجتماعی و تمام شر و شور زندگی را زده و ممالیت های تا مردانه همین دسته مردم بوده و این گروه را همه ادیان و روایات بشری و مخصوصاً دین مقدس اسلام بمسایر تکره هشی نموده و مقام شان را (درک اسفل من النار) میداند - چیزی که در بالا گفتیم یک امر طبیعی و فطری بوده و در هر مبارزه تولید نموده و دسته متقابل در دسته مبارز حتی بوده و هرگز آن شواهد تاریخی این بقیه در صفحه ۴

تو پیسنده جناب محترم مولینا فضل ربین عضو جمعیت الملماء (۲)

ممنی بدعت

در (صواع) ممنی بدعت با اختیار است تو هر آمدن لرسمی است در دین بعد از اعمال دین و در غیاب اللغات است چیزی تو که در دین پیدا شود و در زمانه رسول اله (ص) نبوده باشد و در (المتجدد) است (البدعه) ما احذرت علی غیر مثال سابق و عقیده احدی تخالف الا یمان یمنی آن چیز است که تو پیدا شده و پیش ازین مثالش نباشد و عقیدتی است که مخالف ایمان باشد در اصطلاح

فقهاء پیدا کردن زیادتی یا نقصان تو است در دین - (طریق محمدیه) بعضی علماء میگویند بدعت بدو قسم است - بدعت حسنه و بدعت سیئه و به توفیق محققین بدعت فقط بدعت سیئه را میگویند و بدعت حسنه را در سنت داخل میکنند زیرا که بدعت سیئه باید بدعت نبی و بدعت اولی و نه فطری و نه صوابی و نه اشاره باشد در - بر همین قاطعه صاحب بذل مجهود شوح این داء و داست و تشکیک بطریق مذکور وجود دلیلش در قرون اولی تا پس در قرون دوم و سوم هم وجود دلیلش نخواهد بود و همچنین برای شی که دلیل تولی و فعلی صراحتاً و یا اشارتاً در قرون اولی باشد پس در قرون دوم و سوم نیز این دلیل موجود خواهد بود پس آنچه بدعت نیست بعضی علماء فقط وجود آن شی را در قرون ثلاثه بشواعت رسانیده اند - امام ربانی حضرت مجدد الف ثانی رحمت اله علیه در مکتوبات جلد اول مکتوب ۱۸۶ خود تحریر میفرماید هر چه در دین محدث و مبتدع گشته و آن در زمان خیر البشر و خلقای را شدین نبوده اگر چه ان چیز در روشی بمثل

و در و رئیس محترم شراوالی شافعی غلام محمد خان رئیس فضاال شراوالی که جهت وارس باره انور مبارک و شریف بوده بودند وارد پایتخت شدند - ما در آینده راپورتیژ مسافرت اخیر این کارمند ضمیمه را تقدیم خواهم نمود

و در و رئیس محترم شراوالی شافعی غلام محمد خان رئیس فضاال شراوالی که جهت وارس باره انور مبارک و شریف بوده بودند وارد پایتخت شدند - ما در آینده راپورتیژ مسافرت اخیر این کارمند ضمیمه را تقدیم خواهم نمود

شاغلی گل باجا خان الفت

یو پیتو اخبار

د ملی اخبارو نو د نشر ولو اجازه چه وشوه اینگار۔ وطن
 تدا خلق راووتل په خلقو کیتی یو نوی امید پیدا شواو نوی
 خبری چه هر جا ته تا آشناوی میدان ته را ووتلی * هر څوک
 پدی وپو هیله چه ز موژ لیکونکی اوس خائنه او موژ ته ۔
 متوجه شوه ز موژ دردو ته هر ضو نه نقصانو ته پیاووی او د ا
 بیا تو ته دیر بشید دی * هغه پیتانه چه یوازی په پیتو
 یو هیدل د دغه اخبارو په ترجمه په یی خائو نه یو هول
 او ویل په یی کشکی پیتو هم دغسی یو ملی اخبار راواو وی
 او پیتانه له دغه نوی فکری نهضت نه یی برخی پاتی تشی
 ځینو په ما ته په فکر هار کیتی و ویل ته یاید یو پیتو اخبار
 راوباسی او دا امرانه ز موژ په زرو نو کیتی یو نوی د ی
 هغه کسان چه زما له آثار او مضامینو سره مینه او علاقه
 لری ژه یی دیر دیر د دی کار د پاره تشو یی کولم او مسا
 هم له دوی سره ومیله ژه پخپل کو شش وکړم * دلته چه
 راغلم یو ملگری را ته ورویل د اولس په نامه یوه پیتو اخبار
 اجازه موژ له مطبوعا تو نه غوشتی ده ا رستا د راتلو په
 انتظار کیتی ورو * ما وویل ز خو په همدغه نیت راغلی یی
 زما اصلی مقصد دا ته دی چه ژه د کوم اخبار امتیا ز ولرم
 یا د مدیر مسئول په نامه یاد شم ۔ ژه له هر اخبار سره
 د هر چاپه نامه چه وی او هر څوک یی مدیر وی همکاری
 ته تیاریم او غواړم چه د پیتنو د استغاف دی د پاره د یو
 ولیمک او خپل ادبی استمداد چه په پیتو کیتی یی لرم ۔
 عا ظلیری سو دم دا خبره له ما سره ومتل شوه خو پله ورو
 راته یو بل تیغه شوجه د اولس امتیاز په ستا وی او مدیر
 مسئول په یی شاغلی صافی وی دا خبره یی هم قبوله کوه
 او مطبوعاتو ته ورغلو هغوی هم ومثله مگر دری ورځو وروسته
 یی وویل چه ته بل مسئول مدیر مصرف کوه موژ صافی ته شو
 قبولی ما د شاغلی فاضل قیام الدین خان خانم نوم واخیست
 په هغه هم موافقه واخله ژه بیرته راغلم او په دغی فکر
 کیتی وم چه د مطبوعاتو په ذوق پراپر څو له پیدا کوم څو
 ورځی تیری شوی یوه او بل راته وویل چه ته یو ژل ولاړ شه
 لو د مطبوعاتو رئیس صاحب وگوره ځکه چه هغه ستا پیتنه
 کوی او داسی مصلو میوزی چه د اخبار اجازه درکوی ژه ۔
 یو پیتو اخبار راو با سو *

ورغلم هلته جا ورته وویل چه څه کیزی چه د اخبارو مسئولو
 مدیر هم پخپله الفت وی رئیس صاحب و فرما یل چه
 وکیلان مسئولیت لری او په مسئول مدیر مسئولیتو ته راځی
 ما وویل د مطبوعاتو په قانون کیتی خو دا نشته چه وکیل
 په د اخبار مسئول مدیر ته وی او دغه مسئولیت خو تر
 لوسه کوم وکیل د قانونی مسئولیت له جزا څخه خلاص
 کوی هم نه دی شاغلی غبار وکیل دی مگر یو مضمون یی
 او جزا ورکوه شوه توپه دغه لحاظ وکالت ماتمع
 کیدای نشی او دغه خبره کوم قانونی اساس نه لری
 ماژی ما ته مصلو میوزی شاغلی رئیس صاحب را سره ومیله
 چه د امتیاز خاوند په هم ته یی او مدیر مسئول په
 هم ته شی * موژ په همدغه اساس تاته د اخبار اجازه
 درکوه ژه هم د یو مضمون نوم او بل در خواست یی ورکوه
 چه هلته یی خان په دواړو حیثو مصرف کوه په غصه پا ته
 کیتی ولیکل شوه ده ته دی اجازه وکوه شی ما په
 اساس دری زره افغانی هم د مطبوعاتو د مصرف په
 وولو په بانک کیتی تحویل کوی او د نشرانو د لوی خاکی
 یوه پا ته یی هم خاڼه پوری کوه چه دا اخبار په پسه
 هغه کیتی یو ژل په پشتو نشر یوزی او څه فارسی برخه
 په هم لری په دی وخت کیتی دولس بجی شوی او ما ته
 یی وویل چه یوه بجه په تاته اجازه تا به در کوه شی
 پس له یوی بجی چه ما د بانک رسید وروږو او د نشرانو
 لوی مدیر آقای میرعلی اصغر خان شعاع ته ورغلم و یی
 فرمایل ماته اوس په تلیفون کیتی وویل شوجه الفت وکیل
 دی مسئول نیت لری او مدیر مسئول کیدای نشی ژه حیران
 شوم چه له ما سره خر په همدغه اساس موافقه
 وشوه او سره له وکالت او مسئولیت په یی ومیله دا دو هم
 ژل پیتو ما ته یی خاکی پیدا شوه که له چاپه دوی هم
 د اجاژی ورکولو اجازه غواړی یاید اول دوی اجازت
 اخستی وای او یی له ما سره وعده کوی وای هغه
 کسان چه زما نشرانو ته تزی مصلو میده شلین چه زما
 عذر معنی او قانع شی ژه په دی دوی د پاره پس له دی
 خپل مضامین په (وطن او تدا خلق) کیتی نشر وم ځکه
 چه د اولس د نشر اجازه یی را نکوه او موژ موفق ته شوجه
 یو پیتو اخبار راو با سو *

شهادت خلق

عزیزم عطاشی ! بنده با کمال احترام عجلتاً میبندم تا چیزی را که عبارت از پنج هزار افغانی است بمشام همکاری بجزیده ملی فدای خلق تقدیم می نمایم خداوند متعال بمشما و همکاران محترم شما که در راه تنزه و افکار توده و پیشرفت این خطه عقب مانده از کاروان تمدن اساس توین و مفیدی را بجا گذاشته اید توفیق بر مؤسسه اعطا و از بارگاه بی نیازی آخر دوام این فدای حق را توأم با بیداری خلق نیاز مندم . با تقدیم احساسات و ارادات .
 نیک محمد شیرو زاده .

فدای خلق - احساسات جوان مردانه شایلی نیک محمدخان شیرو زاده را که یک تن از تجار طراز اول کشور اند تقدیر و توقع است با همجه مساعدت های هموطنان عزیز قدرتی بهم رسانیده بهماران بی غذا و دوا و بی پرستار و تداوی و مساعدت نماید - ما اراده نموده ایم حسابجاری در بانک باز و نمره آن رایبه مبالغ جمع شده اعلان کنیم .
 بجواب مکاتیب وارده -
 شایلی توانی در ضمن مقاله که بما نوشته اند از آقای فم گله نموده اند که چرا شجاعت اخلاقی نداشته و باامضاء صریح مطالب خود را میخواسته اند پنهان کسب آگاهی قوم انتشار نمایند .
 فدای خلق - آقای محترم ! درین مورد نوشته های زیادی رسیده و ما را برای خدمت خلق تشویق نموده اند و ما هم این مبارزه پاک و مقدس خود را ادامه میدهیم و از نواتیک درین مبارزه اسباب حوصله افزائی ما را فرا هم میکنند - تشکر میندازیم .

یک مسأله دیگر

آژانس دلخاک که بنا بر مجوزیت " و ظیفه " از هر کنار و گوشه کشک و خبر های مهیبی جهت شغرتنگان و ...
 زاده گان فدای خلق بدست می آرد در ۲۴ تیر از گروهی لایحه استقلال که تیر هفتت های فتیال دوران اجراء میگردد چنین خبر گذار است . در ختم یک مسأله بقیه و شروع مسأله دیگر یکی از روسای مریضه وزارت معارف خیلی به غیظ و غضب بر یک جوان بیچاره و تاملناشس هدجوم برده و بدستگیری فتیالیهست های که شهکساک به پنا داشتند آن بیچاره را تحت لبت و کوب و دود و دشنام گرفته و تا ضعف نکرد لبت و کوب را ترک نکردند .
 آژانس مو صوفعاً ولاه میکند که کلاه و مپلشی تقدرا نیسز خریغان از سر و جیبش در یافت نموده بودند - گناه *

خواسته های خلق :

تعبیر سیم

از حد گذشت دود و به در مان نمیرسیم
 بر لب رسید جان و به جا تا ن نمیرسیم
 گوهر روان به کعبه مقصود میسر شد
 ما جز بهار و های مخیلان نمیرسیم
 ایشان مقیم در حرم و صل ما نده اند
 ما سعی میکنیم و به هجران نمیرسیم
 بوی زعود بی شغور جان ما و لسی
 در کف کلم مجیره گردان نمیرسیم
 چون صبح در صفا نفس صدق میز نیستیم
 لیکن بافتاب در خشان نمیرسیم
 در سبکت جو پیرو سلمان نمیشویم
 در سلطنت بجای سلیمان نمی رسیم
 همچون (عهد) وانه و خیران بمانده ایم
 در سرکار خانه یزدان نمیرسیم
 (عهد زاکاتی)

از گوشه اخبار های روسی -

آیا وزراء مسئول گفته میشوند؟

چیزی که پیر روی ما میباشد این است که قوه اجرائیه باید از حجم خود بکاهد و از صدارت عظمی مسئول نگردد تا نام لوری و وزیر را قبول نماید تا به وزراء مسئولیت حقیقی شان سپرده شود و قوه تقنین و قوه قضائی بتواند استقلال خود را - احصال کند . (انیس)
 فدای خلق - بنا بر ادعای تو یسندده مقاله فوق گو یاتا اکنون وزراء مسئولیت حقیقی ایشان سپرده نشده و قوه تقنین و قوه قضائی استقلال خود را کسب نکرده است ما هم روزی جزئی نداریم که بطلب تو یسندده مضمون فوق تطبیق گردد .

چیزی که بکار است

درین موقع چیزی که بکار است کهن و ادویه لازمه است که مجاسفا نه در شفاخانه بخلان یک حبه نیز ازان موجود نیست ته تنها کمن بلکه بسیای وی از ادویه لهندا مریضان از شفاخانه هم ما یوس اند (اتحاد شور)

فدای خلق به شماره مخصوص ملا ریا تازه با فوتوی رئیس مجادله ملا ریا از شمشه بشرات وزارت صحیه بطبع رسیده شاید عود خرد کمن نسخه های مطبوعه را جهت استعمال به شفاخانه ها و مناطقی که در میراث ملا ریا است از سال بدارد . مطمن و منتظر با شهید .

ملا یسفر سیر بین تزد رئیس صاحب این است که چرا از میدان فتیال میخواست عبور کند در حالیکه بازی هم مضطرب بود .

فدای خلق - خدا کند این خیر هم مانند خبر های قبیل آژانس دلخاک چندانی مستند نباشد .

متن استعفای شای غلی رئیس مستقل

زراعت

در شماره گذشته وعده داده بودیم که به نشر مصاحبه مدیو مشرول نامه تدای خلق یا شای غلی رئیس مستقل زراعت می پردازیم فعلا به چاپ عین استعفا نامه شای غلی رئیس صاحب باتذکر اینکه هنوز استعفای شان سمت قبول نیاکنند اکتفا و مصاحبه و این شماره آینده موکول میباشیم

ع ج س ا کفیل صاحب صدر معظمی با جلالتها با اینک بهره یکسال و چار ماه شده که اینجانب بریاست مستقل زراعت خدمت کرده و شرف عضویت کابینه ع ج ا اوالاحضرت صدر اعظم صاحب را داشته ام درین عرصه یکسال و چند ماه وظیفه داری ام نتوانستم نسبت به سیستم اداری و دفتر داری و طرز اجراءات موجوده دولت کدام خدمتیکه سزاوار این مقام باشد اجرا کنم البته کاری که شده مثل دیگر شقوق دولت روز گذراتی بوده ماموریتیکه در دستگاه حکومت خدمت میکنند بجز عده قلیل قطعیابو وظیفه انتروست نداشته جز غرض شخصی دیگر کدام آرزوی خدمت میقوم و وطن را نذارند از یکطرف که مامور کافی نذارند و از جانب دیگر چون در دستگاه دولت مکانات و مجازات موجود نیست با این ترتیب کدام امید واری از ایشان نبی باشد و این موضوع را سفر اخیر من در سمت شمال مملکت به انبیا رسالتند زیرا ماموریتی که مجبور بودند و یا خیر در هر خدمت میقوم و فزاهم آرزوی رهاحیت آتینانهاست اندیتایشان گردیده همچنین در امور است مملکت بجز آب را خست کرده ما نمیگرفتند و بس و کارها را چنان حق انداخته اند که سربوهای آن مملوم شده نتوانند البته این جور و نواقص و خرابیها که در اکثر شقوق کارهای مملکت موجود است و اگر از روی حقیقت قضایت شود همه اعضای محترم کابینه و الا حضرت تصدیق خواهند فرمود با وجود اینهمه نواقص در مجالس عالی وزراء و وزوی هم نشد که مامور عمومی دولت از قبیل نواقص سیستم کار خرابیها و غیره و حتی رایج سیاست خارجی و داخله مملکت کدام مذاکره و مذاکره شده باشد که نسبت باتخاذ این و یا آن سیاست حکومت میتوان بود مملکت را با اساسان قائم کرد و رایج مابین بی ترتیبی و نواقص یکی در مرتبه شفاها بحضور والا حضرت صدر اعظم صاحب و مجلس عالی وزراء عرض کرده بودم مگر هیچیک نتیجه ازان گرفته نشد همین مشکلات و نواقص را در وقتیکه جلالتماب وزیر اقتصاد ملی سابق که بحیث رئیس گروه دوم ایمن ریاست و از اجانب والا حضرت صدر اعظم بمن پیشنهاد میکردت عرض نموده و از حضور شان ممدورت خواسته بودم بلکه یکی دو روز در بیسن موضوع هنرا آیشان مذاکره کرده این وظیفه را قبول نمی نمودم مگر وعده داده بودم که اینهمه نواقص در مدت کم وضع و اصلاحات در شخص امور مملکت اصلاح میشود که مورد تشویش مابق نمیاند که من مملکت عقیده کامل نداشتم مگر مجبور بودم اتفاقه دادم تا ایشان فکر نکنند که من نمیخواهم چون کسی را دست تمام می

از دست بد هم بهر حال بی بیمه که با وجود سهوی شدن یک وقت طولانی تراریکه فو قا عرضی گردید مشکلات و نواقص همچنان موجود و صلاحیت اشخاص کاملا محدود و سیستم کار و دفتر داری ناقص که با این وضعیت نمیتوان کاری را پیش برد از همه بد تر این که چشمهای من تراری که معلومات دارتدخیلی ضعیف گردیده که لازم است چهار ساعت در چهار ساعت ادویه دران چکانده در غیر ان کاملا قوه دید از بین میروند سپس درینصورت ممکن نیست بخدمت دوام داد فلذا از حضور جلالتمابی خواهرش میشود این عذر مرا پذیرفته بنده را ازین عهده سنگین و مهم سبکدوش و عو ضم را از حضور مبارک شاه جوان و محبوب ما منظور حاصل نمائید تا این رساست بین سربورست نمائند زیرا من نمیتوانم نسبت به ضرر مذکور خود مامور ان دیگر رسیدگی کنم با احترام (محل امضا امیرالدین)

تدای خلق - این بار اول است که یکی از اعضا محترم کابینه مستو لیت فردا را احساس فرموده استعفایمیدهد ما این رویه شایسته را تحسین و آثار تامل اطراعت و احترام میداتیم

بقیه سر مقاله - قول و ثابت میکند اما روی سخن ما در این جا بسوی خلق است - خلق و مخصوصا توده مظلوم و فقیری که باید این جریان را بدقت مطالعه و آنها تورا که برای حصول حق شان مبارزه میکنند از دسته مخالفین متافقین امتیاز و فرقی نبوده و مخصر صا دسته متافقین را خوب شفاخته و بچال و تبرنگه شان گوش ندادند و هر حرف و نوشته شان را خوب تحلیل کرده و غایب شان رادرك و با آنها تولا و عملا بقیما نند که دیگر خلق محسوق خود آشنا شده هر دسته مردم را خوب شفاخته و دوست و دشمن خود را فرقی کرده میتوانند این فرخ مردم است که از دستستان خود حمایت نموده و اگر طالب حق و مساوات خویش اند در مقابل هر نوع فساد و مظالم مخالفین نواست و استقامت نشان داده و با گفته های جرب و نرم و تبرنگه های ماضرا نه هیچ کس فریب نخورده و بحق خود خوب آشنا گردند و یقین نمایند که خدا یار حق است (محبودی)

از مکاتیب وارده - شافل سر بلاقی از میبده بما مینو یستند از تا سیس مدرسه نظامی عمر شاهی ۱۵ سال میگردد هنوز زمین از دوره تحصیل فارغ نشده اند حالا که ۱۵ سال است بتحصیل ادایه داده و هنوز تازه وارد صف ۷ شده اند در میبده که نسبت ادارای تقوی و مساحت زیاد است صرف دو سه مکتب موجود است و با توجه وزارت معارف و ادرتاسیس چند باب مکتب میخواهم

مطلبه - گسنتنر شخص تدای خلق - کاسل

دكتور عبد الرحمن محمودی

جاده بیوند - کابل

مدیر مسئول

تبر تیلون ع

انجمن ولسی احمد عطاشی

آدرس تلگرافی "خلیق"

هر دو شنبه و پنجشنبه به پشتو

تا سپس ۱۲ حمل ۱۳۳۰

و فارسی نشر میشود

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

نداء خلق

شماره شانزدهم

سال اول

پنجشنبه ۲ جوزا ۱۳۳۰

مطبوعات آزاد خادام را حورا استحکام

(۳)

نو بنسندہ - جناب محترم مولینا فضل ربین عضو جمعیت الململا

بنیاد دولت است !!!

سنت و بدعت

مطبوعات ملی و آزاده که ترجمان احساس و عواطف خلق

در آخر مکتوب (۱۸۶) جلد اول حضرت امام ربانی مجدد الف ثانی (رح) تحریر میفرمایند (فعلیکم بالاعتصام و علی ما یصمت سنت رسول الله صلی الله علیه و سلم و لا کفای علی اقتداء اصحابه لکن الامم) یعنی لازم بگیرید بر خود اقتصا و کوتاهی) بر متابعت سنت رسول الله ص و اقتضا بر پیروی اصحاب کرام و غیره و در حدیث شریف که در این دایره مذکور است حاصلش این است که شما لازم بگیرید بر خود صل سنت مرا و سنت خلفای راشدین - هدایت کنندگان را و

است از همه اولتر برای راحت و استحکام بنیاد دولت خدمت میکند - امروز در مجادله سیاسی جهانی دولتها مجبورند که از افکار عمومی نما بندگان بوده و قوه خلق پشتیبان افکار و اعمالشان باشد - امروز تیمت دولتها بیشتر با فکار عمومی مربوط بوده و اگر دولتین مهتوا ند پشتیبانی اکثریت ملت را با روش سیاسی و اداری خود حاصل کند خیلی سماندند و به اختیار است - طوری که قبلا آقای محترم مصوبی در یکی از دور روزنامه های سیاسی مرکز نوشته بودتد اکنون مطبوعات رکن چهارم دموکراسی و اساس دولتها حساب شده و یک قوه بزرگ و حسابی شده

تسک کشید بآن و سخت مضبوط بگیرد آن را بدندان و خود را از امور نو پیدا نگاهدارد زیرا که هر نو پیدا بدعت است و هر بدعت گمراهی و هر صاحب بدعت در اثر است و ایضا در حدیث مسلم کور در مسلم شریف است که بهترین کلام کتاب خدا است و بهترین طریقه های تیک طریقه ستوده بحدیث است و بدترین امور نو پیدا شدگان در دین اند و هر نو پیدا شده بدعت است و هر بدعت - گمراهی است - حضرت فاضل اخوی عزیم محمد شیون خان قاضی مرامه جلال ابا ددر روزنامه اثینس بجواب بنمون غلام حسن خان صافی از راه شریعت و حکمت میگوید

میشود - اگر یکدولت از افکار عمومی بیخبر مانده و تنهارام تماس و ارتباط طر با خلق روزنامه های رسمی و تحت سانسور و بظابق روش دولت باشد پس هیچگاه از افکار و احساسات عمومی و اتفاق نشده و نمیتواند بچوشت بکاری اقدام و خط مشی سیاسی و اقتصادی خود را بطور واضح روشن سازد - دولتها درین گونه طرز اداره اغلبا با جوب زبانیهاو مدح و ثنای روزنامه های رسمی و نویسندگان اجیرو اشخاص - استفاده جو فریب خورده و لذا در مواقع بحرانی نمیتوانند از قوای ملی استفاده صحیح و اساسی نما بندگان - پس روزنامه های ملی و از ددر ابلاغ و رساتیدن افکار و احساسات و تقیدات عمومی خلق بدولت - خدمت بزرگی نموده و آنها را در خط مشی سیاسی و اداری شان رهتوئی میکند - و چون تامین راحت و سمدت قوم و پیروی از افکار کثرت خلق بقیه در ص

تصمیم بگذرد در اصل مسجد است که بخصه غریب ان برای احترام موی مبارک موضعی تشکیل و تمین شده کاش درین جواب قاضی صاحب از روی شریعت تحریر تمینشوروتد زیرا که صحابه کرام و زو حضوات تا بمین و تبع تا بمین برای احترام موی مبارک رسول الله ص موضعی را - تشکیل و تمین نفرموده اند و درین جاموضعی برای احترام کنار سوك تشکیل و تمین شده - حالا نکه ثبوت این موی بیک از دلایل اربمه شریعتی شده و برای احترام موضعی تمین میگردد پس اینکا و محدث و نو پیدا شده بدعت است

کاش این کار را از روی شریعت تمین کنند باقی مانند این امر که از حکمت است چرا که حضرت قاضی صاحب حکیم گفتد لا کن سر حکمت را تحریر نفرموده اند - حضرت فاضل قاضی صاحب بدون ذکر راز حکمت حکیمتد پس چه ضرور است امر بدعت و ادرا جو اب خود یک اساس شریعت قلمداد کنند باید که از حکمت میفرمودند - حدیث متفق علیه صحیحین (و عن عمران بن حصین قال قال رسول الله صلی الله علیه و سلم خیر امتی قرنی ثم الذین یلوئهم ثم الذین یلوئهم ثم ان بعد هم قوما یشهدون و لا یشهدون)

مظالمات

در فاصله این هفته خبرهای رسیده از ولا یات و ایالات حاکمیت که عصیانیت ملت در مقابل تجار و زات غیر مهذبانه کراچی خیلی شدید بوده و در هر نقطه اجتماعات کثیری بظواهرات و میتنهود اخته اند و در کورهم تسلمین لبسه هادر سوكها و به و زارت دفاع ملی مظالمات شراتی نموده اند

شاغلی دهقا بز کبل بد خشا

از من به تدا • خلق

تدا خلق (الحق تدا خلق است) حقیقتا این تا به ملین ترجمان صحیح افکار مردم بوده و آنچه در دماغ و اندامها عامه سراغ داریم - همین آن درین نامه ملی منعکس شده است و بنده نیز که جزو اجزای اخلق (فردی از افراد ملت) میباشم شکایت گشائی یاد دارم که هر گاه توضیح نماسم برای ششماه هر چهار صفحه تدا • خلق را احتوا میکند • ولی از نگارنده محترم و با ایمان آن اول خوا هشر میکم خفه نشوند و دلیل مرا نیز بشنو ند -

راست است که در محیط شکایتها موجود است و از شکایت حکایتها با وجود آمده است اما حقیقت را بزبان به منطقی باید گفت که هر گاه با ذواتیک طرف سعایت با واقع اندر رو برو شویم در برابر ادله فرضا مستند و احیانا حقیقی ایشان لا جواب نگشته و آنها را در آن وقت حق بجا نب نشماریم • بمصدق اینکه (هر که دل دارد آرزو دارد) هر فردیک در راس یک شعبه نشسته و هم زاده همین خاک است و به مقتضای طبیعت بشری نیز در اتمان ترقیخواه و شهرت پسند بوده و شهرت نیک هم حاصل میشود جز با اعمال نیک • •

پس در حالیکه پیش هر یک مشکل حایل بوده و مانع تصمیم و تطبیق ا مال و اربابها پیش شده باشد عقلا قایل سرزنش و نکو مثنی نیست - چنانچه صورت معاذیر استعفا ی آقای رئیس زراعت را نشود در بیان عمد او شان را تمجید نموده اید شاید بمعاذیر دیگران نیز تسلیم شوید •

خلاصه باید در برابر شکایتهای خلق راههای چاره و علاج اصلی درمان درد های مردم را جستجو کنیم که در کجا است و چیست و چگونه این زخمها التیام میشود ؟ هکذا با دستگاه حکومت نیز قبل از هر چیز گفتن باید در تمام و داخل مذاکره و محاوره و مشاهده شویم و بهیتم آنها چه میگویند گفتار شان تا کجا مقرون حقیقت است و بعد از مشاهده و تفهیم آنها اقایان بمعلومات و نظریات - آراء و افکار ما هم قریب میشویم تا گویا شریک شدیم و بر سر اتفاق و اتحاد در فکر و عمل می آیند یا نه ؟ اگر خوش بختی بعد عمری بسواغ این کشور آمده باشه البته حضرات عالی هم از بهیاد کردن راه اصلاح و عمران مملکت و التیام جراحتا قلوب عالی سر باز نمیزنند - انگاه نکات سهو و اغلاط

اقوال و اعمال همه بگو را حل و وضع نموده با اتفاق کامل توکلت علی اله گفته دست بکار هائی بز نیم که سمدات حقیقی خورد و کلان بملت و مملکت در آن مندرج باشد و در غیر نیز دیکری یا عدم توافق نظر ایشان البته دست - قدرت در معلوم کردن سر توشت احوال مان ما را ماری خوا همد کرد •

تدا خلق - توصیه اتای دهقان بسیار معقول و بجای است گمان دارم پس از نشر استعفای شاغلی رئیس زراعت شبیهه • باقی نما ند که آبروین بزنگه از تمام کم و کیف بحران موجوده واقف بوده ولی مبارزه با آن را مشکلر یا غیره لا زم حساب میکنند •

ای کا شر اتای دهقان که یک تن از وکلای ما تا موس صا خب شرا شنند خود شان بزبانیکه تو صبه میفرمایند صاف و بیادک درد های خلق را اظهار و تجربه کنند که به تدا ی شان چه ترتیب اثری داده میشود - صفحات تدا • خلق پذیرای همیشه اداات و نظریات شان است •

افشا گستان و پیا گستان

چند شب قبل رادیوی پیا گستان در ضمن خبر های سر ویس فارسی خود گفت که کنگل شاه معاون امور سرحدی وزارت خارجه پیا گستان بعد از یکماه توقف در کابل اخیرا بکرا چی مراجعت کرد • را دیوی مذکور علاوه کرده (که مشار الیه از مذاکرات خود در کابل خیلی خوشبین است و آرزو مند انکشاف با پنا سجات دوستا سه میباشد) •

البته ما هس آرزوی جز مناسبات حسنه و احترام - متقا بله با هصایه خود نداریم متقنا مشروط بر اینکه حقوق حقه سیاسی افضانها را تا درهای سند احترام و اعتواف نمایند • معنه ا چون نشر این نوع خبر ها از دهان و امشریب میگردد اود او لهای امور وزارت خارجه افغانستان برای وضع مشو بشر مردم با است حقیقت اینطور خبر ها را بلا فاصله با اطلاع مردم بر ساعد (اداره)

از گوشه اخبار های رسمی - به بجای و بهجسار خدمت شاغلی غلام غوث خان "سرباز" بعد ۵۵ سال خدمت در مجلس حسن خط و خطاطی در مطابع بالیقات و عدلیت کافی و رضایت از روزگار و الا خرفات نمردند • (انیس) تدا • خلق - روزنامه انیس دومه • بعد از نوشتن در نشر خور تو ضیح نشر نمودند در طی یک عمر خدمت مشو بیجه رتمه بوده هس تا میل و چه مکارانی در یافانده و معاش و زنده اخیرا شان چنانچه

بقیه ست و بدعه

بخونو ع و لا یوتون و یفرون و لا یفون و یظهر فیهم
المسن و فی روایه و یحلفون و لا یحلفون فی روایه المسلم
عن ابن جریر ثم یخلف قوم یحبون المسانله (بقیه در این)

پسلسله اعانه شهامت خلق

شاغلی عبد الهاتینا ن کریمی خان علوی در طی مکتوبی مبلخی
بجویده تداء خلق طور اعانه اعطاونو شده اند (من اگر
با اولاد خود گرسنه و برهنه بمانم یا کی نیست با شدنا
اخبار شما وقفه نمیدود امید وایم از دوریته بهین توانی ما تندم
من این بویگهای سبز ما یکی را که مصادد دو صد افغانی و
خیلی ها تا چیزی و تا قابل است قبول فرموده یکی و تا چیزی
این تحفه دوریته و کلا بی نام خانوادگی من نگاه نکنید.
که من از نام خانوادگی جز نشان بهتوانی نداشته بچنانچه
خود شما از حال و روزم خبر دارید کاری یا معاشی یا جاشی
یا جای دادی تدارم.

عذرم بپذیر و دار محذور پای ملخصت تحفه مور
تداء خلق احساسات این بهتوانی یا هست و غنی را
قابل تقدیر دانسته و ازین همدردی و ممانعت شان تشکر
می نماید.

دلالت خیر

سحر ز هاتف غیبم رسید مؤده بگوش
که دور شاه شجاعست بی دلبر بنوشی
شد آنکه اهل نظر بر کفاره می رفتند
هزار گوته سخن بر دهان و لب خا موش
به بانگ جنگ بگویم آن حکایتهها
که از بهفتن او دیک سینه میزد جوهر
شراب خا نگی از بیم محتسب خسورتن
هروی یار یار شیم و پانگ تو شا تو خ
ز کوی میکده دو شوش بدوش میبردست
ا امام شهر که سجاده میکشید بدوش
دلالت خیر کم براه تجاس
مکن بفسق مباحات و زهد هم مفروض
محل نور تجلی است رای آنسور شاه
چو قرب او ظلم در صفای نیت کوشی

آرزوهای خلایق

بما میثو یستند بر گرام نثراتی را دیو کاهل تحت مواظبت شایقی
بر شانا انکشاف اصلاح پذیرفته و آینده بهتری را بهمانو مید
میدهند.
تداء خلق - شاغلی بر شتا کلمه لایق و با ذوق الهی در
بر او در کروزهای خلایق با یو و شرفه تنیوا. دیک کاهل گامیاباند
تو فیقت مزید را بجز ایشان آرزو مندیم

دیا لوگ

اسا تقوین راه تمول

ر - چطور گفتم که مام چیزی صاحب و دی قات عشر خوده
گفتم ۰۰ بودجه و پول فریمان است - اما همو مناشر -
تخصیصه ۰۰ از کجا یس بزدم از بوش یا دوا زیش .
م - آمر ماهورین محاسبه و اجرائیه ره صدا کو که بکراه
بوش بکشن ۰۰ همه احضار میشوند .
ر - ا و بیاد را ا ما خو سو ختمیم نه تیژ رفتار درک دلره و
نه کوتی و نه اسپام خاک ده ای ریاست و مدیریت .
م - باها یکی یک پیشتهاد کو که جای و عمارت فضلای بزی
ا داره ما خیلی کوچک است و حقیر - نظر بو سمت و -
انکشافات اینده - لازم است چند ملیون افغانی منظور
و در اختیار ما گذاشته شودا گر چه نه وسعتی است و نه
انکشافی .

محاسبه - همه از خود دستم تقوین موافقه و قرار داد
و باز کارش بدست خود ماست - برادر همین تمهیراست
که مثل ریگه واری همسه ده گیو ادم میا به ۰۰ یا ز شما
از برآورد شام تتر سهین پیشتهاد میشود مجلس دا شو -
پیشتهاد منظور در اختیار کامل رئیس گذاشته شد .
محاسبه - مبارک منظور شد - اعلان کنین که قرار دادی
ماهورین - قرار دادی که بدل ما بود مدت اعدا نام دو
روز است .

تداء خلق - بحساب ای چار کلا سهالا کتر حیف و میل به
همین تختیک و طبعادر تمهیرات بلند بالا طراخی میشود
هرگاه دولت نما یندگان از صد ارتضظی - شواید عامه -
یکی دو وکیل شورا یملی و واهستگان مظهرعات جهت وارسی
امور و مصارف هر تمهیری که تو ا حدات میگردد منظور نماید
و این همیشه بر علاوه همیشه بر آوردی بطور مراقب کارها
را نگرا بی نما یند شا یند نصف پول بحیب چار کلاه تروود .

عسر ض شکوان

از شفقتهای پدراک اعلیحضرت هما یونی در حین مرضی و بعد
از وفات قله گاه مرحوم ما ن اصل خان فرقه مشر صمیمانه
شکر گذاریم آخرین روزی یک افسر بجای هدو خد شکر وطن
با توا زش شاه جوان کشور بر آوردیم و بعد ۲۳ سال خدمت
در قریب آرمگاه اعلیحضرت شهید سید محمد باک سعورده شد .
تشریف فرمائی قاتل خنایونی در مجلس ترحیم نماینده پیش
و بزرگ است چنانچه بود آن صالح و فد اکا تو بر آوردند و بخاوندند .
ما اخلاف آن مرحوم و اقوام سمت جانی در خاوردن سعادت
خود جا نیا زنی در قای سلطنه با شادان جوان و خوش وطن
غزیز مید انیم و خیرات خیرات خیرات خیرات خیرات خیرات

Handwritten notes and signatures at the bottom of the page, including names and dates.

تفقید شا علی مصوبی بر قانون مطبوعات (۴)

۹ - در ماده (۱۲) گفته میشود که: (هر اداره - روزنامه و مجله باید از آثار منتخبه خود بپردازد و دستنسخه مطبوع مجاناً بشعبه مربوطه ریاست مطبوعات بفرستند و اگر ۱۰۰!) درین جا بهتر بود عرض کلمه "بدوا" که کاملاً بی مورد میباشد مدتی معین میگردد.

۱۰ - در ماده (۱۴) چنین تذکره (تشریحات مصلح امنیت و خلافت رژیم مشروطیت و بیرو پناگند بر خلاف وحدت ملی متنوع است اگر روزنامه و مجله و رساله موتو تع باشد علاوه بر مصادیر همان نسخه مدیو مسئول و نگارنده - الی چهار ماه عایدات جریمه و از ششماه الی پنجسال از دوا تروسی طرد میشوند) در حالیکه در اصل نامه - راجع به تشریحات دوا ترو دولتی هیچگونه شرایطی بمنظور تمیخورد حکم این ماده را نیز نمیتوان بدوا ترو رسمیتی مربوطه طرد داد و اگر این ماده به تشریحات دولتی ربطی نداشته باشد تطبیق جزای طرد برای اشخاص داری مسلک ازاد چگونه تصور شده میتواند گمان میکنم جزای طرد از ششماه الی پنجسال از دوا تروسی درین ماده تنظیم گنجایش و لزوم ندارد. (با قیدارد)

مکاتیب وارده - بعد القاب -

خیلی بختیاریم که پس از عمری نردیم و خبر استمفای یک نفر از اعضا ی کابینه را شنیدیم خیلی ما به امیدواری است که اکنون از خوف مسئولیت فردا اشخاصی استمفا میدهند - استمفانامه آقای امیرالدین خان پیره را از روی مساسار سرار میبرد - آقای عظامی! شما که در تدا خلق نوشته اید (این بار اول است که یکی از اعضا ی کابینه استمفا میدهند) گمان میکنم فرابوش کرده اید که چندی قبل آقایان فیض محمد خان وزیر معارف و عبد المجید خان زابلی وزیر اقتصاد نیز استمفا داده بودند پس منتظریم اگر موفق شوید عین استمفای این دو وزیر درین و کهن کابینه را هم بخواند آگاهی خلصق تشریف ما نمید (محمد تمیم شایان)

تدا خلق - امیدواریم دو نفر جلا لتمام مستحق هم اگر خواسته باشد سواد استمفانامه خوبش را برای تشریح اطلاع خلق بماند.

خبر تلخ
در اثر جدید ما مورین مدافعه تلخ و استعمال ادویه کیمیا در قند هارو قطن ۹۵ فیصد - در بزرگ شریف ۷۵ فیصد در میمنه و شین دند ۸۰ فیصد در فراه در حد و ۷۵ فیصد بلخها (تلف!!) شده اند.

بقیه سر مقاله - فرخ اولیه دولت هاست فلذا راحت و سعادت دولت و ملت تامین میشود - اما درین جا خلق نیز یک وظیفه مهم و اساسی داشته و یکی از عقلا میگوید که (آزادی عبارت از یک مال موروثه نیست - بلکه عبارت از یک فتح تازه برای هر نسل است) یعنی مردم خودشان برای تامین آزادی هارو مخصوصاً آزادی مطبوعات و اظهار افکار سیاسی و اجتماعی خویش باید مبارزه نموده و مسئولی باید این حق خود را حفظ و حتی بسا فتح بدست آرند - یک قانون اساسی و بزرگ است که انسان در میدان مبارزه حمایت باید با حقایق تلخ و ناگوار و روز بروز دولتی شرط عقل آن است که ازین حقایق ناگوار و ظالمها زشت استفاده کند و درس عبرت گیرد - تکامل مطلق برای بشر ناممکن است و لذا تا بشر باقی است خطا و نقصان با او توأم است - اما تنها راهیکه انسان را از ارتکاب خطاهای بزرگ حفاظت میکند همانا سعادت از مطبوعات ازاد و گوش دادن بافکار و احساسات خلق است - هیچکس نمیتواند بپرسد در مجمع تشرین آمریکا بی اظهار میکند که (وظیفه اساسی مطبوعات آزادی است) کنون ما تند هر زمانی عبارت از صحت و صفائی در ستونهای اخباری و صحیحیت و ایما تدارک در سرمقاله ها بود مولی نامه های تحت کنترل فائده این موازای میباشد - مطبوعات ازاد عبارت از یک تحفه نیست که حکومت بماند اعطاء نموده بلکه امتیاز نیست که ما با مبارزه متوالی بدست آورده ایم - و این عبارت از یک حق خلق است که بر او با خلق تو سطیبا روین بماند این ملت تامین گردیده - مطبوعات ازاد مانند سایر ازادیهها قوه خود را از اراده خلق و ملت در راه صیانت آن بدست میآورند و خود بخود بدست نمی آید) گروکی تو هستند معروف روسیه مطبوعات ازاد را رخنما و مسلم خلق و مردم حساب میماند و میگوید که مطبوعات باید آینه انکسار افکار و خلق بوده و سعی کند که پیشتیبانی توده مردم را صاحب گردد - پس مطبوعات ازاد که افکار عمومی خلق را بگو شها میرسانند با تمامندگی از احساس و عواطف مردم باصلاح امور و خط مشی سیاسی دولت خدمت بزرگی نموده و سعادت دولت و ملت را روز بروز بار میبارد - یگانه خطر جانتگاه و مخرب برای دولت ها مطبوعات تحت کنترل است که همه حقایق را چیه و وارونه نشان داده و هر یک اشترسوزان برای روزگرا بنی و منافع شخصی خاکسترا افکنده و در عواطف حقایق تلخ ولی مفید کلمات چوب و نرم و فریبا را بگو شها ابلاغ میکند - فرائد ستار اول منتظم عمومی استو شیتند پرس میگوید که (اگر داریم که آزادی ما دوام و ایما نماید امروز زمانی نیست که ما "حقایق درشت و تلخ" را با "کلمات چوب نرم" ممانده تمامیم) (محمود دی)

مطلبه - گسنترو شخصی تدا خلق - کابل

نداء خلق

XX

نداء خلق روز مسعود آزادی و استقلال را میخلاق که مبارزین
زنده باد خلق حقیقی و محصلین اساسی استقلال و وطن اند تیریسکو تهنیت
میگوید

XX

شاعلی مسمار زاده

آزادی در کجا ست ؟؟

مخ جنگل قطراتی از شبنم سحری در گلو انگنده و بر دو ش
بادیران بود - از بوی مباحی جهیده و بالها را بغیران دل
خود تکان ها میداد ... محیط جنگل و قلمرو آسمان -
گردشگاه او ست .
موز سرحد را نی شناسد هر روز نوای تازه و نشه گیواتری
بوی آزادی میسراید ... چون وجودی را در گیتی نشاط
مستدام نهخسیده اند عبور پرتگان جفا کا دران تو آزارش
میداد زیرا از پرتده بی باک و گرسنه بر جا نثر خطر هابود
مخ زبیا نفس نذیده و در اختیار خود ترانه گو باقی بود ...
شاید هنوز در شاخه های بلند بزین های پست نگران
باشد .

زندگی آزادی انسان و استقلال او ست

بهر آزادی بدل کن اهدگی در کار نیست

حقیقتا آزادی و استقلال برای يك قوم با ناهوس روح و اساس
زندگی است و اسارت بوی يك مرد و يك قوم صاحب شرافت
تنگ و عار است - ما اولاد همان شیر مردان غیور فدا -
کاریم که بار در میدان نبود زندگی با خون خود و خون
اولاد های عزیز خود حق شروع زندگی خود را با اسناد
سرخ و خونین ثابت کرده اند - ما همیشه ازاد و مستقل
بوده و حتی روح شهامت و ناهوس افتضایت در کالبد ما
باقی است مستقل و ازاد خواهیم ماند - اگر چه بصورت
رسی سی و دو سال او لدر اعلیحضرت امان اله خان علم
استقلال خواهی را بلند و ژیرا با شهامت محمدنا درخا
(اعلیحضرت مرحوم شهید) با پشتیبانی ملت در مجاهدت

استقلال جانبازی کرد ولی ملت افغان نستان از آجوا ستند
و روح افتضایت دا یم آزاد و مستقل بوده و هر وقت
مداخله خارجیان را با زور با زوی افتضایت جواب داده
و با ولترین و قویترین قوای اتوژی ایستما ر و استبداد یعنی
انگلستان فقط و فقط برای حفظ آزادی و استقلال خود در
میدان نبود رسی و عینکری پدزان غیور و شرف صفت مادر سی
داده اند که تا ریخ بان میگذرد و روزگار بآن افتخار میکند
پس ملت افغانستان از آمو تا ستند و روح افتضایت در هر
زمانی ازاد بوده و اگر دولتین هم بنام افغانستان درخفا
مصادره در اثر اغراض واد ساس و فشار را مضا نه بوده است
بدون اطلاع قوم بوده و همیشه خلق افغان س کرده است
(بقیه در ص ۴)

حیوان دریا با چه های بحر بیکران در ستیزه زمینی تسلیم
آب های بواج افتاد : ملک بحر بی پایا ن است و هتوز
عده تمساح و الوهای "بزرگ" و "اختاپوت" های هتوز
کدام خرپظه سیاسی در باب تقسیمات بحر بوی اقوام این
طرح نموده اند .
هر جوا بچنگ او ردتند فیلسفد نذگانی ضمیمه بخورد
قوی میورد - کشمکش شان در سودای شکر ایت
غلابی و محکومیت رواج شان نبود - اتفاقا این تنگ خاصه
بشر عاطل میباشد در بحر و دریا تقسیمات آبهای جاوید
آوان اند .
شهری بر حقوق نوع در روز هتوزها سال هتوزید ما غلبا
(بقیه در ص ۳ ستون ۲)

شا غلی گل پاجا" الفت"
 میا وا یم یو پیشو اخبار

ما به ندا، خلق کینی د اولس د اخبار سرگد شت لیکنی
 دی * د دغه هفته وار پیشو اخبار د پاره دری - شلور
 تنه مسئول مدیران پیدا شوه او یو هم ونه مثل شو مگر د
 انیس په روز نامه کینی بن ولیکل :

۱ - الفت خاص د پیشو اخبار ته دی غوشتی او لیکنی
 نی دی چه یو تخه فارسی برخه په هم لری *

۲ - الفت د اخبار د پاره مسئول مدیر ته شی پیدا
 کولی *

۳ - که د الفت زره نه غواری تو خوک په دی دیو
 کراسی دتیا کینی په ده باتدی جبر نشی کولی *

۱ - زه هغه اخبار پیشو گم چه پیشو پکینی زیا ته او
 فارسی لزه وی هغه اخبار فارسی بولم چه پیشو پکینی
 لزه وی او فارسی دیره لکه انیس * هغه اخبار پیشو
 او فارسی گم چه دوا ره برخی پکینی مساوی وی * زه هغه
 نه یم چه په بزه پیشو اخبار کینی لزه غوندی فارسی وگوم
 او وایم چه دا پیشو اخبار نه دی خک چه کثرت اعتبار
 لری او اکثر لوه حکم د کل دی * که داسی نه وی نو ز
 ما دغه مقاله هم پیشو ته ده خک چه عربی او فارسی
 کلمات پکینی شته *

۲ - زه مسئول مدیر کیدلی شم او هنج اصولی او قانونی
 بواج نشته * دا چه دوی رانی وکیل مشو تیت لری

خک مسئول مدیر نشی کیدا ی زو پنه هنج قانون کینی
 نشته د دوی اخبل اجتهاب دی * دلته وکیلا تو ته هر
 وخت قانونی جزا ورکول شویده او ورکوی شی چه دیر
 مثالونه او شواهد ین موجود دی پخپله مطبوعاتو
 یو وکیل د یو مقالی لیکلویه و چه جریه کیدی او دا
 خبره ین تشریحی هم ده تو دا باید خوک و نه راین چه
 د ملی جوا پدو د پاره مسئول مدیران ته پیدا کیژی
 بلکه باید داس ووا ین چه خوک ین ته منی او اجازه
 نه ورکوی *

که دی کار مخه درلودای اوس به غو نور ملی جوا پدراوتلی
 وه او په نورو ولا یا تو کینی په هم پیدا شوی وه - ماته
 دا مصلوبه ده چه له هر هر خا به درخواستو ته راغلی
 دی او خه اثر پوری نه دی مرتب شوی *

۳ - دا خبره چه که الفت نه غواری خوک په دی
 دیو کراسی دتیا کینی په ده باتدی جبر نشی کولی -
 عجیبه غو ندی خبره ده چه زلمه گمان دلته خه مور د
 نه لری دا خبره داسی مثال لری لکه چه خوک ووا یم
 که د شا غلی میوند وال زره ونه غواری چه د
 مطبوعاتو مستقل ریاست قبول کوی تو په دی دیو کراسی
 دتیا کینی خوک په ده باتدی جبر نه شی کولی -
 مصلوبه خبره ده چه په دغسی کارونه کینی جبر معنی

ته لری بلکه خپل میل و رغبت پکینی دخیل وی او د
 یو ی آرزو د پاره وی *
 زه گمان نه کوم چه شا غلی میوندوال په جا مجبور
 کوی وی بلکه هغه تیغه علا ته چه دی ین له مطبوعاتی
 او عرفانی تهضت سره لری او غواری چه دیو کراسی
 د جوا پدو او مطبوعاتو په ذریعه ترقی او تصمیم پیدا
 کوی دی مجبور وی چه د مطبوعاتو د ریاست دیره در نه
 او مهمه و ظیفه قبوله کوی او خپل وطن ته نه شمیرد و تنی
 قابل افتخار او تاریخی خدمتو ته وکوی *

دغه شان مجبور پتو په دیو کراسی دتیا کینی هم شته
 او تختگه چه یو لری سړی د بزه لری او مهم خدمت
 په قهلولو مجبور وی ما غوندی یو ضعیف او توانه انسان
 په دغسی روز او نا چیزه خدمتو په دیو ملی جویدی
 تشرول دی مجبور وی * زه د بزه یو همیزم او د بزه
 یو هه لرم چه که دی اولس په اخبار سسی ونه گرزم
 خوک په ما باتدی جبر نشی کولی که وی کوی تو چه عرض
 و داد وکرم خان خلا صولی شم *

زه په دی هم یو همیزم چه د اخبار له اجازتی سره وا ز
 وا ز مشکلات او مسئولیتو ته شه یعنی جریه - طرد
 حیسن ورسره تری دی مگر شه وکرم خپلی آرزو او خپلس
 علاقی مجبور کوم چه خپل در خواست مطبوعاتو
 ورکوم او ووا یم :

یو * زه دا پر زده چه کوم د رته عرضه
 په لاس په خپو په غاړه ختیخوونه تلموم

جوړو صیاد

گدو کړد تیری بد شته از کماتی + نرو رفت ناگه بقلب توای
 پس از لحظه از هواسونگون شد + بوری زمین ظاهر تیره جان
 شتابان شد از دور در جستجویش + بشور صورت و پیر سیرت جوانی
 دران حاله جهل دستچلیدی + جدا کړد سرازتن تا توای
 بیک تیرمال پوری رفت به یاد + زیکشمه آتشر گرت آشیانی
 ز بیداد پیچید طومار عسری + هم از صحنه شسته تا پوتشلی
 ستم کړد جمعیتی واپریشان + جفا فتنه ا نکبخت درد دما
 بهم ریخت اسباب شوق و امید + نرو ریخت بنیاد امنو اماتی
 تیا مد پدیدار مرغان شبا نگاه + دگرا ژوندا مادر مهر بانی
 تیاراست مرغی دگر لانه + راه بویکی - بسازی - سآ ین پنا
 "نوا" اینهمه جوړو صیادان کړد
 که دون فطرتی سیر کړد د پخوا ین
 (نوا ی اصقها ین)

مظالمه را

مظالمه در مقابل تجار و زاع یا کستان از طرف طبقات
 مردم بشدت ادا نه دارد * آژانس "شیر دیک" علاوه ین
 نماید که درین مظالمات علی الا کثر هر طبقه و صنف جدا
 جدا میوزدازند زیرا اینطور اعمال بیسابقه و خلق پآن
 هتور
 (اداره)

مصاحبه با رئیس شایر والی

بمنا سبت سفر اخیر شانلی رئیس شایر والی مدیر مسئول تماہ تداؤ خلق در مورد اجراءات جناب شان مصاحبه بعمل آوردہ و اینک به تشریح آن مہرہ دازیم :

س۔ غرض از تشریح فرمائی شما چہ بود ؟

ج۔ غرض از مسافرت من بارہا بیشتر مہو ط باہو سوروسی ہئودہ۔ در قسمت قرار داد۔ تعمیر۔ بند۔ صوف و کارخانہ یا (زیمین ہوا و نیون) بصورت مناسب انجام شدہ در حصہ قرار داد ما شین ہا اگر چہ ہفت کہنہ مختلف دربارہ جواب منفی دادند شرکت زیمین با وجود بلند رفتن نرخ ہواد خام معدنی شرايط سابقہ را پذیرفتہ و در مہرہ ختم تعمیر فابریکہ رسا تین ماشین ہا را تہرلدا رشتند۔ در ہر چہ مذاکرات و منجشر ہای فن امکان دارد این فابریکہ کہ از ہر ساعہ ہس مہو ہیزگ کشورو مفاد آن بیشتر بطریقہ عامہ احصا ہت میکند یا د شدہ و بکار آغاز کند۔ قوہ تولیدی فابریکہ در ساعہ حد اقل (۱۳۰۰۰) او سطل (۱۶۰۰۰) و حد اکثر (۲۲۰۰۰) گلیوات و مجموع طاقت سالانہ آن (۱۲۰۰۰۰۰) الی (۱۴۰۰۰۰۰۰) گلیوات ہا زور مہرہ شد

س۔ آیا شایر والی رئیس شایر والی برای امور سر زمین رفتہ ہر دورہ یا کار بلدیہ ؟ قرار معلوم کہ جلا لتماہی مرض تلخہ ہم دارند کہ ہمضی او قات اسباب اذیت شان را فرا ہم میازرد آیا در اروپا بہ ہما لحد خوشی رسیدہ و داختید و یا خیر ؟

ج۔ اگر چہ قسمت عمدہ فصالت ہندہ در مہرہ فابریکہ ہر ق سر زمین در اروپا ہودا ما میخواستیم جهت آپرسانی چشمہ ہای (چمنجر) بشہر تل نیز تہیہ و خریداری شود۔ مہواد قرار داد تمین ولی صرف ضرورت اسمازی و بولی فملا آتسرا مہطل گذاشت

راجع بہ بیماری من نظریہ دکتورہا این بود کہ یک مدت بیشتر در شفاخانہ بستری و تحت تداوی قرار گیرم۔ ہر گاہ ہدوا ہمہبودی حاصل شد خوب و الا ہامستی جراحی اعمال گردد۔ در جراحی نیز تضمین فیصد صد از حیات و اعادہ صحہ ہندہ نمیشد۔ از یکطرف سال اخیر دورہ ریاست و کالت من در بلدیہ بود و جهت تکمیل کار ہای باقیماندہ تعہدوا قسم فوت و قت تمام لہذا از جراحی صرف نظر و آن را بمسال آیتدہ موکول نمودم

س۔ بیلا نہای امسالہ ریاست شہر والی در قسمت تخریب و (بقیہ در صفحہ ۴)

بقیہ آژا دی در کجا ست

باقیست

مجاہدت مردم آژا دی در حفظ آزادی ہیو ستعدادامہ دارد۔ شما بتاریخ ہوا جمعہ تما ٹید!

تفرقہ ما جندی کشور آژا دگان و اہمحرور بیت آژا دی مبتلا ہئودہ بود۔ ہر نوزندان افغان وضع غلامی گوارا نیامد۔ زہر در کام غاصب ریختند و زنجیر ہا را از ہم گسلا ہند طبیعت در دیار آژا دی و مختار رہزار ہا منظرہ زیبای تما شائی دارد۔

افغان دیا ریہرستہ یا دی از مجاہدین و فدائیان سمداد قوم ہئودہ و با فتخار حاضر اند در راہ حفظ استقلال و توانیس ملی قربان گردند۔

در جنگ۔ دریا و ہوا دو ست دارم آزاد و باختیار خود یا شند۔ اساطیر و افسانہ ہای شوق و غریب نیز روایت نمودہ کہ مرغی یک زمان غلام مرغ دیگر ہودہ و سیا کدام ماہی در ہندگی حیوان دریا ہس ہودہ باشد۔

اما عالم بشریت ؟؟؟

خبر ہای آژا دی ششدرک۔

دلخک از کار در ہفتہ یکروز ما ہند ہمکار ہندہ خستہ شدہ و مقامات با منظوری و تخصیصہ علیحدہ سفر و استراحت او را در خارج تجویز نمودند و ضمنا ہیو سپردہ شد تا اخباری از ہشقاہبای ہر ہندہ تحصیل و از خبر ہای شاخدار خود علائقہ مقدان را محروم سازند۔

مطلب حق اخرا ز کار مقدان لایق کہ کفیل و وارث خود را ہم ہاید خود شان تمین نمایند۔ (دلخک) دو ست قدیم و وقیح تازہ خود آژا دی ششدرک را ہما معرفی و مقرر داشت ہلوی ششدرک شہر جہت راسوار ہر بال مگس نور دیدہ در ہنہ گیتی خبری نیافت کہ بہ تشریح را بنوازند۔

با دہای تند و غرغر و عسدا گہا ن ششدرک را با طیارہ اثر در از دحام مردم کتا ریل لوزا تک گذاشت

اطلاعیہ تازہ آژا دی ششدرک از ہند اندر اہن در ہمان روز چہمین واصل است : در ساعہ ۵ و ۴۰ دقیقه ہمد از ظہر جواتی در گرداب تہ ہند گیر آمدہ و در جا لیکہا نہین تگرا ن ہودند۔ غوطہ ہا خورد و استمداد نمود ہر چند اشخاص ہمطرف با لنگوتہ ہا یابوری نمودند لنگوتہ کہ با نشا ر از دیاد ترخہا و زور انحصار ہای شخص شہر قوای (بقیہ در ص ۵)

پتیه سر مقاله

آمو تا سند بچیت يك فرد واحد برای امتیصال دشمن

که بر او نام شوم و حقیر (اسارت) تطبیق گردیده چون با آنها نشان ندهد - و حال آنکه خداوند در هر وقت عقابین بجو لان آمده و چون شهری بخریدن آغاز کرده و با همه ناتوانی های مادی - فقط با توان و نیروی مصنوعی دمار از آنها دشمن قوی پنجه - متجا روز مستبد و عساکر

منظم انگلیس کشیده و با آنها در میدان نبرد و مبارزه * عسکری روزی را نشان داده اند که یکفر تو یستده -

انگلیس مقام بود دایره بولف کتاب (تضاروت شمشیر) از زبان پوتنر و رستم داستان خویش در صفحه ۲۹۳ کتاب خود میگوید : " روز اول سال نو یا بخدا و ندهتا ه

میریم که دیگر چنین روز سهای را هما نشان ندهد * بلی این روز - روز انتقام ملت افغان - این روز مبارزه

خو تپن قوم افغان - روز آگاهی قوم از استبداد و - اسارت و تجارز و روز قیام مردانه پدران غیور و بانا موس

ما برای انتقام و برای نجات وطن از استبداد و تجارز برای پاک کردن صفحه خاک مقدس افغانستان از وجود

تجارزین تا مرد - غذا و نایا کی بود که برای مقاصد شوم و سیاست های کهنه و تا سنجیده (دروازه همد)

و (سیاست پیشقدمی) و (دفاع از تمرکز تزاری) و حتی از همه بیگمتهی تر) برای جلب دوستی ملت افغانستان

و مانع شدن این قوم از اتحاد با دولت تزاری) بعمل آمده بود همان روز بزرگ و تاریخی است که شور محشروا

برپا نموده و جهان را با همه پهنا روی بردشمنان متجاوز تنگ و تاریک ساخته و آنها را مجبور گردانیده

است که از زبان رستم داستان خویش از همیشه این روز بخدا پناه برده و از دشت آن بر خود پلر زند -

بلی روز قیام ملت افغان - حاضر شدن آنها برای جهاد مقدس و دفاع از نوامیس ملی - آگاه شدن آنها از تجارز

دشمن بخاک مقدس شان - از همان روز های قاسم - یا دگار و احترام است که دیروز بمیدان سیاست و عسکریت

بزرگترین قوت های طراز اول گیتی را متزلزل ساخته و امروز هم در اعماق خاک سیاه و در هر گوشه روی زمین دشمنان

این خطه و کسان را که ازین حقایق شسته واقفند باز هم میلر زاند - و دشمنان ما را مجبور میسازد تا از مارگاه

خداوند پا عجز و انکسار نیاز نمایند که دیگر آن روز خوتن و جانگاہ و قیام ملت افغان را بدون امتیاز تواد و قوم از

بقیه درص

بقیه صفحات ۴

با هزاران جال و نهرنگ و آله های خائشا نه توزیق کرده و ما را با انتقام همان مردی هاو جان نثار و بهما و وارد نمودن لکه های سیاه بدامان عسکری و سیاسی آنها بحال مرگیاور و بروز سباه و شوم از روی رسا نهاده است - اما ما با هم موقع از دست تریسته باری ای تو م غیور و نامدار! ای ای شیرزادان با ما موس! ای چشمهای خمار الوذ خود را کشوده - با اطراف خود با دقت نظر انداخته - بحال زار و اسف اور خود درح و از غمت - شهامت و غیرت با ستانی پدران خود و بدبختی و سباه روزی خود شوم داشتند و یقین نما شد که این حیاهت تشکین برای یک افغان مرد و با شهامت مرگ و عار است - با استمداد از روح پاک پدران و خدای عزیز و توانا کمر همت و مردانگی را سخت بسته و در پهلوی آزادی و استقلال - سیاسی برای تائین استقلال اقتصاد - عرفانی - اجتماعی و آزادی و استقلال قلم و بیان جبهه دو نگاورد که بازغا صمیم حق و علمبرداران استمداد و استعمار مقام با کستان و - اسلا مستان با دسیسه و فریب - با توزیق حس تفرقه و - تفاق سنگ راه ترقی و شمالی و وحدت ملی و سیر سیاسی هدف حقیقی و اساسی یعنی تائین هر گونه آزادیهای - ما و شما گردند زیرا برای یک افغان آزادی عزت - شرافت ناموس و تنگ بوده و همه چیز خود را برای حفظ آزادی قربان کرده و قربان میکند - بالاخره این اشمبار آیدار که حسب الحال ملت افغان و حاکی از روح شهامت و مردی است - عرایض خود را با تجدید تهنیه و تهنیت بهموطن گرامی خود از آمو تا ستدیه پایان میوسا نمیم -

زندگی آخوسر آید بندگی دور کار نیست
بندگی که شرط باشد زندگی در کار نیست
گر فشار دشمنان آیت کند مسکین مشوا! نیست
بود باشر! ای خسته دل! شو مندگی در کار نیست
با حقارت که بربار دیوسوس با وان در
آسمان را گو بوز - با زندگی در کار نیست
گر که با را بستگی در اری این دنیا شوی
دورتر آنکن! ای بختین در آوردگی دور کار نیست
گر بشرط پای بوسی! (سویماند در تفت
جان ده و رد کن که سر افکندی دور کار نیست
زندگی آزادی انسان و استقلال اوست
بهر آزادی جدل کن! بندگی دور کار نیست
(محمودی)

بقیه ششدرک

خود را مانند صا حشر باخته بود پاره و نتیجه ندا د جوان زنده زنده غرق و غنا شب گردید - بیطرف دیگر که در حضرت ملا نصرالدین اربتا طی داشت - با آب غوطه خورد و ششانی از منروق نیافت تا جها ن تاریک گردید مستولین ایطور و مسایل آگاه نشدند بعد شام کدام کار مند هو لبس آمده و بدون نتیجه تشریف برد - " ششدرک خیر را سپرده پس درک خود رفت "

نداء خلق - شکر که دنیوب - مس سنی و دنیوی و اری دریا ها ندر اوم در حالیکه مردم دنیا در نجات غریق از بحار بزرگ نیز کامیاب اند - خو شیختا نه سیل جسد غریق را فردای آن روز در حصه گویک کا بل پرا برده و به منسو پیشتر رسا نهدو " ششدرک " را از زحمت وظیفه و ارها

بقیه مصاحبه

تعمیر شهر چیست؟ آیا بلدی اسلا ن توفیق خواهد یافت
ا قلا یکخصه از جا ده میوند را قیر ویزی تما ید؟
ج - در نظر دارم اولتر آیده شهدای میوند را در جوک جا ده میوند تعمیر و بسمت کوچه علوهضاخان جا ده تا در پشتون را تمدید و بقیه کار های جا ده میوند را بسمر رسا نمیده و قسمتی را هم قیر ویزی تما یم - ولی هر همگان آشکر شده با شده بلدی ملی با وجود قلت مدارک - عایداتش کار های بیسابقه را اجرا و تکمیل و اقدام نموده و یقین است خداوند با آنها شیک صمیمانه در راه عمران مملکت خدمت می نمایند باوری و ما را بر همه مشکلات فائق سازد -

س - شاغلی رئیس آیا اجازه میدید بهر سیم که سیدمای با میو بلا ص واقع جا ده میوند چه وقت شروع بکار خواهند نمود - آیا ما شین ان خریداری شده یا خیر؟ علت محظلی آن چیست؟

ج - ما شین خریداری شده و به یوسف آباد رسیده است تا جشن استقلال سیمتا و هو تل مقابل ان هود و بکار انداخته میشود -
س - آیا مستخدمین تازه جهت اداره کار های کشور - استخدام شده و اگر شده از کجا چه منظوری با چه نوع قرار داد و بچه اندازه مصلحت است؟
ج - برای پیشبرد و تدویر کار های سورین عده مستخدمین (بقیه در ص ۷)

از گوشه اخبار های رسمی
در بساط ارزوی اجتماعات بشر
آنکه میگردد دخر شیطان نمیا رزد به هیچ
ادعا قیمت - ندا رد جز بهنگام عمل
پهلوان خراج از میدان تمای رزد به هیچ
گوبود اندردیاری خانه دلها خسواب
کاخ و قصر و کوشی و ایوان ایامبارزد به هیچ
ای گروه چا پلوس ایامروز چون دیروز نیست؟؟
چیدن اندرتاب باد تجان تمای رزد به هیچ
(اتفاق اسلام)

در خاطر او!

باری سوار گادی شده بسوی دهونگه میروتم - گادی را ن
 کاکه و اسب پد مست! عاقبت یکجا خواهد کشید - از
 همه خوفنا کتر اینکه از عقب یک سرویس شهری با عجله بما
 تزدیک میشد همیشه ازین که از جلوم بگذرد بفکرم خطرسور
 کرده اگر درایر و سرویس برقا تون ترافیک بنا گذاشته و
 همه بخاطر ع و قرض را با عقل سلو کا مل پیشبینی نمکند
 البته گادی تصادم و گادی و سوار ی در آن را حسد
 از بین رفته و سرویس نشینان عم صدمه صاید گردیده
 و سرویس هم بخساره دچار خواهد شد - آیا اجتماع
 مشا به این سرویس نیست؟ سرویس نشینان برای مصونیت
 و راحت خود پول داده و میخواهند مسلا مت مهدف برسند
 اما رسیدن آنها بمنزل مقصود بملطف و شاکاروی درایور
 مهربان است - ما شین زندگی نیز چنین بود و کسانیکه
 صاحب قدرت و موظف بر اهنما بی این ماشین اند باید
 بفهمند که آنها در صحنه زندگی منظورین دارند و در غیر
 دل آرزو نیست و همه میخواهند در اهنما شینهای موظفین
 اداره ماشین اجتماع خوشبخت و مسعود گردند - پس
 ای کسانیکه مقدرات کشتی شکسته اجتماعی ما را بدست
 گرفته و از روی عقل و منطق راهنما بی این کشتی بساحل
 نجات فرض شما است بدانیکه محاکمه نرداو تا ریخ و
 خلق پیشروی شما بوده و یک مشت مردم غریب و بیچاره -
 نگران اعمال و حرکات شما است پس سعی کنید ما شین
 اجتماع را طوری بچرخانید که همه را محروم نساخته
 و بیکمده محدودی خدمت ننمائید - آگاه باشید که بزرگی
 مسئولیت هر فرد وابسته به تناسب اقتداری است که به
 او داده شده و در بسا مواقع کوچکترین غفلت سیاسی
 و اجتماعی بکفرت برای جا مده خطرات بزرگی تولید میکند
 ولی این هم معلوم است که فرد مذکور نیز نژاد خدا و -
 تا ریخ و خلق مسئول عواقب و بدبختیها نیست که در اثر
 سهو (!!) او تولید شده است - پس سعادت و ذلت
 افراد هر کشور مربوط به طرز اجراءات - لیاقت و انداز
 اثبات و صمیمیت کار فرمانیان و پیشوا میان امور اداری و
 اجتماعی است - مردمان مسئول چهو رانند که در همه
 اجراءات و اقدامات خویش اتمکاسات و عواقب آنها را
 قبل استجیده و مفاد و مضار آنها را پیشبینی و مسئولیت

اطفال و کودکان

از دو سه سال باین طرف بتقلید دنیا ی مهدب روی
 را جشن اطفال گفته و تفریحا و امتیاز آن را مخصوص
 کودکان مینمایم - در چنین روزها سته ترتیباتی گرفته
 و زیبا ترین کودک خود را هر کس - خواه فقیر کلبه ها
 و یا دولت مند قصور عا لیه عرضه میدارند - تا جا یزه
 مخصوص را دریافت نموده و بر مفاخر نامیل هیفزایند
 همچنان بسرما به که از جوهرا عا نه های موسسات
 و در آغاز تا سوس کودکان (۵۰۰ میلیون افغانی) -
 تشخیص شده بود و متاسفانه فعلا ۸ میلیون شده و
 هنوز دچار افراط و تفریط است - همه کار ما اول دارد
 و آخرین تمهیداتیکه از هر ناحیه برای دوام کودکان
 شده بود تقریبا فرایر شده و خطر سقوط این کودکان
 را که از جمله چندین میلیون کودک فقیرین مضاعف
 چند صد تفری و آنها تنها در مرکز تربیه (!) و
 حما به (!) کرده و قرار مثل معروف نسبت بمسکول
 (اطفال ۴) پاجه خانه (۱۰۰۰ ما مورین) آن بیشتر است -
 آیا در حالیکه در هر گوشه و کنار مملکت میلیونها طفل
 محتاج تربیه - سرستاری و حمایت بوده و امراض مدعش
 این قوای فردای مملکت را با بیرحمی از بین برده و مس
 فقط بنام و یا مجبوریتی (۴) کودکانی تا سوس کرده
 ایم حق داریم که روزی را بافتخار حما به اطفال خویش
 جشن گرفته و بان بنا زیم؟
 میگویند گاه گاه استاد غلام حسین خان موسیقی
 و ترانه های مخصوص را بکودکان ما موزد و کودکان
 یا عمله و هیئت اداری بزرگ (!) خود بخداست خویش
 برداخته و محدودی از مردان فردا را برور شر میدهند
 با غچه های اطفال (!) و اسباب بازی مودرن طبق
 بر تسمیه های پیدا گوزی شاید طرف استفاده اطفال
 عزیز باشد - میگویند شیر خشک نیز با اطفال میدهند
 ما اینقدر از موجودیت جشن اطفال و کودکان -
 اطلاع داریم و جمع به مما و نت بوتسف و تا سوس و
 انکشاف کودکان آنها در تمام نقاط کشور - و
 حما به اطفال در مقابل امر اخرو و بلا تهای اینده آن
 و استفاده اطفال خلق ازین دستگاه مربوطه است (اداره)
 خود را احساس فرمایند و یقین نمایند که سعادت فردا در
 راحت و سعادت جمعیت است

بقیه مصالحه

از ایلان استخدام شده و معاشران البته به تناسب
لیاقت آنها از شرکت تولیدات برق بیرون رفته اند.

س- قرار معلوم هیئتی که با شما با اروپا رفته بودند
بلام اداره میباشند اما این هیئت را تشکیل و مقر
خود را در زویخ قرار داده اند. محتوما نه استیضاح
میشود که چون آنها جوان های فنی و عملیافته اند
اولتر و جودشان در داخل و در قسمت تخصصی شان استفاده
از آنها بیشتر احتیاج کشور درین قسمت است است و
باز اینکه در اروپا مانده اند مصارف آنها بجهت اندازه
و معاشران جطور از کدام مدرک اجراء ایستادن
مظنوری از کجا گرفته شده و دیگر اینکه تاجه وقت درین
اداره و در زویخ باقی خواهند بود؟

در آخر علاوه میکنم آیا میشود که کدام یک پنده
آگاه درین جا مقرر و راسی و اداره امور را بدو
بسیارید؟

ج- در نظر است فابریکه نساجی نیز مانند فابریکه برق
سرویس وارد گردد و جهت امور بسته کاری و غیره کارها
برو طبقه آن مستخدمین لا یقین بدست آید تا این فابریکه

هم در شهر مدوش فابریکه سرویس بکار افتاده و یکقسمت
برق سرویس مصرف تدویر آن شود. لهذا هیئتی از اشخاص
معیتم پنده در زویخ جهت اجراء کارهای موصوفه
دا اثر در دست بکار شده - معاشر و مصارفشان از شرکت
نساجی و طبق مقام و حیثیت شان اجراء میگردد.

س- جناب رئیس اجازت بدهید یکسوال دیگر کنم
و آن اینست که آیا در انتخابت جدید بلدی که
در سال آینده در شهر کابل صورت خواهد گرفت جناب
شما با زحم تصمیم دارند که تجدید شوند یا خیر؟

ج- به نسبت امور فابریکه برق سرویس که آن هم در
رفاه عامه و حیایات اقتصادی و اجتماعی توده دخالت
مهیمن دارد و اینکه مریض نمیتوانم در سال آینده خود
را کاتید تمام.

در کارهای شاروالی هم ظوریکه تصور میفرستد
و ممانعت نشده و حقوق اصلی شاروالی از مدارک عاید

ظوریکه در دنیا رائج است و یک امر بین المللی است
داده شده و آرزوی من اینست که خداوند بزرگوار
والی را در آینده بدست یکی از جوانان صمیم و لایق
بسیار دتسا در ایادی و آبرو مندی شهرت بگمارد.

از تا به های وارده -

شاغلی فیخر محمد خان انگار بجواب توضیح روزنامه رسی
انگس در مورد عدم توقیف انگار میگردد که : (جویده
انگار توقیف نیست مدیر مسئول تدارک) ولی بنده بتاریخ
۲۸ نوذر همه مکتوب نموده ۴۶ یکفرا بحیث مدیر مسئول
جویده بریاست مطبوعات معرفی نمودم مگر تاکنون ده روز
انقضایافته و از رباست مستقل مطبوعات جواب منفی یا
مشغی را گرفته نتوانسته ام -

تدارک خلق - نیز منتظر است که شاغلی محمدهاشم خان
میوند و ال بر پیشنها داد قانونی شاغلی انگار توجه
گرموده و مقررات قانون مطبوعات و ادرا محل تطبیق قرار
دهند.

توضیح : از التفات آقای دانشمند "مصومی" تشکر
نموده و در اثر تذکرشان باری خوانندگان گرام را ملطف
میسانیم تو یستنده مضمون (مطبوعات و رکن چارم دیوکراسی
است) فاضل محترم شاغلی پنا میورا بهشتا ستند.

شکر خنده هم انحصار نشده

گدائی برای پول طلاق خط :

رجب خان - او برادر باین جوانی جوانی گدائی میکنی
و جوان بکاری دست نبریزی که از نلت گدائی نجا میایی؟
گدا - تو بان کار اگر پیدا شود (؟) پنده حاضر
اما فضلا وقت تنگ و انتضای کار (!) تدارک - زوای پنده
از ظلم فقر و فاقه خانم بجای راه را طلاق داده و همین
اکثرن مجبورم پول طلاق خطرا پیدا کنم -

سلامین جوان

پنده نظر با احترام (!) که بآبروسی خود داشتم
رنگ سیاه مو ترش چند بار مو تریب داده بودی لاخره
تیره مو ترش را برای احترام (!) و خوف سجل و سوا نسج
بخاطر گرفته و همینکه مو تر سیاه را بانمره مملو به دیدم
با تیارسی سلام کردم اما با تمجب دیدم چند خانم به
مو ترسی آقای آبر سوار بودند - خجالت کشیدم و همسر
کردم سوا نسج و سجل هر چه شود بشود اما دیگر سلام
بجوانان به مو ترهای کاملا سیاه نخوام داد.

بزرگان کوچک

سزار کوچک بود - تا یکدیون هم کوچک بود - هم ا تو هم
کوچک است جنهم کو چکم (صبا - از نطق آقای علاء در
شورای ملی ایران)



شمه صا جهان (!) در آتش انتقام قوم افغان زمین رفتند

دوس عبوت پشا گردان مکتب برایدن

مفهوم آزادی
xxxxxxxxxxxxxxxx

اگر چه موقتا حق گفتار و کردار مساوات و برادری داشتن
مفاسدات دین و ماس با دول دیگر نهدا شد نیروی
توی حق تجارت آزادی و غیره را از دست داده بودیم
ولی این احوال تنها گمان ما را ناگوار آمد - بزرگان قوم
علم آزادی بلند نمودند - جوانان غرق در اسلحه حاضر
میدان گردیدند - نیروی ملی با دشمن درآویخت ...
بهنگامی زمین خونین شد - غاصبین حقوق ملی ما میدان
را تنگ یا زده از یکطرف در قلمه لوارگی محاصره و از
جانب دیگر به تل و ما تو رسیده تا چا و حا کببه ملی ما را
با استقلال کشور آریا نای بزرگ احترام کرده و لی تمایز
صرف شکستن حلقه اسارت اجابت را مستحصا آزادی
کامل داشتند زیرا آزادی فکر و قلم بر ترقوی عدل و -

انتقام آزادی
xxxxxxxxxxxxxxxx

قسم بیعت و قدر و مقام آزادی
که روحبخش جهان است نام آزادی
به پیشرا هل نظر محترم بود آنکس
که دارد ازدل و جان احترام آزادی
چگونه پای گداوم بصرف دعوت شیخ
به مسلکی که تدارک مرام آزادی
هزار بار بود به ز صبح استبداد
برای دسته یا دسته شام آزادی
بروز گاراقیایت میا شود آن روز
گفتد رنجبران چون قیام آزادی
اگر خدای یمن فرصتی دهد بکروز
کشم ز مرتجعین انتقام آزادی
زیند بندی خواهی کی شوی آزاد
چو فرخی نشوی گر غلام آزادی
(اوسالی شاغلی م. ن. ۰ شایان)

حقوق بشر

پتا ریخ ۱۰ دسمبر ۱۹۴۸ اعلامیه حقوق بشر تقریبا از
طرف اکثر اعضای جامعه ملل تصویب و بدون تفرق تواد
وتنگ - مذکوب و جنس ... حق زندگانی - آزادی و
امتیث شخص - حق آزادی از توتیف غیر قانونی و تنبیه
و تمیید - بحق محاکمات عمومی عادلانه - حق اعتراض بر
علیه توقیف و مدخله غیر قانونی - حق آزادی فکر و
بیان و حق آزادی اجتماعات را به بشر اعطای نموده - نین
دایم دولت علیه افغانستان نیز با این اعلامیه نموده است یا نه

قیمت یک شماره یک افغانی
مطبعه - گسترش شخص نداء خلق کابل

نظاره خلق

تا به ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

پنجشنبه ۹ جوزای ۱۳۳۰

سال اول

شماره هجدهم

تو یستنده جتنا به محترم بولینغا
فضل رسی عضو جمعیت الصلما
(۴)

سنت و بدعت

یعنی عموان بن حصین روایت میکنند که فرمود رسول (ص) بهترین مردمان امت بن قرن من است و بعد از آن کسانی اند که بایشان نزدیک اند و بعد ازین قرون ثلاثه مردمان خواهند بود که گواهی خواهند داد و حالانکه از ایشان هیچ کس گواهی نخواستند و خیانت خواهند کرد و کسی ایشان را امامت ندارد نخواهد داشت و نذر خواهند کرد و آن را ایضا نخواهند کرد و ظاهر خواهد شد برایشان چاقی و در یک روایت مسلم است که چاقی را دوست خواهند داشت و خلاف سنت رسول بدعت ها چاقی می کنند - یا بدعت درین زمانه ها و از آن جهت ثنائید جتنا چه در حدیث شریف است (عن ابن عباس عن النبي ص قال من تمسك بسنتي عند فساد ائمتي و له اجر ما عسى و را بگو شریک شریک تو نیستی (عن عایشه رضی الله عنها) قال رسول الله ص من أحدث فی امرنا هذا ما لیس منه فیه ردد فی روزایت من عمله عمل لیس علیه امرنا فهو رد (متفق علیه) یعنی مسلم از حضرت عایشه روزایت میکند که هر که تو پیدا کرد در دین من چیزی را که نیست در دین ما پس آن مردود است و در دیگر روایت کسیکه عمل کرد کاری را که نیست بر آن امر ما پس آن عمل مردود است - درین جا حدیث دیگر مذکور است که تو به صاحب بدعت تا زمانی که بدعت را ترک نکنی مقبول نیست در حدیث دیگر از ابن ماجه مذکور است که خدا قبول نمی کند روزی که حج و عمره و جهاد و توبه و عدل صاحب بدعت را (الحديث) این است انذا رسول در خصوص صاحب بدعت (بقیه در آتن)

حقوق وکلاء در شورا مجلس

شورای ملی مقام حاکمیت ملت و بزرگترین قوه قانونی در مملکت بوده و مقدرات مردم بدست شورا بوده و اساسا امروزه شورا در مملکت مسئول همه بدبختیهای خلق حساب میشود - وکلاء ملت که در اثر انتخابات آزاد قانونی (که تاکنون هنوز در مملکت ما تصمیم نیافته و صرف پس از سالها در انتخابات گذشته در مرکز مملکت صورت گرفته) انتخاب میشوند تنها قوه قانون گذاری را بدست داشته و بلکه قوه اجرائیه را هم بدست گرفته و یک کابینه مسئول بمقابل خلق را تشکیل میدهد - پس نمایندگان ملت از یکطرف حق دارند برای سعادت و راحت مردم قوانین درست میساخته و تطبیق قوانین را در مملکت مراعات نموده - توانی را که ملت از آن شایسته باشد حذف و اصلاح کرده - بودجه مملکت یعنی پولی که خلق بدولت میبدهد و مصارف دولت را تدقیق - اصلاح و تعدیل نموده و قانون بودجه و قانون تشکیلات اساسی را (که مع الاسف ما تاکنون نداریم) در بودجه تطبیق نموده و از حق حاکمیت مردم در مقابل دولت نمایندگی میماند - یعنی نموده ملت که به اساس قانون - محصول مالیات بدولت میبدهد از حق دارد که تا آخرین حبه و دینار و ریساپ خود توسط نمایندگان خرد و بزرگ واریس کرده و مطمئن گردد که پولی را که بدولت پرداخته است در راه سعادت و راحت آن صرف نمیکرد - گذا در اجراءات کابینه و وزرا و بزرگسیدگی کرده و خلق را از تمام جویا ناسو و کاپیت توسط - نشورات مخصوصه و یا نشورات عمومی مملکت مثل اخبار هسای رسی و ملی و را دیو آگاه ساخته و کسانی را که خدمت می نمایند تقدیر و مستولین را طرد و محاکمه نموده و خلاصه وکلای ملت مثل قوه حاکمیت ملت بوده و قوه اجرائیه و بقیه در ص ۴

در شماره آن منتظر: ۱ - توضیح مادر خصوص اغلامیه حقوق بشردوم بقا له جتنا به محترم بولوی فضل قادر خان در مورد انتخاب خلق در اطراف بوی مبارک باشد

بقره تنقید آتای مستتر معصومی بر قانون مطبوعات
 ماده ۱۴ چنین آمده است: «و هم در آن مدت
 برایش اجازت نشر داده نمیشود اگر تو شتجات
 آن عملاً باعث اخلال امنیت گردد مطابق اصول...
 در ضوعه مجازات میگردد اگر این نشرات بصورت
 و یا رساله و یا خطابه یا شد جزای فوق باشد تا شش
 نگارنده و مترجم و ناظر (میشود) از مطابقت
 قسمت اخیر این ماده چنین بر می آید که اول نشراتی
 که توسط رسم - فرتو گران - رادبو و سبها و غیره
 و سایر نشراتی برخلاف امنیت و رژیم و وحدت ملی
 صورت میگیرد از مجازات معاف میباشند - دوم... جزای یک
 ماه تا شش و نگارنده و ناظر و مترجم داده میشود -
 و ائمه نهادها اگر چه برای این اشخاص جهت عنوان
 (جزای فوق) یک نوع جزا معین شده است ولی چون
 دو جزای یکی عایدات جا رها شده و حبس از ۶ ماه الی
 ۵ سال و دیگر (مجازات مطابق اصول موضوعه) -
 میباشند در وقت عنوان جزای فوق شامل شده و
 نمیتوان بخواهی تشخیص کرد که از جمله این دو جزا -
 کدام آن در مورد ناشر و نگارنده و ناظر و مترجم
 قابل تطبیق است - اگر جزای اول در مورد این
 اشخاص تطبیق شود معنی آن این است که نشرات این
 ها و لوعلا باعث اخلال امنیت خواهد بود (مجازات
 مطابق اصول موضوعه) معاف میباشند و اگر بحیث -
 جزای فوق برای ناشر نگارنده و ناظر و مترجم مطابق
 اصول موضوعه مجازات داده شود درین صورت جزای
 شان نسبت به مدیر مسئول و نگارنده شدید تر میگردد که
 این نیز از عدالت دور خواهد بود -
 ۱۱ - از قسمت اخیر ماده ۱۲ که بمبارت ذیل (در
 صورت خلاف ورزی روزنامه الی سه ماه و مجله الی
 ۶ ماه توقیف میشود) مشکل است معنی تعطیل روزنامه
 و مجله فهمیده شود -
 ۱۲ - ماده ۲۱ اصولنامه صریحاً بلکه بصورت ضمنی
 از حق انعقاد بحث میکند ولی با ذکر چنان کلمات -
 الا سعی که نتیجتاً در تطبیقات برای آن مسهولت -
 مقیاسی سواغ کرد زیرا مقید بودن انتقاد در داخل
 جوکات علم و ادب - عذرت و نزاهت قلم و موضوع -
 سیاسی انتقاد باعث تردد نشر افکار شده و در تطبیقات
 نیز موجب مشکلات است - (بقیه در اثنی)

قانون مکافات و مجازات

خواننده گرامی همین که این عنوان را تونک خاوه بر صفحه
 کاغذ نقش میکند بلا درنگ اندیشه در ذهن خطیر نمود که
 آیا قانونی بنام قانون جزا و مکافات در محیط ما وجود
 دارد یا خیر؟ اگر دارد آیا قوه مجریه در تمیز جرم
 و تعیین جزا و تطبیق آن چه طویقی میباید؟ و چگونه
 درین اندیشه غرق بودم طرز و قشای برخی از حکام ما باین
 حقیقت ملتفت ساخت که تفسیر معکوس بوده و مجرم را
 مکافات و خادام و اجزا میدهند - ما از سالها مدتی
 با بیطرف میگویم که افراد ما با رفتن این کلید کامیابی
 نودینهای ترقی را بصورت برق آسائی با لا رفتن در
 آن نقطه صمود کرده اند که شاید فضای بیشتری برای
 ظهور طیاران ما شده - از حاشیه بد مشن می آیم -
 در سایه اهدال از تطبیق قانون مسا مجرم مکافات
 ندیده و امثله درخشان بدست داریم مگر اکثر مجرمین
 در پهلوی هر امری قانون مکافات و مجازات گنجینه
 شود - نشر ازین بهر خاشان و تا بکارموقع داده نشود
 که با وجود استحقاق مجازات ذلیل همکافات شود و با
 هر جرم یک و تبه با لا ترقی کند و مجرم را از مرتکب آن
 خدمت - فعالیت - لیاقت و کار دانی او بداند نیم زهر
 جاده ز جلا نشه بپوشانیم -

دوست است که عفو و ترحم از اخلاقی خجسته بشر میباشد
 ولی چشم پوشی مسا محه و ترحم در مورد افراد خاشان
 و مجرم ظلم و مستعماری بر بیگماریان و همکاران است و
 این رویه در برابر زود نظام اجتماعی را مختل میسازد
 فرضاً اگر دست حاکی پس از شکنجه یک توده از کار
 کشیده شود ظلم صریح بوده و تقویر و با رد آن پس از
 چند روز جرم بزرگتر است اینک اگر ما عوری در ما بویست خود
 مرتکب جرم و خیانت شود با لای سوابق آن خط بطلان
 کشیده شده و برگشته او پندیده گمان نگریم میماند
 است اگر جوانی امتحان دا جزا نی - بی گناهی و بی
 علائقی را مملکت ملت میدهد آن را بکاری مهمتری باز
 آزمودن سهو دیگری است - از تدا بیو اجتماعی دور است
 اگر همچنان مردمان تا بکاری را فرصت مهیا شود که
 خود را برای ارتکاب جرائم بزرگتری جری و مستعد سازند
 حاشا و کلا... با بیست بعد ازین امری را بهجاری
 بقیه در ص ۳

بقیه قاتون . . .

قاتونی ان تطبیق کنیم مجرم را مجرم و خطای ان مجازات
 نما ندم . . . نیکو کار و صادق را پمکافات تشویق و بنوا زمین
 باید جدا ضمه نموده شود که مجرم و ضعیف بعد ازین رساله
 سان حمایت نشده و مرتبه های که ابد ابرایت آن را اندازد
 بخدمت تا کرده ابد تا یل نمیگردد . . . حقیقتا راز . . .
 سعادت جوامع در همین قانون مکافات و مجازات مضراست
شایستگی حق
 خیر های آژانس ششدرک . . .

پیشهادش از قبیل اشیا را ت سابه . . . رای اعتدال
 شورا و حفظ رتبه عسکری شان فضلا با وضع هر چه
 معذرت خواسته اند خدا گانه کامیاب شود . . .
 تشکیلات و تحولاتی جهت پیشرفت و انکشاف سپهر
 در وطن عزیز برپا ست اولهیک رویکار ایست اما واضح
 نشد . . . درین قسمت از افکار کدام دسته متخصصین . . .
 صورت استقامت بعمل می آید قرار معلوم حتی شاعلی
 "پیشم" یگانه متخصص سپهرت کشور نیز ازین جوریا تا
 بیخبر است . . .

ششدرک بیچاره در شو مژری باک باک زده دست یکجا
 و پنا به دگه جا و لنگوت ره دگه جا و پیوزارام دگه جسامی
 برماند . . . از کفایت و ارا تقشر حدین پس که مدام بنا بهسای
 کفیل و وکیل تا شب و قاشم مقابله جاشین یاد همیشه . . .
 چنین ایلاغ میدارد . . . جشن اطفال با همد شکوه پامیان
 یا نت . . . ترتیبی عده برگذار شد و اطفالی که در نظرسر
 بود صاحب امتیاز و جا یزه شدند . . . ما براسطه قیضی
 تک و تا داری خلق از تمام تنوس کابل تقریبا در هزار
 نفر اگر دو منطقه جشن داخل شده باشند . . .
 معذورت وقوی . . . جناب رئیس طاحب مستقل زراعت را
 فضلا از اشهار و جوابات و توضیحاتی که تشران را وعده
 نموده بودیم صاف داشت . . . هنوز استمفا تا بهسای
 اقایان وزیر اقتصاد ملی و وزیر معارف سابق با اداره تدایق
 تر سیده علا و تا شاعلی تره کن و رئیس سابق مطبوعات
 نیز که در روز وداع خود اشا رتا در محضر نویسندگان در
 مورد استمفای خود سخنرا تی نموده بودند اصل استمفا
 نامه شان را چون نشر نموده اند شاید پماینر مستند . . .
 منتظر باشید !

دوای خلق ضیاء قاره زاده
 بشوق عزیز من سخنی از دء خلق
 یعنی یگور گوش شور و ذرای خلق
 از حق برنج گر چه برار نشان بود
 تلخی بکش ز دهر که گردی درای خلق
 آنکس که عیب خلق تهبان میکند زخاق
 با لک که تیشه میزند ! تدر پنا ی خلق
 جنبش فکده در دل پیور و جوان ملک
 صاحب اثر شده است فغان رسای خلق
 صد شکو با زشکر که در گوش شاه ما
 ایفک رسیدنی است صدای گدای خلق
 گر نیست دست آنکه بیچین ز راه خسار
 خود را مسا ز خار ستم بیخبرهای خلق
 خود خواه و خود پرست و زار طلب مهیا
 آنکس که میزند سخن از اعتلای خلق
 شاگرد خصم کهنه سیاست به پشت در
 بفکر آمده است برای فضای خلق
 بر خیز تا بتو ک قلم تیغ بر کشیم
 بگذاز تا بلند بگردد " دء خلق "

بحواله مرا که خبر گذاری جار سر و جبهل تن دروین تنگی
 حیات که راه گریز هم از گویک مشت خوویج اطفال
 لچ و برهنه برای قبله گاه صاحب نیست بر تهل و پوره
 باز مهالنی افزوده اند و این ازدیاد قیمت در زندگی عامه
 پنا بر افزودی مما ش ماورین دولت است . . . رجب خان از
 حای پنا بر مجبوریت در لا برار خود مشغول استخواجه
 شیرینی از خاک است . . .

دروای تاریخ کشور :

گویند حین تسلط " شیبا نیما " در هرات . . . عید ارحیم
 " صدر " را (تقریبا مسا دل و زیر ا توت) در اخادی
 و رشوت چنان اقتراط بود که اگر عزیزی در ساعت
 صبح او را به ده هزار تنگ خدمت میکرد و رشو متملم
 میبود برای عصر ضوآ جو شش شد و از جو شوع انکار
 میکرد . . . بیچاره رشو تاده مجبور جهت تمحا ضغط از
 نوا بر شیکاری همان مبلغ را بقتید ستد رسید و باره مس
 پرداخت . . .

ع شرس عید الا خد خان فرقه مشرور بود آخله از چندی است
 و ارب کابلی شیبورک با هفتوز بکار شروع نموده اند . . .
 میدرک ما می افزاید که جناب شان بر اسطه تطبیق

بقید سر مقاله

حتی قوه قضا نیزه با استقلال نسبی که دارد در مقابل شورایی یا نمایندگان خلق مشول بوده و باین صورت گویا خلق با کمال اطمینان مشا عده میکنند که تمام امور حیاتی شان بیک اقتدار نمایندگان شان بوده و گذا خلق توسط جرایم آزاد افکار و عقاید و تنقیدات خود را را جمع بشورایی - کابینه وزرا و سنا بر ارکان و اجزای دولت ازادان اظهار آنها را در خط حرکت شان راهمونی میکنند - درین جا سوالی پیدا میشود که ما و شورایی ما برای خلق چه کرده ایم؟ مادر حین شرح جریما تا ت شورایی سوال جواب داده ولی مختصرا میتوانیم بگوئیم که ما مع الاسف نظر بصوابی در مقابل خلق مشول بوده و تقریبا هیچ نکرده ایم - اما این حق مردم است که در انتخابات آینده آزادی کامل - انتخابات را در تمام مملکت با سابق قانون انتخابات درستی از شورایی و دولت تقاضا و نمایندگان صحیح و طرف اعتماد خود را انتخاب نمایند تا حقوق شان - محفوظ مانده و حاکمیت حقیقی ملی در شورایی قرار و راحت و سعادت خلق تامین و خانه دلهای مردم آباد گردد -
 و نه ...
 گویا در دیاری خانه دلها خواب
 کلاه و قصر و کورن و ایوان نمیا روزه بهیچ

(بمسودی)

تایه های وارده - محترمه قدسیه شمله موسسه نوان میثو بستند که بشاه شهید علیه الرحمه خانه داشته و از خرج گیری دروازه لا دوری بنگه آمده و از بلدیة کابل ریاست گمرک اجازه نجات میخواهند - علت انزجار - خویش را از دحام نفرو از ۲ صبح الی ۶ عصر موجودیت چند نفره لیس و ماهورین مربوطه و تنگی راه عبور مرور دانسته و سوال میکنند که آیا ان ها برای توقف موتورها هستند یا برای توقف زن ها و گذا از الفاظ زکیله و زشت آن ها شکایت میکنند -

ندا - خلق - آواز شمله مو صوفه را بگو شها رسا ند و تقویست ریاست محترم بلدیة که فرض خدمت برای راحت خلق این کار توجه نماید -

حق نمک

س - باوج برد و بخاک نمک و خورشم و بخت
 ندا تم انجمن آرا چه بدعا دارد؟
 ج - با رگ برود و بخاک نشاند و خونت ریخت
 هنوز حق نمک با تو کسار هسا دارد

خواننده: تمهای خلق

شاملی محترم " الفتن "

د چا کله منسی

هر شخه کوی پخبله خوینه دچا کله منسی

زلمیه سنا که ته منی د پردا کله منسی

د نوی عصر که هیچ ته منی او هیچ تنکوی

زوی خوری دباها و دادا کله منسی

خبل فکر نیمه گن له خپلی رای ته تیسویزی

اقتضات دده قما تون د شورا کله منسی

خبله آرزو چه و رتبه هر شخه و این کوی منسی

د عقل فکراود علم فترا کله منسی

د قام کمیلی او شوی سوه پینی غزول

که هر شخه و منی دارنگه وینا کله منسی

که به رشوت وی که به غلا که به تنگی او به چل

جورگان لویورجی درنه غواری بیورو کله منسی

چه دعوت و رکیه د حق و عدالت به لوری

دغه پاک نفسه دعوت شونه دچا کله منسی

که دعوت عوامه زور و را و دولت مند سوه شوه

غریبه خوشی روتنه به ژاوده سنا کله منسی

چه هر شخه و و این او هر شخه قسمر ته و کوی

د تن بیرون و بعدی سها بل سها کله منسی

ما و رتبه و ملی دنیا و این چه قلم آزا ددی

ده و ی د عزم خاوندان دنیا کله منسی

زه و رتبه شیه و این ته و روح اودی یوه ته منسی

و قیبه زه چه ژو دگ سنا اوژما کله منسی

عروض احترام و شکران

ما به نمایندگی از ملت بجناب سینه و متوجی و سا مسو

کارکنان را دعوی ایتالیا که احساسات مسلمانان و ترکی

در موقع جشن استقلال نسبت به ملت افغانستان

ایرا داشته اند و عرض شکران و احترام تقدیم و

تسالی و ارتقای ملت دوست ما ایتالیا را در خواست

بی تمنایم - گذا احترامات و تشکرات خود را بملت -

دوست و شرفی خویش (هند) و کارکنان را دیوهند

نظر به نشرات فوق الماده شان در جشن استقلال

تقدیم و امیدواریم ملت هند به ما جدا جدا شاخص

ملی خود را کامیاب و مسعود نماید -

مطمئن - گمنا تو ندا - خلق - کابل

نداء خلق

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

شماره نهم

سال اول

دو شنبه ۱۲ جوزا ۱۳۳۰

شاغلی محترم سید محمد خان
دهقان و کپسلسل، بدخشان

اعلامیه حقوق بشر

در شماره گذشته وعده داده بودیم که در مورد اعلامیه حقوق بشر که در دهم دسامبر ۱۹۴۸ یعنی در اواخر سال ۱۳۲۷ در جلسه عمومی سازمان ملل متحد که تقریباً از طرف اکثریت اعضای قبول شده بود شرحی بنویسیم - حقیقتاً همه دول دنیا مجبور اند که با اساس عدالت و قانون با افراد تبعه خویش معامله نموده و نظر باوضاع سیاسی دنیا و تعهدات حقوق بشر اکنون هیچ دولتی نمیتواند از دایره عدل و انصاف و قوانین اجتماعی بشری خارج شده و استبداد را شمار خود سازد - ما بارها گفته ایم و بنویسیم میگوئیم که دولت علیه افغانستان نیز نظر به جمهورییت سیاسی و تعهدات بین المللی مجبور است خط مشی خویش را با اساسات دیموکراسی و قوانین مدنی گذشته و مانند یک فرد صالحی مقررات اساسی اجتماعی و حقوق را احترام نماید - اخیراً اسنادی بدست ما رسید که دولت علیه بر تسیب های اعلامیه حقوق بشر را تماماً پذیرفته و نماینده دولت رسماً برای این اعلامیه امضا کرده و احترام خویش را باین اعلامیه اظهار و تمهیم این اساسات را در مملکت خویش تصهید نموده اند - پس با اساس این تصهید ما بخلق اعلامیه می توانیم که آنها میتوانند با اساس اعلامیه حقوق بشر و تصهید رسمی دولت از همه حقوق و آزادی هائی - بر خور دار گردند که سایر ملل ازان برخوردار بوده و حسق دارند که در مقابل روش غیر قانونی و استبداد ماورین دولت اعتراض نموده و صدای خویش را بلند سازند - برای اینکسه هموطنان گرامی ما از اعلامیه حقوق بشر بخوبی آگاه گردند ما ذیلاً بصورت مختصر بشرح این اعلامیه میبرداژیم :

۱ - الف تمام افراد بشر آزاد بدنمایند و از لحاظ - حیثیت و حقوق با هم برابرند و باید نسبت بیکدیگر با روح برادری رفتار کنند -

ب - هر کس میتواند بدون هیچگونه تمایز مخصوصاً از

نمیشود و ممکن نیست !!

این دو کلمه خیلی ساده و پیشیها افتاده که عنوان شده اند چقدر در ظاهر کلمات ساده اند؟ اما خرابیهای امروز که از هر طرف سرو صداها را بلند کرده یکی میگویند (اولاً ملت بیسواد و مصارف ما ناقص - زارع میسراید که زراعت و محصولاتش رو به نقصان است - اهل صنعت و حرفت از متوسط همیشه خود میفکند - مالدار از محدودیت ۱۰۰۰ متر مربع و مالچرو بی نظمی های جاریه و اخذ و جریمه های کارگران محلی بفقان - مراجعین دوا در از تاخیر و اشغال در وزارتین بامر شان الا ان و دعوی حقوقی مردم و لو که مدعا بجا نهایت بی ارزش باشد از ششماه الی یک سال بلکه سالها بفرجه تمیرسد - ثنقاق و دعوی بیجا بر علیه یکدیگر در هر خانه موجود و باین راه سوق و تحریک شده میروند تا در عده مراجعین افزودی بعمل آمده و عاید و مهر حکام محلی و ضحاط امتیه و ۰۰۰ بیشتر شود یک طبقه مردم دست بزنج به بیخوشی و بیچارگی - فقر و فاقه گرفتار و ده ها و صد ها چیز دیگری که هست - تماماً ناشی از زمین جملات (نمیشود و ممکن نیست) - میباشد - پلی متصدیان خورد و کلان اطراف و نواح ما فقط متکی و متوسل بهمین کلمات مشوم گردیده و تاکنزین باین دستاویز خود ساخته (ما آنکه عبارت و معنی مسئولیت فراموش خاطر هاست) تهر نه شده اند - یعنی بمقامات عالیه چنین وانمود میکنند که ساحه تطهیب و عمل در محیط ما تا مساعد بوده - کار کردن و کدام نقشه و - باین را همیشه بردن (نمیشود و ممکن نیست) ؟؟

بیاد دارم یکی از مفکرین میگفت : (ماورین را اگر باعملار و ابادی یک خانه دعوت کنیم عذر فقدان صلاحیت خود را بپوش می کنند - اما در احوال این هزاران خانه بخود صلاحیت

اصلا حات اقتصادی پی

شافل علی عبدالمجید خان عاصی

سعی بساید ! !

کون که وادی بی دانشی تشمین ما است

بسان غنچه فتا-وقف لب کشودن ما است

غنوده ایم بخلوتی که خموشی لیسک ! !

هزار غیب نهان خفته درنگتن ما است

بهر که میوسم انمان شکوه دار د

که یوغ منت غیر از چه بار گردن ما است؟

غبار جهل کجا خیزد از کناره شروق

جز از حریم تشمین خاکدان که میهن ما است

بآب و دانه بیگانه بیوروش شده ایم

ز فرق تا بقدم مال غیر در تن ما است ! !

فروغ تا ثره علم متفصل گسرد د

هوا ی نفس اگر خار چشم روزن ما است

شب از گرسنگی ممده تا سحر بیدار

مگر گدشته ز عصر اتوم فیشن ما است

ازینکه گوش کسان پس گراست میثالم

نه از تراکم ثروت (ا) فسان و شیون ما است

بدون سعی تدارک اثر کلام (عاصی)

الی الابد اگر این گفتن و شنیدن ما است

مکاتیب وارده -

آقای غلام علیخان پنجشیری در ششماهه مکتوب مفصلی بما

نو شسته و در ماده اول بر سیده اند که چرا وزارت معارف

مکاتب مسلکی مثل صنایع تقیسه - خیاطی - قالبین با فی

و حکام را لغو نموده بودجه مصارف چند و ساله به قیمت

چند یک نفر طلبه سعد یافته بدست بی اید - دوم قبل

از رویکار آمدن فابریکه نقد و شکر و تساجین تر خبا چه

بوده و حالا بکجا رسیده آیا حاصل داشتن فابریکات -

همین است (از بقیه صرف نظر شد)

شافل یار محمد خان فدازاده از علی آهاد در ذیل

مکتوبی از مظالم حواله دارها داد زده و هم درخواست

کرده اند که نویسندگان باید از رشادت اخلاقی کار

گرفته و از عتوانهای م - خ و ن - د و غیره گذشته و

بالاخره برای تسلی و تقویه قلب ما نروده اند که

هر شیئی را روزی در پی است و پاداش اعمال را طبیعت

از چندی هاین طرف نماینده خلق باستانا د نکالنه با بعضی

از نمایندگان خیر رسائی سرچوک جسته جسته اطلاع -

میدهد که اولیای امور مصروف غور و مذاق در اطراف اصلاح

وضع اقتصادی مملکت و مخصوصا این بردن هزینه (مصرف)

زندگانی خلق غریب و بیوسیک میباشد - شنیدن این خیر

غیر صدقه در محافل سرو صدا نی بلند کرده و یک نوع

امید واری و انتظار شدیدی را تولید نموده بود - تا اینکه

نماینده مذکور خیر های قبلی خود را نا نهد کرده و بطور

جدی اطلاع داد که خیر شهبختانه این اصلاحات (!)

رنج حقیقت بخود گرفته و تصمیم گرفته اند تا امسال بسواری

خاطر و فاه خلق در قیمت مواد عمده حیاتی که بدست -

موسسات تهیه رسی میباشد افزا یشر ذیل بممل آید مثلا

برای اینکه مردم از درک تقلیه آرا مترا شده و حمل و نقل

مواد حیاتی خویتر صورت بگیرد قیمت فی کیلن تیل از ۱۴

افزائی تقلیل (پخشید تزئید) یا بد همچنان قیمت پوره

از ۴۲ افزایش فی سپر برای رعایت خلق به ۲۶ افزایش فی

سیر تزییل (۴۲) داده شود - شکدا برای اینکه مردم -

بیشتر از قدرت و فعالیت خود استفاده نماید محصول کلیه

مواد وارداتی از ناحیه گمرک بلند برود تا قیمت اجفا

تیز بلند رکنه مردم و نامورین مجبور شوند برای تهیه کردن

پول خرید بیشتر کار (۴) کنند و بیشتر مزد (!) بگیرند -

همچنین راجع به تزئید محصول مالیات بر عایدات تیز -

اقداماتی جاری بوده و برای تقویه (!) صنایع دستی

میخواهند بر همه صنعتکاران نیز مالیاتی وضع نمایند .

نماینده موصوف در ختم این خبر اظهار امید واری (!)

نموده که این اقدامات در اصلاحات اقتصادی مملکت -

نهایت موثر (!) واقع شده امید میبرود عنقریب تر خبای

عمومی و مخصوصا صنایع مواد ارتزائی و حیاتی را به پیمان

در سر تا سر مملکت پانین (! !) بپارود که دیگر کوچکترین

اندیشه برای اصلاحات آینده از همان متصدیان امور

اقتصادی را بخود مشغول نگردانند ؟؟

(فاعتمروایا ۰۰۰ اداره)

از حاشیه قاموس ملامت

صادق - آتکه بویک توده آتش خاکستر افکنده و در عوض

حقایق تلخ کلمات جرب و نرم بگو شها رساند .

در شورایی

نامه نگار ما اطلاع میدهد که شورایی که بیست و نهم روز اول نور افتتاح گردد با لاخره روز ۵ شنبه ۹ جوزا ساعت ۱۰ قبل از ظهر به ریاست شاغلی داری افتتاح و اولاً چند آیه از قرآن حمید توسط سرمنشی شورا شاغلی صاف خوانده شد و سپس شاغلی رئیس شورا گفت که (سال سوم دوره هفتم - شورایی را بتمام خدای بزرگ افتتاح و لایحه اولتر مسروح سه نفر وکلای که وفات نموده اند یعنی شاغلو میرزا محمد خان وکیل خوست - شاغلی غلام فاروق خان وکیل با میان محمد مراد خان وکیل شور تپه تهیه دعا فرستاده و سپس امر دادند که سرمنشی بقرائت آجندة (فهرست مباحث شورا) آغاز کند - فقره اول آجندة عبارت از وکلا یقینیه نفر وکلای جدید الورو یعنی شاغلی عبدالله خان پسر مرزا محمد خان مرحوم و شاغلی عبد الحمید خان و شاغلی عصمت اله خان بوده و با کثرت آراء وکلا تصویب گردید - فقره دوم آجندة عبارت از ضمیمه قانون محاکمات عسکری بود که قرائت آن آغاز شده و مباحثه الی آخر جلسه دوازدهم داشت .

جلسه روز شنبه ۱۱ جوزا

ساعت ۱۰ قبل از ظهر در تحت ریاست شاغلی عبدالرشید خان مصین اول شورا افتتاح و در اطراف انتخابات کمیسیون ها (انجمن های تحقیق) مباحثه بعمل آمده و چون روز گذشته این موضوع در مجلس در اثنا مذاکره طرح شده بود با لاخره بعد از مذاکرات زیاد با کثرت آراء وکلا تصویب گردید که کمیسیون نهی سال گذشته با وکلا و اعضای آن که در سال موصوف در جلسه عمومی تصویب شده است طرف قبول مجلس عمومی بوده و لزوم ندادن وقت مجلس را باز پس انداخته اعضای کمیسیونها ضایع گردانیم .

جلسه روز یکشنبه ۱۲ جوزا

جلسه ساعت ۱۰ و نیم قبل از ظهر در تحت ریاست شاغلی داری افتتاح و در ابتدا فقره اول آجندة یعنی ضمیمه قانون محاکمات عسکری مورد بحث قرار گرفته ولی در اثر یاددهانی شاغلی غیاث که در جلسه گذشته کثرت وکلا طرفدار وارجاع این قانون با نهمین حرمیه بودن با ز با تأکید اکثریت وکلا ضمیمه مذکوره به کمیسیون حرمین ارجاع شد تا دران باره - تدقیقات لازمه بعمل آمده و با مشاوران و قانون و نماینده - وزارت حربیه مشوره و پس از توضیحات لازمه و روشن شدن زوایای تاریک آن در باره بمجلس آورده شود -

سپس قبل از قرائت ماده دوم آجندة با اجازه رئیس مجلس شاغلی عبدالاول خان وکیل ثالثاً ن بهی خاسته و بقرائت یادداشت خود آغاز و بیان نمود که بنده امروز دارم شاغلی رئیس مسوا لایحه تهیه بنده جواب دهمند - اول مواد هفتگانه که در سال ۲۸ از طرف اکثریت وکلا پیشنهاد و دو سال - در باره این مذاکره بعمل آمده و از جمله تضایع حیاتی مملکت است چه شد و چرا در آجندة داخل نیست ؟ (مواد هفتگانه عبارت از غله خریداری - بیگار - ضبط و مصادره -

اراضی - تعدیلات در مورد قانون قرعه عسکری - تطبیق قانون در مورد اخذ مواشی و وثایق - قضیه دیوبند دوم - معلوم است که بیگار خلاف ماده ۱۷ قانون اساسی و خلاف تصویب مکرر سال گذشته شورایی بوده و لی در مملکت جاریست - و حتی زمانیکه شاغلی وزیر نواید عامه در تالقان آمده بودند با بنده مشاجره می نمودند که ساختن و ریگ انداختن سرکها بدون مزد بالای اهالی بیگار شده همیشه - اما چرا از شورایی درین باره اجراء نمی بعمل نمی آید؟ سوم - سال گذشته پیشنهاد شده بود که بتمام دیوان عالی محاسبات دائره از اعضای خارج شورا تشکیل گردد آیا نتیجه آن چه شد؟ چهارم - چرا در مملکت قوانین تطبیق نشده و ما قوانین را مانده بحسب سیاسی در شورا حفظ و چرا آنها را بدسترس عموم نمیکند اریم و چرا تصویبات شورا مثلا تصویب شورا در خصوص محاکمه سه نفر وزیرا مثل شاغلی وزیر مالیه سابقه و وزیر سابقه و وزیر اقتصاد سابقه عملی نشده و دیوان عالی برای محاکمه آنها تشکیل نمیشود؟ پنجم - سال گذشته حکومت تصدیق نموده بود که بودجه را برای اصلاح و تمدیل در زمستان به کمیسیون مختلط (مرکب از وکلا و وزیرا) سپرده و در اول سال بمجلس عمومی عرضه نماید چرا تا کنون بودجه بشورا نرسیده و چرا به کمیسیون مختلط در زمستان سپرده نشده؟ ششم - پیشنهاد ما در خصوص مصروف و قضیه دشت ارجی در سال گذشته یکجا رسید . هفتم - مساحت و میزبانی های جدیدی که در ولایات شمال میشود خلاف ماده ۴۱ و ۴۲ قانون اساسی بوده و چرا درین باره از طرف شورا اجراء نمی بعمل نیامده؟

و رئیس - بنده برای قناعت مجلس مسوا لایحه شاغلی وکیل - ثالثاً ن برداشته و همه میدانند که مواد هفتگانه کمیسیون مختلط زمستانی سپرده شده و البته پس از تکمیل واپس شان مورد مباحثه قرار میگیرد - در خصوص قوانین تطبیق مانده فرموده آقای وکیل نیست و ما قوانین را بحسب سراسر نساخته ایم - زیرا ما از تمام قوانین تقریباً يك لک جلد طبع نموده و هم جدولی ترتیب داده ایم که بتمام دوا نر مملکتی يك يك جلد ازین قوانین سپرده و گذاشته پس - مشوره دو دو جلد از همه قوانین ارسال و گذا برای خریداری مردم و همچنین در اثر درخواست سفارتخانه ها مقدار ازین قوانین را در پانویس برای فروش گذاشتم و در سال جاری هم مبلغی برای طبع قوانین پیشنهاد شده است - ما با ز هم قایلیم که قوانین بطور کافی بدسترس مردم - گذاشته نشده است - بودجه سال ۳۰ مع الا سلف تا کنون بشورا نرسیده ولی ما درین مورد تعقیبات مکرر نموده و وکلا میخوانند آن را در دفتر شورا ملاحظه کنند - از جویب کشی اراضی قطن بنده مطلع نیستم ولی در حصص دیگر مملکت هم حکومت جویب کشهای جدیدی نموده - در باب محاکمه سه نفر وزیرا یادداشت های مجلس را ملاحظه خواهیم نمود - در خصوص تهر ارجی سرمنشی صاحب جواب خواهند داد -

الف : - شاعلی الفت وکیل مکرکز مشرقی پس از ختم
 بیانیه رئیس فرمودند که بواد هفت گانه حقیقتا برای مملکت
 یک قضیه حیاتی است - خریداری قرار تصدیح حکومت و نشر
 جریده رسمی آنهاست باید اسامال از دستش ملت رفع شود -
 بیگار خلاف قانون اساسی است ولی در صورتی که سر مملکت
 جریان دارد - در مورد بودجه شوزیاعلی تصویب و بدولت
 خیر داده شده بود که باید حتما در زمستان یکمیسورن
 مختلط برای تمذیل و اصلاح سپرده شود ولی حقیقت این
 است که بتصاویب شورا اهمیت داده نمیشود *

محمودی : - فرمایش حضرات وکلا درست است نه تنها
 در موارد مذکور بلکه در همه موارد از روز تصویب قانون
 اساسی تا کنون در مملکت قانون اساسی عملی نشده ولسی
 ما با ماضی و چگونگی آن سروکاری نداشته ولی در دوران
 جریان شورای کونی نیز بواد قانون اساسی از طرف رزرا
 احترام و عملی نشده است مثلا از ماده ۹۲ الی ۱۰۲ -
 مربوط بامور مالی است که با اساسان حکومت باید بودجه
 خرید را با اساس قانون بودجه و قانون تشکیلات اساسی
 دولت ترتیب نموده و کذا وزارت مالیه موظف است که دارای
 حساب تقصیه در هر سال باشد - ولی حکومت نه قانون
 بودجه داشته و نه قانون تشکیلات اساسی وجود دارد و نه
 وزارت مالیه دارای حساب تقصیه میباشد و اگر ادعای هم
 میکنند خلاف حقیقت است و ما برای آنها عین مدعا استاد
 اساسی بدست داریم - کذا بیگار و مسا امور دیگر خلاف
 قانون اساسی در مملکت جاری است - اینکه جناب رئیس -
 صاحب تصویبات شورا در خصوص محاکمه سه نفر رزرا و -
 سرور شدن شان بدیوان عالی تا کنون مظلومه نکرده و -
 فریب نیاخته اند در ظرف یکسال آنرا مظلومه نمایند
 بنده امید میکنم که آنها را مظلومه و برای اجرا بدولت
 بصلوات *

رئیس - تصلویب شورا درین ماه بدولت سپرده شده
 است *

د هقان - سپس شاعلی سید محمد خان دهقان وکیل
 بد خشان با جائزه شاعلی رئیس گفت قانون روح اساسی
 یک ملت است اگر چه قرار فرموده شاعلی رئیس قانون -

محبوس نیست ولی در مملکت محقود و ممدوم است و صوف
 از طرف اشخاص مقتدر در بوارده خصوصی تطبیق میشود
 معلوم است که قانون نظم و نسق - طبائیت و را حس
 آورده و ما قوانین را با همه نواقص ان قبول داریم
 ولی التجای ما این است که قوانین باید تطبیق شوند
 ولی شاید تصددا تمیخواهند قانون تطبیق گردد ما از
 گذشته قرار فرموده داکتر محمودی میگردیم ولی در داخل
 شورا هم در جائیکه بمقاد دولت تعلق داشت قانون را محکم
 گرفته ولی در مورد بقا د ملت هر چه را غیر قانونی گنجه
 و صرف نظر میکنند بواد هفت گانه اگر قانون عملی شود همه
 چون خلاف قانون است از دستش ملت رفع میشود - عرض
 دوم بنده این است که شورا تقریبا یک و نیم ماه بمدت

اسمال افتتاح شده و در زمستان هم کمتر کار شده و لذا
 چون ما وکلای ملتیم باید از همه اولتر احتیاجات عموم
 ملت را مد نظر بگیریم پس در اجنده اول باید پیشنها داد
 وکلا موضوع بحث قرار گیرد - زیرا ملت از دو نقطه نظرنگران
 است زیرا اول حکومت بهر اسم و رسمی که بود دیموکراسی
 و حقوق آزادی را بیاد ملت داده و لذا مردم جرئت -
 شکایت یافتند دوم - مشکلات حیاتی و بی نظمی ما بمرین
 و بی اقتدالی آنها و رویه شان با مردم خلاف اظهارات
 ظاهری حکومت است و در خصوص غله قرار نشراخبار رسمی
 انهم و رادیو ملت اسمال منقصر ممانعی بوده و لذا از ما گرفته
 تا شخص شخصیا علیحضرت عمامیونی باید همه فکر کنیم
 که نتیجه این وعده ها و اخبار جواپ منفی بخلق دادن
 چه خواهد شد ؟

عبدالرشید خان مبین اول شورا - ولپور کمیسیون از طرف
 وکلا ایضا شده ولی با مراجعات مکرر ما ووزرا تا کنون برای
 امضای آن حاضر نشده اند و وزرای شامل کمیسیون مختلط
 بمن وعده داده اند که را بمرین های شان درین باره تکمیل
 شده و بزودی بشورای خواهد فرستاد *

خسته - اتای خسته وکیل مزار شریف فرمودند که در مسایل
 قانون فرموده اتای قریشی درست است و بنده هم
 چند روزیکه مزار رفته بودم همه مردم از ما قوا تبیین
 میخواستند و حقیقتا شکایت اهالی از همین ناحیه است
 در ظرف دو سال یک ماده قانونی تطبیق نشد - بنده
 در حین مظالمه کتاب نادر افغان بیک قفوه بر خریدم کسه
 (اشخاص شیخ اندیش حکومت را به نواقص ملتفت ساختند
 ولی بحرفان ها کسی گوشر تمیداد و اخیرا مملکت با اشر
 اغتشاش گرفتار گردید) همین اکنون ما این حال را مشاهده
 میکنیم زیرا هیچ کس بحرف ما گوش نمیدهند ما تطبیق قانون
 اساسی را در مملکت ارزوا داریم - جریمب کشی های جدید
 که چندین بار شده خلاف ماده ۴۲ قانون اساسی بودیم
 و بر علاوه تقصیه دیگری نیز موجود است که چون اراضی
 کسبه قرار مبنزی جدید اضافه بست میشود پس اراضی
 موجوده را بان اراضی تقسیم و چون اب کفایت نمیکند پس
 تمام اراضی لا مزروع میماند زیرا مردم سابقا یک قسمت
 اراضی را کشت کرده و از آن محصول بیشتری میگرفتند -

محمد صایق خان وکیل مشرقی - خریداری سه سال است
 مورد بحث بوده و سال گذشته شخضا صدر اعظم در جلسه
 شوزیاعلی فرمودند که در سال ۳۰ این بار ر کم شکن از دوش
 ملت بر طرف میشود و این موضوع را جریده رسمی آنها نشر
 نمود و استادان اکنون موجود است - مردم مشرقی فقیر
 و بسیار محتاج است در مشرقی فقط یک فصل و آنهم سه
 مشکلات کشت شده و چون خبر رفع غله خریداری در سال
 ۳۰ در اخبار اتحاد مشرقی نیز نشر شده پس خلق مد نظر
 رفع غله خریداری بوده ولی بر عکس اسمال تخصیص غله
 خریداری اکنون تقسیم و توزیع میشود حال آنکه شورا
 تصویب کرده بود که قطعا تا نیمه امرا به تخصیص غله -
 خریداری نیز بخشود تا مازدننگی نتراشند (بقیه در اوست)

بقیه سر مقاله

د یا سوگ

۱ - او بیدار و قتیکه کارای انوسانی چند سال پیشتر ده دست تو بود نل ها از چند جای سوراخ و بک و روز آب من آمد و بکروز نی *

۲ - بابا ده او وخت ادم کم بود و کار بسیار دگ ای که صد کار دگ رام سری به بیجا ره میگرد آخر هوشتمت ده نلها میتر خو شا ند *

۳ - خیر حالی چرا همکاراره که خلاف اصول و میل شمشا سورتان میگردن و تو وظیفه اساسی را جای دگ میما ندی نمیگی که دگ ده ادارات کارهای ازین رویه صرف نظر شود *

۴ - چه بگویم خود شان بپندند * خرابیه حالی هر چه که میباشم بد میکم و سنگ از گندم خود پاک میکم *

۵ - عجب مرد که هستی ا چرا دو وادیش رنگتی و تکدی معلوم است بسیار جا بطوس و تروس بوده ای *

۶ - بابا و تشر نبود *

۷ - خن تو بمو ادم میمانی که چند روز با وجود صحت و عدم معذرت شرعی نماز هارا قضا می ده و آخر بد و نوض و طهارت همه قضای ما را دا کند - نمودن با له منها *

۸ - برو بابا رویته خدا ببیننه از گنوا و طور ادم خود خلاص کدیم حالی تو از سر کل ماد ست وردار نیستی *

۹ - خن دگ از گنهای ریا کاری ات کتر بنوما *

۱۰ - گی خو مفت است مهرات و انحصار کسی نیست اگر کدام قبایله داری بیار که آن را هم بنویسبیم *

از گوشه اخبار های رسمی -

منظور ما در چنین موقع نازک جز این نیست که ملت و حکومت در سایه توافق و هم آهنگی دست بدست شود *

(اصلاح - مقاله منظور و هدف ما)

تدا خلق - با تأیید اینکه موقع نازک است توافق و هم آهنگی را دو طرف خواسته و حکومت و از ملت و ملت را از حکومت ادعا میباید و من اله التوفیق *

در این باب است

کس نمیبور سد ز مسئولین کار آخر چرا

آن ترکبیر سالها بین سرب افتاده است

چون وکیلان بلدیا یا رب مهادا هیچکس

وقت تقسیم وظایف یک بیک افتاده است

تا جرما شامل ما آمر و مایور

بن تحمل بن تفکر بن تمک افتاده است

(اتفاق اسلام)

* بخوانید و بحقوق خود آشنا شوید و اگر خلاف قانون مطالبی بر شمارفت حق دارید شکایت خویشرا با ما به راهی بوسا (بقیه در این)

حیث نژاد - رنگ - جنس - زبان - مذهب - عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر و همچنین ملیت - وضع اجتماعی - ثروت و لادت یا هر موقعیت دیگر - از تمام حقوق و کلیه آزادی های که در اعلا میه حاضر ذکر شده است بهره مند گردد

۱ - ب - بملایه هیچ تمییزی بمحمل نخواهد آمد که میبست بر وضع سیاسی - اداری و قضائی یا بین المللی کشور بیجا سوزمیلی باشد که شخص بان تعلق دارد - خواه این کشور مستقل - تحت قیومیت یا غیر خود مختار بوده یا حاکمیت ان مشکلی محدود شده باشد (گویا افغانستان نیز میتواند نظر به تصهد دولت از تمام حقوق و آزادی های سائر ملل - استفاده کندین انکه مقول بدانجا ن چنان مجبور با انتظار ۱۷ قرن باشد) -

۲ - هر کس حق زندگی آزادی و امنیت شخصی دارد -

۳ - احدی را نمیتوان در بوده گی نگاه داشت و داد و ستد بوده گان بهم شکلگی که باشد متفرع است *

۴ - احدی را نمیتوان تحت شکنجه یا مجازات یا رفتاری قرار داد که ظالمانه و یا برخلاف انسا نیت و شئون بشری یا مو هن باشد (ب اساس این ماده و با اساس قانون اساسی افغانستان هر طغیان گران ما در هر نقطه حق دارند بر خلاف رفتار ظالمانه و توهین و خلاف انسانییت اعتراض نموده و از دادنه برای این حق خود مجادله نمایند

۵ - هر کس حق دارد که شخصیت حقوقی او در همه جا بمشکل یک انسان در مقابل قانون شناخته شود (پس ما هم حق داریم که دعوی شخصیت حقوقی خود را نموده و از حرکات متانی احترام شخصیت همه کس بر علیه ما خود داری نمایند)

۶ - همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تمییزی و بالسوید از حمایت قانون برخوردار شوند همه حق دارند در مقابل هر تمییزی که ناقض اعلا میه حاضر باشد و بر علیه هر تحریکی که برای چنین تمییزی به عمل آید بطور مساوی از حمایت قانون بهره مند شوند *

۷ - در برابر اعلا میه حقوق اساسی نمودن تجاوز تراو بدند و آن حقوق بوسیله قانون اساسی یا قانون دیگری برای او شناخته شده باشد - هر کس حق و جوع موثر بمحاکم ملی صالحه دارد (همو طغیان عزیز با ما هم داری قانون اساسی و یکمده قوانین دیگری مستقیم آن ها را

خوانند نیهای خلق

مسرود متصور

سمن بویان - غبارغم جو پشمینند - پمشا نند

بری رویان قرار از دل جو پمشیزند پستا نند

بفتراک جفا جا تنها جو بر پمدند - بر پندند

ز ژلف عتموین - جانها جو پمشا نند - پمشانند

ز چشم لمل رمانن جو میبارند - میخندند

ز رویم راز پنهانی جو بی پمکند - میخوانند

پمبوی یک نفس یا ما جو پشمینند - بوخیزند

تپمال شوق در خاطر جو پرخیزند - پمشا نند

جو منصور از مراد انانکه بر دارند - بر دارند

که با این دردا گر در پمدن رمانند - در مانند

سروشک گو شد گیوان را جو درو پمایدند - در پمایدند

رخ از مهر سحر خیزان نگردانند - نگردانند

دوران حضور جو مشتاقان تیار آزند - تیار آزند

بدین درگاه " حافظ " را چه میخوانند - میرا نند

(حافظ)

پایه نمیشود و ...

کامل بود همد ۰۰ (معقیده و استفاد معلوماتیک دارم در همه رشته های حیاتی ما هیچ مانس وجود نداشته و جزوی چیزیکه کلمه نمیشود و ممکن نیست را صادق و مستند سازد و جو د ندا رد - ازین قبیل ابوری را که فوسا شمرده اند، علاج و چاره شدنی و از ممکنات قریبه بوده ساحت عمل بکلی موجود و زمینه هم مساعد است - خود پفرمایند - لک ها و حتی ملیون ها این ازیک منطقه به تا جایز گرفتن ممکن است اما اقا بادی (نمیشود ؟) چه دلیل و چه ممثی دارد ؟ ... بلکه هیچ - گمان میکنم کلمات نمیشود و ممکن نیست فقط و فقط عذر لنگه و زاده و موارد فقدان مسئولیت بوده و رجاء داریم زمانه آوان - بزرگ ما - در قانون و سیستم اجراءات خود تجدید نظر فرموده و این نقیصه را زود تر از زمین بردا رد که مات پیش ازین دچار مشکلات زندگی و حیاتی امروزند -

خبر های آژانس شهردک

از خارج : اطلاع واصله از سفر همکار عزیزان لک ... هالو ... هالو اینجا اروپا است صبح امروزند پتراند را بیک هواپز گذشته و در نقطه نا معلومی قرارگاه خود را انتخاب نموده ام ... باری علاقه مندان هر گاه بدیدار من ذوق داشته باشند قد و اندام را در تلویزیون برای یکبار میتوانند دید ... ره آوردی عجیب دلخ را از بیسن سفر مبارک منتظر باشید .

در داخل : اولین جلسات شورایی افتتاح گردید ... کورس اکبر در لیس " حبیبیه " بمحلی جو ان های خلق دو سه افتتاح و خلیفه گل محمد سلمانی هر روز کتاب خود را گرفته حاضر درس است ... روزنامه " اصلاح " - بالا خر مانتف شاغلی "سپه" مدیری یافت ... اعیار آمده سناهی گمان در چوک جاده " میوند " معطل و خرابی حصه شفاخانه مستورا شروع گردیده ... تخ میوه باب افشار کیتورول را کنده و به تکلیف ارباب ناحیه رجب خان جهت واری یک تپان کلان را پیشانه کرده در چهار بازار میگرد ... از میله زنانه در باب میوند که خود نمائی و عدم انتظام و ترتیبات در مدعروین و هیئت پذیرائی بققدان چند چادری و چادری لنگه و زیرواتی کوچها - عیالها - مادر بیخه کواخوانها -

این وقت : خبر بموت آژانس شهردک حاکی است که در

دو بندی نژادیک سرک درونته یک نفر ما مزر رسی که انالبا

محمداله و یا احمداله امضا کرده است دریک کاغذی که

دو ابع عرض و دویم ابع طول دارد بشرح ذیل : (نمره

۱۸۵ درایور محمدعلی ۸۰ افغانی که بشن قرار امریسه

تلفوناً مدیر صاحب حمل و نقل اخذ شد تحریر : ۳/۴/۳۳۰

نداء خلق خیلی متعجب است که این محصول جدید که از

همه درایوران قرار اطلاع آژانس شهردک گرفته شده است

باساس کدام قانون امریسه بوده و چرا برای اطلاع مردم اعلان نشده است

* شاهگانی مولو جان واری پان یافت ... رجب خان

که شام خاتم خود را در خانه دیدگفت عزیزم شکر گو که

تقاضا بود و سلکیده در سک ها اغلبابو لیس های ترافیک

بیش از ووزون ماه رمضان عصیان شده گادی ران و کلینر ها

را این محابا بیسیلی و لگد خادیب میتابند تا در رمضان

حسان باشند .

خوانندگان عزیز نشرات مهم شماره آینده " نداء خلق "

را منتظر باشند - مخصوصاً مقاله مدبر مسئول در مورد اصلاح

حقوق بشر خوانندنی است .

گسترن نداء خلق - کا

نداء خلق

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

اعلامیه حقوق بشر

در شورا ملی

(۲)

الفت - حقیقتاً قانون در مملکت تطبیق نمیشود - و مسکه چند ماه نمیگذرد که قانون مطبوعات رسماً نشر شده ولی چندین دفعه از قندهار - پشاور - پکتیا - و مزار شریف برای گرفتن امتیاز اخبار مراجعت کرده اند ولی رسماً مطبوعات بهر حال و بهانه و حیلها آنها را رد کرده و پانها اجازه نشر جوده را نمیدهند حتی به بنده که دارای حیثیت یک وکیل و مصنف شورا ام نیز اجازه نشر یک مجله پشتو بنام اولوس را نداده و طوری که من قبلاً در روزنامه نداء خلق نوشته ام رسماً مطبوعات بهانه ها میخواند -

محمد کبیر خان وکیل غور بند - این سال سوم است که ما بسا یل جزئی و خارج اجنده حرف میزنیم و فرما پیش هر وکیل صاحب نیم ساعت را در بر میگیرد - من از مجلس تقاضا میکنم بریاست اخطار بدستدار که مسائل مهمه را در اجنده بگیرد و اگر وکلا اروزو ندادند که بر مواد مندرجه - اجنده (فهرست موضوعات قابل بحث شورا) بحث نما بند باید فیصله نما بند که اجنده از مواد مهمه و حیاتی مثل غله خریداری - بیگار و بودجه ترتیب شود و رسماً باید در اثر اصرار وکلا اجنده مصقولتری ترتیب دهد -

رئیس - مواد هفت گانه به هیسبون سوره شده - ترتیب اجنده از وظائف ریاست است و ما بهترین مسایل را در اجنده گرفته ایم ولی بدگمانی و نسبت قریب بریاست همورد است - در مورد حرف های خارج اجنده بنده ضرورتاً بوقع داده ام زیرا اروزو داشتم بدانم که مطالب مهمه وکلا چه بوده و درین ایام رخصتی در قلوب شان چه اروزو ها تراکم نموده -

محمد عثمان خان وکیل رودات - عرض من این است که باید موضوعات داخل اجنده بحث شود -

الفت - رئیس صاحب فرمودند که مسائل مهمه باید تفکر داده شود تا در اجنده گرفته شود (بقیه در ص ۲)

قبلاً بهمو طغان گرامی خو پیشتر تذکر داده بودیم که با ساس اعلامیه حقوق بشر که دولت افغانستان نیز توسطها بنده رسماً خود بان موافقه نموده - گویا همه دول گیتی که اکنون حکم یک فامیل را دارند تصهد و تصویب کرده اند که از رویه مستبدانه و خلاف تهنذیب صرف نظر کرده و - شخصیت افراد بشر و حقوق ان ها را محترم بشناستند - تنها افغانستان و سائر ممالک اسلام با ماده ۱۶ مخصوص دلی قسمت تبدیل دین مخالفت کرده اند (سالفه ما کابل ص ۱۶) قبلاً هشت ماده ان را شرح داده و اینک شرح بقیه میورد ازیم ماده نهم - احدی نمیتواند خود سوا ته توقیف حبس یا تعذیب بشود (همو طغان عزیز! قانون اساسی ما نیز حکم این ماده را قائلید میکند - اگر بهما مظلای خلاف - قانون اساسی و این قانون برود یا بد برای این حق بشری خود مبارزه نمائیم و ننگ اویم بر حق ما تجاوز شود)

ماده دهم - هر کس یا مسایات کمال حق دارد که دعوا پیش بر سینه دادگاه مستقل و بیطرفی منصفانه و علناً رسیدگی بشود و چنین دادگاهی در باره حقوق و الزامات او یا هر اتهام جزائی که با توجه بهیاد کرده باشد اذعان - تصمم بنماید (حقیقتاً محاکمه علنی و ازاد طوری که ما بارها گفته ایم یک رکن مهم آزادی بوده و ما جدا تقاضا میمائیم که این حق مشروع ملت نیز باید تامین گردد)

ماده یازدهم - الف - هر کس که به بزهکاری (جسرم) مشهم شده باشد بیگناه محسوب خواهد شد تا وقتیکه در جریان یک دعوی عمومی که در ان کلیه تضمین های لازم - برای دفاع او تامین شده باشد تقصیر او قانوناً محرز نگردد

(یعنی هیچ کس حق ندارد بدون محاکمه علنی و ازاد - شخصی را مجرم گفته او را محسوس و یا محکوم بجزا نماید)

ب - هیچکس برای انجام یا عدم انجام عملی که در موقع ارتکاب - ان عمل بموجب حقوق ملی (بقیه در ص ۴)

بقیه در شورا میلی -

اجتده موجود است .
 وکیل تالقان - اول باید بوزارت مالیه یاد داشت داده شود که چرا خلاف تصویب شورا - تخصیص غله خریداری را بولا یات تقسیم کرده اند .
 دهقان - مادر دو سال گذشته مطابق قانون پیشتر ریاست شورا سپرده ایم باید آن مسایل نیز در اجننده گرفته شود - رئیس صاحب بفرماید که بعد از سه سال ما وکلا بملت چه بگوئیم ؟ اگر همه حقایق را راست بگوئیم چه خواهند گفت و چه خواهند کرد ؟ اگر دروغ بگوئیم آیا میتوانیم امروز اجننده را احترام کرده ولی تمنا داریم در آینده بر عکس دو سال مسایل حیات و مهمل در اجننده گرفته شود -

رئیس - بخوال بنده رعایت وقت مجلس لازمی است - در مورد تقدیم و تاخیر مواد وکلا حق دارند با سر متشی حرف بزنند ولی بد گمانی غلط - این دلیل و غیر وجه مستقیده من لازم نیست .

غلام حضرت خان وکیل تنگاب - در شورا هر کس حقیق ندارد بنده هم میگویم چون ما بعضی شکایات را بگوئیم وزن باید بر اجننده بحث شود - از صبح تا کون خستلاف اجننده بحث میشود ضمیمه قانون محاکمات هم از وزارت خزینت است و یک امر ضروری است و مردمی هم بواجب کرده اند که باید این قانون تصویب شود - در انتخاب وکلا ن تنها متلک بعضی وکلا نمیتوانند در کابل قانون برده ولی در دیگر جا قانون نبرد و گریبا ما وکیل قانون

محمدری - بخوال وکیل صاحب در گفته بنده اشتباه کرده اند من نگفتم ام که وکیل صاحبان قانون نیستند بلکه گفتم که ما در ملکت قانون درست انتخابات در ایام واقع و نقل در مرکز باسلس قانون و انتخاب کرده های مرا نیست واقع و وضع صندوق آرا در هر جا حید مطابق قوانین مدنی هر کس از ادای یا رای خفی و گاندید شدن یکمده وکیل خویض را انتخاب کرده اند - ولی در ولا یات این اصول نظر به نبودن قانون انتخابات تا کون مروج نیوده و کلا مانند سابق از اعلالی وثیقه شرعی و از حاکم مرهوظ اعتماد نامه گرفته اند و اگر وکیل صاحب در مورد گفته بنده اشتباه کرده باشند از ان ها معذرت میخواهم .

البت - بمعقیده بنده سه موضوع حق اولیت دارد - اول قانون انتخابات - زیرا ما حقیقتا بان سخت محتاجیم دوم قانون وظائف داخلی و برای اجراء شورا حقیق است ضرورت این تصویب گردید و برای اجراء شورا حقیق است ولی انکار نداریم که دیگر مسایل هم مهم و مرهوظ ملکت است ولی در مورد ضمیمه قانون محاکمات عسکری مشوره کدام شخص قانون گرفته نشده و دوباره قانون بفرماید مجلس فکری داد که باید به کمیسیون ارجاع و در آن باره غور بزید بعمل آید - بمعقیده بنده اگر اجننده به مجلس عرضه شود بهتر است .

الله میو خان وکیل تن - آقای رئیس صاحب همه وکلان در لال چیزی دارند و در زبان چیزی نمیخواهند آنچه

من از رویه حکومت خیلی متعجبم یکی از مسایل مهم و حیاتی ملکت غله خریداری است که از سه سال باینطرف مورد بحث شورا است ولی دولت بهمه این اصرارهای وکلای نمیگذارد - حالا که اگر ۲۰ - ۳۰ نفر از کلام موردی عرضه میدادند شاید طرف قبول واقع میشد - قضیه مهم دیگر که باید در اجننده گرفته شود عبارت از قانون وظائف داخلی است که سال گذشته بمجلس آمده و چند ماده ان نیز تصویب شده است کذا قانون انتخابات که تا کون در ملکت وجود نداشته و کلا فقط با اساس وثیقه شرعی انتخاب میشوند نه بکرفتن آوای عمومی خلق هم باید در اجننده گرفته و تصویب شود -

سخن امین خان وکیل دو شن - نکته وکیل صاحب غور بنده بمعقیده من مهم است - ما در دو سال موازی را که در اجننده گرفته و تصویب کردیم احترام نشده - اگر مواد قانون احترام شده و تطبیق شود همه بد بختی ها ازین ملکت رفع میشود - ما سه بار در مورد غله خریداری فاصله نمودیم که این بار که شکی نباید از دوش ملت برداشته شود ولی کسی بر داخت نکرد من جدا تقاضا کردم که یکساعتی همه قانون مخالفت میکنند چرا داده شد و از وزیران مرهوظ باز خواست شود -

وکیل غور بند - من اشتباه ندا شتم که ریاست میخواهد ما را فریب دهد ولی خواستم بگویم که وکلا حق دارند در مورد اجننده ریاست حرف زده و مسایل مهم را پیشکش محدودی وکیل کابل - حقیقتا تمام بد بختیهای ما از این قانون برده و اگر قوانین در ملکت نامین شده و مخصوصا حکومت و اقربا ان را احترام کنند ملکت آباد و مردم سعادت مند میگردد - بطوریکه رئیس صاحب بفرماید ترتیب اجننده از وظائف ریاست است ولی رئیس مجبور است رای عموم و کلا و احترام نموده و اجننده ترتیب دهد که طرف اظه ایمان و احترام اکثریت وکلا باشد - وظیفه حقیقی شورا ایمان ساختن قوانین و سرودن ان بخلق است - ولی خلق باید ملتفت باشند که اگر ان ها برای استحصالی حق خود مبارزه نمی نمایند و از قوانین استفاده نمیکنند هیچگاه از سعادت بر خور دار نخواهند شد - این که آقای وکیل دوشی میفرماید که تصویبات شورا در دو سال عمل نشده و چگونه بتایید به متخلفین قانون جزا دهم - بمعقیده من کار سهلی بصورتیه و این امر هم مرهوظ برای اکثریت وکلا است - چه وزیران که تصویبات شورا را اطاعت نکرده و مخالف قانون کار میکنند باین توسط رای عدم اعتماد از کابینه بر طرف شوند و این خلق مشروع وکلا است -

عبد الرشید خان وکیل شهر سراج - در مورد راهبر مواد هفتگانه من بوزرای مرهوظ تیلفونا مرا جمعه نموده ام و آنها اطمینان داده اند که راهبر های خویش را تکمیل نمودند - امروز یا فردا بشورا میفرستند - رئیس صاحب نیز باید بسوای ارسال عاجل راهبر بدولت مرا جمعه فرمایند .

رئیس - قراریکه امروز شنیده ام لو اتح وزرا ساخته شده و عقرب بپشورا میبرد همه فقرات با استثنای یک فقره در

آن سید فقیر احمد خان وکیل سر کاتب است سپرده شده بود - ابتدا تقضیه به کمیسیون مورد تدقیق قرار گرفته و کذا با شاغلی با میر مشخص قانون نیز مشوره بعمل آمده و جوابی تحریر شده بود در ابتدا مباحثات زیاده در بین وکلا واقع شده و بالاخره جواب کمیسیون قانون و شاغلی با میر مورد قبول واقع شده و تصویب شد که جواب آنها برپا ست تمیز محاکمات رسماً خیر داده شود - روح مطلب تصویب کمیسیون و شاغلی با میر ازین قرار است :
 اول - رسماً ست تمیز ما مورین باید سعی کند که بذرا بیع ممکنه مدعی را جلب و قضیه را بحضور مدعی و مدعی علیه حل نماید - دوم - در صورتیکه مدعی یا وصایل ممکنه بدست نیاورد رسماً محاکمات در مورد بطلان فیصله تاثیر خود پیشتر را تحریر و ابواب را دو باره به مراجسه ما مورین ارجاع دهد .

جلسه روز سه شنبه ۱۴ جوزا

مجلس ساعت ۱۱ و ۱۵ دقیقه در حضور ۱۱۰ نفر وکلا ریاست شاعلی داوی افتتاح و قبل از شروع جلسه رئیس از مجلس درخواست نمود که در مورد انتخاب منشی دوم محمد کبیر خان عبرت که از مدتی باین طرف مرخصند فکری نموده و شخص دیگری در عوض شان انتخاب نماید از طرف عده از وکلاء شاعلی نظر محمد خان نوا - غلامصغیر خان وکیل جاغوری - محمد انور خان وکیل بگرامی - احمد مدتی خان وکیل و محمد اسلم خان وکیل پیشنهاد نمودند که از دو سال یا بظرف دو ریز بیعت اصص هم باید یک نشر وکیل انتخاب شود - شاعلی محمد عثمانخان وکیل وودات نظر به اتقای الفت را تأیید و شاعلی باجغ وکیل فراه در حین تأیید نظریه الفت پیشنهاد نشر یک جریده را هم نمودند - شاعلی دهقان درین مورد فرمودند که نشر مجله و یا جریده که در سال ۲۸ پیشنهاد رسال ۲۹ بودجه ان نیز تصویب شده بردها بد خیلی ها اولتر نشر میشد اما از همه اولتر باید فیصله شود که اگر مجله شوراتمام جریا تا ت شور را مکلا نشر میکند - خواه جریده باشد و یا مجله خیلی مفید بوده و اگر مانند اخبار های روسی و را دیو صرف حسب دلخواه یکمحصطاً لپ نشر میتابد ولی جریا تا ت را کما هو شرح نمیدهند ۰۰۰۰ پس بصرف بیجا بوده و ما مان رای نمیدهم - بالاخره در اثر پیشنهاد و تأیید اکثریت وکلا چنین فیصله شد که مجله از شور او لوفرضت کنی باقی مانده باید نشر شود تا اقلا برای مجلس آینده اساسی گذاشته اید - ولی از بودجه شور مدبری از خارج اعضای شور برای این کار استخدام ولی شاعلی الفت که بزبان فارسی و پشتو مهارت داشته و طرف اعتماد اکثریت وکلا میباشد در عین حال در شورابه حیث محسن دوم کار میکند - این مجله را وظیفه باید اداره نمایند که با آخره اتقای الفت نیز این نظر به را پذیرفت .

x را در اول دارند بشما صاف بگو یتدا ما من همه چیز را میگویم - نسل وکیلان مرده است و همه میگویند که تمام تصویبات شور را رئیس صاحب بجائی نمیروانند و به تصویبات وکلا قیمت نمیدهند اگر رئیس صاحب خودش یا وکلا هم در د باشد هر کاری اجرا شده و هر کس تصویبات شور را احترام میکند .

جلسه روز دو شنبه ۱۳ جوزا

درین جلسه که ساعت ۱۰ و ۴۵ دقیقه ابتدا در تحت ریاست شاعلی عبد الرشید خان منین شور او باز در تحت ریاست شاعلی داوی رئیس شور اداره میشد موضوع بحث مجلس لایحه کتورول و وظائف بروسی ریاست مورین کتورول بود که عصر روز یکشنبه نیز مورد مباحثه قرار گرفته بود - در زمره وکلا شاعلی سخن امین خان وکیل دوشی طرفدار قرائت لایحه و تصویب آن بوده ولی وکلا ی دیگر آن لایحه وظائف داخلی یک شمیه مربوط یک وزیرخانه دانسته ورد آن را از رئیس مجلس در خواست می نمودند - درین جلسه محمد صدیق خان وکیل گوشک - محمد طاهر خان وکیل جغتو - سخنی امین خان وکیل دوشی - محمد کبیر خان وکیل غور بند - کلا جان خان وکیل جاجی - عبد الرشید خان وکیل نهرس - صلاح الدین خان ملجوتی وکیل هرات - عبد الهی خان داوی وکیل ده سیز - محمد انور خان وکیل بگرامی - محمد حسین خان وکیل دولت آباد - محمد صدیق خان وکیل چغسرای مشرقی در زمره نا طقین شامل بودند - اتقای داوی رئیس مجلس نیز طرفدار تصویب این لایحه بوده و لایله طرفداران قانون همان بودند که برای تعیین مسؤلیت کار کان ریاست باید وثیقه بدست آن ها داده شود - مخالفین لایحه اظهار میکردند که ریاست مذکور عبارت از یک دایره اوتیاج بین دو وزارت بوده و ظرفیکه سال گذشته در کمیسیون فواید اعانه از وزرای مربوطه و رئیس بروسی کهنی استفسار شده بود - وزارت فواید عامه - مالیسه و خود ریاست بروسی از کارورول تختیکی - انجمن بری و حساس عاجز بوده ولی غرض از تاسیس ریاست بروسی با بودجه ۱۲ ملوینی ان صرف کتورول در مصارف است و کذا چون وزرا قانوناً در نزد شور ایملی مسئول اندیس با تمیزاتیم با تصویب لایحه مذکوره که عبارت از یکوع تعلیماتنامه داخلی یک شمیه یک وزارت است رئیس کهنی را مسئول اجراءات بشنا سیم - با لاخره با کتوریت ارای وکلا چنین اظهار شد که چون لایحه مذکور شامل وظائف داخلی و تشکیل و مصارف ریاست بروسی و جزو امور داخلی و زوای مربوطه حساب میشود پس باید توسط دارالانشای شور ایملی دوباره بود زمره مربوطه رد کرده شود - ماده سوم اجنده عبارت از استفتای رسماً ست تمیز محاکمات ما مورین بود که چنین افاده میکرد : (اگر یک نفر محکوم در اثر تمیز خواهی برپا ست تمیز ما مورین عرض نموده و در اثنتای تدقیق - بطلان حکم - مراجسه ثابت شده ولی عارض غائب شود پس فرض رسماً ست تمیز محاکمات چیست ؟) این استفتاء سال گذشته بشور او وارد شده و از طرف دارالانشاء بکمیسیون قانون که رئیس

بقره سر مقاله

یا بین المللی جرم شناخته تمیسه است محکوم نخواهد شد. مهمین طریقی صبیح مجا زاتی شدید تو از آنچه که در موقع ارتکاب جرم بدان تعلق میگرفت در باره احدی اعمال نخواهد شد.

ماده ۱۲ - احدی در زندگی خصوصی - امور خانوادگی یا تاشگاه یا مکاتبات خود - نباید مورد مداخله های خود سرانه واقع شود و شرافت و اسم و رسمش نباید مورد حمله قرار گیرد (مصونیت خانه و مکاتبات و جان و مال فرد را - قانون اساسی ما نیز تضمین و ثابند میکند همو طنان عزیز ما باید ازین حق خود آگاه شده و در حفظ آن به تمام قدرت خودتوسعی نماید) .

ماده ۱۳ - (اول) هر کس حق دارد که در داخل هر کشوری ازادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را - انتخاب نماید . (دوم) هر کس حق دارد هر کشوری و از جمله کشور خود را ترک کند یا به کشور خود بازگردد - (بقره درانی) (محمودی)

خبر از تهران -

مجله خواندنیهای تهران بشماره ۷۴ هفدهم اردیبهشت (۱۷ تیر) ۱۳۳۰ خود میگویند - (در هفته گذشته عده از اتباع افغانستان از عزت ایران در سیستان گذشته و به عنوان پناهنده سیاسی وارد ایران شدند . این شش نفر از کپوت های معروف افغانستان بوده و چون در آن کشور دارای حکومت های سنگین بودند با ایران پناهنده شده اند - توانگر) .

ندا، خلق از مطالب این خبر خیلی متعجب شده و توجه مقام مسئول را در مورد صحت و سقم آن خواهان و منتظر توضیح است .

*** قایل توجه ***

با حلول ماه مبارک رمضان - بند بختانه در هر گوشه کشور ترخ مواد ارتزاقی رو به افزونی بوده و مردم فقیر و نادار کشور که اکثریت خلق را تشکیل میکنند خیلی بضمیمه گرفتار اند - ما توجه جدی ما مورین مسئول و موظف را خواستگار و مخصوصا احتیاج حیاتی خلق را در ماه مبارک رمضان بر باد بسیار ساده و حیاتی مثل اورد - روشن - و گوشت خوراکی هم .

خواندنیهای خلق :

خون ویزی ضحاک
گر یوسف من جلوه چنین خوب نماید
خون در دل تو پاوه بمقرب نماید
خون ویزی ضحاک درین ملک فزون گشت
کو گاهه ! که چو بسر چوب نماید
کو دست تو اتا ! که به گززار تمدن
هر خار و خسی ریخته سجاروب نماید
ای شسته ! بپوش دست ز مردم که درین شهر
غیرا ز تو کسی نیست که اشوب نماید
سلطان صمیمی بود آنکس که تو اوست
خود را به برجا معه محبوب نماید
هر کس تکند تکیه بر انگار عمومی
او را خطر حا نه مغلوب نماید !!
بر فوخی اورد هجوم هر چه مصائب
او را نتوانست که مرعوب نماید
(ارسالی م . ن)

خبر های اژانس ششدرک -

از خراج - نمایندنده اژانس دلخاک با آنکه برای تفریح خیر میدهد که یکسال و چند ماه و چند روز و چند دقیقه قبل نمایندنده افغانستان در سیزدهمین کنفرانس (یونسکو) در باره بهیوشفت ؟ معارف افغانستان (تخیرو تید یسل امروز گرام افتتاح مکتب دهاتی در هزاره جات و تشکیل اتحادیه محصلین (!) در محضر نمایندگان ۴۲ مملکت تشریحات لازمه دادند . تازه تر : هالیندیها در ورود ملی شدن نفت - ایران را تبریک گفته و ترمین وضعیت فعلی دنیا را اضطراری خوانده و جناب دکتر مصدق را بقیصه موضوع نفت با انگلیس بطریق مسالمت کارانه دعوت نموده اند .

در داخل - افزودی معاش مامورین از کیسه خلق ابلاغ شد و تر خها طبعاً به بلند رفتن شروع می نمایند - همه عقیده ما برای علاج حال زار ما مورین از دیاد معاش و آن هم از مدارکی که باران مستقیماً بدوثر خلق میفتند مفید نبوده و اگر از راه تقویه کو براتیف و کنترل تر خها و رسانیدن مواد حیاتی بقیمت نا زلفت بخلق امداد ممکن میبود - از یکطرف ما مورین آسوده حال شده و از جانب دیگر تو ده مظلوم و فقیر ملت نیز در اثر از دیاد تر خها که ما در اثر از دیاد قبلی معاش ما مورین با تجربه آنرا مشاهده نموده ایم فشار و شکنجه نخواهند دید
ماشین را دیوگرافی معاینه خانه مرکزی عمر خود را بشما بخشیده و تنها ماشین را دیوگرافی علی ایام حکم یسک چقیم در شهر خیل را دارد طلب فاکولته حقوق از سیرهای علمی و روشن بولایات که بمقیده ما خیلی مفید و مطابق اساسات شهری امروزی است منع شده اند .
از قلم مورینا - اتفاق : اطاعت با در چشم کور تسلیم محض و مساز اتا رقصیدن
نفاق : مقاومت در مقابل تقلب - فریبکاری - خیانت و دروغ و - طرفنداری از حق و عدالت

نظاره خلق

(۲) اعلامیه حقوق بشر

قبلا در دو شماره گذشته قسمتی از اعلامیه حقوق بشر را نشر نموده بودیم - تا جائیکه استاد رسمی نشان میدهد از تمام کشورهای عضو - مجمع عمومی دعوت نموده بود که متن اعلامیه را منتشر کرده و موجبات پذیرش و انتشار و تفسیر آن را مخصوصا در مدارس و موسسات تربیتی فراهم سازند - تا جائیکه ما اطلاع داریم حکومت افغانستان با آنکه اعلامیه حقوق بشر را امضا نموده اما از نشر آن مخصوصا از تفسیر و نشر آن در مکاتب خود داری کرده -

اینکه بشرح بقیه مواد بهبود آید -
 ماده ۱۴ - الف - هر کس حق دارد در برابر تمقیب شکنجه و ازار و پناهگاهی جستجو کند و در کشورهای دیگر پناهگاه اختیار کند - ب - در موردی که تمقیب و تعقیب مجرم عمومی و غیر سیاسی یا رفتارهای مخالف با اصول و مقاصد ملل متحد باشد - نمیتوان ازین حق استفاده نمود -

ماده ۱۵ - الف - هر کس حق دارد که دارای تابعیت باشد یا نه (ب) احدی را نمیتوان خودسرا نه از تابعیت خود یا از حق تفسیر تابعیت محروم کرد -

ماده ۱۶ - الف - هر زن و مرد یا لای حق دارند بدون هیچگونه محدودیت از نظر نژاد - ملیت - تابعیت یا مذاهب یا همدیگر زنا - شوخی کنند و تشکیل خانواده - دهند - در تمام مدت زنا شوخی و هتکام انحلال آن - زن و شوهر در کلیه امور مربوط با زواج - دارای حقوق مساوی میباشد (ب) ازدواج نباید با رضایت کامل و زاده زن و مرد واقع شود - ج) خانواده رکن طبیعی و اساسی اجتماع است و حق دارد از حمایت جامعه و دولت بهره مند شود -

ماده ۱۷ - الف) هر شخص متفرقا یا بطور اجتماع - حق مالکیت دارد - ب) احدی را نمیتوان خود سوا نه از حق مالکیت محروم نمود - (بقیه در آتی)

در شورا ی ملی

XXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

جلسه روز یکشنبه ۱۹ جوزا

جلسه ساعت ۱۱ در تحت ریاست شاعلی داوری شروع و آقای رئیس از چوکی ریاست قبل از شروع آجندة فرمودند امروز چند فقره از زمره استغناء و سوالها نیکه از کمیسیون قانون شده است در اجندة (لسته) موضوعات مجلس (بروز) شامل است - این فقرات را میتوان بدو قسمت تقسیم کرد - اول آن هائیکه کمیسیون و متخصص قانون در جواب آن متفق الی رای اند - دوم فقراتی که کمیسیون و متخصص قانون با هم اختلاف دارند - بعضی ازین فقرات از یک و نیم الی دو سال در شورا ممتل است - عقیده من این است که وکلا باید در خصوص فقراتی که کمیسیون (انجمن تحقیق) و متخصص قانون با هم موافقت بدون قرائت رای داده و برای موافقت مختلف نیکه یک کمیسیون فوق ماده تشکیل شود -

محمود دیوکیل کابل - تا جائیکه بقده مملو مات داریم در همه دنیا یک لایحه یکبار در مجلس قرائت شده ولی ریاست شورا قبلا شرح آجندة و توضیح مطالب آن را بر کلا داده و در قرائت اول وکلا یاد داشت های خود را ترتیب و به کمیسیون سپرده و کمیسیون از تمام یاد داشت های وکلا استفاده کرده و سپس لایحه مذکور را برای بار دوم به مجلس میاوردند - لایحه مذکور بار دیگر در مجلس قرائت شده ولی طوری که در شورا ما موصول است هر وکیل در مورد آن مشا جره نکرده و صرفا اگر کدام یاد داشت همین را کمیسیون بد نظر نگرفته باشد وکیل مو صوف توضیح طلب میکند - محمد کبیر خان وکیل غور بقند - من هم نظریات آقای محمودی را تائید میکنم -

دهقان نوکیل بد خشان - من هم نظریه آقای محمودی را تائید ولی عرض میکنم که برای فقرات تا تمام پس از قرائت یک کمیسیون فوق ماده تشکیل شود -

رئیس - به بخشید فقرات تا تمام وجود ندارد صرف در یک عده فقرات نظریه کمیسیون و متخصص حقوق از هم فرق دارند - عبدالقادر خان مبلغ وکیل فراموش - بمقیده من بدون قرائت تصویب امکان نداشته و مقبول نیست - در صورت قرائت میتوانست تمسک کند که مذاکره نشود - بمقیده من باید اشخاص مقبول دیگری تعیین و فقرات مذکور را مطالعه و سپس نظر بیاورد - محمد نبی خان وکیل یمنی قلمه - همه فقرات پایبند خواننده شود نه فقرات تا تمام مثل قول آقای دهقان -

رئیس - يك نكته اقای بلیغ خیلی تصحب اور است زیرا این ها قیاس میکنند که حتی در وقت تصویب هم قسورات مذکور خواننده نمیشود ولی در حین تصویب مثلا خواننده میشود که در فلان فقرات کمیسیون و متخصص قانون موافق و در فلان فقرات مخالف بوده و پس از قرائت تصویب طیما و کلا امضا میکنند .

نظر محمد خان نوا وکیل میمنه - فرق کار کمیسیون و مجلس عمومی این است که کمیسیون میتواند در تمام فروع - تدقیقات لازم نموده ولی این کار در مجلس عمومی امکان ندارد - اما چون کسی از طرف کمیسیون توضیحات نمیدهد فلذا مشکلات پیدا میشود - بنده هم مانند آقای بلیغ ضمانت عدم مذاکره را کرده نمیتوانم - اگر تصمین شود که يك دفعه از طرف کمیسیون در اطراف فقرات توضیح دهند سهلتر میشود .

محمد عثمان بخان وکیل رودات - بمقیده من باید يك کمیسیون فوق العاده تصمین کرده شود که هر دو نوع - فقرات موافق و اختلافی را دیده و با نظر به شان بنا توضیحات خواننده شود و تصویب شود - ما باید با شخاص اعتماد تمام تا کار بهپشرفت کند - تدقیق قوانین خوب کار کرده و عده از کارهای آن موافقت مجلس هم رسیده است محمد انور خان وکیل بگرامی - بنده نظریه آقای - محمودی را تأیید میکنم ولی بحضور مجلس عرض میکنم که درین دو سه روز واقعه رخ داده که مامور مالیه و برهوظین شان پول تخصیصه غله خریداری را میخواستند بمردم توزیع کنند ولی درین انشا و خلق مجادله رخ داد - مولکین بنده دیروز تزد من آمده بودند و بمن گفتند که مامور مالیه چند نفری را لک کرده - چون از بنده استفسار کردند بنده در مورد غله خریداری نشریه روزنامه رسمی انیس را با آنها نشان دادم که سال گذشته در حین توضیح جریان شورانوشته است که نظر به تصهد صدر اعظم صاحب در سال ۳۰ باید غله خریداری از دوش خلق برداشته شود تا جائیکه اطلاع دارم اهالی کمری و پتخاک نیز با ما همین اطلاعیه رسمی انیس از گرفتن پول تخصیصه غله - خریداری انگار کرده اند .

صلاح الدین خان سلجوقی وکیل هرات - مسایلی که بشورایعلی میاید همه ما در باره آن معلومات نداریم ولی چند نفر در يك شق و چند نفر در شق دیگر معلومات دارند مثلا غلام حضرت خان در مسایل حرین و آقای غیا و در قانون و مثلا قاضی صاحب یا مولینا صاحب در مسایل دینی خوبتر واقف اند پس باید بفکر شان اعتماد تمام کنیم - آیه فاشلرا اهل الذکر ان کتم لا تملون همین است - بمقیده من باید يك کمیسیون برای تدقیق فقرات تصمین شود .

سخن امین خان وکیل دوشی - هوادیکه در مجلس میاید باید در اطراف شان مذاکره شود - اینکه رئیس صاحب - میفرمایند که کارهای ضروری دیگری داریم و باید این فقرات تا خواننده تصویب شود بمقیده ان کارها باید بمجلس آورده شود مسئله غله خریداری از همه ضروری تر است - ولی ما نمیتوانیم فقرات را ناخوانده امضا تمام کنیم .

رئیس - من گفتم اگر مجلس را ضی باشد و این مسئله را قبول کند وقت کمای میگذرد اما برای عدم قرائت کدام علل مخفی و سیاسی دروین نیست و مطالب هم ان قدرها مهم نیست مثلا مصالحه يك ما مور در چه وقت داده شود یا نشود این ها مسایل جدی بوده ولی در تزد اداره مربوطه مهم اند و اکثر ان ها دو سال در شوروا مانده اند - ما ببینیم در مسئله غله خریداری بی هیچی گفتم که ان کار هنوز تمام نشده و را پور کمیسیون رسما بریاست سهرده شده - تجویز آقای دنگور محمودی خوب است - اینکه آقای بلیغ ضمانت اظهار نکر را میکنند بمقیده من درست نیست زیرا وقتیکه تصمیم گرفته شد باید بان ثابت قدم بود مثلا قرار میدهم که در قرائت اول حرف تزد و پس از قرائت دوم نظریه میدهم .

دهقان - بمقیده من چیزهای لازمه گفته شده - فرموده آقای سلجوقی که میفرمایند که ما به کمیسیونها اعتماد داریم بمقیده من با مشاهدات ما درست نماید سیال گذشته در کمیسیون قانون لایحه وظایف داخلی شوروا ترتیب و متخصصین قانون هم نظریه داده و تکمیل شده بود ولی چند ماده او در ظرف چند هفته خوانده شده و در اطراف يك ماده چند روز مذاکره بعمل آمد فرموده رئیس صاحب درست که ما عزت النفس نداریم ولی چون افراد بشرا ز خطا خالی نیست پس بعضی قوانین عمومی که بهم ملت تماس دارند قابل غور و بحث است چه اعضای کمیسیون از يك دو و لایه معلومات داشته و از تمام مملکت معلومات ندارند - در مسئله غله خریداری و مسئله دادن تخصیصه - بمردم از طرف وزارت مالیه باید با رئیس دولت بحث شود زیرا تاروق رسیدن توبت موضوع مذکور برای مامورین دولت و ملت سرگردانی و پشیمانی میشود اگر رئیس صاحب یاد داشتی بدو ملت بدین بهتر است .

محمودی - قبلا بنده عرض نمودم که طرز کار در شوروا برای مالک مدنی چنین نیست که مثلا در يك شوروی ششصد نفری همه و کلا فردا - فردا حرف بزنند - بلکه قبلا ریاست شوروا تمام موضوعات اجنده را بگلا خبر داد داده و پس از ان يك بار مواد اجنده در مجلس قرائت شده و کلا نظریات و عقاید خود را یاد داشت کرده و بعد کمیسیون مربوطه میدهند - با دوم پس از تدقیقات لازم و مشاوره یا مشاور حقوق همینکه موضوع مذکور بشوروا میاید بدون مباحثه قرائت شده و تصویب میشود چه قبلا نظریه و کلا مخالف و موافق را کمیسیون یاد داشت کرده - بمقیده من باید یکبار تمام فقرات مذکوره در مجلس قرائت شود و کلا نظریات خود را یاد داشت سهرده شود (تأیید و کلا) .

محمد صدیق خان وکیل مشرقی - مسایل به کمیسیونها برای تدقیق سهرده میشود ما نمیتوانیم بدون مذاکره بخصوص کمیسیون موافقت تمام کنیم زیرا ما بدون قرائت در خارج مجلس نمیتوانیم بگوئیم که چه چیز را تصویب بقیه در ص

مکاتیب وارد -

بمد القاب - برای اینکه عموم خلق به بشر محبت -
 جریده ملی انگار دلچسپی داشته و بعضی از آنها هرروزه
 درین مورد از من پرسند خواستم جریانات موضوع
 را برشته تحریر در آورده جهت آگاهی عامه برای نشر
 در آن جریده ملی بشما تقدیم کنم ؟ هشت ثور یعنی همان
 روزیکه فیصله غیر قانونی مجلس وزرا (راجع بشماره ۱۶
 جریده انگار) از طرف ریاست مطبوعات بمن ابلاغ شد
 تریحه تحریری علیحده برپاست مطبوعات عدم قناعت -
 خوبش را بنفصله مجلس وزرا اظهار هم برای اینکه
 در نشر جریده مصطلی مزید رخ ندهند بکنفر یا بسرای
 مدیریت مسئول جریده مصرف نمودم محمد شاه خان
 میوند و آل رئیس مطبوعات تحریری اینجانب را متناقض
 تلقی کرد بچوا یعنی گفتم که درین مورد تناقضی وجود ندارد
 چه من بحیث مدیر مسئول فیصله متذکره عدم قناعت -
 اظهار و بحیث صاحب امتیاز مدیر مسئول را مصرف نمودم
 زیرا یک شخصیت حقیقی یا حقوقی در عین زمان چندین
 وضعیت و مواضع حقوقی واقع شده میتواند هر چند
 درین گفتار خود دلایل حقوقی و قانونی عرض کردم مگر
 بوثر واقع نشد و نوشته مرا بدون اینکه در قیام آن کلام
 جوابی تحریر ندارد نموده - بنا برین مجبور گردیده
 جهت غور و بس ندر یحه عرض علیحده که بتاريخ ۹ ثور
 به ع ص نر و محمد خان مصین صاحب دارالانحریر شاهی
 تسلیم نمودم - بحضور اعلیحضرت هما برین عاریت شدیم
 در اثنا تیکه عدالت و الطاف شاهانه را انتظار میکشیدیم
 روزنامه رسمی انیس در شماره ۶۶ منتشره روز یکشنبه ۲۲
 ثور خود در ضمن توضیح در اطراف نشریات جراید ملی وطن
 و تداء خلق تذکره داده بودیم : (جریده انگار ترفیق)
 نیست بلکه مدیر مسئول ندارد) لذا بنا بر تحریری فوق -
 الذکور روزنامه رسمی انیس ندر یحه مکتوب در ۱۶ تاریخ
 ۲۸ ثور - شایلی محمد طاهر خان خلیل را که از هر حیث
 شایسته مدیریت مسئول جریده میباشد مدیریت مسئول
 جریده انگار برپاست مطبوعات مصرف نمودم - رئیس
 صاحب مطبوعات بعد از آنکه مکتوب ما را ملاحظه
 نمود گفت : (بسیار خوب موضوع را بمجلس محول میکنم)

بند گفتم که قبل برین برای سه جریده ملی بدون اینکه
 مسئله بمجلس ارجاع گردد اجازه نشر داده شد و هم
 بعضی اشخاص که میخواست امتیاز جریده را حاصل
 کنند - بشهر اینکه موضوع در مجلس مطرح بحث قرار
 گیرد با پشان جواب منفی داده شد ارجاع این -
 موضوع بمجلس اصلا بودی ندارد چه موضوعاتی در مجلس
 مورد مذاکره قرار میگیرد که در اطراف آن در قانون
 تصریحاتی موجود نباشد حالا که در مورد این مسایل
 قانون مصرح موجود است - مگر باز هم رئیس صاحب
 ارجاع موضوع بمجلس اصرار داشت با ژهم عرض کردم
 که امور اداری باید با ساس هر تسهیل های سرعت و سهولت
 انجام یابد بنام خواهشمند است بصورت فوری تشکیل
 مجلس را بر فرموده موضوع را در آن تحت غور قرار داده
 امر صادر فرمایند تا اضافه برین مصطلی واقع نشود - این
 عرض من بتذکره شد - خلاصه این که مکتوب صدرا لذکر
 ما را بعد از چهارده روز یعنی بتاريخ ۱۱ جوزا جواب
 داد در جوابیه تحریر نموده بود که شایلی محمد طاهر
 خان خلیل بعضی مصادیق قانونی متوجه است و بملت
 آن مجلس ریاست مطبوعات او شان را بحیث مدیر
 مسئول قبول کرده نتوانست - چون در جوابیه مذکور
 جمله بهیچ وجه و مجمل و مبهم نذر قانونی ذکر یافته بود
 هیچ فهمیده نتوانستیم که شایلی محمد طاهر خان
 موصوف از شرایط قانونی که برای مدیر مسئول در قانون
 مطبوعات تعیین گردیده است (تیمه افغانی - ۲۵ سال
 عمر - عدم محرومیت از حقوق مدنی - بکار انداختن -
 سرمایه داخلی و صلاحیت در فن صحافت) فاقد کدام
 شرط یا شروع قانونی است لذا تریحه مکتوب ۴۸ / ۱۱
 جوزا ندر ریاست مطبوعات توضیحات خواستم که شایلی خلیل
 موصوف چه قسم مصادیق قانونی متوجه بوده است تا
 در حین مصرفی مدیر یا مدیران مسئول که در اتیه مصرفی
 میشوند مصادیق قانونی فوق مد نظر گرفته شود) جواب -
 مکتوب ثانوی متن تا حال مواصلت نکرده است - این اسب
 جریانات جریده مصاد به مکتوب مصادره انگار - حال
 قارئین گرام تفاوت نماید که جریده انگار ترفیق است
 یا مدیر مسئول ندارد (فیهی محمد - بکار)
 تداء خلق - ما در مورد جریده انگار و کذا جریده باختر
 بقیه در ص ۴

خولاد مہمای خلق -

*** ستمگر و ستمکش ***

بہجہت در این جہان کاغ ستم برہا نشد
 بی سبب در جور دست جور کشان وا نشد
 بہجہت بازار عدل و داد بی رونق نمائد
 بی سبب دوکان ظلم و جور - ہر کالا نشد
 بہجہت میدان امتداد - ہر سمت نگشت
 بی سبب شہور استعمار - ہر آوا نشد ..

x x x

تا ستمکش زیر بار غارت و یغما نرشد
 کار دزدان ستمگر - غارت و یغما نشد
 تا ستمکش زیر تیغ ظلم - گردن خم نکرد
 خون او ہرم ستمگر را بی حمرا نشد
 تا کسی چون موم نوبی را - شمار خود نساخت
 آلت دست گروہ بی سرو بی ہا نشد
 تا ہنرمند از مقام خویشتن رخ بر نداشت
 تکیہ گاہ بی ہنر ہا - مسند والا نشد
 تا کہ صاحب خانہ از کالای خود غافل نشد
 کار دزد خانگی - دزدیدن کالا نشد
 مدرکہ در این باغ نیرو مند شد همچون چمنار
 با ہمال این وان - چون سبزه صحرائند
 مشہ زن را - مشہ خورہ پرورد - زیرا در جہان ..
 مشہ زن پیدا نشد تا مشہ خورہ پیدا نشد
 (ارسالی م . ن) _____ ابو القاسم حالت
 خلق و خلق

شاغلی (فاروق) تقاضا دارند - ہمیشہ از ترک کلاہ
 قرہ قلی - دریشی را کہ تقلید محض از فرنگہ است و ہر ملیت
 ما تاثیر مستقیم دارد باید بگذاریم ..
 آیا ما لباسی نداریم کہ نما پندہ ملیت ایشان باشد ؟
 نداء خلق - علم و فن را ای جوان شوخ و شنگ
 مہتر مہا بد نہ ملہوس فرنگ
 شاغلی (عزیزی) در طی مضمون تفہید را اصل اصلاحت
 عیوی خوا ندہ - از ہر تجمین اظہار نفرت - تہدید و فشار
 را ہر احساسات آزاد نکوہر و از رسیدن نداء خلق بگو شہا
 خو شدہ
 نداء خلق - گوہر اگر گوہر توو نالہ اگر نالہ ما ست
 آنچه البتہ بجائی نرسد فریاد ست
 x x

xx شاغلی ہار محمد خان (پشتون) مہلو بستند : چوا
 در عر غر و طول تشکیلات وژا رت صحبہ - ہک شفاخا نہ
 (جدا مہبا) وجود ندارد ؟ ہا بد این مرض نمہ
 خود سرو ساری گذاشتہ شود ؟ .. از عر ہضہ ہماہرہای
 (جقہای) بہ ہشگاہ متخصص امرا غر جلدی کہ خیلی
 دل شکاف است نیز دکوری نمودہ اند .
 نداء خلق - دارو مدہ طبیب کہ در دست در عشق
 ماہہ ہمیشوم و تو بد نام مہشوی
 بہا احتسرام خلق (ادارہ)

دنیالہ مکاتیب وار دہ -

(صدای ملت) و (حقیقت) و (اولوس) کہ امتیاز نشر
 ان از طرف اشخاص خیر خواہ در خواست شدہ
 است توجہ جدی شاغلی رئیس مطبوعات را آرزو و تطہیق و
 احترام قانون مطبوعاتی را کہ چند ماہ قبل تصویب
 نمودہ اند منتظر است زیرا در صورت عدم تطہیق آن
 البتہ قانون کد ام مہسوی ندادہ .

خبرہای آژانس ششدرک : از خارج - ششمین -
 جلسہ عمومی کلتوری و علمی یونسکو ہروز ۱۹ جون در -
 ہا ریس انصقا دی ہا ہد در جملہ نمایندگان از افغانستان
 نوژی یکی خوا ہد رفت . زعم ترورہست ہای فدایان -
 اسلام در ایران گرفتار گردیدہ کہتہ ملی ساختن
 نفت بہ خورستان حرکت کردہ و قضیہ مذکور بہر حال
 بہوائی خود رسیدہ است .

در داخل - از امان بیدرک ما اطلاع میدہد کہ سہد عزیز
 شاکر صدف سوم مکتب ابتدائہ میدان در اثر لٹ و کوب
 جقاب مسلم صاحب وقاست یا فتنہ است اناللہ ..
 محمد کریم ثانی در میدان وزارت داخلہ خود را آفرزہ
 است .. معلوم نیست اطفالہ بداد شرسیدہ است و یا خیر ؟
 اطلاعہ مزید ما را در زہمہ منتظر ہا شدہ .

جہت واری نرخبہا در بازار اشخاص رسمی ہا وضع
 انضباطی بگیری ہبند ہرا مدہ اند کہ طبعا اہل بازار
 اصل نرخ فروش وانہفتہ و از ترس دہ را دو خواہند گفٹ .
 دل ما خوش ..

خبر چہا شت - آژانس دلخک ہا راد ہو تہلفون شخصی از
 لندن ا شمار میدارن کہ مرکز سکا تلہند یارد اطلاع گرفتہ
 است دو سہ نفر اشخاص مسلح اسکا تلہندی متروعد نہد
 در موقع مناسب بمقصر ہو کنگہم ہجوم آرنڈ لہنقا ترتیبات
 انضباطی توسط ہو لیس در خم و پیچ قصر گرفتہ شدہ است .

توضیح

نظر بہ تقاضای بعضی دوستہا توضیح میکنم کہ پندہ
 دکتور عبد الرحمن محمودی در خانہ و مصائبہ خانہ
 و ادارہ جریدہ تہلفونی ندارم و تہلفونی کہ در ہمسایا
 بنام دکتور محمودی تہید شدہ - سہوا ہودہ و اصلا
 ہدا کتر محمود خان ہا کستا بی مربوط است .

کرده ایم مثلا قانون مطبوعات در سال گذشته تصویب شد ولی بنده بجواب استفسار او گفتم که من هیچ خبر نداوم - بعد یکنفر وکیل صاحب بمن گفت که قانون مطبوعات در شورای دوره ششم تصویب شده و کلاهی دوره هفتم نیز بدون قرائت آن را تصویب نمودند در حصه غله خریداری سال گذشته در شورا تصویب شده بود که وزارت مالیه بدون فیصله مجلس - نباید تخصیص غله را توزیع کند درین باره باید از وزارت مالیه شنید یا باز خواست شود - باید از کمیسیون نیز پرسیده شود که علت معطلی چیست زیرا اگر اساسا نیز وقت فوت شود از کار ما هیچ خیر و بهبودی برای ملت حاصل نمیشود -

خسته وکیل هزار شریف - اولتر از همه قول رئیس صاحب را تأیید میکنم که ما باید از تجربه دنیا استفاده نمائیم ولی این قول را باید ما در همه امور خود مورد عمل قرار دهیم و باید این آنکه مادیگر بار در باره آن تجربه کنیم و را بکار بندیم مثلا در مورد طرز اداره و قوانین عادلانه دنیا در ققرا تمیک توافق نظر کمیسیون و متخصص قانون موجود است قرار توضیح آقای نوا باید یک نفر از کمیسیون آن را تشریح داده و از مجلس بگذرد - در قسمت دوم قول آقای محمودی را تأیید میکنم که باید کمیسیون دیگری برای تدقیق آن ها تعیین شود *

غلام محمد خان غبار وکیل کابل - باید عرض کنم که به عقیده من در باره ضمیمه قانون ضرورت بها حتمی است زیرا اگر ما در امور در مملکت ثابت نمیکند که با بقانون ضرورت ندا ریم چه رسد به حواشی آن زیرا تا کتون قانون اساسی قطعا در مملکت تطبیق نشده مثلا بیست سال است که قانون اساسی موجود است و دولت طرز اداره خود را سلطنت مشروطه اعلان کرده و در قانون اساسی بیگار و متوع بوده و غله هم خلاف قانون است چه بدون تصویب شورا و قانون چیزی از ملت گرفته شده نمیتوانند ولی ما میدانیم که مشروطه را بملت اعطا کرده ولی کایهت نمیخواهد این حقوق را بملت بدهد و گویا همان مثل معروف است که شاه میبخشد و شاه قلی نی - دو سال است که مستأک بیگسار و غله خریداری موضوع بحث است و با آن که خلاف قانون است باز هم از طرف و کلا دو باره تأیید شد سال گذشته کمیسیون شورا شصت جلسه نموده ولی وزرای عضو کمیسیون صرف در ۱۷ جلسه حاضر گردیده و وقتیکه نتیجه کمیسیون خوانده میشد عدم قناعت خود را اظهار نمودند سال گذشته آنها ۴۳ میلیون کسر بودجه نشان دادند ولی کمیسیون شورا از مدارک مختلفه ۴۹ میلیون افزایش تهیه نشان داده و لسی وزرا در این موضوع قطعاً جوابی ندادند و صرف اکتسبون پس از مدتی قسمت مهم آن را برای ایژاد مباشر ما مورسین تخصیص دادند اگر آن وقت هما میگفتند ما مدارک دیگری تهیه نموده ایم ایژاد مباشر را در ماه میزان وعده داده ولی اکنون آن را اعلان میکنند اما این ها قطعاً حق ندارند که اکنون در حال حضور شورا این مسئله را خلاف قانون - یا مضایقات شاهانه برسانند - بحقیقه من کایهت ما به قانون و دیو کراسی اصلا عقیده ندارند و نمیخواهند که

قانون در مملکت رواج یابد (تأیید تمام نمایندگان ما شور و غوغا) وقتیکه راپور در کمیسیون خوانده شد وزرا دلایلی نداشتند ولی خواهرش کردند که نقل راپور بان ها داده شود ما هم باین کار موافقت نمودیم و روز چهار شنبه راپور بان ها داده شد و وعده نموده بودند که روز شنبه ساعت ۲ آن را با نظریات خود بشوروا بپسارند اما تا امروز تر سید پس در صورتیکه در یک مملکت قانون اساسی و تصویب شورا قیامی نداشته باشد ضمناً کوچک قانون هم آروزی ندارد - ما میل مهمه عبارت از مواد هفتگانه و قانون انتخابات است که برای آینده خیلی مهم میباشد - قضیه دیگر عبارت قانون وظایف داخلی است که در کمیسیون ترتیب و مشخص قانون آن را دیده است برای این فقرات بخیال من تعیین کمیسیون جدید ضیاع وقت است باید فقرات مذکوره خوانده شود و اگر ناقص باشد اصلاح گردد (تأیید و کلا) *

رئیس - در بیانات آقای غبار که اکثر آن خارج موضوع است باید گفته شود که کایهت به کمیسیون قبل از این موضوع اطلاع داده است (اکثر و کلا عدم اطلاع خود را اظهار نمودند) *

الف - این که کایهت به کمیسیون اطلاع داده باشد که این مدارک را برای از زیاده مما شرتبیه دیده ایم بحقیقه من چنین نیست زیرا دو سال قبل که کمیسیون مختلط تعیین شد بنده هم یکی از آنها بودم و چون برای مذاکره این موضوع بحضور صدر اعظم رفتم بودیم آن ها گفتند که ما کسر بودجه را چگونه تا بین نماینده ما مدارک را بانها نشان دادیم البته پس از آن صدر اعظم صاحب فرمود که ما این مدارک را برای از زیاده مما شرتبیه ما مورسین ضرورت داریم ولی بنده گفته بودم که شورا باین موضوع مخصوصاً غله خریداری صلاحه زیادی داشته و مدارک مذکور را برای تأمین کسر بودجه مستحیج اند - مسئله غله قرار فرموده رئیس صاحب باید در ماده اول اجنده قرار داده شود اما توزیع تخصیصه برای غله بحقیقه من خلاف تصویب شورا است و در مجلس گذشته بصورت قطع با کمریت فیصله شده بود که در سال آینده پس از قناعت شورا باید در این باره اقدامی کند ولی اکنون وزارت مالیه خلاف تصویب شورا اساساً یکدوماه اولتر باین کار شروع نموده است پس باید جدا از وزارت مالیه پرسیده شود - قسمت دیگر بیاحته ما را جمع بخش قوانین است من بحیث یک وکیل شورا علاقه زیاد دارم که شتون شورا باین حفظ شود و باید هر فرد ملت هم بیشتر نای شورا علاقه داشته باشد - تصویب شورا و قانون مملکت باید احترام شود و فرغ هر وکیل شورا است که با صراحت لهجه از آن دفاع کند ولی اگر مثلا ما تصویب کرده و باز خاموشی نشنیم و یا نمیتوانیم از تصویبات شورا پشتیبانی نمائیم پس به عقیده من در عین حال این شورا عدم آن بهتر است - پس موادی در قانون اساسی موجود است که از طرف

بینه موجوده شکسته و احترام نشده است و این مسئله نشان میدهد که قانون و تصویبات شورای در تندن ها احترام ندارد. ما چندین بار در این مسئله صواب نموده ایم و مبادا تم که با هم تصویبات شورای توانین از طرف وزرا احترام نمیشود (تا تئید و کلا) نیس - باید داخل اجنده حرف زده شود

عبدالاول خان وکیل تالقان - بنده نظریه اقلی الفت و غبار را تا تئید ولی اینک رئیس صاحب میفرمایند که خلاف اجنده تها بد حرف زد - بمقیده من و یا ست باید مهم و اهم را از هم فرق کند و تئیکه در مملکت - قانون اساسی احترام نمیشود پس بحث در مورد ضما هم قانون بی سود است آقای محمد انور خان وکیل بگرامی فرمودند که تخصیص غله کی توزیع شده و شاید در مناطقی کم سیر گدام هم گرفته شده باشد - ولی این امر خلاف قانون و تمتدی بی برخلاف تصویب شورا است - در خصه بیگا و تصویب و کلا هیچ ضرورتی نداشت زیرا بیگا و صریحا خلاف قانون اساسی است - کذا غله خریداری نیز صریحا خلاف ماده ۲۶ قانون اساسی است (تائید و کلا) در قسمت اجنده در صورتیکه مسایل مهم موجود است که با بد مطرح مقارن شوند ما بد بر رئیس صاحب گفته شوده که ان مسایل را مثل غله خریداری و یا قانون انتخابت و یا قانون وظایف داخل شورا یعنی را فرور با جنده بیاورند و الا وقت ضایع کردن است و روز سه شنبه مسایل مقارن در اجنده گرفته شوه

محمودی - بنده فرموده وکیل صاحب غوز بند را تائید میکنم که ما در اقتدار خود اتمال میکنم - ما از دو سال باینطرف در مورد حقوق شورا و اینک و کلا حق دارم خود نشان یک کابینه مسئول در نزد شورا را تشکیل نمایند

بسیار حرف زده ایم ولی انوقت حضرات و کلا نظریات ما را خلاف حکومت تلقی میگردند و محض و کلا جدا بان مخالفت میگردند اما تا زمانیکه با اساس قانون اساسی (ماده ۷۶) یک کابینه مسئول در مقابل شورا تشکیل نشده و وزرا - احساس نمایند که ان ها در مقابل ملت مسئول اند هیچ کاری از شورا ساخته نیست ما باید طوری که در جلسا گذشته بنده عرض کرده بودم فرور رای عدم اعتماد در - نسبت به کابینه تصویب و این کار را علی ساریم زیرا برای یک وکیل با شرف تنگ است که در شورا عضویت داشته باشد که وزرا قانون اساسی و تصویبات شورا را احترام نمیکند (هیجان و تائید عمومی و کلا) -

خسته - چون این موضوع زیر بحث آمد بنده عرض میکنم که وزرا اساسا میل ندارند که تصویبات شورا را احترام نمایند - اگر تحقیق شود در سال های گذشته وزارت ما لیه چند ماه بعد تر ازین تاریخ تخصیص غله را توزیع نمیشودند اما اکنون که وزیر ما لیه موجوده خلاف تصویب شورا اکنون تخصیص را توزیع کرده علقی بجز مخالفت با تصویب شورا ندارد - در بسیار گدما گدما میهای دو ساله موجود بوده و آترو مته خورده و حتی قسمتی را به بازار هم عرضه کرده اند - پس اگر وزیر موجوده ما لیه عفر میارود که او نمیتواند چند ماه بعد تخصیص غله

بینه موجوده شکسته و احترام نشده است و این مسئله نشان میدهد که قانون و تصویبات شورای در تندن ها احترام ندارد. ما چندین بار در این مسئله صواب نموده ایم و مبادا تم که با هم تصویبات شورای توانین از طرف وزرا احترام نمیشود (تا تئید و کلا) نیس - باید داخل اجنده حرف زده شود

عبدالاول خان وکیل تالقان - بنده نظریه اقلی الفت و غبار را تا تئید ولی اینک رئیس صاحب میفرمایند که خلاف اجنده تها بد حرف زد - بمقیده من و یا ست باید مهم و اهم را از هم فرق کند و تئیکه در مملکت - قانون اساسی احترام نمیشود پس بحث در مورد ضما هم قانون بی سود است آقای محمد انور خان وکیل بگرامی فرمودند که تخصیص غله کی توزیع شده و شاید در مناطقی کم سیر گدام هم گرفته شده باشد - ولی این امر خلاف قانون و تمتدی بی برخلاف تصویب شورا است - در خصه بیگا و تصویب و کلا هیچ ضرورتی نداشت زیرا بیگا و صریحا خلاف قانون اساسی است - کذا غله خریداری نیز صریحا خلاف ماده ۲۶ قانون اساسی است (تائید و کلا) در قسمت اجنده در صورتیکه مسایل مهم موجود است که با بد مطرح مقارن شوند ما بد بر رئیس صاحب گفته شوده که ان مسایل را مثل غله خریداری و یا قانون انتخابت و یا قانون وظایف داخل شورا یعنی را فرور با جنده بیاورند و الا وقت ضایع کردن است و روز سه شنبه مسایل مقارن در اجنده گرفته شوه

محمودی - بنده فرموده وکیل صاحب غوز بند را تائید میکنم که ما در اقتدار خود اتمال میکنم - ما از دو سال باینطرف در مورد حقوق شورا و اینک و کلا حق دارم خود نشان یک کابینه مسئول در نزد شورا را تشکیل نمایند

بسیار حرف زده ایم ولی انوقت حضرات و کلا نظریات ما را خلاف حکومت تلقی میگردند و محض و کلا جدا بان مخالفت میگردند اما تا زمانیکه با اساس قانون اساسی (ماده ۷۶) یک کابینه مسئول در مقابل شورا تشکیل نشده و وزرا - احساس نمایند که ان ها در مقابل ملت مسئول اند هیچ کاری از شورا ساخته نیست ما باید طوری که در جلسا گذشته بنده عرض کرده بودم فرور رای عدم اعتماد در - نسبت به کابینه تصویب و این کار را علی ساریم زیرا برای یک وکیل با شرف تنگ است که در شورا عضویت داشته باشد که وزرا قانون اساسی و تصویبات شورا را احترام نمیکند (هیجان و تائید عمومی و کلا) -

خسته - چون این موضوع زیر بحث آمد بنده عرض میکنم که وزرا اساسا میل ندارند که تصویبات شورا را احترام نمایند - اگر تحقیق شود در سال های گذشته وزارت ما لیه چند ماه بعد تر ازین تاریخ تخصیص غله را توزیع نمیشودند اما اکنون که وزیر ما لیه موجوده خلاف تصویب شورا اکنون تخصیص را توزیع کرده علقی بجز مخالفت با تصویب شورا ندارد - در بسیار گدما گدما میهای دو ساله موجود بوده و آترو مته خورده و حتی قسمتی را به بازار هم عرضه کرده اند - پس اگر وزیر موجوده ما لیه عفر میارود که او نمیتواند چند ماه بعد تخصیص غله

(بقیه در آتی)

دكتور عبد الرحمن محمدودى
مدیر مسئول
انجینیر ولسی احمد عطیانی
هر دو شنبه و پنجشنبه به پیشوتو
فارسی نشر میشود

نداء خلق

جاده میوند - کابل
تلفون _____
آدرس تلگرافی "خلق"
تاسیس ۱۲ حمل ۱۳۳۰

نامه ملی - ادبی - اجتماعی و سیاسی

شماره بیست و دوم سال اول پنجشنبه ۲۲ جوزای ۱۳۳۰

♦♦ در شورای ملی ♦♦

بقیه جلسه روز یکشنبه ۱۹ جوزا

خسته - اگر وزیر موجوده مالیه عذر لنگی پیش کرده و میگوید که چند ماه بعد نمیتواند غله خریداری را جمع نماید - پس باید بهر سبب که روزی قبل از ایشان چگونه میتوانستند؟ این که از دیاد ممانع را بنا ده ۲۲ و بسط داده اند - خلافت قانون است زیرا ماده ۲۲ صرف در خصوص لواحق قانونی بوده و آن هم در غیاب شورا است اما اکنون که شورا موجود است هیچ وزیری نمیتواند باین ماده استناد نموده و امری را با مضایقات شاهنامه برساند - مردم ازین افزودی ها عموماً شکایت دارند زیرا بنا بر این افزودنها نیز بر دوش خلق تحمیل میشود پس برای هر زخم یک جبهه لازم است - اگر غله خریداری از دوش خلق رخص میشود یک زخم بزرگ التیام می یابد - اما این گفته سمدی - جوهرتون خورش برد و سلطان خراج چه اقبال بینی دران تخت و تاج در این جا صدق میکند - پس اگر ما هر بار را بدوش خلق تحمیل میکنیم باید اقلایک بار را از دوش آن ها برداریم

سید محمود خان دکیل غزنی - وقتیکه راهبر در کمیسیون زمستانی بوژا پیش شد وزیر مالیه چنانچه همه وکلا شاعند اند بالای ما استهزا کرد (بعضی وکلا درست است) در حصه این که ما گفتیم که غله خریداری قرار تصویب شورا و تصدیق صدر اعظم صاحب در سال گذشته و نشر اخبار و وسیع اینس باید از دوش خلق برداشته شود جو اب دادند که باید مالیه را سه چند قبول کنید و چون ما این کار را خلافت عدالت اجتماعی و ظلم میدانیم قبول نکردیم زیرا تنها دهقان نگاهکار نیست - ما و ققایی - کمیسیون ما چند روزی زحمت کشیده و مدارکی بسراى ۹۹ میلیون افغانی پیدا کردیم ولی اطلاع ندادند شستم که مبلغ مذکور را به تهیه اجتمایجات و از دیاد ممانع ما مورین بکار میبرند و درین باره به کمیسیون اطلاع نیز ندادند (تائید وکلا) بنده این قسمت بیا نیده اقای غبار را که گفتند که در صورت اطلاع ما مدارک دیگری تهیه میگردیم تائید میکنم - ولی تا وقتیکه اعلان نشده بود بنده خبر نداشتم - من هم بحیث یک وکیل بکا بینش موجوده که همیشه به تصویب شورا احترام نکرده و بان بر خلافی نموده و همواره قانون اساسی را شکسته و احترام نکرده و شورا و وکلا را مورد استهزا قرار میدهند اعتماد

اعلامیه حقوق بشر (۴)
اعلامیه حقوق بشر که قبلاً ماده ۱۷ ان تشر شده است برای این بوجود آمده که در مقابل ظلم و استبداد - فشار و تجاوز - خود سری و خود را می خلق را در هر گوشه دنیا صیانت نمود و عبارت از محصله تمام علوم و فلسفه ها و تجارب و مجاهدات بشر بوده و یگانه راضی است که برای علاج بد امنی و اقتضای در جهان سنجیده شده - زیرا اعلامیه حقوق بشر در مقدمه خود اعلام میکند که اساساً حقوق انسانی را باید با اجرای قانون حمایت کرد تا بشر به عنوان آخرین علاج به قیام بر ضد فشار و ظلم مجبور نگردد زیرا محاوره معروف تنگ آید بچنگ آید را شواهد و اسناد تاریخی ثابت میکند

ماده ۱۸ - هر کس حق دارد که از آزادی فکر وجدان و مذهب بهره مند شود - این مختصم آزادی تفسیر مذهب یا عقیده و همچنین متضمن آزادی اظهار عقیده و ایمان میباشد و نیز شامل تعلیمات مذهب و اجرای مراسم دینی است هر کس میتواند ازین حقوق منفرد یا مجتمعا بطور خصوصی یا بطور عمومی برخوردار باشد (بمقیده ما ایسن ماده خلاف قوانین اسلامی بوده و شاید افغانستان سایر ممالک اسلامی با این ماده مخالفت کرده باشند نه با ماده ۱۶ که سالنامه سال ۲۸ در صفحه ۶۲ خود متذکر میشود اداره)

ماده ۱۹ - هر کس حق آزادی فکر و بیان دارد و حق مجبور شامل آن است که از داشتن نظریات خود بخواه بظن این نداشته باشد و در کسب اطلاعات و افکار و در اخذ و انتشار آن بتمام وسایل ممکن و بدون ملاحظات مرزی آزاد باشد ماده بیستم - اول - هر کس حق دارد از اذیتها مجانب و جمعیت های مسالمت آمیز تشکیل دهد (گریز تاشکول جمعیت یا حزب در افغانستان نیز با اساس این تصدیق بین المللی آزاد است) دوم - هیچ کس را نمیتوان مجبور به شرکت در اجتماع کرد

ماده ۲۱ - اول - هر کس حق دارد که در اداره امور عمومی کشور خود - خواه مستقیماً و خواه بواسطه نمایندگان که از دانه انتخاب شده باشند شرکت جوید - دوم - هر کس حق دارد با تساوی شرایط - بمشاعل عمومی کشور خود تا بیل آید - سوم - اساس و منشأ قدرت حکومت - اراده - مردم است - این اراده باید بوسیله انتخاباتی آبراز گردد که از روی صداقت و بطور ادواری صورت پذیرد - انتخابات باید عوامی و با رعایت مساوات باشد و با رای مخفی یا طریق نظیر آن انجام گیرد که آزادی رای را تامین نماید (بقره در ص)

۱۳۳۰

نداشته و باید بانها رای عدم اعتماد داده شود (تائید و غنمله وکلا) *

محمد طاهر خان وکیل جفتو - بنده گفتار اتای غبار را تائید میکنم زیرا بحث در ضمایم قانونی در صورتیکه به قانون اساسی و تصویب رسمی وکلا ی ملت احترام نشود سودی ندارد زیرا وزرای موجوده بقانون شکنی عادت کرده و ان را نیز می شنکنند در حصه غله خریداری سال گذشته شورا بطور قطع فیصله کرد که باید این بار کمر شکن از دوش خلق برداشته شود ولی وزارت مالیه بر عکس اسما ل بر خلاف تصویب شورا چند ماه اولتر تخصیصه غله را - تقسیم میکند و شاید از بعضی ولا یات گرفته هم باشد لذا وزرا یکبار و دیگر اثبات کرده اند که نه فیصله شورا اهمیت میدهد و نه مواد قانون اساسی را احترام و رعایت مینماید لهذا من باین وزرا قطعا اعتماد ندارم - (تائید وکلا) *

رئیس شورا - مسئله رای اعتماد در قانون ما تاکنون تدقیق نشده که است یا نیست بعضی اعضای کمیسیون زمستانی هم مطلع هستند و از بیانیته صدراعظم صاحب قرار فرموده اتای الفت نیز اطلاع وکلا معلوم شده است - من تجویز میکنم که دو سه نفر از بین وکلا تعیین شود که بیانات صدراعظم صاحب را با تصویبات شورا مطالعه کرده بنزد صدراعظم و یا کفیل شان بروند و باتها بشما نندتا غله خریداری منطل شود - زیرا تا جائیکه ممکن بود ارا لا نشا شورا به مکاتیب مکرر این مسئله را تحقیق نموده و کسلا میتوانند و سیه این موضوع را در دفتر شورا مطالعه نمایند

محمودی وکیل کابل - چیزی را که رئیس صاحب بگفته شاعلی الفت استناد میکنند و باطلاع وکلا استناد مینمایند در سال ۲۸ بوده نه در کمیسیون سال ۲۹ ولی بنده بجهت عضو - کمیسیون قطعا ازین موضوع اطلاع ندارد (تائید عمومی کمیسیون) - در حصه رای اعتماد و یا عدم اعتماد به وزرا قانون صریحا حکم میکند زیرا اساسا ماده ۷۶ - قانون اساسی وکلا فردا - فردا وکلا بیفته بصورت عمومی در نزد شورایی ملی مسئولست لذا بااساس این ماده در صورتیکه وکلا ی شورا بااساس ماده ۸۰ در خصوص یک وزیر شو ظن پیدا نمایند میتوانند با وزیر وای عدم اعتماد داده وادعا نمایند تا وزیر مذکوره بدیوان عالی سپرده شود چنانچه

ما بهمین اساس سال گذشته تصویباتی هم نموده ایم - این مسئله عینا بااساس ماده مذکور در خصوص تمام کابینه نیز صدق میکند پس من جدا تقاضا مینمایم که باید یکا بیفته موجوده رای عدم اعتماد نظر بمتائید اکثریت وکلا ی حاضر مجلس تصویب گردد - اگر قانون صریحا در بین آنها شد تماملا ت قانونی نیز برای این کار کفایت میکند مثلا در انگلستان بیشتر قوانین مکتوبه نموده و بصورت تمام مسل از مدتتها با بطرف حاکمیت داوود - میدا نیم که قانون اساسی بمنزله تا موس ملل محسوب میشود و افراد ملت ها برای حفظ قانون اساسی هزاران ایثار و فدا کاری میکنند ما هم قانون اساسی داریم که در لویه جرگه ۱۳۰۹ به اجتناع یک عده زیادی از نمایندگان ملت تصویب شده -

است ولی از آن روز تا کنون جویمان امور در مملکت خلاف قانون اساسی صورت گرفته و همین کابینه موجوده اکثر مواد ان را شکسته و بان احترام نگرفته اند مثلا ماده ۲۶ قانون اساسی میگوید که هیچ چیز از مردم خلاف قانون گرفته نمیشود ولی حکومت و مخصوصا وزارت مالیه همه - چیز را از مردم خلاف قانون گرفته است مثلا مالیه - محصوله بواشی - محصول وثایق و محصول گمرکات - خلاف قوانین مکتوبه و مطبوعه چند چند بیشتر گرفته شده است - یوغلا وه بعضی مالیات و محصولات عجیب دیگری نیز بر سایر ولایات و طرق دیگر از خلق گرفته بشود چنانچه یکی از اقسام این نوع ماجرا در اخبار و تداعی خلق نشر نموده ایم که (دو نژد یک سرك دروخته یک نفر ما بود - رسمی که اغلبا محمد اله و یا احمد اله امضا کرده است در یک کاغذیکه دو اناج عرض و دو نیم اناج طول دارد هشتاد افغانی کمیشن قرار امیریه تیلیگرافی مدیر صاحب حمل و نقل گرفته است) گو یانته تشنها وزرا بلکه ما بوی ک کوچک نیز حتی به بهره های بسیار کوچک حساب میل خردن از خلق محصول گرفته بول میگرفتند - آیین مالیه جدید در شورا تصویب شده و شایان اطلاع دارید آ و این محصول از تمام درو واتی که بطرف مشرق حرکت میکند رسوا گرفته میشود - در حصه غله خریداری که خلاف قانون اساسی از مردم گرفته شده و گرفته میشود سال گذشته صدراعظم در مجلس عمومی شورا تصدیق نمود که در سال ۳۰ این بزرگان باید از دوش خلق برداشته شود و بهمین اساس وکلا خابوش نمایند که بودجه بدون تمدیلات در اثر درخواست صدراعظم از شورا بگذرد ولی برخلاف این تصدیق رسمی صدر اعظم و تائید اکثریت وکلا و تشریحی اخبار انهمس وزیر مالیه در هفته گذشته در کمیسیون اظهار داشت که من تخصیصه غله خریداری را بمسئولیت خود بخلاق تو زیع میکنم پس گو یانهر وزیر در کابینه موجوده خود و خود مختار است اجراء کابینه موجوده و بتاییح اجراء شان که عبارت از فقر و فاقه و بوهنگی عمومی است بیهمه وکلا معلوم است (تائید وکلا) پس بمقتده بن یک شورائیکه نمیتواند بهمجه وزرا که بقانون اساسی و سایر قوانین مملکت و تصویب شورا احترام نمیکند نمیتوانند رای عدم اعتماد بدهند پس عدم ان نسبت به موجودیت ان بهتر است و ما نباید ملت را بشام شورائون بدیم

الفت - من خیلی متسجمم که رئیس صاحب بااستناد گفته بنده با اطلاع وکلا حکم میکنند بنده گفتیم که مدارک - مذکور برای وضع غله خریداری از طرف شورا بحدودت بیشتر شد و گفته - صدراعظم صاحب هم در سال ۲۸ بود ولی بهتر صورت حتی اگر مدارک مذکوره از طرف حکومت برای از دیان ما حق بشود عرضه شود بازم وکلا نمیتوانند ان را برای وضع غله خریداری از دوش مردم بکار برند و هیچکدام مانع قانونی وجود ندارد و قرار فرموده رئیس صاحب سندی برای حکومت شده نمیتواند

رئیس - مقصد من این نیست که کدام دلیلی برای کا بیته پیدا کنم بلکه گفتم که بعضی وکلا اطلاع دارند که مدارک مذکوره برای افزودی مباشر گرفته شده است -

تنگرهار خان وکیل میمند دره - همه گفته وکلا صحیح و قابل تصویب است - همه ظلم ها و خود سرها در مملکت از همین سبب است که بقانون و تصویبات شوراهت - مرام نمیشود - حتی اگر ن ما وکلا و شورای ملی در نزد خلق یعنی نداشته و در بازار ها در همه جا مردم شورای ملی را شور و ملی میگویند و اگر تصویبات شوراهت قانون اساسی و سایر - قوانین در مملکت احترام نمیشود پس باید همه ما رخصت گردیم و شورا مسدود شود -

نظر محمد خان نواب وکیل میمند - از عرصه که بشورای گرد آمده ایم تا حال به کدام تکتک نرسیده ایم - آرزوی که ملت هم نظر بوعده های حکومت داشت براس انجا باید زیرا آن وعده نسبت بشوراخلق را امید وار میساخت ولی امروز متاسفانه دست ملت را به یخن شورا انداخته حتی در کوچه و بازار ریاست و وزارت - شهر - اطراف دور و نزدیک همه خلق از ما بی خبرند که شما وکلا چه کرده و چه میکنید برای رفع حال زار خلق چه جا رده بیشتر میگویم و چه تصاویر کرده و بی گنیم - رئیس صاحب بهتر میفهمند که انسان وقتی شرافت مند زندگی میتواند که آزادی صحیح داشته باشد و از آزادان مشروع که حق فرد فرد بشر است بی بهره نیاشد اما ما را آزاد نگذاشتند و بمقابل تصاویر و اراده شوراهت پیوسته کردند و گروه شورای ملی کارهای مفید نمیکرد و احتیاجات خلق را تا اندازه وضع عمومی راهب بودی میداد طبیبان را ن وقت از آزادی خود صحیح استفاده کرده میتوانستیم و شرافت مند میزیستیم و افتخار میکردیم ولی ما این جا (اشاره بمسالون) در شورا بی ائیم نظر بعهاده قانون مصوئیت داریم ولی حرف های ما ازین جا بیرون نمیآید و در خارج شورا از تنقیدات مردم بیچاره انقدر تکالیف میبینیم که مرگ را شیرین تر میس یا بیم و ما وقتی از دل خلق بی ائیم که باطراف و ولایات میرویم و ظلم و استبداد حکام را از نزدیک مشاهده میکنیم و میبینیم که همه خلق متوجه ما بوده و بطرف جناب وکیل خود نگران است و میگویند که شما برای همین دستید که بروید بطو میخوید؟ بالا بنشینید؟ تنخواه میگیرید؟ اگر چنین نیست پس چرا غم ما را نمیخورید - بمقابل ان ها جز سکوت و فشار روحی جواب نداریم لیکن وقتیکه این جا میائیم بی بیستم از هر طرف مواعع میسر میآوریم - وجود میکند - و زوا بمقتضای اعتبار نمی نمایند - اگر اصرار کنیم سودی نمی بخشد - خلاصه زوا نه کار میکنند و نه استعفا میدهند - نه تصاویر شورای ملی مملکت و قانون اساسی را قابل اهمیت میدانند و رسید تا چه رسد بهمکاری و موافقت با وکلا ی ملت؟ بمقیده بنده ا ولا وزرای انفا نسبتا نصال ما پشاه بوده هر چه خواسته اند کرده است و هر چه میخواهند میکنند زیرا تا امروز هر وزیر حرف خود را قانون دانسته و کسی حق نداشته که حرفی غیر قانونی وزیر را رد نماید و یا حتی در اطراف حرف کدام نائب الحکومه و حاکم اعلی خورده گیری و استتقا دشروع بعمل بیآورد - لهذا زوا در مرکز و نائب الحکومه ها و حاکم اعلی در

ولا یا ت بمدم رعایت قوانین عادی گرفته اند و خود سرا نه هر چه بخوا همد میکنند - علت دوم آنستکه بد بختها این است که وزرا قطعا با خلق و ملت آشنا نبودند و بواسی تدارند زیرا همه اطلاع دارند که یک وزیر با لباس بسیار عالی و شیک بالای موتر تیز رفتا و ساعت ۱۰ وارد وزارت خانه میشود در وزارتخانه از طرف ماورین با بیشترین نوع احترام میگرد و از ان جا بمنزل عالی خویش برمیگردد چنانچه بمنزل شخص شافل وزیر صاحب هم با سوسه اتصالی خلق بسیار فرق داشته بل با مدتی تر یمن زندگانی عصر مشابهت و بعضا برتری دارد لهذا از درد هائیکه در نزد یک یتیم - یک بیوه زن - یک فقیر - یک دهقان - یک معلم - یک محصل و خلق است اطلاع نداشته و درین جا رده نبوده و نمیباشند باقی برای خود شان هم جاه است و هم جلال لهذا یاها خبر نمیشوند و یا اعتقاد نمیکنند؟ علت سوم - خدا وند بزرگ با وجود اقتدار کامله برای نظم اسام کاتفا مکانات و تمایزات را لازم دانسته و گنهار را در وقت روز جزا متوجه نموده و نکو کار را رعهده پادشاه بخشیده ولی در مملکت ما مکافات مجازات وجود ندارد و تا امروز کسی جز غریب و بیچاره در مقابل جرائم خود محاکمه نگردیده و بسزا نرسیده مثلا : رئیس صاحب شورابهره میفهمند که احتیاج امروز ما تو سعه زراعت است و احتیاج مذکور از طرف مردم طبقات و حتی حکومت حس گردیده و طبق ان (عتیق خان) رئیس زراعت سابقه از پول خلق غریب از عرق جبین دهقان و از رنج دست مردم بخارج رفته و بعضا مالک اروپائی را سیاحت کرد تا پلانی ترتیب داده و زراعت ما را که در حال اولیه و در سنگه با تیمانده نجات بدهند و داخل چوکات یک پروگرام سر برهه بسا زد ولی نه از پروگرام او نه از پلانی او سر و صدائی بلند شد و چنینکه وارد کابل شد چند روز بمسقطور اوتوما تیکی سفیر چکوسلوا کیه مقرر گردید - در این جا ملتی در کار بود که محاکمه می نمود چون چنین قوه نیست و ملت بکلی از زمین رفته وزوا بی اعتنا شده و از همین سبب است که نمیخوا همد شورا مصدر کوچکترین خدمت شود زیرا جاه و جلال شان از زمین میروند و ملت در اوقات میداند - بحقوقی خود آگاه میشود که حکومت تا امروز ان ها را از زمین داده و انفال کرده و میکند از همین جهت ملت را ادا یما جا حل و یمن تر بیسه نگاه میکنند تا بحقوق خویش تفهمند ما که وکلا ی ملت هستیم بفرما مید که چه حال یاریم؟؟ وضعیت امروز ی شورا - وضعیت نان خوردن وکلا - صورت جای نشین وکلا - لباس وکلا - اثاثیه صا ازین جلسه و عمارت - شورا را در انظر خفیف جلوه میدهند زیرا اگر در کدام وزارتخانه و یا کدام ریاست تشریف میبرید بی بیته که اثاثیه چه نوع وصالون نان و غیره چه قسم است؟ وقتیکه ملت باین نکته متوجه میشود طبعا مصف شورا به نظر شان جلوه میکند - (بقیه در اتی)

تصحیح - در شماره ۲۱ ص ۳ ستون ۲ مضمون آقای دهقان - عزت النفس به ضبط نفس تصحیح شود -

خلق و خلق :

بقیه اعلامیه حقوق بشر

شاغلی محمد دین نا تا از میهنه چه زیبا میگویمستند که بندگان (گویایک که بیسته ۲۰ ساله و غیر انتخاین و دائی و غیریک عمر بدواتر و سسی کار نمودم اما هنوز تفهمیده ام که فرمان مسئول در دنیا وجود ندا شته و تا نونی نیست) *
 "صدارت محظنی" در مورد اجزای پیشکی ماورین رسمیت دارد و یا نظریه یک کتاب و ماور؟
 شاغلی ع ح از شیر پور خاطر نشان میساژند - هر گاه هوا سطره عدم توجه شار و الی در تنویر - ترا نیک - آب رسائی و غیره با مالی شهر خسا ره وارد میگردد - همان قسمت انسانی میتواند از راه محاکم عدلی خساره وارده را از بلده در بیافته دارند زیرا بلده در مقابل همین تکالیف و وظایف محصول اخذ میدارند هر شهری حق شهری بودن خود را محفوظ نگه میدارند و شاروالی بدون توجه در رفاه خلق از جهات ممینه حق را خذ هیچگونه محصول را ندارند و وظائف بلده که طبق نقشه های عمیت فنی بشر سازی و اصلاحات دیگر بردازند در "شیر پور" ۵۰ - ۶ سال میگردد هنوز تنزیرو - سوک - و وسایل آب رسائی در ک ندارد *

خواندنیهای خلق : پشتنا س ا
 بهیختک سیاهانین همیشه بهما شرو بونج و دم بوده
 با فکار شا عریدیوا نکسی برما لوان نونک خا نکسی
 به نصوا رکتش برکند و نون که تف کرده در گوشک تیلغون
 به پای پیاده و بیومتری به بخت سیاه و با پن پنجری
 برتدانت در عبا های شیخ که گاهن بشمل میزند که بهیخ
 با سبیکه تا دیده دستکرت بخور سبیکه در کیسه خیزکتزند

ندا خلق - هر حساب و وظیفه * *
 حافظ وظیفه تودعا گفتن است و بس
 در بند ان ما شرک نشنید یا شنید
 صدای شما را بشاروالی رسالتیم *

به جن و بجی و بجی و بجی
 به کی و بکی و یکسی و یکی
 که گر اعتدالی بود بار کثر ویا ارتجا عیست نصوا رکتش
 ویا انتقالین کند و استخراجی نماید میضمون من جز گریز
 (لا غر الشراء)

شاغلی ستا رطمین این روز دارند تربیه دیوم کواسی از دستستان
 ما شروع گردد و مملین با نظریه مساوات و عدالت اطفال
 غریب و جو کین را با حویر پور شان با نیک چشم دیده و
 رعایا نماید این که از پیوا لا حول گویند و بوی بانوا
 امتیازی قایل شوند *

خبر های اژانن ششدرک -
 از خارج - والا حضرت صدر اعظم افغانستان در ۱۵ جون
 جانب وطن حرکت مینماید * مکی واصل آبادان شد و بر
 تصفیه خانه های نفت بیرهقای ملی ایران افزا شته -
 گردید * در عراق و مصرف و کاتال سوئیس را میخواستند
 ملی ساژند * ۲۵ نفر جریده نگاران در پان کستان
 گرفتار گردید - ۲ نفر ماوروسی بو طانیه که با اسناد
 مهم سیاسی فرار نموده بودند به پراگ رسیده اند *

ندا خلق - از شروع حیات مدنی تا امروز هر چه بوده
 در دنیا خد متگان حقیقی بشر و توابع از همین طبقه برهمنه
 و خرابه نشین بوجود آمده اند * * خا طر جمع ما شید *

در داخل - محاکمه شاغلی صافی به بالا خر شروع
 گردید مودیکه خود را در داده بود هنوز از رنج زندگی
 خلاص نشده شاید بالا بودن قیمت بطرول اژین است
 که دیگر گرانن تیل را فهمیده و از سرختاندن خود
 اشخاص صرف نظر نماید * طبق اطلاع غیر صد قسه
 حاکم بگرامی محمد سرور نام مو سفید را روز سه پده سن
 در آفتاب بدرخت مصلوب نموده (بسته کرده) میگویند
 دو ماده ۱۹ قانون اساسی و جرج شگنجه معروضست بهر ما ۱۰۱۰
 در دقایق اخیر با بنده ششدرک "ماور" المشهور در کا فی؟؟

از قاسموس ربا : ششدرک - درک شش
 جنتلمین فرنگی مقللس
 محافظه کار شاهین ترا ژو
 سقوط رجب خان رای اعتقاد
 مشاور پیشخدمت

جد اژ ۲۵ یافته و گویایتر و باور کرده آورده است - نزدیک
 است تا ما ما موروا تم تخلس و بران اولاد لقبظ میلی شود
 یعنی ما موری که کبر گردید میروشود * منم (ازین چند بهتر)

شرح اشتراک
 کابل - ۴۰ افغانی یا لانه
 ولایت - ۴۰ رو
 خاوج - ۵ دالر رو
 تگسنامه ۵۰ پول
 مطبعه گشته در ندا خلق - کابل

بند خلاق

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

×× در شورای ملی ××

بقیه جلسه روز یکشنبه ۱۹ جوزا
 نظر محمد خان نوا - آقای نوا به بیاتیه خود ادامه داده و فرمودند که: شورا بما يك وضعت ظاهرى را هم دارا نمیشد و با آنکه ۲۰ سال است شورا - داريم بوايشر جای تساخته اند و بان قیمت نمید هشد بمقیده من ادامه رویه و روش موجوده حکومت خدای تا خواسته ملکت را خراب خواهد ساخت زیرا ظهبادر ملکتی که صمیمیت و همکاری و احترام بقانون اساسی - وجود نداشته باشد ظهبادر ان ملکت روز باحفظات میسرود بنده میخواهم رئیس صاحب شورا بفرومایند که ما چه داریم - مصارف ما چه مزیتی دارد فنجایی که در مصارف و اقتصاد و داخله و زراعت و دیگر حقوق ملکت موجود است در هیچ گوشه دنیا دیده نمیشود (تائید و کلا) اگر انتقاد کنیم اشخاص منفعت جو و کماتی که قانون دیمو کراسی بنفع شخصی ان ها تمام نمیشود ما را - مضرر خوانده و بمسالک خارج مربوط میداند - درجای که قانون نباشد انسان در اعمال خود دچار حیرت میشود - اگر ساکت باشیم جواب خلق را چه بگوئیم و اگر بگوئیم چه چیز و تا کجا - اگر حکومت دیمو کراسی است و کابینه در مقابل شوریایی مسئول است پس باید با اساس ماده ۲۶ قانون اساسی در مقابل مسئولیت - خود بیسفر جواب داده و بقانون اساسی ملکت و شورای ملت احترام کنند و الا نه در صورتیکه قانون اساسی احترام نشود - شورا بی معنی بوده و رژیم استبدادی است فلذا دولت باید خط سیر خود را تعیین کند و رته پابین ترتیب کاری امکان نداشته و نمیتوانیم قناعت ملت را حاصل کنیم - جلسه ساعت دو بعد از ظهر خاتمه پذیرفت

جلسه ۲۰ جوزا

در ساعت ۱۱ و ۴۵ جلسه تحت ریاست شافلی داوی شروع و قبل از قرائت آئینده الله میو خان وکیل تنی عریضه را بومئذ شورا تقدیم و گفت در خصوص وزرا بنده صاف میگویم که در ملکت هیچ کاری نشده و تمام تصویبات شورا بجا نی تو سیده و عمل نگردیده - اگر ما وکلای ملت نیستیم و خلاف قانون بشر را امده ایم باید شورا منحل شود و در عوض وکلای حقیقی انتخاب شوند ولی اگر ما وکلای حقیقی ملتیم و وثایق قانونی بدست داریم و برای خیر ملت و ملکت و دولت حرف میزنیم پس باید

(۵) اعلامیه حقوق بشر

بشر در طی قرون متوالی بالا خزه راه نجات خویش را به اطاعت يك قانون مفید اجتماعی دانسته و تجارب تلخ و جان گاه به بشریت درس داده است که همه خونریزیها - وحشت ها و طوفان های جیش اقوم مظلوم و فقیر - همه در اثر بی قانونی - خود سری و خود رایی بوده و فقط راه نجات بشر باطاعت يك قانون متین و سنجیده اجتماعی است و پس خون ریزیهای تنگین و شوم آور و انتقام های جانگناه و مد هتیه همه زاده بی قانونی بوده و با استبداد و نشا و توام است استبداد مخرب بیاید دستنی اجتماع بوده و نه تنها استبداد مظلوم و ستمکش را نیست و تا بود میکند بلکه بالاخره - ستمگر نیز در اثر عصیان اجباری توده های ملت در آتش - انتقام نیست و تا بود میشود - تاریخ هزاران امثله درخشان این حقایق تلخ و تنگین را ضبط کرده و با سایر ملل متحد با تفقار اراء برای سد همان وحشت ها و بزهت ها - و برای چاره آلام و درد های اجتماعی توده های بشریت اعلامیه حقوق بشر را تدوین و تصویب نموده و از تمام اعضای جامعه ملل جدا تقاضا نمود تا از راه تعلیم و تربیت - از راه مدارس و نشریات مردم را با احترام این قانون و داشته و نگذارند که باز اشخاص ستمگار و خود آزادی و خود سر بخور من هستی بشریت آتش زده و توده های بشریت را محصیان و اغتشاش مجبور سازند

ماده ۲۳ - هر کس حق دارد کار کند - کار خود را ازاد انتخاب نماید شورا بی نظمت متصفانه و رضایت بخش برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد
 دوم - همه حق دارند که بدون هیچ تمیمی در مقابل کار مساوی اجرت مساوی دریافت دارد - منوم - هر کس که کار میکند بمرتبه متصفانه و رضایت بخش ذیحق میشود که زندگی او و خانواده اش را بواقف شئون انسانی تامین کند و ان را در صورت لزوم با هر نوع وسایل دیگر حمایت اجتماعی تکمیل نماید - چهارم - هر کس حق دارد که برای دفاع از منافع خود با دیگران اتحادیه تشکیل دهد و در اتحادیه ها نیز شرکت کند -

ماده ۲۴ - هر کس حق استراحت و فراغت و تفریح دارد و بخصوص به محدودیت بمقتول ساعات کار و بمرخص های - ادواری با اخذ حقوق ذیحق میباید شد

ماده ۲۵ - هر کس حق دارد که سطح زندگی او سلامتی و خود و خانواده اش را از حیت خوراک و مسکن و مراقبت های طبی و خدمات لازم اجتماعی تامین کند (بقیه در ۶)

کا بیته وزو را خواسته و ازان ها بیو سیم که چرا قانسون
اسا سی مملکت و تصویبات شورا یملی را احترام نمی نمایند
اگر نایت شد که آنها ۰۰ آند پس باید محاکمه شو ند
و بجزای اعمال خود بر ستمند *

سوس باکریت آراء و رایور وزارت مالیه در مورد غله خرییدار
که ۳۵ صحیفه بود قرائت شده و تا ختم مجلس دوام داشت
(ما در اتی مذاکرات مجلس و رایور خویشرا در مورد رایور
وزارت مالیه باطلاع سموطنان گرامی خواهیم رسانید) *

جلسه روز سه شنبه ۲۱ جوزا
درین جلسه عریضه اهالی جرم بد خشان در مسورد
حدود و حقوق بلدیة از طرف منشی قرائت شده و سپس در
اثر مذاکرات زیبا در تائید و کلا باساس قانون بلدیة تصویب
گردید که بلدیة ها فقط حق دارند از منطقه بلدیة یعنی
مناطق که در انتخاب رئیس بلدیة شرکت داشته و داخل
حوزه بلدیة بوده و وکیل تاحیه دارند - حق دارد -

محصولات بلدی را مطابق قانون گرفته و خلاف قانسون
هیچ کس حق گرفتن محصول را نداشته و مخصوصا بلدیة ها
حق ندارند از دکا تداران خارج منطقه بلدیة محصولات
بلدی را اخذ کنند *

جلسه روز یکشنبه ۲۶ جوزا

جلسه ساعت ۱۱ در تحت ریاست شاعلی داوی شروع و منشی
شورا حاضر بودن ۱۱۴ نفر وکیل را اعلام داشته و سپس شاعلی
داوی رئیس شورا اظهار داشت که قبل از قرائت اجننده
باید بر یک پیشنها د و کلا بحث نمائیم که ان ها میخواهند
مجلس عمومی هر روز کار کند زیرا در کمیسیون ها کار نیست -
شاعلی داوی اظهار داشت بمقیده پن در کمیسیون ها
کار موجود است و نظر برای اگر بی و کلا نوا د هفت گانه
قانون وظایف داخلی شورا و قانون انتخابات را در آجنده
قبل از تحریری اقا یون و کلا ما حق اولیت داده ایم و سپس
شاعلی عبد العظیم خان صافی سر منشی شورا بقرائت موضوعات
وجوده در کمیسیونها شروع وعده ای از وکلا رای دادند
که یکروز بشمارد جلسات عمومی افزوده و دو روز برای کار
کمیسیون ها تخصیص داده شود سپس با اجازه رئیس و کلا
بمذاکرات آغاز نمودند :

محمد انور خان وکیل بگرای - قراریکه در جلسه گذشته
عرض نموده بودم موضوع مهم و حیاتی ملت نو وضع کدام است
چنانچه اینک یک تمداد وکیل فدوی عریضه تحریر و از صورت
جهو و ظلم که نسبت بخریداری بالای ان ها است شاکسی
میباشند که اینک عریضه شان خدمت شما تقدیم است تا در
آن باره بمقتلعت شان پیر دازید بمقیده من این موضوع
بسیار مهم است و باید قبل از اجنده فیصله ای در باره آن
بمصلاید *

محمد کبیر خان وکیل غور بند - بنده راجع بد و موضوع
عرض میکنم اول در باره کمیسیون ها و دیگر در اطراف مجلس
عمومی : اگر کمیسیون ها کار کرده و بودی برای مجلس عمومی
تهیه نمایند البته دران صورت مجلس عمومی زود فیصله -
رسیده و کاری خواهند توانست و گویا وجود کمیسیونها
برای تهیه بود برای مجلس عمومی ضروری است ولی درین

قسمت گفته شاعلی داوی که مواد هفتگانه را ضروری
نی پذیرد عرض میکنم که در اواخر سال ۲۸ مواد هفت
گانه در شورا تحت بحث آمده و عموم و کلا درین باره -
سخنرانی نموده و بنده هم بار ها گفته ام و باز میگرم
که باید شاعلی رئیس شورا در ترتیب اجنده ما و کلا
مشوره نموده و رای اکثریت مجلس را احترام نمایند تا
موضوعات مهم و حیاتی در اجنده داخل شود - مطلب
اصلی و کلا غله خرییداری است و ما تصدیق کردیم
صدر اعظم راجعت اعلام نموده ایم - اساس شکایت ما
و ملت از بی قانونی است و قانون احترام نشده و حکومت
و کلا ی ملت با هم همکاری و مفاهمه نمایند کلا بجای
تمیرسد - اما ما درین راه مقصر نیستیم زیرا در نظر
سه سال بکابینه موجوده ما حسن نظر پیشامد نموده ایم
و اکنون دوره ما رو بختم است ولی اکنون نزد ما نایت
است که کابینه موجوده و کلا ی ملت روح موافقت نداشته
و در حالیکه تمام قدرت در دست وکلا ی ملت بوده و
میتوانند در یکروز جا ر کابینه بسازند و منحل کنند ولی
وزرا بقانون اساسی و سایر قوانین مملکت احترام نکرده
و میکنند در قانون اساسی ذکر است که وکلا میتوانند
از وزرا بر ستر نمایند ولی وزرا برای استیضاح حاضر
نمیشوند پس من بحیثیکه وکیل و باساس قانون مشروطه
این کابینه را قبول ندارم (تائید و کلا) *

نحمودی وکیل کابل - در مسئله کمیسیون ها بنده عرض
میکم که مواد زیادی در کمیسیون ها باقی مانده و در
سال گذشته نظر بمصروفیت و کلا در بمطالعہ بسودجه
مانتوانستیم بسایل مذکوره وارس نمائیم - در کمیسیون
سبع شکایات عریضی زیاد اهالی موجود است بمقیده من
بهنتر است یکروز بنایام جلسه های عمومی افزوده و دو روز
را برای کار کمیسیون ها تخصیص دهم - در مورد موضوعات
سائره باید عرض کنم که ما باید اصل مجمع فساد را دریافت
کنیم - سه سال است ما در اطراف مواد هفت گانه میا حث
نموده و حکومت و ملت تصدیق نمیکنند که ملت ازین تاحیه
شکایات زیادی داشته و باید چاره ای برای این سار
کم شکن سنجیده شود اما وزرا را تقدیم رایور های چندی
در عرصه سه سال کار را بی وق انداخته و میخواهند
این دوره را سوری سازند - وزرا در مقدمه ایت رایور
تصریح میکنند که مملکت آباد نیست قسمت اعظم مملکت
خشک و باثراست - زراعت ما بمسئمت اولیه و ناقص
جریان داشته - حمل و نقل و وسایل عسری موجود نموده
سرك ها خراب - مصارف ناقص و ممد ثبات تا کنون -
استخراج نشده ... ما هم این گفته های ان ها را
تائید میکنم ولی بی سیم که ایا در همه این خرابی
ها مقصر کیست - با انکه مملکت خراب است اما ما چشم
سر مشا هده میکنم که اکثر بیا و کار بینان بزرگ
دولت سرمایه دار و ملاک بوده و یا استفادہ سوء سرمایه
ملی را در بانکهای داخل و خارج انداخته اند - این
ها با رویه خویش اعتماد خویش را باخته و ما استفاد
و عریضی بنده بدویم که ملت در اثر همین اعتمادی

نشد و کلا تیکه میفرمایند مواد زیادی در کمیسیون ها موجود است لطفاً بفرمایند کدامیک از مواد مذکوره اجرا شده است و اگر ما یک عده مواد دیگر را بدار الا تشا میسوا روم شاید بدووه دیگر بما ند فلذا باید کمیسیون ها معطل شده و مجلس عمومی هر روز کار کند .

رئیس - بمقیده من مقصد وکیل صاحب این است که کار ها انجام نشده و باید فیهست کار هائیکه شورا توسط کمیسیون مع شکایات نموده بویکیل صاحب نشان داده شود - بمسئله عقیده من چون قرار قانون اساسی شاه معنون و غیره مسئول است پس بودن مصوبات شورا برای امضای شاه خلاف روح دیو کراسی است و نباید کار هائی را که وظیفه قوه اجرائیه است بحضور شاه تقدیم نمود من بهمان اساس و مطابق روح دیو کراسی مصوبات مذکوره را بصداوت برده ام - این که آقای خسته رفتن چند نفر را بصدارت کسر شان شورا امیدانتس بمقیده من رفتن یک مالا دست هم تزد زیر دست کسر شان نیست و در دوره گذشته ما نیز چند بار چنین کرده ایم فلذا هر وقت مسئله شان خود را بزبان آوردن پشان خود شک - داشتن است و محقق است که شان شورا در دوره ۷ حفظ شده و ما نباید زود زود اظهار آزر دگی نمائیم زیرا زوروا همیشه اوامر شورا را اطاعت کرده اند و هر وقت برای استیضاح پیشور را آمده اند و میتوان گفت که بعضی از ان ها قلبها خوش آمده اند تحت اداره شورا ما شده و بعضی ظاهراً فلذا بمقیده من باید در سه نفر انتخاب شود و اگر این را کسر شورا میدانید من از کفیل صدارت در خواست میکنم که ان ها پیشورا بیاید ترازه حلی پیدا شود - فلذا اگر وکلا میخواهند باید اول این سه نفر را تعیین کنند -

الف - من ما انتخاب دو سه نفر وکلا مخالف زیرا مذا کوره چه درین جا صورت بگیرد یا ان جا سودی ندارد زیرا ما بارها با کا بیته مفاهمه نمودیم زوروا در سال ۲۸ و ۲۹ بارها به کمیسیون آمدند - دلایلی گفتند و دلایلی شنیدند ولی ما فیصله ای نوسیدیم ما تزد صدر اعظم صاحب رقتیم و مسایل را شرح دادیم ولی فایده ای نکرد و نتیجه نداد - سال گذشته کمیسیون مختلط تعیین شد ولی تا جائیکه مملومات داریم راه حلی برای مسایل مهم و حیاتی پیدا نشده و زوروا حاضر نگردیدند راه حلی برای مسایل مذکوره پیدا کنند - بمقیده من بمسئله است که ما وقت خود را با مفاهمه بگذرانیم - رانجور وزارت مالیه در مجلس قرائت شد پس اگر وزیر موجود باشد یا نباشد باید ما فیصله خود را در باره ان صادر کنیم و برای صحنه هما یوئی بفرستیم - اگر قبول شد یک بار بزرگی از دوشر ملت رفع میشود و الا وظیفه ما تمام میگردد در غیر ان مفا سبات کا بیته و شورا از ید بد تر شده میروند و البته زمانیکه را بپور زمستان - کمیسیون رسید در باره ان نیز فیصله صادر میکنیم ولی باید بداند تید که انحکاس مسئله روز بروز شدید تر شده میروند - چنانچه مردم شکر گرونی تشویقات جواد رسنی را مستند گرفته و حاضر نمیشوند که تخصیصه غله را قبول کنند و ممکن است قوه اجرائیه اعمال قوه نموده و مسئله را چیز دیگر ما زد .

عبد الا ول خان وکیل تالقان - حضراتیکه در باره غلصه

خریداری حرف میزنند حق ندارند زیرا سال سوم است که این موضوع مورد بحث بوده و صدرا عظم هم وده داده بود که کمیسیون مختلط برای رفع غله خریداری در سال ۲۰ جا ره مستجد وهم فیصله شده بود که بودجه سال ۲۰ نیز در کمیسیون در زمستان تدقیق شود ولی زوروا حاضر نمیشدند ما شورا بموافقته برستند در مقابل صدای ما بمهیج جا نمیرسد و گفته آقای ام ج که در اخبار روسی انیس نشر شده است درست است که صدای ما از چهار دیواری شورا بیرون نشده ۰۰۰۰ و چون رئیس صاحب همیشه مردم را صلح و صبر و حوصله دعوت میکنند پس هیچ کاری از پیش نمیرود زیرا خود رئیس در موتر تشسته و از قلب ملت غریب و فقیر آگاه نمیشدند و بطوری از کا بیته طرفداری میکنند که گو یا خود شان عضو کا بیته باشند دو سال را بمهیج میگردیم و سال دیگر را نیز به ما میگردانیم فلذا باید ما را ی عدم اعتماد خود را در مورد کا بیته تصویب کنیم و طبق ماده ۷۶ بحضور اعلیحضرت عرض نمائیم تا ان بفرمایند مسک کا بیته مسئول بوجود آید زیرا زوروا موجوده آرزو ندارند به وکلا ی ملت موافقه نموده و بدارک تهیه شده وکلا را با فزودی مفاشر بکار ببردند و حال آنکه سه ماه بعد از ان استفاده میکنند - این زوروا بتصویب شورا اهمیت نداده و قانون اساسی را مکرراً شکستانده اند تا یک کا بیته مسئول تشکیل نشود کار ما و مفاهمه با زوروا - موجوده فایده ای ندارد - تعییناتم که وکلا ی محترم این گفته بنده را تأیید میکنند یا نه (تا تید یکمده وکلا) آقای بابج - بود زمان همه وکلا غله خریداری است و این مبرهن است که بعلت تکلیف زیادی است تعلق نشود که من از کدام وزیری حمایت میکنم ولی من در ظرف ۴۵ سال کابل را ندیده و وزیری را هم تمیشتاً سم لا کن در یک فامیلی که مرکب از پدر و مادر و اولاد ها باشد هر کدام دارای وظایفی اند و باید مسایل خود را به مشوره رئیس فامیل حل کنند و اگر یکی از اعضای فامیل فاسد شود ما ید بکلان و رئیس فامیل عارض شوند - موضوع غله مربوط بتمام مملکت بوده ویک بار ما لا یمطابق است و چون مملکت پادشاه دارد و اگر کسی خلاف قانون رفتار کند فرض پادشاه است که طبعی شریعت ان را مجازات کند و حقیقتاً ما حتی بر پادشاه داریم که عبارت از بازخواست و عدالت است و او حتی بر ما ندارد که عبارت از اطاعت است پس وکلا موظف اند که با پادشاه که نظر ما ساس اسلام اولوالامر است مذاکره نما یند و عرض کنند که این بار بر ملت تکلیف نیا دی است و اگر باز پادشاه انرا لایق میدانست ما باید قانع شویم و ان را قبول کنیم و با ان که این بار طاقت فرماست ولی چون لزوم ان تثبیت شد ایثار میکنیم و ایثار اساس دین اسلام است در باره زوروا باید بگویم که زوروا هم از همین مملکت اند و ممکن است بعضی برادرهای شان در همین مجلس ما شده پس ما یکی را خوب و دیگری را بد گفته - نمیتوانیم مثلا من دیروز قاضی بوده یک نفر وکیل حکمران بود دیگری رئیس بود ولی امروز همه وکیلیم پس چطور میکنست

شان حاضر نمیشدند در باره غله خریداری بحرف اولی گ...
 دهند - رای وزرا قاطع است و حتی امروز آن هائیکر تا همین
 کسر بودجه نبوده و بلکه فقط ارزوی شان دوام غله خریداری
 و یا سه چند ساعت مالیه است ولی بمقیده من مله و کسلا
 نمیتوانند بیشتر ازین درین مورد با کابینه موجوده همکاری نمایند
 من بحیث یک وکیل امروز میگویم که مجلس عمومی بکابینه موجوده
 رای عدم اعتماد داده و این وزرا بحیث ... محاکمه شوند زیرا
 استاد و شواهد ثابت میکنند که اکثریت آن هادای رای هژران
 جریب زمین و املاک و سرمایه های زیادی در بانکهای داخل
 و خارج میباشد (تائید وکلا)

دای - این که امروز وزرا نیامده اند - اتفاق آن ها را ثابت
 نمیکند بلکه دارالاشاعه یا آنها خبر نداده است - ما باید
 این قدر کم حوصله نباشیم - تا وقتیکه شاه محمود خان غازی
 برویگار نیامده بود ملک قانون را نمیشناخت لذا باید
 حوصله داشته باشیم تا قوا نین عزمیت پیدا کند و همه کس بد
 آن آشنا شود - درین قسمت تطبیق شایان وکیل غور بکند که میگویند
 ما سه سال در مسئله غله خریداری بحث کرده ایم - بمقیده
 من در تاریخ فوق موجود است شک نیست که بگفته داکتر صاحب
 بعضی ملاکین در زمره وزرا موجود است زیرا محیط اطراف آن
 ها جلوگیری نکرده است ولی تمام اعضای کابینه ملک نمیشدند
 و شاید اشخاصی خارج کابینه وزرا پیدا شوند که تعداد زمین
 های شان زیاد تر باشد - من نمیخواهم که از وزرا دفاع کنم
 و شک نیست که انسان بدیدن یک شخص جریحه دار و سخت
 متحسب میشود ولی ممکن است مظلومه واقعه و تمین علل راسخا
 ان قضاوت شخص را تغییر بدهد - من هم یکی از قاضیان آن
 باشم و حاضر ساختم شما را بحکومت برسانم ولی ما باید کار
 های خود را از راه منطقی فیصله کنیم

محمد ابراهیم خان وکیل زرمه - بمذمه عریضه اهالی و ملکان
 زرمه را بریاست شورا تقدیم کرده ام حکومت امر قضی داده است
 که ان هاتخصیصه غله خریداری را تسلیم شوند ولی آن ها
 مشکلات خویش را در عریضه تقدیم کرده اند - من از مجلس
 تقاضا میکنم که در مورد غله خریداری جوابی بدهند خواه
 مثبت باشد و یا منفی تا سوء تفاهم در بین حکومت و ملت مشکلات
 پیدا نکند

محمد نسی خان وکیل یتگی قلمه - ما با و میگوئیم که قانون
 عملی نمیشود ولی ما در حالیکه در مجلس هستیم خارج اجتهاد
 بحث میکنم فرموده داکتر صاحب در مورد کابینه باید مطابق
 قانون بمشهادت شده پس ازان که در اجتهاد گرفته شد مطرح
 بحث قرار داده شود

دای - امید است برنجویز بدهد که عبارت از انتخاب دو سه
 نفر وکلا برای مقابله با رئیس کابینه است بحث شود
 خسته - امروز وعده شده بود که وزیر مالیه برای استیضاح
 خواسته شود ولی حاضر نشد - این که رئیس صاحب فرمودند
 که از مسئله غله خریداری سه سال تکذبه بمقیده من در دست
 نیست زیرا از مسئله مذکور سه سال گذشته و فیصله ما بجای نی
 نرسیده شاید رئیس وکلا ی محترم بیاد داشته باشند که
 سال گذشته صدر اعظم صاحب فرموده بودند که همیشه مختلط
 برای فیصله سریع این کار تمین شود - ولی تا حال که سه

از سال میگذرد وزرا مسئله را به تصویق انداختند و بانکه
 در زمستان چندین بار با آن ها مقابله نمودیم آن ها
 نخواستند راه حلی برای این کار پیدا شود - در هفته
 گذشته تقریباً ۱۱ روز قبیل تسلیم واپسور را وزرا وعده نمودند
 بودند ولی تاکنون آن را تسلیم نداده و صرف ارزوی آنها
 گذرانیدن وقت است لهذا خود قضاوت کنید که عس
 موافقه از طرف ما است و یا از جانب کابینه - واضح است
 که وزرا نخواستند شورا کار کند - بهر حال آن ها در اخبار
 نوشتند تا مردم را بشوروا بد گمان سازند و صریحاً نوشته
 اند که وقتی تصویبات شورا عملی میشود که تصویبات از حضور
 اعلیحضرت همایونی بگذرد و حالا نکه در مواد قانون
 صریحاً مقرر است که فیصله های شورا بدون رفتن به
 اعران یا رضای اعلیحضرت برسد ولی صرف در ارایع قانون
 امضای اعیان نیز شرط است جواب ماده ۶۶ را باید
 رئیس صاحب بگوید که چرا تصویبات شورا را در عین
 حضور شاه بصدارت بردند - بمقیده من وقتن هیئت
 حضور قبیل صدارت در شان شورا است زیرا کابینه وزرا
 مطابق قانون اساسی (ماده ۷۶) در نزد شورا مستقر
 و لذا شورا باید مطابق قانون اساسی یک هیئت شرفری
 انتخاب و درین باره عریضه بحضور اعلیحضرت تقدیم کنند
 اینکه وزرا ادعا میکنند که مصوبات شورا از چهار ردیواری
 شورا خارج نشده است - درست است زیرا تصویباتیکه
 در عریضه رئیس صاحب در شورا بصدارت رفته بجای نرسیده
 اما قسمت اعظم گفتار وکلا در مورد مواد قانون اساسی
 ما از آقای وزرا مهر سم که ایا قانون اساسی از طرف
 لویه جرگه و شورا تصویب نشده و بصدقه شاهانه نرسیده
 است اگر رسیده پس چرا مواد قانون اساسی عملی نشده و
 وزرا آن را احترام نمینمایند - در قانون اساسی بیکار
 ممتزع است ولی آن ها آن را تمسیر سوء نمینمایند و اگر
 در اوقات صلح بیکار و ممنوع نبود پس جمله استثنای بیکار
 در موارد جنگ و قانون اساسی بن لزوم بود - میدانیست
 که غله خریداری برای ما محتاج عسکر است و انکار نداریم
 که عساکر ما برای دفاع از خاک موظفند ولی باید بگوئیم
 که تنها عساکر از خاک دفاع نکرده و مشهادت تا و بیخ فرد
 فرو ملت هر وقت برای دفاع از خاک خان ثنلری کرده اند
 و چون عموم ملت از غله خریداری بستوه آمده و همه شکایت
 دارند پس لازم بود به پاس احترام ملت حکومت حاضر
 میشد راه حلی برای این قضیه پیدا کند چون کابینه در
 همه امور با ما موافقه نکرده و ارزوی موافقت ندارند و قوانین
 را پنا مال کرده اند پس من بحیث یک وکیل ازین کابینه
 سلب اعتماد میکنم (عده از وکلا درست است - درست است)
 دای - من میگویم که برای حل قضیه سه نفر انتخاب شود
 ولی همه وکلا خلاف موضوع حرف میزنند

محمد رفیق خان وکیل سوخورد - در حین انتخاب
 سه نفر وکیل من با آقای خسته هم عقیده ام زیرا کابینه
 زیرا اثر شورا بوده و لذا ما باید مستقیماً بحضور اعلیحضرت
 برویم - در خصوص اجتهاد عرض من این است که ما در سال
 گذشته کارهای زیادی کردیم ولی یک موضوع هم اجرا

يك فرد در خارج شورا بد بوده ولی در داخل شورا خوب
 با شد همه و كلا ميدان بود که قلت غله در فراه بیشتر بوده
 و اکثر اهالی فراه از شدت فقر و فاقه به ولايات ديگر مخصوصاً
 سمت شمال رفتند و شاید ولايات شمال اطلاع داشته باشند
 ولی چه بايد کرد بمقیده من لا زم است چند نفر از ولايات
 که ميترانند درین موضوع از حقوق شورا دفاع نموده و خوب
 استدلالات نمايندگان انتخاب شوند و مسئله را بحضور شاه -
 عرض نمايند *

عبد القیوم خان وکیل مقر - سخن من در باره کمیسیون
 بود و ممکن از نکرده رفته باشد ما با کمیسیون مخالفت نمیکشیم
 ولی باید کارهای موجوده کمیسیون ها را تمام کنیم و با ز
 کار دیگری را بگنویم در باره اجنده رئیس مجلس باید ترتیب
 اجنده را حفظ کند و نگذارند که هرکس از هر طرف صحبت
 کند ورته گی های ما هوای میورد و مثل این است که ما از
 يك المی بیست شمرده و با ز حساب را از سر بگنویم لذا يسک
 فقره و یا دو فقره را باجنده بگیرند تا در اطراف آن -
 مذاکره شود و کار شود *

عبد الصظیم خان صافی شومنی شریا - نظر ما بر رئیس
 بقرائت اجنده پرداخته ولی قهلاً اظهار تردید که ما در ولا
 تصور بسیار استفتاء محاکمات امضا شود و بعد گفت که در -
 اجنده امروزی ما اولاً مباحثه تجارتی هند و افغانستان
 و ثانیاً مباحثه افغانستان با دولت برمه و کذا مسئله
 دیگر شامل است اما آقای رئیس فرمودند که چون وقت باخر
 رسیده است من اجازه میدهم و کلاً در اطراف موضوعات
 خارج اجنده صحبت نکنند *

سید محمد خان دهقان وکیل بدخشان - بنده عرض
 میکنم که از جمله چندین مطالب ضروری امروزه ملت و مملکت
 در سال ۸ کسای فقره را جدی تر پیش گرفته و خواستیم کار
 گران حکومت بعد ازین خلاف مواد قانون اساسی و دیگر
 قوانین موضوعه رفتار نکرده تصمیم قوانین و اجرای مطالب
 را حکومت اعلان کند همانا خود حکومت خواهرش نبود که
 نمایدگان ملت در بعضی امور بمذاکره و مفاهمه با حکومت
 پیش میاینند - با وجودیکه قبول این ادعا در بعضی موارد
 تاثراتی فیصله ما روی حسن عقیده که داشتیم با اعضای کابینه
 داخل مفاهمه شدیم اما در ظرف دو سال و کسری بسا -
 مملزم شد که ازین حسن عقیده زبان کشیده ایم و لا بد بعد
 ازین نمیتوانیم با چنین روشی سر میا بندیم و لهذا
 تصویبات شورا بیان را که تماماً تأیید قوانین است يك
 فیصله قاطع میدانیم و جدا مطالبه داریم که قوانین عملی
 گردیده بمظالم و بی نظمی ها ازین برده شود - در امور
 مفاهمه با حکومت راجع بپنله خریداری که حکومت از ما
 طالب مدارک گردید و با اینکه ما و گران بالای ملت تحمیل
 میشد ما برای رض این بار و گران تر مدارک مذکوره را بدها
 نمودیم ولی حکومت ان را طرف استفاده خود قرار داده و
 اخیراً ما بفرزاد برکش برده و بسا بواند حیاتی ملت برای -
 مباشر ما بپوش استفاده شد - اگر چه ما بپانزدهی صحت
 عساکر و پلیس متبوعین خورسلا هم اما خدا کند ما بین

ذریعه ظلم و احتیاف - خود سری و بی کاری -
 بی کفایتی و سوء رفتار و سوء انتخاب و عدم مسئولیت
 و قانون شکنی ها ازین رفته و ما فزونی مباشرت و
 زیاده روی ماورین هم افزونی بحمل نیاید لیکن با
 این طرز روشی که روز بروز ملت بمطرف خرابی رفته و سوز
 حیاتی شان پیاپی میشود نمیتوانیم ارایح و تکالیف
 گرانکن را به پند بوم زبوا تا امروز با تجربه دیده
 ایم که کارکنان حکومت مصدر کدام فضالیتی که از ذلت
 و خوارگی ملت جلوگیری کند نشده اند اوضاع زواعه
 خراب و نه تنها وظیفه اقدام و سایل مفیدی در دسترس
 ملت گذاشته نشده بلکه ترتیبات موجهه و طبیعی هم
 از دست رفته است - مراعات و بالجرها که وسوسه تجربه
 و از یاد ماوشی است از طرف ما مورین در ممر حق تجارت
 گذاشته شده صنعاعه و حرف ملی نیز رسقوط - مصارف
 دستخوش و با زجه روزا رع مصارف تراز گرفته و از چند
 سال با بین طرف تحولات تا سفید شده - سوزیه تطلیبی يك
 دسته قایل اولاد ملت را که شما دست شمول در مکتب را
 دارند روز بروز پیاپی برده - قانون و دستور - نظم و
 نسق در رفته ها و بشون اداری و حیاتی ملت و مملکت
 درک ندارد (اگر باشد در جاتی است که بقاد ما دی
 حکومت و عواید مالی کارکنان را حمایت کند) مفاهمه
 اخلاقی یعنی نفاق و شقاق و دعای ناسحق بیمن
 طبقات ملت بشروع افزون عزاید تا مشروع ماورین
 در تمام مملکت روز افزون و چندین تا ملایجات دیگر در
 جریان است - درسته است که از چند سال با بین طرف
 چند سوسه و تصمیم و فایزیکه و تشکیلات بلند بالا بحمل
 آمده اما این کارها روی چندین پایه ای بنیاد یافته
 که بنیه دارائی ما را قهراً ضعیف ساخته است و حاضر
 ام توضیحاتی درین باره بدهم - بعد از سالهای -
 متمادی که ملت توانست اظهار مطالبین نموده و ترجمه
 حکومت را بسوی خود بمطرف سازد - روزهای محترم دلایلی
 روی کاغذ ریخته و تمام مطالب ما را تنها جواب
 ملحق میدهند بلکه میخواهند با رهای دیگری را بدوش
 خلق تحمیل نمایند تا در زیر بار و فشار قائم تا توان
 ملت خمیده و بیارای تکلم و حرکت و حقوق طلبین برایش
 باقی نماند - درین جا ارباب بصیرت قضاوت فرمایند که
 اینگونه همیشه را یکدام دلیل و منطق يك عمل درست است
 و صادقان بشاه و ملت بشماریم ؟ آیا ما بپرس ساختن
 دوازده مایون نفوس را از پهل شاه بشروع شان و کس
 ملت را زیر بار هلاکتها و انزجارها خم کردن براتب
 و خیبی ندارد ؟ آیا میشود درین عصر تمام کارها را يك
 توافق برقرار بپوش و استعمال قوت و تهدید و تخویف بالای
 ملت پیش برد ؟ آیا اقلایان تلخی را مظالمه نکرده اند
 که به خامت چنین اصال بی بپوشد ؟ بمقیده من تفنونی
 رسوخ از راه وفق و ملایحت سادوستی و محبت و وحدت
 فکر يك نفوذ با دوام و اطمینان بخش خواهد بود اما
 استعمال قوت پامان خوب ندارد و وقتی ملت بخواهد
 (بقیه دراتی)

ادبیات

شاغلی محترم شیر احمد خان افغان
 (د غزنی وینا) وکیل قره باغ
 ولی تصور کم شه د غزنی په مملکت کشر
 غم شو و دجا ر بیوت په کرم د مشقت کشی
 پلا زوی د شاهانو مشرف په هر هیواد دویته
 دیر کج کلا هان په تا کس تا ست چه همیشه کشی
 چه شو هغه خلق د غزنی حکمرانی کوه
 و په شایسته هیواد ددی په حکمیت کشی
 عالم به و تازه ددی په خلق او صداقت سره
 گذران د هر سری و هم په عهتر او مشورت کشی
 ته منشگاری د لایق سرداران و هسی
 ولی د نقصان شو هم په آپ په عزت کشی
 په عقل شجاعت سره مشهور د اولادونه
 لیک وی په تاریخ او کتابو په هر ملت کشی
 مستند د عالمان فاضلان د علوم هسی
 دوس په تا کشی تا ست د لیونی په حکومت کشی
 محتاج شوی هیوادو تا اهل و تا رسا و ته
 تپ لکه مرغه شوی اوس په لومه د رشوت کشی
 خان ته په خطاب د ارسطو پلیتاس کوی
 دی به وی بزور د جمعیه په حماقت کشی
 خوک چه په فرق د مظلوم دهری و کسری
 وا عجب با زار دده آس وریا خرد قیمت کشی
 زاره جا مرا دپه مخ ته وگاژه لا شونه
 خدایه خنگه وړک شو شه سوری په داملت کشی

مؤده بهبوطلیان گزانی

طوریکه شاغلی گل پاچا خان الفت اطلاع میدهد اخیرا
 ریاست مطبوعات رسما به نشر جریده هفته را (اولوس)
 اجازه دادند اما طلوع این ستاره درخشان ملی را
 به هموطنان گزانی مؤده داده و انهد و اویم که شاغلی
 الفت که سابقه طولانی در مطبوعات کشور داشته و یک
 نویسنده حساس و صاحب درد اند مجله ابرو مندی
 به خلق تقدیم نموده و با نشر افکار پاک و بین الا پیش پدید
 های عدیده ملت موهم گذارند ما توفیقات مزیدی برای
 شاغلی الفت خواسته و کامیابی شان را درین راه خواستگار

خلق و خلق

کیمیا گر فیلسوف

رجب خان - چرا ان هائیکه دیروز مصطفی مخرنوع القاب
 چا پلوس و عاشق و عامل پلان های اجنبی و مجسمه
 فقر و فلاکت بوده اند - امروز مشکل یک ملیون (مسی
 سرمایه ۲۲) خود را و طعنه خواه و دشمن چا پلوس و القاب
 تزدیک به کنا بقرووشی دستیاب میشود با پول اندک
 ۰۰۰ حساب میکنند ؟

عجب خان - این ها کیمیا گران فیلسوف و استادان مکب
 فلاطون اند که بی داشتن سرمایه و منبع معلوم -
 ملیون تر شده و امروز هم از روی فلسفه متاعی را به بازاری
 عرضه میکنند که خریدار داشته باشد .

قیمت یک شماره ۵۰ پیسول

قابل توجه روزنتون - نظر بمقتضای عده ای از هم
 وطنان گزانی و اقربونی عده کم شدگان از رهبا ست
 روزنتون تقاضا میکنم که با ساس و وظیفه یک اطاعتی
 را برای اطفال کم شده در روزنتون تخصیص داده و
 خانین را برای پذیرائی ان ها تمین فرمایند
 زیرا در مراکز بولیس برای اطفال بیچاره جسی
 مساعد و بهر ستاری درستی وجود ندارد .

خبر های اژانس ششدرک :

اژ خارج - چون تلفون و موبو نمایند ما (دلخک)
 در خطره های اخیر از دستشورنه ۰۰ بخبری ما را
 ثنوا ختند - در صدمیم منظوری کدام هوا بهیما ی
 جیت دار را برایش حاصل داریم تا از قهر خود فراید
 و خیرق بما بفروستد .

در داخل - چون دیگر زمین زراعتی نمایند ارباب
 ها علفچر و دشت ها را در املک خود شامل می
 سازند ۰۰ مرد کوهدانی که قبلا خود را سوختاننده
 بود - در گذشت ولی دعوا پیش یاتی است تا جا نیکه
 معلوماست داریم علت سوزانیدنش عدم اعتنا بمرا یض
 او در ولایت کابل و وزارت داخله بوده است .

شاغلی کتیل ریاست تفتیش مصارف در ششمین جلسه
 کلتوری یو تسکو تمین گردید ۰۰ خدا مهر بان است
 که این بار سودی بهیتم - کافی علم و جهل در
 دهمزنگه باز شده و رئیس کورراتیف هم غایت به
 استمنا و یا ۰۰۰ تکان های و تزلزله اخیر بخیر گذشت

و جیب خان میگردد ۰۰ شکر آگه تی همه چیز از سرها
 سهیل میماند ۰۰ تما یبند ششدرک توسط دستگا ه
 مخصوص خود از میمه اطلاع گرفته است که اولیای
 انضباطیک عده محبوب سین اجازه پدهند که بخانه
 اشخاص مصیبت رفته و سرش را زده و مالش را تواج
 تما یبند چنانچه مرا د بای نام را در محله تتروک
 کشته و بعد تصدیق عده بی ثواب اصل قاتل کنه
 شخص محبوب بود شستا خسته شد همچنان مو ظفین
 کوتل قیصار دو نفر جوان را کشته و مالش را ضبط
 نموده اند و بعد تحقیق و اعتراف ژاندا ربهای موظف
 گفته اند که ما برای تلافی رشوتیکه برای تترویان
 وظیفه داده ایم مجبور باین رویه میباشیم .

اعلان تا قاپسل توجه

هم خرما هم ثواب : تکه های پشوی وغیره -
 تولیدات فابریکه پشمینه باقی قندهار در جاده میوند
 تکه های مرغوب و دیروام را حاصل و هم فابریکا ت
 وطن خود را با این وسیله تقویه میکنند .

صحنه خلق - برای خدمت بهموطنان گزانی یکمده
 از منتظین جوان حاضر شده اند صحنه ای ترتیب دهند
 هموطنان گزانی با سهیل صدالی هزار افغانی میتوانند
 با این خدمت ملی اشتراک نموده و هم از مفاد ان استفاده کنند

دكتور عبد الرحمن محمودى
مدبر مسئول
انجمنيرولى احمد عطمانى
هر دو شنبه و پنجشنبه به پشتو
و فارسى نشر ميشود

نظاره خلق

نامه على ادبى - اجتماعى و سياسى

جاده ميوند - كابل
نمبر تيلفون ---
آدرس تلگرافى " خلق "
تا سهس ۱۲ حمل ۱۳۳۰

اعلاميه حقوق بشر (۶)

۰۰۰ و همچنين حق دارد که در مواقع بيگارى - بيمارى - نفس اعضا - بيوه گى - پيورى يا در تمام موارد ديگريکه بمثل خارج از اراده انسان و سايل امرا و مامرا از دست رفته باشد از شرايط آبرو مندانه زندگى برخوردار شود - (آ) اين سماعت براى اين ملت مظلوم و فقير که فاقد همه چيز است نيز روزى ميسر خواهد شد؟ بمقديه مسا هر وقتيکه مردم بحقوق خود آشنا گردند هيچ مانعى براى تا مين اين سماعت نخواهد ماند - دوم - مادرا ن و کودکان حق دارند که از کمک و مراقبت مخصوصى بهره مند شوند -

ماده ۲۶ - اول - هر کس حق دارد که از آموزش و پرورش بهره مند شود - آموزش و پرورش لااقل تا حدوديکه مربوط به تسليمات ابتدائى و اساسى است بايد مجانى باشد -

آموزش ابتدائى اجبارى است - آموزش حربه اى بايد - عموميت پيدا کند و آموزش عالي بايد با شرايط مساوى کامل بپوى همه باز باشد تا همه بنا باستمداد خود بتوانند از آن بهره مند گردند - دوم - آموزش و پرورش بايد طسورى هدايت شود که شخصيت انساني هر کس را بحد اڪمل رشد

آن برساند و احترام حقوق و آزاديهاى بشر را تقويت کند آموزش و پرورش بايد حسن تفاهم - گذشت و احترام عقايد مخالف و دوستى بين تمام ملل و جميمت هاى نژادى مسا

مذهبي و همچنين تو سمه شماليت هاى ملل متحد را در راه حفظ صلح تسهيل نمايد - سوم - پدر و مادر در انتخاب نوع آموزش و پرورش فرزند ان خود نسبت بديگران اولويت

دا رند (گويا نتيوان بزر اشخاص عاقل و بالغ و بکلور مسا ديده را نمانند وزارت معارف ما بزر در شمس که ذوق ندارند و مجبور بمر ايشر متمدن بهر جا ميشوند تقسيم کرد -)

ماده ۲۷ - اول هر کس حق دارد از اذانه در زندگى فرهنگى اجتماع شرکت کند - از فنون و هنرها متمتع گردد - و در پيشرفت علمى و فوايد ان سهيم باشد دوم - هر کس حق دارد از حمايت مناسب مثنوى و مادى اثار علمى - فرهنگى يا هنرى خود بهره مند شود -

ماده ۲۸ - هر کس حق دارد بر قرارى نظمى را بخواهد که از لحاظ اجتماعى و بين المللى - حقوق و آزاديهاى اى که درين اعلاميه ذکر گرديده تا مين کند آنها را بورد عمل بگذارد (گويا يك نظاميک حقوق و آزاديهاى بشرى را پائمال نمائيد

قطعا قابل اطاعت - اول - هر کس در مقابل ان جنايت و ظلمه اى در

ماده ۲۹ - اول - هر کس در مقابل ان جنايت و ظلمه اى در

د ر شوراي مليس -

بقيه جلسه يكشنبه ۲۶ جوزا

آقاى دهقان به بيانات خود اذانه داده گفتند:

اما استعمال قوت بايان خونين ندارد و وقتى ملت بخواهد بوضع ظلم و تعدى از خود بپردازد هيچ قوتى مانع ان شده نتوانسته و خرابيهاى جبران ناپذيرى با ر خواهد آورد -

باز برگرديم باصل مطلب يعنى مواد هنگامه - آنچه قبل از اين در مجلس بتصويب رسيده چون اصل ادعا براساس قانون بوده - محتاج ببيودن مراحل ديگر نيست و حکم قانون قاطع است زيرا ما ميگوئيم که ان تصويبات شش را که در مورد تصويب يك لايحه قانونى جديدي باشد بايد

بايعان بپوى ولى ان تصاويب شوراى تا شيد يك قانون موجوده مثلا قانون اساسى را همتا مديس قطعا لزوم ندارد کدام موازى را طى کند و بايد پس از صحه همابوي بطور قطع على گردد و ايتهم وظيفه است که بملک بپمانيم

تا خارج موارد و چو کات قوانين جيزوا متحمل نشوند - ديگر در قسمت ها شيك هنوز قانونى در ان باره وضع نشده

باشد نميتوانيم درين وقت تليلي که از دوره هفتم باقى مانده تحت بحث و غور گرفته و بيفصله برسانيم چه نسي

توانيم براى ملت يك جواب با صواب برده باشيم - مسا کدام موقميت خاصى نداريم که ملک و حکومت را قربان حفظ مقام خود بسازيم - ما به پادشاه متمتع خود

صادقيم و ميخواهيم بيشتتر تخم محبت شاه را بدست خود بر قلوب ملت بپوشانيم و يك وحدت فکرو عمل را بين شاه و ملت توليد و قائم نماييم تا مملکت از هر گونه خطر

هاى اجتماعى بفضل خداى متعال ايمين مانده شاه و ملک در جاده محبت و طمانيت که يگانگه اسباب سماعت است قدم بپيما شوند - روزى اين منظور خود بپتجار ب

که رشد آزاد و کامل شخصيت او را ميسر سازد - دوم هر کس در اجراى حقوق و استفاده از آزاديهاى خود فقط تابع محدوديت هائىست که بوسيله قانون - منحصر

بمنظور تا مين شفا سائى و مراعات حقوق و آزاديهاى ديگران و براى رعائت مقتضيات صحيح اخلاقى و تنظيم عيوس و رفاه همگلتان در شرايط يك جا نمه ديگروا تيلک وضع

گرديده است سوم - اين حقوق و آزاديها در هيچ بوردى نميتواند برخلاف مقاصد و اصول ملل متحد اجرا گردد -

ماده ۳۰ - هيچيک از مقررات اعلاميه حاضر تيا بى طورى تفسير شود که متضمن حقى براى دولتى يا جمعيتى يافردى باشد که بپوجب ان بتواند در برابر حقوق و آزاديهاى اين اعلاميه را از زمين ببرد و يا در ان راه فعاليتي بکند -

گذشته اکتفا نموده دیگر با وزرای محترم بنگام مذاکره و
مغامره ادامه داده تمتعاً بهم چه ان هائیکه قانون
اساسی را می شکند بمقیده خود شان کار و خدمت بزرگی
انجام داده اند و ما که اجزای قوامین را مظالمه میکنیم
ما را کار شکن نامیده مستو جب زجر و توبیخ و تکتب گنسا
لا یفتوری می پندارند - لذا ما هم اهمیت هر چیز را در نظر
گرفته مطالب و اصلاح امور ۱۲ میلیون نفوس فقیر را بر دلایل
خود ساخته اقایان ترجیح میدهم و چیزی را که خیر و صلاح
مادی و معنوی پادشاه و ملت و مملکت میدانم دهنی عملی -

کردن آن تا اندازه مقدور و امکان میکوشم - در خاتمه عرض
میکم راه امیدی که برآیخود باقی داریم همانا افکار و
نیات نیک شخص شخص اعلیحضرت است و از آقای رئیس -
صاحب شورا خواهش دارم و سهله اتصال و تماس مستقیم
ما را بحضور اعلیحضرت همایونی فراهم سازند تا راه حلی
برای رفع خرابیها و از آله مشکلات امور ملت و مملکت و حسن
روابط بین حکومت و ملت پدید آید (انشاءالله و تعالی)

محمد عثمان خان وکیل رودات - اصل مطلب از دست
رفته ولی من باصل موضوع هر میگردد - موضوع عبارت از -
از یاد روزهای مجلس بود که شاغلی خصوصی چه روز
جلسه شورا را پیشنهاد کرده اند ولی ما خلاف اجتهاد -
بحث میکنم و به تصویری رسیده نمیتوانیم - در باره غلبه
آنقدر درد داریم که شرح داده نمیتوانم لکن سال گذشته
در موضوع غلبه پانزده بواقع صدر اعظم و پیشنهاد شورا قضیه
بکمیسون مختلط محول شد و در کمیسون ممکن دلایلی رد
و بدل شده باشد ولی با تا زمانیکه را پیور و دلایل وزارت -

ما لیه نیاید باید بحث نکنیم - طوری که در اجلاس شورا
شعبه میشود که صدر اعظم صاحب در سال گذشته تصد
کرده بود که غلبه را رفع میکند تا جائیکه بیاد دارم -
تصدی قلمی نموده بلکه گفته اند نظر ما بحاجت یک کمیسون
مختلط برای تدارک بدایه تمین میکنم - و اجماع با این که
بعضی و کلاً راجع با اعتماد و عدم اعتماد نسبت بکا پیشه
حرف میزنند بحیث یک وکیل میگویم که شورا با ما س توانین
خود رفتار نماید بکند و تا جائیکه در قوانین میبینیم -

کدام را ی اعتماد دادن و عدم اعتماد را در قانون ندیده
ام اگر جناب شان ندیده اند بفرمایند و الاحضرت غازی
رئیس کا پیشه اند و من بحیث یک وکیل میگویم که طرف اعتماد
تمام ملت اند و اگر ما اعتماد خود را برداریم ۱۲ میلیون
نفوس ازان ها بخواهند برداشت اگر چه بعضی و روزی دارا
نیافت بوده و نسبت با ظهارات بعضی و کملاً بعضی و زرا
لایق نیستند باید آن ها را طبق قانون بدو آن عالسی
بسیاریم *

سید محمود خان وکیل غزنی - در سال گذشته مسئله
دیون تصواتی تا آخر در اجتهاد وجود داشت و تا حال و پاک تحریر کنند - ما میگویم که هر موضوعی که در
نده و چون ۳۰ - ۴۰ بقره میباشد یک مسئله مهم بوده اجتهاد بود مهم است و مهم و اهم آن بریاست
و هزارها افتخاری ازین رنگ و رنگر بحیث اشخاص مانده و در شورا تعلق دارد و لذا هر چیزیکه در اجتهاد گرفته
بیمه اشخاص مظلوم وجود دارد و گذا اشخاص وجود
ند که باید تیره شوند و این دو ماده که در اجتهاد - رئیس - باز بر ما مجبور ساختند که برای خود وقت
گرفته شده طیها در اول وجود نداشت با ز روی خود را گرفته و صحبت کم چه رئیس مجبور است که بمقتا بل

به نمایندگی های جراید گردانیده گفتند خواهش
میکم که بعضی چیزها شورا که و کلاً میگویند تحریر
نکنند (ولی جناب وکیل تصریح نکردند که از طرف
جریده نگاران در کدام و در چه قسمت بیا تیه شان
تخریبی بعمل آمده بود) در حصه غلبه خریداری صدر
اعظم صاحب وکیل بالتوکیل همه موکلین من اند -
او شان در مجلس آمد و امر کردند کمیسون مختلطی تمین
رفتند و گوییم بوجود بصدای شورا امتدات نکردند و

چون صدر اعظم صاحب همیشه صدای ملت را شنیده
اند و با این وزرا بجای تمیوسم از مجلس خواهش می
کنم که قرا ر مملومات من صدر اعظم حرکت کرده و مملکت
بعد از ۱۵ و یا ۲۰ روز خواهند رسید و لذا باید و کلاً
تا آخر رمضان صبر کنند و موضوع را به تمویق بینند از
و اگر اوقت مدارک را با آنها پیش کنیم بنظر رد خواهند
دید در حصه این که یکمده و تقابیر خلاف کار در کمیسون
ها میباشند اگر خواهش بحث در موضوع را دارند حاضریم
رئیس - وکیل غزنی میگویند که قسم دیو در اجتهاد -

طرف با تمین هر دو چون من چهل بقره است بزودی
تصله میشود ولی بنده گمان میکنم که اوراق دیو تقریباً
۱۵۰ ورق بوده و بمشکل از مجلس خواهد گذشت -
و البته در سال گذشته ما روزی را برای مسئله دیو
تخصیص دادیم ولی مذاکره بجای نمی رسید و چون دیو
از مسایل هفت گانه است البته در مورد آن بحث میشود
شک نیست که دیو ز از طرف دار الاضاهر بقره دیگر در
اجتهاد گذاشته شده ولی در عرض ۲۵ بقره استفتا
های قانونی کشیده شده لیکن باید متذکر شد که در
مورد این دو مصادرات خارجی از طرف وزارت خارجه
نیژ تاکید شده و سفیر کا در سو ریه وعده داده است که
یکسال بعد تصدیق مصادره با آنها میشود ولی تا حال
از مجلس نگذشته ولی در مسئله دیو کدام غرض شخص
رئیس - وجود ندارد *

محمد صدیق خان وکیل گوشک - با جا زه رئیس عرض
میکم که در ابتدای مجلس هم گفتیم که فقرا تیکه بحث
میشود خلاف اجتهاد است درست است که هر چیزیکه
در شورا بحث میشود با یاد ز و اعتراف باشد مثلاً ما
در اطلاق داخل میشویم از راه دور از تده از راه
کلکین و مثلاً سقا تده خود رئیس که اجتهاد را تمین
میکند با ز دیگر مسایل را میا روند - دوم خود رئیس
در مقابل نا طبقین رفت گرفته و صحبت میکنند - با ز
روی خود را مسوی نما ینده جراید گردانیده و گفت

خواهش میکنم که جریده نگاران بیانات ما را صاف
خود هر چه در اجتهاد وجود داشته و تا حال و پاک تحریر کنند - ما میگویم که هر موضوعی که در
اجتهاد بود مهم است و مهم و اهم آن بریاست
شورا تعلق دارد و لذا هر چیزیکه در اجتهاد گرفته
بیشود برای همان روز مهم است *

رئیس - باز بر ما مجبور ساختند که برای خود وقت
گرفته شده طیها در اول وجود نداشت با ز روی خود را گرفته و صحبت کم چه رئیس مجبور است که بمقتا بل

رئیس - باز بر ما مجبور ساختند که برای خود وقت
گرفته شده طیها در اول وجود نداشت با ز روی خود را گرفته و صحبت کم چه رئیس مجبور است که بمقتا بل

هر وکیل صا حب تو ضیحات بدهد من در حین بیانیته هسرو وکیل صا حب مکروا میگویم که خارج موضوع است ولسی آقای وکیل به بیانیته خود ادامه میدهند. را پور کمیسیون زمستانی تا امروز بما تر سیده پس هر کس که در مورد آن حرف میزند خلا فاجنده است *

میر غلام محمد خان غبار وکیل کابل - درست است که باید مداخله اجنده بحث شود و بعضی وکلا گفتند که خارج اجنده بحث کردن جائز نیست ولی در مسایل مهمه بحث خارج دستور جائز بوده و در همه جا مصول است کارها را میتوان بهسه قسمت تقسیم کرد اول اموریکه وکیل در خارج شورا دیده و مربوط بملت است دوم امریکه در داخل شورا بقسواتین و وظایف داخلی آن مربوط است سوم امور مهمه که بههمه خلق متعلق بوده و لذا در موارد مهمه وکلا حق دارند خارج اجنده و یا خارج دستور باجازه رئیس - نمابا حثه گفتند در حصه غله خریداری که یک مسئله مهمی بوده و در اثر مباحثات مکور بجائی تو سیده لذا وکلا حق دارند که درین موضوع حرف بزنند و هفتده قبل را بسور کمیسیون زمستانی روز بروی ووزرا گذاشته شد و آن هاد درخواست ولی بن راست عرض میکنم که امروز ملت از حرکت متنفسر کردند که راپور را برای مطالعه با خود ببرند و وعده کردند که روز شنبه که اکنون ۹ روز از آن میگذرد آن را بما بوسا نند نیست و کارشان بر وفق بوام خلق تمیبا شد پس باید ولی تاحال تو سانه اند و لذا ووزرا اگر راپور خود را نمی فرستند باید راپور وکلا را بفرستند و ما نماید بپورا نمابا انتظار بکشیم در صورتیکه غله خریداری با ساس پیشنها د وکلا در اجنده آمده و در حضور صدر اعظم سال گذشته فیصله شد که این با ر کبر شکن در سال ۳۰ از دوش خلق برداشته شود و در عو خ ۴۳ میلیون کسر بودجه که ووزرا نشان میدادند ما ۴۹ ملین از بد اواک مختلفه تهیه نمودیم ولی انما با شورا بواقفه نکردند پس حیات مملکت بچند فرد بسته نبوده و به پنج وزیر تعلق ندارد و باید بکا بیته موجوده رای عدم اعتماد داده شود و چون شورا رای عدم اعتماد را تصویب میکنند پس اعلیحضرت همایونی حق دارد که شخصی را بحیث صدر اعظم تعیین نماید و صدر اعظم نیز قانونما حق دارد که وزرای کابینه خود را تعیین کند ولی من بحیث یک وکیل میگویم که اگر کابینه جدیدی بروریکاراید ما مدارک دیگری برای این کار نشان خواهیم داد ولسی چون بکا بیته موجوده موافقت و اعتماد داریم پس در این باره با نمابا حرفی زده نمیتوانیم * (تائید یکصد وکلا) سید عمر خان وکیل بیلان - وقتی در شورا بیائیم بر خلاف اجنده بحث میکنیم و این خلاف قانون است اگر وکلا خیر جامه را میخواهند باید در اجنده بحث کنند تا بقیصله برسیم تا گفته نمائند که در تمام دنیا اجنده اعلان می شود وکلا با ن بحث میکنند ولی ما بر خلاف قوانین گرد آمده و وقت خود را میگذرانیم در حصه غله خریداری اگر ما در مجلس باشد صدر اعظم صا حب تشریف آوردند و چون ما غله خریداری را تکلیف دانستیم صدر اعظم صا حب فرمودند که باید هیئتی از طرف شورا ووزرا انتخاب و فیصله بعمل بیاورند - همیشه انتخاب شد ولی بکنکه خیر فیصله توسیذند و صدر اعظم هم طرف امریکا تشریف برد من نظریه وکیل غزنی

را تائید میکنم که تا ابدن صدر اعظم صا حب مسئله غله خریداری بمطل گردد * قاضی عبد السلام خان وکیل - اصل موضوع این بود که نظر بتجربوی بعضی وکلا باید مجلس عمومی کسار کند و کمیسیونها بمطل با شد ولی باید تمام امور شورا بر طبق قوانین اجرا شود و همه ووزرا ووزرا تخانه هسا مجبور اند که قانون اساسی و سائرتو این مملکت را که بصدقه شاه رسیده باشد احترام کنند و بان رفتار نمایند تا امروز یکی از اصولات موضوعه در مملکت - تطبیق نشده و لیا حق داریم که قوانینی را که به ووزرا سپرده ایم در مورد تطبیق آن ها از ووزرا با زخواست نمائیم اینکه از اطاعت اولوا لایم بحث میکنند بنده بی گویم که در قوانین انضا شاه موجود است و باید ووزرا آن را تطبیق میدهند و اطاعت میکردند و اگر نکرده اند باید در تحت بحاکمه گرفته شوند (تا تبیند وکلا اصل بقاد وکلا ان است که ان ها یک واسطه و رابطه اند و باید در دولت را بحکومت برسائند کمیسیون درخواست ولی بن راست عرض میکنم که امروز ملت از حرکت متنفسر کردند که راپور را برای مطالعه با خود ببرند و وعده کردند که روز شنبه که اکنون ۹ روز از آن میگذرد آن را بما بوسا نند نیست و کارشان بر وفق بوام خلق تمیبا شد پس باید ولی تاحال تو سانه اند و لذا ووزرا اگر راپور خود را نمی فرستند باید راپور وکلا را بفرستند و ما نماید بپورا نمابا انتظار بکشیم در صورتیکه غله خریداری با ساس پیشنها د وکلا در اجنده آمده و در حضور صدر اعظم سال گذشته فیصله شد که این با ر کبر شکن در سال ۳۰ از دوش خلق برداشته شود و در عو خ ۴۳ میلیون کسر بودجه که ووزرا نشان میدادند ما ۴۹ ملین از بد اواک مختلفه تهیه نمودیم ولی انما با شورا بواقفه نکردند پس حیات مملکت بچند فرد بسته نبوده و به پنج وزیر تعلق ندارد و باید بکا بیته موجوده رای عدم اعتماد داده شود و چون شورا رای عدم اعتماد را تصویب میکنند پس اعلیحضرت همایونی حق دارد که شخصی را بحیث صدر اعظم تعیین نماید و صدر اعظم نیز قانونما حق دارد که وزرای کابینه خود را تعیین کند ولی من بحیث یک وکیل میگویم که اگر کابینه جدیدی بروریکاراید ما مدارک دیگری برای این کار نشان خواهیم داد ولسی چون بکا بیته موجوده موافقت و اعتماد داریم پس در این باره با نمابا حرفی زده نمیتوانیم * (تائید یکصد وکلا) سید عمر خان وکیل بیلان - وقتی در شورا بیائیم بر خلاف اجنده بحث میکنیم و این خلاف قانون است اگر وکلا خیر جامه را میخواهند باید در اجنده بحث کنند تا بقیصله برسیم تا گفته نمائند که در تمام دنیا اجنده اعلان می شود وکلا با ن بحث میکنند ولی ما بر خلاف قوانین گرد آمده و وقت خود را میگذرانیم در حصه غله خریداری اگر ما در مجلس باشد صدر اعظم صا حب تشریف آوردند و چون ما غله خریداری را تکلیف دانستیم صدر اعظم صا حب فرمودند که باید هیئتی از طرف شورا ووزرا انتخاب و فیصله بعمل بیاورند - همیشه انتخاب شد ولی بکنکه خیر فیصله توسیذند و صدر اعظم هم طرف امریکا تشریف برد من نظریه وکیل غزنی

خواند نیهای خلق

این چه استغنا است؟؟

زا هد ظاهر هرست از حال ما آگاه نیست
 در حق ما هر چه گوید جای هیچ آگواه نیست
 در طریقه هر چه پیشتر سالک آید خیراوست
 در صراط المستقیم ای دل کنی گمراه نیست
 تا چه با زی رخ نماید بیذقی خواهیم راند
 عرصه شطرنج زندان را محال شاه نیست
 این چه استغنا است یا ربنا بی چه قادر حاکمست
 کاین همه زخم نهان است و مجال آه نیست
 چیست این سقف بلند سادده بسیار نقش
 زین مسما هیچ دانا در جهان آگاه نیست
 صاحب دیوان ما گویا نمیداند حساب
 کاندین طنزنا نشان حسبه الله نیست
 هر که خواهد گو بیا و هر که خواهد گو بپور
 گپور دار و حاجب بود درین در گمراه نیست
 هر چه است از قامت تا شان بینی اندام ماست
 ورنه تشریف تو بر بالای کس کوتاه نیست
 بر در میخانه رفتن کار یک رنگان بسود
 خود فروشان را بکوی مغروران راه نیست
 بنده پیر خرابی تم که لطفش دایم است
 ورنه لطف شیخ و زا عدگاه است و گاه نیست
 حافظ او بر صدر نشینند زعالی همتی است
 عاشق دردی کفر اندر بند ما لوجه نیست
 (حافظ)

خلق و خلق - شاعلی محمد سورور خان حسین از یگراسی
 و عده ای از اقلایان از لوگو میگنارند که شرکت سرویس چند
 بار را جمع بجمعین یکی دو عواده مو تو وعده داده اما
 هنوز رفت و آمد ما با پای پیاده و یا بر سر بارهای پوتو
 های لاری ادابه دارد... البته توجه شرکت بدون مقاد
 نمیمانند (تداخلق - اما سا در رسا نهدن ماورین
 دور دست بر مرکز خدمت بزرگی بخلق نمودن است و متوجه
 شرکت سرویس را درین باره خواهان هم)

خبر سای اژانس ششدرک -

از خارج - "دلخ" این بار از ما تشکر نموده و بر علاوه
 منظوری یک راس طیاره جیت دار - چند قلم اسما و نیز
 پیشتهاد نموده و اراده تحصیلات خود را در قسمت بالان
 دوری برای هر لاغی مناسب تواره که در باره را بروز
 دارد اعلان داشته است.

از جیتوا خبر میدهد که کمسیون حقوق بشر مربوط به امور
 اقتصادی و اجتماعی جامعه ملل مشغول تدوین و تویسب
 مقرراتی بر علیه برده گی (غلامی) و اعمال شبیه برده گی
 و حق ربانی میباشد... بیگار - ازدواج اجباری و
 امتیازات نژادی و طبقاتی نیز دران شامل است... طرفه
 تر اینکه با ولمان کشور ما نیز در همین روزها مشغول بهار
 بر ضد بیگار است... (گرماتو سیدیم تو شدید برسی)
 مطبعمه - گسنتو تداخلق - کابل

از جبران وارد است که آقای دکتور مصدق یارودیکر
 از اراده خلل تلذیر ملت نجیب ایوان در باره ملی
 ساختن نفت اشمار داشته است (تداخلق - آن
 هائیکه از بحران سیاسی جهان واقف اند میتوانند با
 رشادت سیاسی و نجات حقوق خود را بدمت آرند).

در داخل - دو روزشکار هندی وارد شدند اما از
 پذیرائی آن ها در باشگاه ورزشی کابل خبری نماند
 ... ششدرک اطلاع میدهد که چون تشرات انگلیس
 مربوط شایعات و ریاست مطبوعات کشور (وینی پروتست)
 بهلوت مستخدم المانی را در کابل مشهوج ساخته
 بود بعد تحقیر مدبر عمومی تشریات خارجی در اداره
 رسمی خود و هم تحت مواخذه قرار داده است (تداخلق
 خلق - ما جدا از اقلایان امروز تقاضا میثما نیم که
 از یکطرف در تشرات خود سیاست امروز و فردای کشور
 را مد نظر داشته و از طرف دیگر موقع ند هتد که عسر
 مستخدمی بتوانند آزادانه با مقررات کشور ما و افراد آن
 با زی کند) ... اما لی بگویی - کوری - بتخاک و گرد
 و تواج ان با لا خوه از حواله غله خریداری بحد
 وعد و وعید و سه سال انتظار بسته آمده و برای
 داد رسی بدروازه های شوروا ریختند... قرار معلوم
 شاعلی رئیس شوروا با آنها مذاکره نموده و شاعلی
 بوعده های گذشته یک وعده دیگر زیاده کرده با شد
 میگویند سردار محمد تمیم خان ممکن است به وزارت
 زراعت مقرر شود (مبارک است) ... شاعلی عیداً لاحد
 خان که به وزارت داخله نامزد شده بودند ولی تا
 امروز لحظه هم چوکی وزارت را اشغال نکرده اند
 اکنون قرار بر مقامات صالحه ۵۰۰۰۰ دالر بشوخ
 رسمی حاصل داشته و بقام ما لجه باهورگا عزیزم
 خواهند کرد (این هم یک مدرک دیگر مصرف اسما را)
 اخبار شب - مذاکرات وکلای با شهادت شوروا میلی
 میگویند خلق را بیدار ساخته و حدس میزنند که با
 تشریف آوری صدر اعظم کا بیته موجوده سقوط و شخص
 صدر اعظم دو باره ما مور تشکیل کا بیته جدید خواهند
 شد و اغلباً از شوروا نیز کا بیته جدید را ی اعتماد -
 خواهند گرفت (ما بارها نوشته ایم و باز هم میگوئیم
 که درد ملت واقف و فقط یک کا بیته که اعضای خاندان
 سلطنتی دران شامل آنها شد و در مقابل وکلای ملت
 مسئول باشد دوا نموده و این اقدام تیک بسوای بقای
 دولت و مشورت و عدم مسئولیت شخص شخص شاه
 نیز خدمت میکند... حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و پس...)

صحنه خلیق

خیلی جای شکر گذاریم که هموطنان گرامی ما به
 امور اجتماعی کشور علاقه جدی داشته و در اثر تشر
 تشکیل صحنه خلیق بصورت سنه ای در یک وقت بسیار
 کوشا میگذرد... (صدا خفا نیکی آن بفرز
 رسیده است - ما هموطنان گرامی خویش که باهوا جمعی
 کشور علاقه مندند تقاضا میکنم که در خرید سهام مساره بزرگ

مذاکره خلق

صاحب اجپاز

دکتر عبدالرحمن محمودی

مدیر مسئول

انجمن ولسی احمد عطاشی

هر دو شنبه و پنجشنبه به پشتو

و فارسی نشر میشود

آدرس دفتر

جاده میوند - کابل

نمبر تیلزون

آدرس تلگرافی "خلق"

تا سپتامبر ۱۳۳۰

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

شماره بیست و پنجم

سال اول

دو شنبه ۲ سرطان ۱۳۳۰

حیثیت پارلمان (شورا یملی) در دنیا!!

در شورای ملی

از نقطه نظر قانون شورا یملی يك مملکت بزرگترین و مهمترین شخصیت قانونی را اساسی ترین رکن يك دولت بوده و تمام مقدرات مردم در هر رشته پیشروایملی سپرده شده و همه قضایای حیاتی قوم در همهجا حل و فصل میشود - اما در هیچ جای دنیا شاید نه کسی شنیده و نه هیچ فردی دیده باشد که شورای ملی مملکت فاقد قوت و قدرت است و بوده و عملاً و نظراً چیزی تا بی دیگر کدام موجودیت و مقامی نداشته باشد - این حال مشغوم و بد بختی بزرگ در افتاد است و موجود بوده و چون ملت تا کتون بحقوق خود طوری که باید و شاید آشنا نشده و نشاء و استیفاء نتوانی یا تمسک فرصتی نداشته است و حتی باور کرده نمیتوانند که قوی در دنیا وجود داشته باشد که مقدرات حیاتی مردم را تمام یندگان حقیقی و با همبیاره دیگر مصورت غیر مستقیم به دست خودشان بوده و یا از همه بالا تر تمام یندگان شان بتوانند حکومت را تشکیل بدهند زیرا از قوتها با این طرف هزاران عوامل و وسایل کار کرده و در ذهن ملت - چون نقش بر سنگ این نظریه حله و نیت گردیده است که حکومت يك قوه قاهره و بالا تر و بلند تر از ان است که مردم بتوانند در باره ان حرفی زنند و یا جرئت داشته باشند که نه تنها باور این حکومت بلکه بمنسو بین همبیاره کوچک و مثلاً یکتود مسئولی و خدمتگار کدام علاقه داری - بتوانند بجرئت بگویند که اقا بالای چشم شما برو است - اما ملت باید آگاه باشد با اساس مقدرات مشروطه و دموکراسی ان ها حق دارند توسط تمام یندگان حقیقی خود که بی مداخله حاکم انتخاب کرده باشند بزرگترین قوه دولت یعنی شورا یملی و حکومت یعنی کابینه وزیران بدست گرفته و برقرار و خط مشی در مملکت حاکم رجای باشد که مطابق رضای قوم و برای خدمت بمسلمات و رفاه ان ها باشد - شورا یملی اما سابقاً حاکمیت ملت و منبع بزرگترین قدرت ملی بود و همه چیز و همه امور در مملکت بمصوبیت و کلا یعنی تمام یندگان قوم اجرا شده و گریه برعکس مفکوره حاکم و جابریه در مملکت مملکت و با همبیاره دیگر شورا یملی که مرکباً تمام یندگان ملت است بالا تر از حکومت بود و حکومتها کابینه وزراء را از ان رکن دولت است که نمایندگان بل شوایملی و یا خلق مسئول بوده و هر زمانی خلق میتواند توسط تمام یندگان خویش هزاران انین کابینه ها یعنی حکومت ها را عوض نموده و حکومتی را برقرار آرند که برای خیر و بهبود و راحت و مسلمات قوم مطابق بقانون اساسی و اساسات مشروطیت و دموکراسی (بقیه درص)

بقیه جلسه یکشنبه ۲۶ جوزا
 سید ابو الخیر خان وکیل شیرین تکاب - بنده ۲۰ سال وکیل شورا یملی بوده و طوری اجرای وظیفه نموده ام که حکومت امروز از من خواست پس ما نباید بگهبا ی - در هیچ فردی عبدالاول خان وکیل تالقان یملی بگوئیم زیرا آنها دیده سال حبس بوده ولی امروز در شورا حاضر شده و از حقوق ملت صحبت میکنند - این که اقای سخی امین خان داشته باشد - این حال مشغوم و بد بختی بزرگ در افتاد است و موجود بوده و چون ملت تا کتون بحقوق خود طوری که باید و شاید آشنا نشده و نشاء و استیفاء نتوانی یا تمسک فرصتی نداشته است و حتی باور کرده نمیتوانند که قوی در دنیا وجود داشته باشد که مقدرات حیاتی مردم را تمام یندگان حقیقی و با همبیاره دیگر مصورت غیر مستقیم به دست خودشان بوده و یا از همه بالا تر تمام یندگان شان بتوانند حکومت را تشکیل بدهند زیرا از قوتها با این طرف هزاران عوامل و وسایل کار کرده و در ذهن ملت - چون نقش بر سنگ این نظریه حله و نیت گردیده است که حکومت يك قوه قاهره و بالا تر و بلند تر از ان است که مردم بتوانند در باره ان حرفی زنند و یا جرئت داشته باشند که نه تنها باور این حکومت بلکه بمنسو بین همبیاره کوچک و مثلاً یکتود مسئولی و خدمتگار کدام علاقه داری - بتوانند بجرئت بگویند که اقا بالای چشم شما برو است - اما ملت باید آگاه باشد با اساس مقدرات مشروطه و دموکراسی ان ها حق دارند توسط تمام یندگان حقیقی خود که بی مداخله حاکم انتخاب کرده باشند بزرگترین قوه دولت یعنی شورا یملی و حکومت یعنی کابینه وزیران بدست گرفته و برقرار و خط مشی در مملکت حاکم رجای باشد که مطابق رضای قوم و برای خدمت بمسلمات و رفاه ان ها باشد - شورا یملی اما سابقاً حاکمیت ملت و منبع بزرگترین قدرت ملی بود و همه چیز و همه امور در مملکت بمصوبیت و کلا یعنی تمام یندگان قوم اجرا شده و گریه برعکس مفکوره حاکم و جابریه در مملکت مملکت و با همبیاره دیگر شورا یملی که مرکباً تمام یندگان ملت است بالا تر از حکومت بود و حکومتها کابینه وزراء را از ان رکن دولت است که نمایندگان بل شوایملی و یا خلق مسئول بوده و هر زمانی خلق میتواند توسط تمام یندگان خویش هزاران انین کابینه ها یعنی حکومت ها را عوض نموده و حکومتی را برقرار آرند که برای خیر و بهبود و راحت و مسلمات قوم مطابق بقانون اساسی و اساسات مشروطیت و دموکراسی (بقیه درص)

که تکات بیا نیه های ما را صحیح و درست بگویند در مسئله غله خریداری سال گذشته همه وکلا همعوا بودیم فیصله نمودیم که در کمیسیون مختلط زمستانی شورا فیصله در آن باره بعمل آید و جهت غور بمجلس عمومی تقدیم شود تسلیم گفته نمائند که تشکیل کمیسیون با مشوره و الاحضرت صدراعظم صاحب بمجلس امده پس معلوم است که صدراعظم هم تکلیف ملت را ازین رهگذر درک کرده و اظهار داشته اند که این بار عند الاقتضا بدو ش ملت ما نده شده و رده کرده اند تاچاره برای این مسئله مهم مستعیده شود ولی تا حال را پور کمیسیون زمستانی تراثت نشده و از نقطه نظر انصاف و شرافت وزرا بعضی دلایلی دارند که ما با آنها موافقت نکرده ایم - در حصه این که کابینه در نزد شورا مسئول است و باید بحاکمه شوند با وکلا ی محترم هم عقیده میباشم ولی خواهش میکنم که وکلا وزرا ۰۰ خطاب نکرده و بگویند که باید آن ها بحیث ۰۰ محاکمه شوند قانون در نزد ما موجود است ما میتوانیم که وزرات خانه های آنها را تفتیش کنیم در مسئله غله خریداری باید ما ما یوس میباشیم زیرا و الاحضرت صدراعظم که در ۲۰ سال ایثار کرده اند در ظرف ۱۰ - ۱۵ روز تشریف میاورند و باز مسئله حل میشود اکنون باید بقول جناب قاضی صاحب واکلت رفتار کنیم و تصاریب شو را وادار در زمینه بحضور اعلیحضرت شما یوتی پیشتر میکنیم اگر قبول شد خوب و الا حتی ندادیم بهر صورت باید انتظار صدراعظم را بفریم اگر مدارک تهیه شده ما برای رفع عسرت ما مورین مصرف شد یا کی تدا در نظریه که وکلا ی ملت را دو سال نریب دادند و این ها اشخاصی من این است که اگر مسئله غله خریداری را پور در صدراعظم بجا نشی بوسد این که وکلا ی محترم میفرمایند با این وزرا اعتماد نداریم درست است زیرا طبق ماده ۷۶ قانون اساسی کابینه در نزد شورا مسئول است پس اگر ما وکیل هستیم و از خلق نما یندگی میکنیم ما صدای بلند میگوئیم که با اینها اعتماد ندادیم باید از این ها پور سم که چرا صورت اجاره داری را گرفته و چرا نمیگذارند که ملت کار خود را بدست خود بگیرد ما بشاه خود وفا دار هستیم ولی اگر وزرا میخواهند تمام ما را به دور ملت بیفتند بمقیده من غلط است زیرا ملک ما زراعتی بوده و تقریبا همه بارها بدوش دهقان میافتد و اگر وضعیت اقتصادی دهقان که اکنون هم خوب نیست بدتر شود همه از بین رفته و ملک بگرسنگی و قحط مبتلا میشود .

روز دو شنبه ۲۷ جوزا ساعت ۱۱ بحضور ۹۲ نفر وکلا مصادره تجارتنی هند و افغانستان که در فقره اول اجنده شامل بود مسعود بحث قرار گرفته و این مصادره که باسما م مصادره کاملت الوداد عقد شده و سال گذشته برای تصویب شورا - فرستاده شده بود با لخره در اثر مذاکرات زیاد هر روز سه شنبه ۲۸ جوزا با کربیت آرای وکلا تصویب گردید تا طبقین مجلس عبارت اند از شاعلی غیا و - محمودی - محمد کریم خا وکیل پنجشیر - عید الا وول خان وکیل تالقان - نظرمحمد خان نوا - سید محمد خان دهقان - خان محمد خان

که بیست سال قبل تصویب شده است مشوع قرار گرفته ولی وزرا آن را قبول نمیکنند زجر و شکنجه قرار قانون اساسی بر مردم مشوع است ولی با زجر دوام دارد در مسئله دیو که رئیس صاحب فرمودند که ۱۵۰۰ ورق است به عقیده من هر چه باشد باید پاجنده گرفته شود در مسئله دیو بر یکمده اشخاص سوء ظن شده و یکمده مسئول و یکمده دیگر قبول ملک در نزد شان باقی است سال گذشته وکلا تیکه ادعای مدعی المنوی داشتند - اکنون باید بیایند و ثابت نمایند که در دیو کدام اشخاص مسئول است شورا امروز در نزد ملت بد تمام شده است زیرا ما برای رفا و خیر و بهبود ملت کاری نکرده ایم در مسئله عدم اعتماد بکا بینه مستعیده من بد نیست و قرار ماده ۷۶ کابینه در نزد شورا یعنی مسئول است ولی برای آن وقت و زمان لازم است و آن وقت نیست که ملت ما از ظلم و عرفان بهره مند شوند اگر چه امروز این وزرا لایق وای عدم اعتماد اند .

سخی امین خان وکیل دوشی - بمقیده من مواد اجنده قابل احترام است ولی موادیکه بمجلس امده مورد بها حثه قرار گرفت هر کدام در حصه خود دارای اهلیت است این که رئیس صاحب فرمودند که ما سه نفر وکیل تعیین و با کابینه در مورد غله خریداری که یک مسئله مهم است داخل مباحثه شویم درست است ولی بنده به استناد میتوانم بگویم که وزرای دولت همان اشخاص هستند شده ما برای رفع عسرت ما مورین مصرف شد یا کی تدا در نظریه که وکلا ی ملت را دو سال نریب دادند و این ها اشخاصی من این است که اگر مسئله غله خریداری را پور در صدراعظم بجا نشی بوسد این که وکلا ی محترم میفرمایند با این وزرا اعتماد نداریم درست است زیرا طبق ماده ۷۶ قانون اساسی کابینه در نزد شورا مسئول است پس اگر ما وکیل هستیم و از خلق نما یندگی میکنیم ما صدای بلند میگوئیم که با اینها اعتماد ندادیم باید از این ها پور سم که چرا صورت اجاره داری را گرفته و چرا نمیگذارند که ملت کار خود را بدست خود بگیرد ما بشاه خود وفا دار هستیم ولی اگر وزرا میخواهند تمام ما را به دور ملت بیفتند بمقیده من غلط است زیرا ملک ما زراعتی بوده و تقریبا همه بارها بدوش دهقان میافتد و اگر وضعیت اقتصادی دهقان که اکنون هم خوب نیست بدتر شود همه از بین رفته و ملک بگرسنگی و قحط مبتلا میشود .

روز دو شنبه ۲۷ جوزا ساعت ۱۱ بحضور ۹۲ نفر وکلا مصادره تجارتنی هند و افغانستان که در فقره اول اجنده شامل بود مسعود بحث قرار گرفته و این مصادره که باسما م مصادره کاملت الوداد عقد شده و سال گذشته برای تصویب شورا - فرستاده شده بود با لخره در اثر مذاکرات زیاد هر روز سه شنبه ۲۸ جوزا با کربیت آرای وکلا تصویب گردید تا طبقین مجلس عبارت اند از شاعلی غیا و - محمودی - محمد کریم خا وکیل پنجشیر - عید الا وول خان وکیل تالقان - نظرمحمد خان نوا - سید محمد خان دهقان - خان محمد خان

خسته - عبد القا در خان بلیغ - ا ف ت - احمد مدنی
 خان شاد محمد خان - سخی امین خان - عبد القیوم خان
 وکیل تلی - قاضی عبد السلام خان - محمد کبیر خان -
 وکیل غور بند - محمد صدیق خان وکیل گوشک - عبدالمصطفی
 خان صافی سرمنشی شورا - سید محمود خان وکیل غزنی
 محمد یوسف خان و محمد اعظم خان بودند .
 جلسه روز یکشنبه اول سرطان
 جلسه ساعت ۱۱ و ۳۰ دقیقه بحضور ۹۴ نفر وکلا بویاست
 شائلی عبد الرشید خان معین اول شورا شروع شده و چون
 در اجنده اولاً مسأله افتخارستان و مالک عربی و ثانیاً
 قضیه تفتیش دیو و اخبار واپس کمیسیون زمستانی گرفته شده
 بود ولی چون اکثریت وکلا با جنده موجوده اتفاق نشدند
 پس در ابتدای مجلس داکتر محمودی وکیل کابل به اقامت
 و با اجازه رئیس مجلس اظهار نمود : غله خریداری یک
 مسئله حیاتی مملکت است و چنانچه وکلا اظهار داشتند
 اکثر مردم از حصص مختلف مملکت در اثر این بارگران به
 ترک وطن مجبور شده پس من پیشنهاد میکنم که با یک مسئله
 غله خریداری که بر سریدن راپور نمایندگان دولت معطل شده
 بود اولاد در مجلس مورد مباحثه قرار گیرد - در موضوع غله
 خریداری طوری که همه وکلا معلوم است اهالی شیوکی و
 سهاک و کمری و چپا و دهنی و غیره عرایض داده و ملت ازین
 بار و ظلمات فرسایم آید و در چندین مجلس اکثریت وکلا
 اظهار نموده است که با یک از همه اولتر مسئله غله
 خریداری موضوع بحث قرار گیرد ولی ما تمیذ انیم چرا رئیس
 شورا رای اکثریت مجلس را احترام نمیکند - من بحیث
 یک وکیل بطور واضح میگویم که اگر مسئله غله خریداری همین
 اکنون بحث نشود و اجنده موجوده تفسیر نکند بنده و کسانی
 که طرفدار این نظریه میباشیم در مذاکرات شرکت نکردیم
 و مجلس را ترک خواهیم داد زیرا مردم در اثر نشر اخبار
 رسمی انیس و تصدیق صدر اعظم منتظر اند که امسال
 این بارگران از دو طرفشان رفع شود (تا تمیذ اکثریت وکلا
 درست است - درست است)
 نظر محمد خان نوا - درست است چون مسئله غله
 خریداری بر پسر کمیسیون مختلط زمستانی معطل بود و چون
 اکنون واپس و زورا رسیده است پس باید در باره مسئله غله
 خریداری که یک مسئله حیاتیست بحث کنیم (تا تمیذ اکثریت وکلا)
 رئیس مجلس - گمان میکنم که اکثریت مجلس طرفدار این
 مسئله اند و اگر وکلا میخواهند رای گیری شود .
 محمد صدیق خان وکیل گوشک - من وقت میخواهم و شما
 بدون آن که بمن وقت دهید رای گیری میکنم و چند بار
 فریاد زدم که من میخواهم درین قسمت صحبت کنم .
 رئیس مجلس - وکلا شیک طرفدار پیشنهاد داکتر محمودی
 یعنی بحث در اطراف غله خریداری میباشد ایستاده -
 شوند و این مسئله را بزبان پشتو و فارسی چند بار تکرار
 کردند در حالیکه محمد صدیق خان وکیل گوشک و محمد عثمان
 خان وکیل رودات که مخالف بحث بر غله خریداری بودند -
 داد و فریاد میکردند که با یک بر مسائل اجنده بحث نشود
 با لآخره با اکثریت آرای وکلا مسئله غله خریداری موضوع

بحث قرار گرفته و تا اخیر مجلس واپس کمیسیون زمستانی
 که از طرف وکلا ترتیب شده بود و سپس واپس و زورا که در
 چند ماده سعی کرده بودند بر واپس کمیسیون مختلط
 بخورده گیری نموده و آن را تصدیق و اصلاح نمایند تراش
 گردید ساین واپس که در ۲ - ۳ صفحه تحریر شده بود
 تقریباً یکماه وقت گرفته و چند بار در مجلس و زورا تاجا شیک
 ما اطلاع داوریم بر آن بحث شده است و ما نقطه نظر
 خود را در اثنای در باره آن شریح خواهم داد - در مجلس
 تا ختم در اطراف واپس و زورا و سوا بق غله خریداری و
 با لآخره صورت تحویل غله خریداری از جنس به تصدیق
 که در ۱۲۹۹ در عصر اماتی صورت گرفته است و گذاشته
 تراش جدول که مقدار جنسی غله را در سال مذکور مسا
 قیمت تحویل آن به تقد و گذا مقدار موجوده غله خریداری
 جو و کاه و غیره را نشان میداد بحث کرده ولی قسمتی از
 جدول مذکور ختم نگردیده و برای جلسه دیگر باقی مانده

بقیه سر مقاله

خدمت نماید - برای اینکه عمر طنان گرامی ما با اهمیت
 مقام شورا در ساتو مالک خوبتر آگاه گردند اینک ما
 چند سطر را از کتاب کوچکی که مورس اس بنام قانون
 اساسی انگلستان نوشته است انتخاب و نشان میدهم
 که در انگلستان که عیناً مطابق ادعای حکومت ما شاهی
 مشروطه است پارلمان چه جتی را داد و میباید شد -
 مورس اس در صفحه ۲۳ کتاب خود چنین مینویسد -
 (پارلمان میتواند اگر بخواهد در جلسه بعدی خود -
 مکن کار را بل آنرا پیش - و اکت آب سیتل منت را بلین
 قرار دهد " - حالانکه این قوانین با ریختن خون هزاران
 جوان انگلیس بدست آمده و اساساً قانون مشروطیت
 انگلستان را ملخصه از هزاران مجادلات خونین ملت
 با شاهان مستبدان زمان بنیاد میدهد " گذا پارلمان
 عیناً همانطوریکه میتواند قانون اساسی انجمن پارلمانی
 لندن را تصدیق نماید - عیناً بهمان صورت میتوانند خود
 شاه - اعیان و عوام را منحل نموده و حتی میتوانند مملکت
 را بانجمن اتحادیه تجارتی و یا انجمن اقوام همیار
 این است مقام پارلمان در یک حکومت مشروطه و دیموکراسی
 ملی در جاییکه ملت بحق خود آشنا برده و وکلای طرف -
 اعتماد و صاحب شواستی را! انتخاب نماید که از حق آنها
 دفاع کند - البته پارلمان بزرگترین رکن دولت و مقام
 حاکمیت ملت بوده و هیچ قدرتی نمیتواند از رای و -
 تصویب پارلمان که از افکار ملت نمایندگی میکند سر بیاورد
 اما شاید تاریخ بشر مملکتی را مخصوصاً در عصر بیست و شش
 ندهد که پارلمان آن بجز نام حیثیت دیگری نداشته و
 همه نمایندگان آن و یا اکثریت آنها این صدا را بجا
 بلند اظهار نمایند . (محمودی)

اعلان

در بدست آوردن اسهام بوسه صحته خلق که از
 صدالی هزار افغانی است توجه خلق را خواستاریم .
 (اداره)

بحا که شاعلی صافی

با لاخره محاکمه شاعلی صافی با این فیصله: (که از نگاه شروع شریف محکوم یعنی ندا شده اما سیاستا زمانه را زایل شدن آثار توبه و صلاح محبوس با شد) بمقام توفیق شاعلی صافی بمظاهرات شدیدی در میدان لیسه استقلال پمیل آمد و جناب مولوی عبید اله خان تلگبی عضو جمعیت - الملما با عده علمای علام دیگر در حالیکه مجبور می گشتند شرعا صافی تیرت شده ۰۰۰ بیست یاد آله های - مطامع انگلیس و پاکستان و مرده یاد بیمدالتی این مظالم ادا داشت .

ندا - خلق - صافی با زدا شده شد اما نه به فتوای شرع اتور ۰۰ پس وقتیکه احکام با کلمات سیاستا لزوما جبراً و صلاحاً تطهیر میگردد ارجاع قضایا بمحاکمه تطهیر شریعت و قانون چه موردی دارد .

توضیح بخلق

قراریکه مدیر مسئول نامه ملی ندا - خلق با زملات از شاعلی رئیس شان را لای نموده اند در مورد جویانها اخیراً مورد مروتیه سوا لاتی کرده اند ۰۰۰ شاعلی رئیس بموصوف مشکلات کار خود را مطالبی اظهار فرموده اند که ما از رهگذر ارتباط مستقیم بخلق آن را تشریح نمائیم میفرمایند ۰۰ عده بواسطه این که شهر ما پر شد و آباد گردد از شرکت برق جدا و به یلدیه پیوستیم اما بطوریکه در دنیا معمول است با وجود احتیاجات ا هم مساعده و کمک عاید ما نگردید تا حد توان خدمات خود را با در نظر گرفتن موانع فوق البته اجرا نمودیم ۰۰۰ اما آنچه در قسمت مساوی تقابلی لازم و عده فرموده بودند و از - حقوق ثابت یلدیه هادر دنیا میباشد که قسمتی از آن را شاعلی بهمین در نامه انیس تذکار داده اند متاسفانه ما داده نشد ملاحظه توضیح فوق البته مشکلات ما را در جویان امور درین اواخر میتوان رعایت نمود . ندا - خلق - توجه مقامات را در نکات مورد بیان شاعلی رئیس شان را لای جهت رفاهیت خلق خواهان است .

از مکاتیب وارده: آتای عطاشی مدیر ندا - خلق قیامتشر استعفا ی شاعلی را بلین وزیر معارف و شاعلی تهرکی را بخلق عده داده بودید و تا حال تشریفات ما منتظر مطالبه استعفا نامه های ذوات فوق اندکسر هستیم . (منتظر) ندا - خلق - تنها شاعلی تهرکی مقصد استعفا ی خود را در جواب سوالات مدیر مسئول این نامه بقلب خود شان درج فرموده بودند اما بعد یکی دو روز آن را که بنا مضامین نشانی شد خود شان بود و پس بودند و از کثرت آن عذر خواستند ولی از دو وزیر مستعفی دیگر چیزی بهما نرسیده همان طور منتظر باشید .

اعتذار

حضرات محترمی که با ما کمک قلمی فرموده اند بواسطه شایعات مربوط بشورا یعنی البته مذرت ما را در نشر آن قبول خواهند فرمود .

مطلبه - گسترده ندا - خلق - کا بل

خبرهای آژانس ششدرک -

از خارج - نخست وزیر ایران دکتور مصدق از ۹۲ رای - ۹۱ رای اعتماد برده و مسئله ملی شدن نفت پشت میزود مرا حل بحران خود را طی کند .

در داخل - چقروری که مدفن سپاه گناب در چوک جا ده میوند تعیین شده بود پر گردید ۰۰ یعنی گم شد دژ دریا بی دستبندی بیکی از د کا نهایی کفار دریا زده بود میخواست از راه بحر کابل فرار کند اما خوشبختانه بمد تحقیقات منظم دستگیر گردید میگوید فشان جهیز گران او را بدزدی رسانیده بود ۰۰ در راه قندهار و نیز از موتر سوروس دو نفر قطاع لظریق و لیک افغانی را ربوده و شخصی را کشته بودند ولی حیثیکه و هم بدان سلسله ریش سفیدی را در قسمت سرک شاه دو شمشیر موتر کشته و با سمان پرواز نموده - در شوربازار نیز تصادم موتر دست و پهای شکسته ۰۰ لازم است اهالی هوایی خود شان را بسر گیرند و نه ما شین که زبان ندا را کار گردانان اداره ندا - خلق بنا بر عدم منظوری - مصارف سگرت و میوه تا گهبا ان اعصابی برپا نمودند اما مدیر مسئول موقع را تا زک دیده و مجبور خود را حاکم طاشی اعلان نمود هر چند در عوفی و نفع مرد چیزی داده - در باشگاه بی غیرتان صد خورا و ریفا همین غیرت وارد شده و عقرب مورد استعمال قرار خواهد گرفت اما رئیس باشگاه شکایت دارد که این صد خورا یک بسی غیرت را پس است ۰۰ عوایق ششگوشی در مورد اعتراض بر ارجع بخله خریداری پیوسته بشورایلی میرسد .

خبر شام - مسافران از چندتاییه با این طرف از ششدرک درکی نیست کشفان مربوطه در فضالیتند خدا کند در بند اندر این غرق نشده باشد ۰۰ ا هشت پرده های سیاه (خانه های؟؟) خبر است که سه تحریک اشخاصیکه مجاهدت مردانه و کلا ی شورا ملیسی مباح و مقام شان را میروزا ند مجلا های میبند بر عدم نشر رویداد های مجلس و اختناق روزنامه های ملیسی ترتیب میگردد ۰۰ (ما) هرگز میاد غیر پریشانی تصیپ)

خلق و خلق

شاعلی محمد حسین خان محصل فاکولته ادبیات بیتگارتند - در شورا یعنی برای ما مبین - مخالف توانین دیموکراسی مشکلات از قبیل نبودن چوکی - بهره شدن تمداد مستعین لا غیره پیشبینی شده ۰۰ خواهشندیم اگر مراجعت ما مبین بمجلس اسباب درد سر؟؟ میگردد ما را و خود را ازین تکلیف نجات دهند و یا در صورتی که اکثر چوکیها در روزهای مجلس خالی میماند اجازه دخول دهند .

ندا - خلق - با تذکر اینکه تمداد ما مبین در مجلس - شورا یعنی در هیچ یک دول دیموکراسی محدود نبوده توجه شخص رئیس صاحب شورا را خواهان است .

قیمت یک شماره ۰۰ پیروز

نظاره خلق

نامه ملی ادبی اجتماعی و سیاسی

تفاق و خوف زاده همه بد بختیاست

امروز در دنیا همه امور حیاتی مردم بدست خودشان سپرده شده و تمام تقاضای حیاتی شان باستناد رای عامه حل و فصل میشود زمامد اران و کسانیکه موافق باهمه اجرائیه مملکت اند دایما سعی میکنند سیاست و خط مشی خویش را بااساس احترام رای عامه وضع نمایند - گویا بزرگترین - اساسی ترین و قویترین قوه ملل عبارت از رای عامه بوده و مقدرات مردم و مقدرات کسانیکه در ساحه اجتماعی مشغولند به رای عامه مربوط میباشد - شواهد زیاد می باشد که سیاستمداران بزرگ - رؤسای جمهور و زمامد اران قوی بنحی در اثر کوشش بزرگین بی اختلافی به رای عامه شکست خورده و ازین رفتنند - علت حقیقی شکست خوردن عصمت انیسو و حزب مربوطه ان در انتخابات ترکیه عبارت از بی اعتباریها یا سبوسه های کوچکی در مورد احترام به حقوق و رای عامه بوده و حتی بمصرین سیاسی پیشگوش می نمایند که مستر توین و حزب دیموکرات امریکائیز شاید در اثر هنجان ارابه عامه در انتخابات اخیر شکست خورده و مقلم خویش را بحزب جمهوریت خواه واگذارند - این اثر قوی و بزرگ رای عامه فقط و فقط به ضمیر بودن خلق پتوهاسلی خودشان و با اتحاد و اتفاق آنها در هدفهای اجتماعی مربوط میباشد از نقطه نظر اسلام نیز اجماعی است اکثریت رای عامه و خلق رکن تمام احکام اسلامی بوده و کذا دین اسلام عزت و خیر را بجماعت مربوط میدهد - پس اگر هموطنان گرامی ما باین حقیقت مشعر گردند که خودشان مصدر تمام قوای حیاتی اجتماعی مملکت بوده و اساسا خلق است که با دادن مالیات و محصولات - عسکر و مستخدم - مامور و متخصص همه قوای حیاتی مملکت را بکار انداخته - ما بشین اجتماع را بر خانیته برای راحت و سعادت خاک همه چیز را تولید میکند گویا سر چشمه همه ترنجا و اساس و منبع هر گونه قدرتی فقط و فقط خلق بود و تمام اجزا و ارکان دولت بااساس رای عامه تشکیل گردیده و لذا مجبورند که رای عامه را احترام نمود مو برای رفاه خلق سعی و جاد کنند نمایند زیرا همه رشت های حیاتی مملکت در دست خلق و مخصوصا

بدست طبقه جوان مملکت بود مو اگر رشد سیاسی و تربیت اجتماعی مانند سایر ممالک در مملکت ما نیز تولید شده و استحکام یزیرد پس هیچکس نمیتواند بر خلاف رای عامه قیام کرده و طبعا دران صورت اتفاق و اتحاد مردم بیسک نصب السین اجتماعی - ضمیر بودن آنها از قوه خویش و عدم خوف شان از قوتها - وسیع ها و ایلا نهایی سیاه و تاریک - طبعا بشکل امور حیاتی مملکت نظم و نسق تولید شده و هیچکس نمیتواند بیمل و مفاد خود یا مقدرات مردم بازی کند - جای بسی تاسف است که در مملکت ما نظریه عدم حاکمیت قانون - عدم آشنا بودن مردم بحقوق شان احترام رای عامه تقریبا وجود نداشته و چون کارمندان مقدرات خویش را مربوط به رای عامه ندانسته و فقط خود را مربوط بفلان مقام و چوکی و شخصیت می شناسند پس تمام سعی آنها برای استر ضای خاطر ان چوکی مقام و شخصیت است بود مو هیچگونه وقتی نیز به رای عامه و حتی به رای نمایندگان قانونی خلق نیز نمیکند - در مظا همه اخیر اطلاع میدهند که کمیکی از کارمندان بزرگ دولت همه فخر و دشنام خود را بنام ملت بر مردم حواله مینمود - کذا ننوده ازین رفتارها با خلق در اعیاد - جشن ها و مراسم ملی همه کس بچشم سر مشاهده میکنند چنانچه مقاله چوبکی ما در روزنامه رسمی انیس که چندی قبل نشر شده بود و همزاران شومند دیگر برای اثبات این حقیقت خدمت میکنند - پس ای هموطنان گرامی اگر ارزو دارید بسمادت زیسته - شرف و اپروی شما حفظ شده و بحقوق شما تجاوزی بعمل نیاید باید بحقوق خود آشنا شوید و توسط انتخاب نمایندگان درست و صحیح مقدرات سیاسی و اجتماعی خود را بدست بگیریید زیرا قنا زان ضعف و تفاق و خوف است - ایوج یکی از شمرا ی نامدار ایران چه خوب گفته :

مرگ برای ضعیف امر طبیعیست x هر قوی اول ضعیف کشتن سوس مرد
گفت ای جوچه از چشمیر شرز نمکستی x تا نتواند کست بخون کند و خورد

جلسه روز دوشنبه ۲ سرطان

نامه نگار خصوصی ما شافلی عبد الحمید خان مبارز می نویسند که ساعت ۱۰ بجه و ۳۵ دقیقه جلسه مذکور تحت ریاست شافلی داری بحضور ۹۵ نفر وکلائی محترم شروع شده و شافلی - عبدالمعظم خان صافی سرمنشی شورا و سپس محمد اعظم خان منشی شورا بقرائت پیشه رایبر وزارت مالیه پرداختند - سپس - مذاکرات آغاز و قبل از آغاز مذاکره شافلی نور علم خان وکیل میدان هفت که بعضی وکلا قصد بمجلس نمی آیند و مجلس را از تصاب می اندازند گفتیم سال گذشته نیز با اساس همین عمل شان با آنکه صد ها مواد لا یفحل در شورا موجود بود برای تجدین جلسه تصاب شورا تکمیل نشد من از رئیس مجلس - تقاضا میکنم که درین باره اقدامات نموده و کسانی که تشریف نمی آورند غیر حاضر سازد - شافلی داری متذکر شد که از طرف دارالانشاء باین مریز اقداماتی شده و حاضری گرفته میشود پس از آن شافلی محمد انور خان وکیل بگرامی بیاض خاسته و از رئیس مجلس تقاضا نمود که قبل از مذاکره به وی موقع داد و ستد از اجازة رئیس مجلس وکیل صاحب بگرامی بیان کرد که بعضی انخاص در داخل و خارج شورا برخلاف بند پیر ویاکند شو* نموده پرو بیاکند چین میگویند که مذاکرات و عرایض اهالی بگرامی - شیوکی - سهاک و پشاک را تحریک بنده وانمود سازند و ارزو دام که مسئله را تحریف نموده و عرایض مشروع اهالی را که طبق قوانین صورت گرفته سرکشی و بغاوت معرفی کند در حالیکه اهالی بگرامی باقی نبوده و صرف برای توضیح مسئله بدروازه شوایلی که آخرین مرجع عرایض ملت است آمده و تمنا کردند که مسئله غله خریداری نسبت ببعده رسمی صدر اعظم و نشریه روزنامه رسمی و تصویب شوایلی فیصله - نموده و ایشلی را از زیر این بارگرن تحت بخشند وکلائی - محترم همه مشمراند که مردم شن گروهی همیشه در مواقع آزمایش امتحان خراب داده و شملت و فدا کارهای شان درج صفحات تاریخ است - ولی مبارزه برای حق فرض مردم بوده و نباید حقوقی را بپناوت و سرکشی حساب کنند این که در باره من پرو بیاکند میباید لا تم است عرض کنم که اگر کجلی درد های ملت را با طیبای امور ترسند و اخلاصات خلق را بدولت ترجمانی صحیح ننمایند گویا مسئولیت وجدانی خود را اجرا نکرده و شوایلی اولی را که در روز وکالت خورده خصم

جان او میگویند در خاتمه خواهشمندم پرو بیاکند بیان چه در شورا باشند و چه در خارج شورا ازین کوفه پرو بیاکند ها که بخبر دست و دولت تعلم میشود دست بکشند . داری - ممکن است بیانات شما برای رفع این مسئله کافی باشد - قبل از آغاز مذاکره شافلی عبد المعظم خان صافی سرمنشی شورا اظهار داشت که در رایبر های وزارت مالیه که در سال ۲۹ و ۳۰ بشورا داده است بیاینت های زیادی موجود بوده و ارقام با هم سر نمیخورند و امسال در چند جا مقدار غله کار آمد را بیشتر نشان دادند سپس مذاکرات مجلس بترتیب ذیل آغاز شد و شافلی رئیس شورا اظهار داشت که نوبت اول از آقای دکتر محمودی است - عبد الرحمن محمودی وکیل کجلی - اولاً بنده از دارالانشاء شورا رجا میکنم که رایبر کمیسیون زمستان را نیز مانند رایبر وزارت مالیه که نشر شده است برای نشر به مطبوعات رسمی بفرستند - ثانیاً در مورد رایبر کمیسیون عرض میکنم که چون یکبار بطور عمومی برای استحضاری مجلس رایبر مذکور قرائت شد باید بعد ازین به نوبت مرفورقه آن مقرر است تحت بحث قرار گرفته و پس از اخذ آراء وکلا فیصله شود - اینک بنده رایبر خود را در مورد رایبر وزارت مالیه که بشورا فرستاده و باصلاح نشر شده است بسمع وکلائی محترم میرسانم - در صفحه اول رایبریکه توسط نمایندگان دولت بشورا تقسیم کرده اند می نویسند - (که ما برای پیشبرد نظام اجتماعی و حفظ استقلال و تحکیم بنیان زندگانی خود بیکد سته فعالیت های ضروری و سریع احتیاج داریم یعنی در سازمان اجتماعی ما تواقص موجود است که ما برای بقا و موجودیت خود مجبوریم این را از پیش برداریم - ما با داشتن این توان و پسا موجودیت این حساب ابتدائی و ساده نمیتوانیم در جهان امروز موفقیت و حتی بقای خود را حفظ کنیم - این را بشور وزارت مالیه که درینا چه پیش نبوده فقط برای گول زدن وکلائی ملت ترتیب شده ما با اعتراضات شان تصدیق میکنیم ولی بحکومت عرض میکنم که اساساً بقای یک مملکت مربوط بخلق و تساند و اشتراک با همی خلق در راه حفظ شعوات و نوامیس ملی و جان نثاری در راه بقا و چهارزه زندگیست در همه دنیا کارمندان دولت سعی میکنند که با احترام برای عامه پلان و پروژه خود را ترتیب داده ولی در مملکت ما کارمندان دولت قبلاً به رای عامه و وکلائی قانونی خلق

استراحتی را قائل نبوده و قطعا ارژو ندارند که بتوانین مملکت
 و یا اراضی گستره و کلا که مثل رای عامه خلق است وقتی گذارند
 در معارضات اخیره فدا کارهای عساکر دول متحارب همفرزاده
 حس فداکاری و ایثار و مبارزه در راه زندگی بوده ولی علت
 حقیقی اینهمه فداکاریها همانا عبارت از رفاهیت - سعادت
 و رویه با شرفانه بود که در مملکت شان حاکمیت داشته و گویا هر
 کدام سعی میکردند از سر زمینی که ناموس شرافت و ابروی شان
 را محافظت مینمود حمایت نمایند اما بیفناونی و بیعدالتی در
 بین قوم بی اعتمادی تولید کرده و روح بی اعتمادی حس فدا
 کاری و ایثار را محو و تا بود کرده و چون خود سری - خودرایی
 ظلم و استبداد جهنمی برپا میکند پس هیچکس حاضر نخواهد
 شد که از جهنم دفاع نماید بلی تساند و تمان با همی فقط
 فقط در سایه اعتماد و اعتبار قول و عمل حکومت بوجود آمده -
 میتواند پس - اثر ملتی بکار گران حکومت اعتماد نداشته باشد
 پس هیچگاه روح همکاری و تمان تولید نشده و لذا چون تدویر
 چرخ زندگی بدوش خلق بوده و توده ملت با قوه خویش چرخ
 های ماشین اجتماع را بکار میاندازند پس ما شین حیاتی این
 ملت فلج شده و از کار میافتد - توفیه بنیه اقتصادی یک
 امروز مربوط به کار است زیرا کار ثروت حقیقی و اساسی
 حساب شده و چون کار زاده فعالیت دست و دماغ است پس از
 یک ملت مریض و گرسنه و برهنه کاریکه مولد ثروت و مفید باشد
 بوجود آمده نمیتواند - از طرف دیگر توفیه بقیه اقتصادی یک
 مملکت باز هم مربوط به اعتماد خلق بحکومت است و اگر روح
 اعتماد در بین نباشد و شک شبیه و عدم اعتماد در امور حکومتها
 باشد پس هیچگاه بی سعادت و معاقبت خلق - کار و در نتیجه
 ثروت (دولت) تولید نشده و بنیه اقتصادی ملت و در نتیجه
 بنیاد اقتصادی دولت کسب قوت نمی نماید - نمایندگان حکومت
 در برابر خود اعتراف میکنند که (طرق و شوارع الماسی ندارند)
 مسارف و مکاتب صحیح و معالیم کثیف و درست ندارند - زراعت
 ما به سیستم بسیار ابتدائی است و نواتص عمده دارد و تا اکنون
 قدیمی در راه اصلاح زراعت بر نداشته شده (...) بلی این
 اعترافات شان تیز درست است و ما و همه ملت میدانند که اگر
 وزرای مملکت مبالغه کمبری را در راه انشا بندگانها صرف کرده اند
 نظریه سو اداره و سو استفاده و عدم سنجش استفاده از آن
 حاصل نشده و طبیعتا بول این ملت فقیر پدید آمده درین راصرف
 شده است (...) در خراب غرضه و غیره) و اگر کدام نهی را

شمنده و از بول و کار خلق کارندان حکومت استفاده نکرده
 اند و صد ها نفر در راه آن جان داده اند باز هم اراضی
 مزبور که با عرق ریزی و جانکشی های زیاد مردم بوجود آمده
 بکارندان دولت در بین خود و چند نفر محدودی تقسیم
 کرده و بخلق اصلا حصه نداده و با مشق از غرور بر دادند .
 (مثل نهر گورگان) پس با این روح بی اعتمادی و خفتستیزی
 ایما باز کارندان حکومت انتظار دارند که خلق در آینده در
 راه حفر نهر و کازالی با آنها همکاری کنند ؟ گویا کارندان
 حکومت در اثر سو استفاده و اغراض شخصی در هر حرکت و
 عمل خود اعتماد خود را در نزد خلق سلب کرده و مردم را
 از حکومت مایوس و نا امید گردانیده اند حتی بند سلطان را
 در غزنی که مردم از آن استفاده مینمودند بتمام تعمیر تخریب
 کرده و خلق را از استفاده آن محروم ساختند - بزرگترین
 افتخار حکومت تعمیر بند بزرگ بخراسان است که از نقطه نظر
 تخنیک - انجینیری و حسابی قرار اعتراف وزرا ما ته اثر -
 کنترل توانسته و نه قادر باداره این دستگاه بزرگ و عصری بوده
 و چون نمیتوانیم باصول عصری اراضی مذکوره را زراعت نمائیم
 پس استفاده که باید و شاید و با اقتصاد ما موافق و بمصارف
 ما متناسب باشد ازین بند عصری هم نتوانسته و حتی برای
 ایجاد و آباد ساختن اراضی و زراعت با باروری مصنوعی و -
 نظریه بصری و نه قادر باداره این دستگاه بزرگ و عصری بوده
 است اعتراف میکنند این کار بسیار پیش از وقت بوده و حکومت
 با توان و قدرت علمی و تخنیک و انجینیری و اشخاص
 از اداره این دستگاه بزرگ و عظیم و عصری عاجز بوده
 و لذا باز هم نظریه عدم سنجش و نظریه سیاست دکانتری -
 و عدم مشور با شورایی در طرح پلان و عقد معاهده با
 بیس کیفیت بخلق و بنیه اقتصاد و این ملت فقیر صد مبریزی
 ندارد کرده اند خوب ترین راه عدم قدرت حکومت در
 اداره این دستگاه بزرگ بین قندهار و چمن است که از دو
 سال باینطرف تکمیل شده ولی حکومت نظریه عدم توان
 انجینیری تا امروز نتوانسته است این سرک را از -
 امریکائیا تحویل بگیرند و در طرف این دو سال بی پول
 ملت و فساد کثیفی نگاهداری میشود - نمایندگان حکومت در
 زمین طبیعی مذکور مشور که (قسمتی از اراضی مملکت -

کوستانی - قسمتی با تسر و تسبی هم زراعتی بوده و لسی
 نظریه عدم وسایل عصری استفاده درستی نمیشود (این
 گفتار وزرا درست است و ما میدانیم که در بیست سال وزارت
 مالیه احصایه درستی از اراضی مزرعه‌بیدست نداشته و با
 آنکه خود شان در راپور خود اعتراف میکنند که در جاهاییکه
 نفوس مملکت متزاید و زمین آباد است اگر اراضی بر خلق تقسیم
 شود به ۴ - ۵ نفر یک جریب زمین نخواهد رسید - اما
 باز هم با این اعتراف صحیح شان ما بچشم سر مشاهده می‌توانیم تردید و خاطر نشان می‌سازد که اگر از عینک خوشبینی بان خیر
 که عرکارشد بزرگ هزاران جریب زمین داشته و تمام مفاطقی دیده شود البته در آن مورد گفته خواهد شد که ندای خلق
 حاصلخیز و سرسبز بدست کارمندان بزرگ حکومت و چند صد نفر بیچاره را از اطلاع عیاساس فیصله محکمه برداشته
 نفری بولداریست بعقیده بنده اساس خرابی زراعت و عدم استفاده از اراضی همان است که تمام اراضی مزرعی مملکت در
 دست چند نفر تترکز کرده و آنها نمیتوانند بطریق درستی
 آنرا آباد سازند و حال آنکه توده فقیر ملت فاقد همه چیز
 است پس در حالیکه خود شان بقتل اراضی اعتراف میکنند
 پس چرا هزاران جریب زمین موشم را با تهدید و تخویف تصرف
 کرده و کرده می‌روند معلوم است که خود شان بگفته خود اعتراف می‌کنند که حکم بر اساس سیاست شروع اثر بوده ولی در
 نداشته و اصلا بفکر جاره این درد نبوده و فقط برای قناعت و کلا
 این بحر طویل را سرافتیده و این مقدمه بزرگ را چیده اند -
 پس آیا با این روح بی اعتمادی و استفاده های شخصی و ناسا
 جا تر صریح آیا خلق و نمایندگان شان میتوانند یا اینگونه
 کارمندان بزرگ حکومت معاوضت کنند و آیا معاوضت اعتماد به
 اینگونه اشخاص ممکن است؟ در ۲۰ سال ما بچشم سر دیدیم
 برای تربیه جنگل - چراگاه و زراعت که اقدام موشم و عقیده
 کننده و آیا ما میتوانیم در آینده بگذاریم استناد او کار مملکت
 حکومت و وزرای موجوده انتظار کاری داشته باشیم؟ نمایندگان
 حکومت در راپور خود اعتراف میکنند که سوه تعلیمی مملکتی
 و بیست و تجارت ما به سیستم جدید نبوده - اساس مائیه اصولی
 نیست - طرق و شوارع خراب و تقلیب ممدوم است - بل
 همه نواقص مذکوره در اثر عدم معرفت و استفاده های شخصی
 اکثر کارمندان دولت بوجود آمده ولی باز هم وزرا موجوده
 دارند بامید اینکه و بوجهه گلستان موجود و خود سلطنت خود
 بانتظار طولانی که شاید بیست سال دیگر در بر بگیرد توصیه
 میکنند گویا ما بوزرای ذیجاه و دانشمندی که مملکت را در اثر
 قانون شکنی ها - خود را بی ها - خود سربها و بیمدالتی ها
 چون جهنم ساخته اند باید بیست سال دیگر موقع دهم تا

تردید یک خیر از طرف محکمه فوق ماده
 ریاست مطبوعات با اساس قانون مطبوعات در تحت عنوان فوق
 این خیر را برای نشر بما فرستاد نماند :
 در شماره ۲۵ تاریخی ۳ سرطان ندا - خلق خبری تحت -
 عنوان محاکمه شاعری صافی نشر و در آن از طرف خود ندا *
 خلق مجازات صافی را بر خلاف فتوای شرع انور با اساس لزوما
 و جبرا به محکمه افترا * و ادعا نموده است که محکمه آن را جدا
 باز هم با این اعتراف صحیح شان ما بچشم سر مشاهده می‌توانیم تردید و خاطر نشان می‌سازد که اگر از عینک خوشبینی بان خیر
 که عرکارشد بزرگ هزاران جریب زمین داشته و تمام مفاطقی دیده شود البته در آن مورد گفته خواهد شد که ندای خلق
 حاصلخیز و سرسبز بدست کارمندان بزرگ حکومت و چند صد نفر بیچاره را از اطلاع عیاساس فیصله محکمه برداشته
 نفری بولداریست بعقیده بنده اساس خرابی زراعت و عدم استفاده از اراضی همان است که تمام اراضی مزرعی مملکت در
 دست چند نفر تترکز کرده و آنها نمیتوانند بطریق درستی
 آنرا آباد سازند و حال آنکه توده فقیر ملت فاقد همه چیز
 است پس در حالیکه خود شان بقتل اراضی اعتراف میکنند
 پس چرا هزاران جریب زمین موشم را با تهدید و تخویف تصرف
 کرده و کرده می‌روند معلوم است که خود شان بگفته خود اعتراف می‌کنند که حکم بر اساس سیاست شروع اثر بوده ولی در
 نداشته و اصلا بفکر جاره این درد نبوده و فقط برای قناعت و کلا
 این بحر طویل را سرافتیده و این مقدمه بزرگ را چیده اند -
 پس آیا با این روح بی اعتمادی و استفاده های شخصی و ناسا
 جا تر صریح آیا خلق و نمایندگان شان میتوانند یا اینگونه
 کارمندان بزرگ حکومت معاوضت کنند و آیا معاوضت اعتماد به
 اینگونه اشخاص ممکن است؟ در ۲۰ سال ما بچشم سر دیدیم
 برای تربیه جنگل - چراگاه و زراعت که اقدام موشم و عقیده
 کننده و آیا ما میتوانیم در آینده بگذاریم استناد او کار مملکت
 حکومت و وزرای موجوده انتظار کاری داشته باشیم؟ نمایندگان
 حکومت در راپور خود اعتراف میکنند که سوه تعلیمی مملکتی
 و بیست و تجارت ما به سیستم جدید نبوده - اساس مائیه اصولی
 نیست - طرق و شوارع خراب و تقلیب ممدوم است - بل
 همه نواقص مذکوره در اثر عدم معرفت و استفاده های شخصی
 اکثر کارمندان دولت بوجود آمده ولی باز هم وزرا موجوده
 دارند بامید اینکه و بوجهه گلستان موجود و خود سلطنت خود
 بانتظار طولانی که شاید بیست سال دیگر در بر بگیرد توصیه
 میکنند گویا ما بوزرای ذیجاه و دانشمندی که مملکت را در اثر
 قانون شکنی ها - خود را بی ها - خود سربها و بیمدالتی ها
 چون جهنم ساخته اند باید بیست سال دیگر موقع دهم تا

خود را از محاکم عالی دارند .
 آنها بتوانند گلستان موعود و خیالی و خوشاب و هوای
 خود را ساخته و کاردانی خود را بطلت ثابت کند ولی باید
 بعد از آنکه از موده را از مودن خطا است - در حساب لیکه در
 ۲۰ سال هزاران شواهد و اسناد ثابت میکند که هیچ عمل
 آن ها برای مملکت مفید و موثر واقع نشده و سوه تعلیمی
 روز بروز یا فتن تر شده و در اثر تبدیل نصاب و پروگرام -
 تعلیمی از فارسی به پشتو و باز از پشتو به فارسی عدا و یا
 سهوا محصلین را بیسواد ساخته و یا بلا نهی اقتصاد ی -
 عالمانه خود خلق را برهنه و فقیر گردانیده و خلاصه مملکت
 را خراب - قلوب مردم را جریحه دار و مملکت را جهنم ساخته

اید و در مین تجارت بیست ساله تا کلم مطلق بوده اید آیا باز هم از ملت اعتماد و برای آزمایش موقع میخواهید؟ من بصدای بلند باقای وزرا اظهار میکنم که شما از هر جهت اعتماد خود را در نزد ملت باخته و خلق بچشم سر مشاهده مینمایند که از دست شما کاری ساخته نیست ولی بد بختی خلق - جهالت عمومی - فقر و فاقه عمومی و امراض عمومی همه بدست شما و در اثر یلایتهای عالمانه شما درین خاک کشته شده و شما در مقابل خلق و تاریخ محکم و مسئولید - اینکه آقای وزرا در را بهر خویش از وضع سیاسی افغانستان شکایت میکنند ما برعکس - معتقدیم که وزرا توانستند از وضع مساعد سیاسی افغانستان مخصوصا در جنگ دوم استفاده نموده و نظریه سیاست روابط ما را با تمام دول عمسایه بر هم زده و از عهده ممری - افغانستان در دنیا بر نیامده و نمایندگان شما در خارج اشخاص با اهل و نالایق بوده و طوری که بچشم سر دیده ایم فعالیت سیاسی کارمندان حکومت در خارج بجز تجارت های شخصی و استفاده های نا جائز و جمع پول چیز دیگری نبود و حتی در ممالکی که بنده بچشم سر دیده ام بمشکل سفارت - افغانستان را نظریه گمنامی میتوان سراغ نمود - بنده وقتی که دو سال قبل به ترکیه رفتم در سفارت ترکیه آقای سفیر و یک نفر سر کاتب موجود بود که تقریباً یکدل زمان خارجی اشغال بوده و بچندین روز نامه هائیکه در انقره و استانبول نشر میشد قطعا اشتراک نداشته و فقط بصورت تصادف خبر میشدند که فلان روز نامه در خصوص افغانستان چندین روز قبل چیزی نوشته است و حالا نکه نمایندگان پاکستان اغراض سوء و فاسد خود را تقریباً در تمام روز نامه های ترکیه نشر کرده و شاید در دیگر ممالک نیز در جریان یکسال یک مقاله هم برای مرفعی - افغانستان از طرف سفارتخانه های ما داده نشود و داد نمند - باشد بمعقیده ما سفارتخانه های ما یک مومسه شخص چند افراد مخصوص است که نه قدرت معرفی ملت نه فکر تحکیم روابط را بر کرده اند و طبعا در اثر این استفاده های نا جائز وزرای موجوده اعتماد خود را در نزد ملت باخته و دیگر نمایندگان ملت حاضر نیست و نمیتوانند مقدرات حیاتی خود را بدست شما بسپارند - اینکه وزرای نماینده دولت در رابره خویش از فعالیت های شان در اقتصادی - تعمیر بند بخرا و نهر ارجی - شرکت نقد و ساجی حرف میزنند بمعقیده ما موسسات مذکوره از همه بیختر باقی شخصی چند فرد معدودی خدمت نموده و وزرا نخواهند و یا نتوانستند

انتخابی و دیپلماتی معرفی کرده باشند ولی تا جائیکه ما مملووات داریم اینهم از اکثر سفرای ما ساخته نیست نمایندگان حکومت پس از مقدمه که خود شان بخوابیهای موجوده در هر سال چه اعتراض مینمایند از ترقیات شان در کشور در سلحه معارف و سرک سازی و بند و انبار ... حرف زده ولی ما از آقایان وزرا میبوسیم که آیا این ترقیاتیکه شما از آن حرف زده و بیان مینازید آیا با ممالک همجوار ما قابل مقایسه بوده و حتی میتوان احوال اقتصادی و عرفانی و اجتماعی ما را با مستمره های دیروزه انگلستان و بلژیک همجوار ما ایران مقابله و مقایسه نمود؟ آیا حال ایران ۲۰ سال اولتر از ما بارها بدتر نبود؟ آیا در ظرف ۳۰ سال روسیه شوروی یکی از مقتدرترین دول دنیا نگردیده است در حالیکه ما اولین ملکی بودیم که روسیه شوروی را به رسمیت شناخته ایم و آیا روزنامه ها و نشریات ۲۰ سال قبل ایران حکومت خود را با اقتدار با افغانستان تحریر نمیکرد؟ آیا چند در ظرف چند سال اخیر در هر ساله ترقیات در خضانی که ما در ۲۰ سال بعصم حصه آن نایل نشده ایم نموده است؟ آقای وزرا شما همه این چیزها را نباید به ثروت ملی عطف کرده و بیاز نباید بفرمائید که مملکت فقیر بوده و فقر بودجه مملکت را بر رصما بکشید اماما از وزرای محترم سوال میکنم که شما هم وزرای این ملت فقیر و بی بضاعت بود ولی بفرمائید دارای چند قصر و باغ و چه مقدار اراضی و چه مقدار اسبم در بانکهای داخل و خارج مملکت میباشید؟ و اینهمه ثروت و جاه و جلال را بکدام استحقاق و این جوکی های مهوری را بکدام لیاقت گرفته اید بمعقیده ما در اثر اغراض شخصی و سوء استفاده های صریح و واضح کارمندان بزرگ هیچ پلان عقیدتی در مملکت طرح نشده و فقط کارمندان بزرگ از جیب خلق کیسه های خوش افراد مخصوص است که نه قدرت معرفی ملت نه فکر تحکیم روابط را بر کرده اند و طبعا در اثر این استفاده های نا جائز وزرای موجوده اعتماد خود را در نزد ملت باخته و دیگر نمایندگان ملت حاضر نیست و نمیتوانند مقدرات حیاتی خود را بدست شما بسپارند - اینکه وزرای نماینده دولت در رابره خویش از فعالیت های شان در اقتصادی - تعمیر بند بخرا و نهر ارجی - شرکت نقد و ساجی حرف میزنند بمعقیده ما موسسات مذکوره از همه بیختر باقی شخصی چند فرد معدودی خدمت نموده و وزرا نخواهند و یا نتوانستند

نیاز مادیهای ملت را رفع نماید در سال گذشته در مقدمه
 رابرت که در مورد ایجاد محصول مال التجاره حکومت بشو را
 نوشته بود - وزیر اعتراف مینماید که سی سال اولتر -
 افغانستان ۸۰ فیصد ما محتاج حیاتی خود را در داخل
 مملکت تهیه دیده و امروز صد فیصد در عرصه محتاج غیر از
 این اعتراف وزرا درست بوده و حقیقتا احتیاج صد فیصد ملت
 در عرصه و از بین رفتن صنایع دستی و حرف ملی فقط
 و فقط زایدہ معادلات و عرفینهای شیا روزی وزرای محترم
 است - ظه خریداری اساسا خلاف ماده ۲۶ قانون
 اساسی است و وزرای محترم در حالیکه شواهدی وجود دارد
 بطور غیر قانونی برای گرفتن سند یا خلق مذاکره نموده و مثلا
 در یک ولایت یک یا دو ملیوش با دو صد نفر هم نشینان
 هنگامی و تا شب الحکومه ها مذاکره نموده و ازان ها جدا گرفته
 و ازین طومار های ساختگی میخواهند در مقابل شورا استفاده
 کنند پس صرف نظر از تعلم علل و عوامل بنده صاف و پسا ک
 عرض میکنم که با اعتراف صحیح صدر لفظ صاحب که در سال
 گذشته برای رفع ظه خریداری و با عدم همکاری وزرا و با آنکه
 وکلا در ظرف سه سال پهر گروه همکاری حاضر شده اند
 و نظریاتی که وزرا در اثر استفاده های شخصی و اغراض سوء
 خود نمیکشوند روابط ملت و دولت خور شده و دولت و
 ملت با هم نزدیکتر شود و نظریاتی که کارندان بزرگ حکومت
 درین همه گیر و دار ها استفاده های شخصی دارند پس ما
 هیچگاه نمیتوانیم یا وزرا بلکه طرف اعتماد ما و ملت نیستند
 حرف برای گرفتن استقلال قریبان کردند و عهد میدانید که کسی
 برتیم اما چون ما به شاعر عزیز خود و بتم و ملت خود وفا دار
 ارجان ناجور از فرانسه آمده و ما را نجات داد و حالا دشمنان
 و دوست بوده و روا دار نیستیم که در بین دولت و ملت کشیدگی خارجی ما را ارام
 نینگد ازند و میخواهند تزلزل پیدا کنند پس
 و سوء ظنی تولید شود پس ما جدا از شاعلی رئیس شورا
 عقیده من این کب ها خوب نیست .

موجوده رای علم فساد داده و قطعا حاضر نیستیم که با
 کابینه موجوده که فقط تصور شان دولت ظه خریداری و یا
 سه چند ساختن مالیه است حرفی برتیم . (تأیید اکثریت وکلا)
 غلام حضرت خان وکیل کاپیسا - شاعلی وکیل کاپیسا
 خود نزدیک نزد یک میز نامه نگاران آمده و گفت که با اجازه
 این اعتراف وزرا درست بوده و حقیقتا احتیاج صد فیصد ملت
 رئیس صاحب عرض میکنم که ما نمیفهم اینجا مجلس پارلمان
 ۱۲ ملیوش است و یا جای لکچر معلم است - ما بعد انیم که
 ما وکیل هستیم یا نه اگر وکیل هستیم باید خیر مملکت را بد انیم
 و کار کنیم و مثل دوره ها گذشته شورا مصدر خدمت کردیم
 زیرا اینها غرض دارند و تبلیغاتی که در پارلمان میکنند از روی
 اغراض شخصی است پس شما دارای موقیعت محترم مینمائید
 باید اجنده را تعقیب کنید یعنی بر مسئله دیوبو بحث شود
 و حالا نکه در اینجا در اجنده بحث نشده و پرو باندت میشود
 آمدیم در مسئله که میگویند اکثر مردم جلای وطن شده اند
 اینهم اغراض شخصی است (حالا نکه شاعلی محمد صدیق
 خان وکیل مشرقی خودش در مجلس عمومی بحضور هم وکلا -
 اظهار داشته که عده* از هو وطنان من از ظم ظه خریداری
 بخارج فرار کرده و اکثر همین کار دولت کند شاید بیکران نیز
 ترک وطن گویند ولی شاعلی وکیل کاپیسا یا قصد انکار میکنند
 و یا شاید در آن روز تشریف نداشتند) و از منابع خارجی
 ریشه میگیرد الحمد لله این ملت امتحان داده همین خاندان
 استقلال و وطن را گرفت و همین ها بودند که جان خود را
 استقلال و وطن را گرفت و همین ها بودند که جان خود را
 هیچگاه نمیتوانیم یا وزرا بلکه طرف اعتماد ما و ملت نیستند
 حرف برای گرفتن استقلال قریبان کردند و عهد میدانید که کسی
 برتیم اما چون ما به شاعر عزیز خود و بتم و ملت خود وفا دار
 ارجان ناجور از فرانسه آمده و ما را نجات داد و حالا دشمنان
 و دوست بوده و روا دار نیستیم که در بین دولت و ملت کشیدگی خارجی ما را ارام
 نینگد ازند و میخواهند تزلزل پیدا کنند پس
 و سوء ظنی تولید شود پس ما جدا از شاعلی رئیس شورا
 عقیده من این کب ها خوب نیست .

درخواست مینمائیم که عرایض ما را بحضور ذات شاهانه تقدیم
 فرمایند تا اعلیحضرت همایونی امر فرمایند یک کابینه مسئول رانی نمودن ولی من دیروز حاضر مجلس نبودم و وقتی که من امروز
 و طرف اعتماد وکلا و ملت برو کار آید تا ما درین مورد حیاتی
 و سایر قضایای مهم و حیاتی خلق با حکومت داخل مذاکره
 کردیم زیرا تجارب سه ساله ما ثابت کرده است کابینه موجود
 سر همکاری با وکلا ی ملت را نداشته - بقانون - شورا و
 حتی قانون اساسی را احترام نکرده و امروز ندانند که مافوق
 شخصی خود را فدای تحکیم روابط دولت و ملت کرده و بلکه
 سعی دارند ملت و دولت را از هم دور نگاه نموده و میدان را
 برای استفاده های نا جائز خود وسیع تر گردانند - پس من
 بحيث یک وکیل و بنمایندگی از احساسات خلق یکا بینند

بعضی سخنان تاثیر خوب و بعضی تاثير بد دارد ولی بايد دانست که هيچ کس و هيچ وکيل بر خلاف منافع ملی مملکت نيست .

تور علم خان وکيل ميدان - مسئله غله خريداري از سه سال پايينترف موضوعيا حتمه بوده ولی تا امروز بکدام نقطه مطلوب نرسيده ايم سال گذشت همت زيادي بود چه مورد مطالعات زياد و کلا قرار گرفته ولی صدر اعظم صاحب آمد و بهر حيله که بود بودجه از شورا گذشت و صدر اعظم از وکلا رجا نمود که بشرطی ا بودجه از شورا گذشتانده شو که غله خريداري که يك تکليف طاقت فرسا است در سال ۳۰ از دوش ملت برداشته شود همه وکلا و منعمه بوضا بنده بر خلاف کميسيون زمستاني - بودم ولی در اثر روده مذکور برای حل قضيه غله خريداري -

نمايندگان شورا انتخاب شد وزرا تشریف آوردند و انهاد رخواست نمودند که چون رفع غله خريداري از طرف وکلا بيستهاد شده بايد مدارک را نيز آنها تهيه نمايند - ما مدارک را تهيه نموده و د

عوض ۴۳ مليون کسر بودجه ۴۹ مليون افشانی تهيه کردیم ولی مدارک شورا بدون فيصله و اطلاع شورا بافروزي معائن بکار رفت پس واضح است که کميسيون زمستاني که برای حل سه مسئله

(بيکار - غله خريداري و بودجه) تعيين شده بود بجائى نرسيد در صورتیکه کابينه بقانون اساسی احترام نگنجد پس چگونه طبقه پست تر ملت از علائمه دار و غيره توقع کيم که ان ها حقوق مردم را احترام نموده و قانون شکنی نکنند - پس من از مجلس

خواهش ميکنم که همان بجاه مليونی را که در زمستان برای رفع غله خريداري تصويب کرده ايم دوباره برای رفع غله خريداري

تخصيص دهيم ولو تصويب ما در طاق نماند و احترام نشود ولی بهر صورت مسئوليت وجداني ما رفع ميگردد و من بحيت يك وکيل نظر باینکه کابينه موجوده قطعا بقانون اساسی و تصاوب

شورا اعتنا نکرده عدم اعتماد خود را بکابينه موجوده اظهار نموده و خواهش ميکنم که مطابق قانون کابينه جديدي تشكيل شده و بعد از اعتماد شورا مسايل حياتي خلق را فيصله نمايند تا

مردم آرام شوند (تا قيد اکثريت وکلا و فرياد وکلا) بايد رای گرفته شود تا مسئله فيصله شود (بقيه در انی)

تصحیح

در شماره ۲۵ ندي خلق صفحه ۴ ستون اول سطر ۳ در عوض کليمه زایل (ظاهر) خوانده شود . در شماره آمده منتظر مقاله مزده سطر بقم نماند شير محمد خان وکيل تره باغ غزنی باشيد .

گذارش مظاهره ۲ سرطلن در ليسه استقلال

نامه نگار ندي خلق ديده گي ها و شنیده گي های خود را در ميکنم (جلسه) پشتونهای سرحد و داخلی در مورد پشتونستان ۲ ساعت ۲ بجه بعد از ظهر چنين ميتويسد خطابه با اين کلمات شروع گرديد (مسئله امروزي ما مسئله حيات و موات تمام ما است ولی وقتی ميتوانيم که از مصايب روزگار برکنار مانيم که صا دق - غدار - خيانتکار و سيايان خود را بشناسيم (گفتار نهایی حضار) لا زم است -

خاتمين ملی را محاکمه و بدسزا برسائيم تا سفاکانه ما شما امروز طوری خواب مستيم که دشمن ما را بتوک بر چيديدار ميکند در حالیکه اثر تاريخ را ورق بزنيد و زندگانی -

نياکان خود را مشاهده کنيد من ميشيد که بزرگان ما کما ديگران را بتوک بر چه بيدار کرده خداوند را شکر گذاريم که ملت ما مسلمان بوده و الحال ما و شما روزه ايم شاه

مسلمان و عدالت پسند داريم ولی تذکر ميدعم که فيصله محاکمه فوق الماده در باره صافي و تثبيت يراثت آن و بنام توليد توهم باز داشت شدن از نزد ما سخت است ولذا از باد شاه ديوکرات خود انقذات نوازش

داريم - صافي کسی است که از پشتونستان طرفداري کرده و طرفدار نهضت و ازادی مملکت است و در حالیکه از انای صافي تشریف نموده و جمعيت با اواز های بلند زنده

باد پشتونستان - زنده باد شاه و پاي بنده باد اسلام مصروف بودند عزت اله خان و صالح محمد خان مجددي

مداخله کرده و صدا ميگردد صافي . . است و باقاي صافي دشمنان داده و صدا ميگردد که کسی نمیتواند پشتونستان را بگيرد و ما پشتونستان را نيمخواهيم و در ضمن وجد و استعراق خود کلمات بی تربيه - وحشی

و جاهل را در مورد هم ملت استعمال نموده و به مظاهره گفتند گان دشمنهای صريح داده و در اثر تحقير صوبي و تجاوز پشتونات ملی مجادله آغاز شد - بوليس مداخله نمود وقتا نونا حق دانست - اداره و انتظام شائلي عطاء اله خان عظيمی قابل توصيف و زو به سيد اکبر خان قاپيسل

ستاپين است ولی دشمنهای صوبي و زو به و کيد ها و حتی عا برين سرک را بزير قذافي کشيدن واجب و کلا و -

بايکل مردم را بتثبيت گرفتن والی صاحب بيگمرد بودند و همه کن را بصورت افکنده و خانها و اعمرا تصويب نمودند (در شماره اينده منتظر تو شده ما در مورد با اموات باشيد)

خواندنیهای خلق

عشق

دل در کف بیداد تو جز داد ندارد

ای داد که کس همچو تو بیداد ندارد

فریاد رسی نیست درین ملک و کثرته ۱۰۰

گس نیست که از دست تو فریاد ندارد

دلها همه گردیده خراب از غم و اندوه

جز بوم درین بوم - دل شان ندارد

هر جا گذری صحبت جمعیت و حزب است

جزئی که درین صلکت همراهِ ندارد

دل در نفس سینه تنگ مرغ اسیری است

کز بند غمت - خاطر آزاد ندارد

عشق است که صد باره نماید جگر کوه

ایکتوته هنر تیشه فرهاد ندارد

(فرخی)

یقین ما

کاش تا صبح بچشم ما دیدی آنچه ما دیده ایم در برده

آن زمان آمدی سر انصاف نزدی حرف های ده برده

خورده کیران از حقیقت دور خورده گیری همه بخود کرده

سخن اصل دل شو که آسز نشنیده کسی بسر خورده

(شافقی خالص محمد خان خسته)

خبر های از آنش شد درک

از خانج - عساکر ایران با تفنگ های بوجه دار تصفیه

خانه تیل را محاصره نمودند ... "دلخک" در خست خلم

دیده که بین جا بیان و پاکستان کدام قرارداد است

که بر اسلحه انجینیرها و متخصصین جا یانی صنایع

پاکستان را اداره خواهند نمود در شرف انعقاد است

اگر دولت بیخودخواه بر طایفه ریسدار شان باشد بمید نیستا

در داخل پیر تشکیلات بیو لیس مرکز تعولی که بر قاضیت

عامه ختم میشود صورت گرفته ... با آنکه مرستون در جمع

کردن فقیر و بینوای شهر مصرف مییابد زکوات ارباب مال

و سرمایه غده ای را بدروازه شان رهبر است .. لازم

است این زکوات ها از راه مرستون به مستحق برسد نه

بمقتضای رونه شد درک و دلخک هر دو وظیفه را گذارسته

درین زکوات و اسقاط خواهند رفت .. رمضان در اخواست

ترانه های دری و شیدا غیبی به جهت زاست .. خانمی

در سرک و لایت کابل بیراهن خود را بدست فروشی عرضه
و دخترگی یک تخته شادرنجی را بفروخت ... در چوک
جاده میوند سقایی را موتر شربت هلاکت پشاید ...
مید میرسد .. به سنت جامه های نو شاید موترهای
وزرا هم با جل و بل از مودلهای نو تجدید گردد .

توضیح

مدیریت عمومی معارف و لایت کابل در نیمه مکتوب نمره ۱۴۴

چنین توضیحات میدهد در شماره ۲۱ جریده تدا خلق
نوشته شده که (سید عزیز معلم صنف سوم مکتب میدان
بائرتل و کوب معلم فوت نموده انا لله و انا الیراجعون)
حقیقت امر چنین است که اسم معلم سید عزیز نبوده غلام عزیز
و معلم صنف سوم نی بلکه شاگرد صنف اول میباشند - چون
مدیریت عمومی معارف قبلا نیز همچو اطلاع واصل شده
بود بنا بران در اثر بازرسی و تحقیقات حقیقت سه کانه
حکومت محلی میدان مدیریت معارف لکریم معارف و لایت
کابل و تصدیق دکتور معتمد ثابت شد که معلم مذکور
بائرتل و کوب نی بل بامر مرض (اثتانی) که ۲۱ یوم
بیش بان مصاب بود فوت نمود .

تدا خلق - از توجه شان در مورد لت و کوب معلمین
تشکر و صرف در قسمت دکتور معتمد که از مرض شاگرد مذکور
در ۲۱ روز پیش تصدیق نموده خرا هشتمند است محض
معلومات و قناعت خلق اسم داکتر یا نوعیت مرض اثتانی
معلم مذکور چرا ذکر نشده ... انا لله و انا الیه راجعون

شرح اشتراک

کابل - ۴۰ اثتانی سالانه

ولایات - ۴۵ " " "

خارج - ۵ دالر " "

تک شماره یک اثتانی

مطبوعه - گسترش تدا خلق - کابل

نداء خلق

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

شماره بیست و هفتم

سال اول

دوشنبہ ۹ سرطان ۱۳۳۰

مظاہرہ چیست ؟

مظاہرہ در اصطلاح عبارت از ^{اظہار} اظہار عقائد و یا نمایش یک نوع مسلح و یا اظہار منظم یک مفکرہ برای اثر انداختن بر واقع جاریہ و یا جلسہ (میٹنگ) برای غایہ های مذکورہ میباشد۔ مظاہرہ در ہمہ معانی کیتی "حق طبیعی و۔۔۔ نظری مردم بودہ و سرکمرہ حق دارد بصورت منظم و دست جمعی بر علیہ واقع جاریہ سیاسی اظہار احساس و نظرہ نماید۔۔۔ جای بسیار شکر است کہ امروز در مملکت ما نیز در حالیکہ شالودہ آزادی ما تازہ ریختہ شدہ است۔۔۔ سنگ های دیگری نیز باین بنا انزودہ شدہ و کم کم مسودہ بحقوق مشروع خویش آشنا کشتہ و از آزادیہا و حقوق حقہ و مشروع خود برخوردار میشوند۔ کتیم کہ مظاہرہ عبارت از حق نظری و طبیعی مردم است۔ اما خلق باید مظاہرہ را از روی سنجش بصورت و دانستہ اجرا نمودہ و حتی حق دارند کہ تا زمان بر آورده شدن اہمال و از روی شان چندین بار مظاہرہ ادامہ دهند۔ اما باید مظاہرہ را از اغتشاش تفریق نمود۔ اولاً مظاہرہ باید از طرف یک امر و یا رئیس مظاہرہ ادارہ شود و مظاہرہ بچنان قہما معنی و مفہوم مظاہرہ را فہمائیدہ و در او ہدایت و ہدف مظاہرہ را نیز بانہا بفہمائند۔ دوم مظاہرہ باید مانند یک ماترہ عسکری بصورت منظم و مرتب اجرا شود و مظاہرہ کنندگان دایما دارای یک علامہ مشخصہ و امتیازی باشند۔ سوم۔ مظاہرہ کنندگان باید قبلاً علت مظاہرہ و غایہ خویش را اعلان نمودہ و مردم را توسط روزنامہ ها و یا اعلانات جداگاتہ آگاہ سازند۔ کذا مرکز مظاہرہ و دوام مذاکرہ را نیز باید قبلاً اعلان کنند۔ در وقت خطابہ فقط کلماتی کہ مشخص و معین شدہ اند باید مطابق پلان و تخلصی کہ قبلاً معین شدہ باشد حرف بزنند۔ چہارم۔ باید اشخاص معینی را بوی ادارہ مظاہرہ بچیان۔ لوکیری از تعداد و در صورت تعداد ادارہ اشخاص زخمی و یا

معتول گماشتہ و قبلاً این مسئلہ را بمظاہرہ بچیان آگاہ سازند۔ پنجم۔ ہیچ وقت مظاہرہ بچیان بجز اشخاصی حزب و یا دستہ معین و مشخص خود را نگذارند کہ در مظاہرہ شرکت نمایند زیرا مظاہرہ بچیان قبلاً از سیاست مظاہرہ۔ نوع مظاہرہ۔ اندازہ مقاومت و دوام۔۔۔ مظاہرہ۔۔۔ بزرگوگی بیانہ و کلماتیکہ باید در مظاہرہ استعمال شود واقع بودہ و اگر اشخاص دیگری کہ باین روز آشنا نیستند در مظاہرہ اشترک نمایند پس طبیعتاً خلاف سیاست و روش معلومہ مظاہرہ بچیان حرکتی از انہا سرزدہ و مسئولیت ان بدوش حزب و یا طبقہ مظاہرہ کنندہ تحمیل میشود۔ کذا چون مظاہرہ کنندگان با یک ایمان و عقیدہ حاضر بمظاہرہ شدہ اند پس طبیعتاً در مقابل ہر گونہ نا کارہیہا مقاومت نمودہ و تا زمانیکہ سیاست مظاہرہ معین نمودہ است بمقاومت خود دوام میدهند۔ ولی اگر اشخاص دیگری در صف مظاہرہ بچیان داخل شوند پس در مقابل عوامل ہتھار های واردہ مقاومت نکرده و طبیعتاً شکست انہا بمظاہرہ بچیان نیز صدہ بزرگی وارد میکند۔ پولیس ہمتانونا و لیشہ دارد کہ مظاہرہ بچیان را ادارہ نمودہ و نگذارد کہ کار مظاہرہ باشوب رفتہ و جوتی و اغتشاش خصمی شود و طبیعتاً نظریہ سیاست قبلی مظاہرہ بچیان در حین مداخلہ پولیس بمظاہرہ خورد خاتمہ دادہ و یا اگر بمقاومت شدید قصد کردہ باشند از تعداد ہما پولیس نیز باکی نکرده و بہ مقاومت خود ادامہ میدهند در مظاہرہ رعایت ادب و نزاکت و قوانین جاریہ مملکت شرط بودہ و هیچگاہ تا طعن و یا مظاہرہ کنندگان۔ نباید کلمات خلاف ادب و نزاکت را کہ اخلاق و انسانیت از ان تنک داشته باشد استعمال نمایند۔ طبیعتاً در مملکت ما چون مردم بحقوق خود آشنا نبودہ و تاکنون از تربیہ و رشد سیاسی محروم بودہ اند پس طبیعتاً اہل اثرات مآداری نتایص نیز بودہ کہ رنم انہا در اثر خصمی است۔

++ در شورای طلسمی ++

بقیه جلسه روز دوشنبه ۲ سرطان

شاذلی گل پلچا خان التت - موضوع بحث ما غله خریداری است و این موضوع از سه سال پایتلافی تناز با هیئت آن از طرف وکلا مطرح مذاکره قرار گرفته - ممکن است بنده خارج موضوع صحبت کنم ولی مصلحت عرض کنم ویر موضوع اخیر تر روشنی اندازن در سال ۲۸ وقتی وکلا تشریف آوردند - گفتند که خریداری غله بطریق موجوده - تکلیف بزرگی بوده و باعث انزجار اهالی می باشد و شورا اراده داشت و دارد و خواهد داشت که انزجار خلق را رفع نموده و روابط نیکی را بین ملت و دولت قایم سازد و برای رسیدن باین مقصد تجویز شد که غله خریداری از دوش خلق برداشته شود ولی همه میدانند که شورا خود سرانه گداز کاری نکرد و تصویب خود را بحضور اعلیحضرت امپراتری تفرستاد و ممکن بود که تصویب شورا و دلالی که در مورد انزجار ملت داشت از حضور اعلیحضرت رد نمیشد ولی شورا چنین نکرد و با حکومت داخل مفاهمه گردید و کوشش کرد که با مفاهمه دولت راه حلی برای این بار کمر شکن پیدا کند ولی سال اول در اثر تمام ماسعی و زحمات و مفاهمه با دولت به کدام نتیجه نرسید - سال دوم باز وکلا درین باره مداخله کرده و مهم وکلا این مسئله را یک قضیه حیاتی شمرده و برای حل آن باز کمیسیونی انتخاب شد - وزیرا تشریف آوردند - دلالیل شان شمرده شد کمیسیون به صدارت رجوع کرد و من که عضو کمیسیون بودم از بیانات صدراعظم چنین فهمیدم که از روز داشتند که این تکلیف از دوش خلق برداشته شود ولی صدراعظم می گفت که امسال بول غله خریداری تقسیم شده و اگر غله خریداری از دوش ملت برداشته شود - امسال برای حکومت مشکلات پیش میشود - ما فهمیدیم که طبعاً برای سال آینده وعده حکومت قطعی است و موضوع در روزنامه رسمی ولی بعد از همه این مذاکرات حکومت راهبردی میسر شد - امس نیز نشر شد - لذا باز کمیسیون زمستانی انتخاب شد و وظایف می شود که وزیرا تمیخواهند که با شورا مفاهمه با برای رفع غله خریداری جاری - بپنجند - حکومت مشکلات وزیرا بدون اینکه ملت را فریب دهند کار دیگری نمیکنند و از طرف کمیسیون مدارکی تهیه شده و در معرض ۴۶ ملین افغانی از مدارک مذکوره بدولت نشان داده شد

ولی آنها مدارک مذکوره را با افزودن معاش بکار بردند و بر واضح است که شورا با حکومت از هیچ گونه همکاری در بیخ نمودن کار رفع غله خریداری تنها کار شورا حساب نشود و این کار نیک با اعتقاد هر دو قوه انجام یا بسد ولی باید ببینیم که کا بیته در مقابل چه کرد ؟ آنها در عرض بدین مفاهمه شورا مدارک مذکوره را با افزودن معاش بکار برده و در وقت حضور شورا خلاف قانون آن را بینه ذات شاهانه رسانیدند حال آنکه قانون اساسی در مسایل بسیار مهمه و انهم صرف در لوائح قانونی و در زمان رخصتی شورا بچنین کار اجازه میدهند - شورا مخالف افزودن معاش مامورین نمیباشد ولی کا بیته سعی کرده است که باین وسیله فاصله بین شورا و مامورین تولید نماید و لذا ثابت شد که در ظرف سه سال حکومت با شورا همکاری نکرده و در نتیجه عدم موافقت نشان داده است - اصل موضوع را بورد دولت است که در اصلاح نشر شده و در مجلس قرائت کرد و لزوم غله خریداری را تذکر نموده است بنده غله خریداری را بطریق موجوده مخالف مواد ۲۵ و ۲۶ قانون اساسی میدانم و میگویم که ما بکدام فیصله رسیده ایم و چگون این عمل خلاف قانون است و باید شورا از قوا تعیین طرفداری کند و لذا باید رفع غله خریداری قانوناً از طرف شورا تصویب شود و اگر دولت امور را احتیاجی دارد باید نظریه خود را در اطراف ما لیه و غله خریداری و غیره توسط یک لایحه بشورا پیش کند تا شورا در اطراف آن مذاکره نماید (تائید اکثریت وکلا) محمد کریم خان وکیل چهار بیکار - کسانیکه از درد ملت بیخبر اند و یا مقاصد دیگری دارند طبعاً ما هم در جمله بویا کند چنان حساب میکنند ولی باید دانست که وکلا از روز نیم سال است که در اطراف غله خریداری مذاکره کرده و با حکومت مفاهمه میکنند و بعد حکومت قطعی است و موضوع در روزنامه رسمی ولی بعد از همه این مذاکرات حکومت راهبردی میسر شد - امس نیز نشر شد - لذا باز کمیسیون زمستانی انتخاب شد و وظایف می شود که وزیرا تمیخواهند که با شورا مفاهمه با برای رفع غله خریداری جاری - بپنجند - حکومت مشکلات وزیرا بدون اینکه ملت را فریب دهند کار دیگری نمیکنند و از طرف کمیسیون مدارکی تهیه شده و در معرض ۴۶ ملین افغانی از مدارک مذکوره بدولت نشان داده شد

میدانم - غور مزید بر روی وزیرا ضیاع وقت می شمارانند

خریداری صریحا خلاف ماده ۳۵ و ۳۶ قانن اساسی است. و ما باید رفع آن را مطابق قانون تصویب کنیم و باز وزارت مالیه میتواند مشکلات خود را بصورت لایحه بشمارا پیش کند.

سید محمد خان دهقان کجیل بدخشان - عرض میکنم که مدارك و احتیاجات امروزی ملت و مملکت تنها مواد هفت گانه نیست و بلکه بسیار چیزهاست ولی بعد از کسندن هزارها درد و الم و کلا چند فقره را یاد داشت و از راه حسن عقیده با حکمت داخل مفاهمه گردیدیم - حکومت

برای کسر بودجه مدارك خواست و کلا هم از راه همکاری و نشان دادن روح اشتراك و تساند آنرا خلاف قانون و روح ملت تنگته و بهمکاری حاضر شدیم و اگر چه مدارك تهیه شده ما نیز بر چین و گفن ملت و تمك و خوراك آن علاوه میشد ولی برای رفع هزاران فحایع دیگر که بالای ملت در زمینه غله خریداری اجرا میشد ما تکالیف مذکور را سببتر شناخته و مدارك را بوزرا تقدیم نمودیم - اگر حکومت در اوایل پیشنهاد میکرد و حالا تکه چند ماه برای تهیه مدارك یا کلا مذاکره نمودند و کدام مدرکی را برای مصرف نشان میدادند ما میتوانستیم مدارك دیگری را

تهیه نمائیم ولی بهمه حضار مجلس معلوم است که قبل از تهیه مدارك هیچ یاد آوری درین زمینه از طرف حکومت نشده بود و بی آنکه با شورا مفاهمه بعمل آید آنرا خلاصی قانون برای ازدیاد معاش مامورین تخصیص دادند - از رابوروزرا برمی آید که این بارهای تازه را نیز باید بر بارهای گران ملت تحمیل و باید بر علاوه مالیه را سه چند نموده و یا غله خریداری را با همان فحایع دوله دهند - احصائیه سال ۲۸ کمتر بوده ولی در سال ۲۹ کمی بیشتر ولی مقدار غله اصسال از انهم بیشتر است و گو یا سال بسال میخواهند که بار این ملت فقیر را سنگین تر سازند - ما بارها این مشكله را شنیده ایم که اگر کلا سیست شمال حق ملت را میخواهند و یا اروزه دارند عرض خود را بشاه خود برسانند یکمده قابل و کلا همین حسرت جوئی را تحریک روس و اگر مردم کابل صدای حقطلبی بلند کنند آن را تحریک با کستان قلمداد میکنند ولی ما ازین عده قلیل میرسیم که حرفهای آنها را باید تحریک کرد بدانیم زیرا آنها در هر حرکت بر فرق ملت بیچاره مشت

میکنم که و کلا محتوم با تعلم قوای خود سعی نمایند که غله خریداری یا این بار کمر شکن از دوشن طبقه زارع که یگانسه قوه موله مملکت اند و آبادی مملکت بزارع منبوط است رفیع نمود زیرا نزدیک است که طبقه دهقان از بین برود - چون در ظرف سه سال گابینه موجوده قطعا با شورا همکاری نکرده اند امید همکاری شان موجود است فلذا من عم بحیث یک وکیل بگابینه موجوده عدم اعتماد خود را اظهار میکنم و لو جار نفر و کلا هر چه میخواهند در باره ما بگویند (اگریت و کلا جدا میزنند درست است ما هم اعتماد ندا ریم)

محمد شاه خان وکیل گنجا - آقای وکیل گنجا با انک تصمیم مینمایند که غله خریداری بز دوشن ملت بار طاقت فرسائی است ولی در ضمن یک معضله بسیار طولانی در حالیکه و کلا را با اتفاق اتحاد دعوت مینمایند و خدمات و قدا کارهای اعلیحضرت محمد نادر شاه شهید و والا حضرت صدر اعظم موجوده و - خاندان سلطنتی را حساب و واقعات جنگ استقلال و صحنه های جنگ نجات را ترسیم مینمایند بو کلا توصیه میکنند که از هیچ گونه فداکاری بخاندان سلطنتی دریغ نفرمایند و سعی کنند که به شیرین زبانی و مدارا راه حلی برای غله برداری بیابند

سخی امین خان وکیل دوشی - شکایات رفقا درست است ولی باید چاره سنجیده شود تا اصل تکلیف رفع شود زیرا همه میدانند که غله خریداری بالای طبقه دهقان که قوه مولده ثروت و غذای مملکت است فشار زیادی وارد و اگر طبقه دهقان از بین برود مملکت تباه میشود - همه میدانند که چندین بار برای مفاهمه کیسیمن تعیین ولی طوری که آقای الفت فرموده اند وزرا برای مفاهمه و چاره جوئی حاضر نشدند و کلا حق دارند که از ان ها سلب اعتماد نمایند - میگویند که مطابق شرع انور مالیه داده شود ما طرفدار عدم دادن مالیه نیستیم ولی بد بختی اینجاست که در یک گوشه مملکت از یک زمین سی افغانی و در جای دیگر پنج افغانی مالیه میگیرند را بر وزارت مالیه نشان میدهد که در ابتدا مالیه جنس بوده ولی در سال ۱۲۹۹ به نقد تصویب شد ولی وزرا این را نمیگویند که انوقت یک سیر گندم یک افغانی قیمت داشته و یک افغانی سی هشت - نه مقرر بایست می آمد آیا امروز دهقان میتوانند گندم را بهمان قیمت بدهد ولی اشیای دیگر را بچندین مثل بیشتر بخرد - وزارت مالیه ما احصائیه درستى بدست آورد - قاله

زده و برای جدا ساختن ملت و حکومت کار کرده و برپاداری
 مملکت را سبب میشوند بفرمایند که ما تحریک این عده و وزیر
 و وکلا را بکدام دولت منسوب دانیم ؟ آیا آنها تیکه در هیچ
 امر برای صلاح و خیر ملت و مملکت جواب مثبتی نداده و وزراتی
 که با وکلا مددگاری نکرده و قطعا حاضر نشده اند که برای
 چاره درد های ملت با وکلا همکاری کنند بکدام دولت مربوط
 اند - تا اینوقت نتیجه که از همکاری و زرا گرفته ایم همانست
 که ما وکلا باید در خین مراجعت با وطن خود قدم را از
 قانون - شاه و از قانون خداوندی (المیاد بالله) مایوس
 و نا امید سازیم و بگذاریم ملت خود را در شان با این ارمان
 دوره هفت شورا برای تعیین سرنوشته خود دست و پا بزنند
 وزارت مالیه در برابر خود تصریح میکند که همه امور زندگانی
 ما خراب و بی نظم بوده و ما از کاروان مدنیست بسیار عقب مانده
 ایم ولی باز هم میخواهند بر مردم ملت بار دیگری را تحمیل
 کنند - اگر وزارت مالیه اراده ندارد که ملت و مملکت را برپا
 کند باید از روی حساب کار دهقان و مالدار و مصرف شان
 را سنجیده و باز مصرف دهقان و تارتق و رشوت را نیز حساب
 و باز پس از سنجش مالیات درستی را بر رقم تحمیل نمایند
 و با اساس قانون اسلامیات مقداری را برای مالیه دولت قسمتی
 را برای روز مبادا تعیین و اگر میگویند که حیات و معیشت ملت
 بدست وزیر صاحب باشد و آرزو دارد که همه چیز را از دهقان
 بگیرد ولی اقلایک بار نباید با ملت حساب کنند و باید پس از
 وضع مصارفات همه چیز را از دهقان بگیرند - وظیفه ماست
 که حقایق را بملت برسانیم و هم موظف بودیم که درد و آلام
 ملت را بحکومت گوشزد نمائیم ما در ظرف سه سال با بیسک
 عالم قداکاری این وظیفه را انجام دادیم و امید داریم که
 مسئولیت ما نزد خدا و خلق رفع شده باشد چه از حال ملت
 بنزد شاه و حکومت ترجمانی صحیح نمودیم - مقاومت کردیم
 و مجاهده ورزیدیم و اکنون هم اینقدر وظیفه داریم که بساز
 ارمان آخرین خود ما بخلق برسانیم - غله خریداری صریحا
 مخالف قانون اساسی است فلذا باید تصویب کنیم که ما وکلا
 همه اعمال خلاف قانون را در مملکت جا نزنیم دانیم و اگر
 حکومت ضرورتی حس میکند باید قانونا بشورا پیشنهاد کند ولی
 چون در ظرف سه سال از همکاری خود با حکومت نتیجه
 نگرفته ایم پس باید غله خریداری و سایر اعمال خلاف قانون
 را منع قرار دهیم (تا بعد اگر بیت وکلا)

محمد صدیق خان وکیل کمر مشرقی - از را نوری که
 روز گذشته قرائت شد معلم میشود که در سال ۲۹ -
 تا ثب الحکومه ها با بعضی افراد ملت مفاعمه کرده و بعضی
 جا ها غله خریداری را قبول نموده اند ولی حقیقت چنین
 نیست و این کار خود را خلاف قانون است ما -
 نمایندگان حقیقی ملت بوده و از روی نفاق نبی بلکه حقیقا
 ثابت است که غله خریداری بر مردم ظلم است ما باید
 بملت و حکومت خیانت نکرده و در بین هر دو نمایندگان
 صحیح بنائیم - ملت قطعا با غله خریداری موافقت ندارد
 و اگر نظریه هم بوزارت مالیه رسیده باشد نظریات حاکم
 است نه نظریه قوم و جریه ملی - من در سال ۲۶ در شق
 مالیه مامور بودم ولی ازین موافقه ملت خیر ندادم و شایسته
 این موافقه ها هم جواب کدام متحد العالی باشد - سال
 گذشته صدر اعظم صاحب بحضور همه وکلا علیه اظهار
 داشت که باید برای رفع غله خریداری مدارکی تهیه شود
 و رتبه ملت تحت این بار کمر شکن از بین خواهند رفت -
 کذا شورا تمیخواست کمیسیونی در زمستان آرا کند و فقط
 برای تهیه مدارک برای رفع غله خریداری وکلا به تشکیل
 کمیسیون حاضر شدند ولی مدارک از بین رفت و پاره آنها
 هم بر ملت تحمیل شد ولی بر املت قاید حاصل نگردید
 من هم مانند اگر بیت وکلا طرفدار این فکرم که با اساس
 قانون باید تصویب نمائیم که غله خریداری خلاف قانون
 اساسی است و باز حکمت میداند که انرا قبول میکند یا
 نه و با آنکه تصویبات وکلا از چهار دیواری شورا خارج
 شده و بجائی نرسد اما باز هم ما مسئولیت حدانی خود
 را رفع خواهیم کرد - در مسئله رای اعتماد بنده صریحا
 میگویم که وزرا مشغول اند ولی رای اعتماد در قانون ما
 وجود ندارد در حصه بیانیه وکیل کایسا بنده مخالف
 زیرا اگر ظلمی بر قوم رود و کلا حق دارند بیانیه داده و
 انرا بگوش رئیس دولت برسانند و نگذاریم که قم از بین
 رفته و ما هیچ چیزی نگوئیم اینکه اتای وکیل کسواز
 و کایسا از قداکاری خاندان سلطنتی در مقابل سقو
 حرف میزنند بنده انرا تأیید و با آنکه آنها با همکاری ملت
 برای رفع ظلم کوشیدند ولی باز هم مجاهده شان قابل
 احترام است - من نمیدانم کایسا بنده جدید از کدا خواهد
 آمد اکنون که وزرای موجوده صاحب قصر و مقر همه چیزند

باید از آنها کار بگیریم زیرا ملت نمیتواند روزی جدید را سیر و صاحب قصر و مقرهای لوکس بسازد.

قاضی عبد السلام خان کبیل قلات - عرض میکنم که رابور وزارت مالیه و کمیسیون شتائی قرائت شد. روزی شامل کمیسیون میبایست با موافقت نمایندگان ملت یک راه حلی برای رفع این بار کمز شکن جستجو مینمودند - را بور کمیسیون تصریح میکند که روزی در کمیسیون حاضر نشده اند ولی روزی از حاضر شدن خویش اظهار و لذا دعوی قائم گشته و برای فیصله آن باید روزی در مجلس عمنی حاضر شود. وزیر مالیه در رابور خویش - اساس شرعی را مد نظر نشان داده و مد یونیت ملت را در تغییر جنس بنقد اشعار میکند ولی بنده علنا بور مالیه میگویم که به اساس قانون شریعت باید به حیث رعایت شود اول - سیاست مملکت دوم تهذیب اخلاقی - سوم تدبیر منزل و طبعا در سیاست حقوق ملت بر دولت و حقوقی دولت بر ملت یا پس عادلانه سنجیده شود. اساس تهذیب اخلاقی همه ما برادر بوده و هر کس حقی دارد از اذانه برای علاج درد های ملت - چاره پیشنهاد کند و طبعا تدبیر منزل از حقوق مرد و زن و اولاد و برادر بحث میکند پس اگر روزی مد یونیت ملت را تعیین میکنند پس باید حقوقی را که قانون شریعت بر آنها تحمیل میکند نیز ادا نمایند. اگر روزی بمجلس نمى آیند باید دوسه نفر و کلا برای سنجیدن راه حلی بنزد آنها بروند.

محمد کبیر خان وکیل غور بند - اول توجه رئیس مجلس را بیک مسئله محظوف میسانم که حق شان بوده و باید بان خوب ملتفت شوند - رئیس صاحب میدانند که کلا همه برای مصالح ملت و سنجیدن خیر و سعادت قوم بشورا جمع شده اند نصبرای جنگ و تنقید و مشت و گریبان شدن - من میدانم که شورا جای تیر و تبر نبوده ولی یقین کنید که من عواملی را مشاهده میکنم که باید بعد ازین اله را با خود بشورا بیاریم که در صورت حمله و وارد شدن در ضربه اول از طرف شخصی بتوانم از شرافت خود دفاع نمایم بعقیده من مراقبت اوضاع مجلس و وظیفه رئیس است و طوریکه تا کون مراقبت کرده اند باید جدا متوجه باشند که بشخص وکیل تعرضی بعمل نیاید و کلا هم بین انتقاد و شتم و تعرض قرقی قابل شوند و رتبه و وضعیت شورا بر عسم خواهد خورد و رئیس صاحب خوب ملتقت اند که بعضا حرف های بیبدان می آید و مثلا میگویند که حرف های فلان وکیل از منبع خارجی است و یا نسبت های دیگری را بوکلا میدهند

ولین فرض رئیس مجلس است که قانونا بحل اینگونه قضا با اقدام کنند. اگر کدام وکیل صاحب چنین ادعائی دارد باید بطور مبهم حرف نزده و اشخاص مظنون را بمجلس نشان دهند و البته ما حاضریم که اینگونه وکلا تحت محاکمه قانونی قرار گیرند ولی اگر وکیل در حق برادر رفیق پارلمانی خود تهمت می بندد و یا در اثر عیالی نسبتی بوکلا میدهد باید با جزای قانونی داده شود - (رئیس کسی ننگه کدام وکیل زیر تاثیر اجنبی - در قسمت غله عرض میکنم که سال گذشته شما بعد از تحقیقات لازمه در بودجه تقصیاتی نموده ولی صدر اعظم بشورا آمده و خواست و عذر نمودند و لو دلائل قانونی برای گذشتان بود چه هم نداشتند ولی وکلا ی ملت عذرشان را پذیرفته و در عرض بحضور صدر اعظم نسبت بمشکلات غله خریداری پیشنهاد و صدر اعظم هم بمشکلات ملت اقرار نموده و تجویز فرمودند که باید برای این بار کمز شکن راه حلی پیدا شود تا گفته نمائند که بزرگترین مسایل ما تشکیلات اساسی - بودجه و رفع غله خریداری بود ولی کابینه و شورا با آنکه مختلط بودند بموافق نرسیدند و روزی بن آنکه قسمتی از مشکلات را چاره جوئی نمایند و چاره قسمتی را بوکلا ترک کنند بوکلا گفتند که برای غله خریداری مدرکی پیدا کنیم و خود را بکی کرانه گرفتند و گو یا حاضر نشدند که با وکلا همکاری نمایند باز هم وکلا مدارکی پیدا کردند و طوریکه من روزی در کمیسیون بحیث سامع شقیم مدارک و کلا را غیر مثبت موقتی دانسته ولی باز مدارک مذکوره را گرفته وید رد دیگری زدند - خوب حالا دو مشکلات پیشروی ماست یکی اینکه مامورین معاش کم دارند و دیگر اینکه ملت فقیر بوده و چیزی ندارند اکنون باید از نقطه نظر اجتماعی سنجیده شود که کدامیک ازین دو قضیه را بار اول چاره جوئی نمایند از بدو تا سپس بحکومت مامورین معاش کافی داده نشده و اگر حساب شود شاید تعدد مامورین به ۲۰ - ۳۰ هزار نفر برسد ولی از جانب دیگر تاکیف بزرگی بدوش ۱۲ میلیون نفوس مملکت است همان ۲۰ میلیون نفوس که پول دسترنج خود را بحکومت داده - قدام حکمت بر آنها است با آنکه بنده باز دیاد معاش مامورین مخالفت ندادم پس اگر در و خطه اول غله خریداری رفع بقیه در ستین ۲ صفحه ۶

باید از آنها کار بگیریم زیرا ملت نمیتواند روزی جدید را سیر و صاحب قصر و مقرهای لوکس بسازد.

قاضی عبد السلام خان کبیل قلات - عرض میکنم که رابور وزارت مالیه و کمیسیون شتائی قرائت شد. روزی شامل کمیسیون میبایست با موافقت نمایندگان ملت یک راه حلی برای رفع این بار کمز شکن جستجو مینمودند - را بور کمیسیون تصریح میکند که روزی در کمیسیون حاضر نشده اند ولی روزی از حاضر شدن خویش اظهار و لذا دعوی قائم گشته و برای فیصله آن باید روزی در مجلس عمنی حاضر شود. وزیر مالیه در رابور خویش - اساس شرعی را مد نظر نشان داده و مد یونیت ملت را در تغییر جنس بنقد اشعار میکند ولی بنده علنا بور مالیه میگویم که به اساس قانون شریعت باید به حیث رعایت شود اول - سیاست مملکت دوم تهذیب اخلاقی - سوم تدبیر منزل و طبعا در سیاست حقوق ملت بر دولت و حقوقی دولت بر ملت یا پس عادلانه سنجیده شود. اساس تهذیب اخلاقی همه ما برادر بوده و هر کس حقی دارد از اذانه برای علاج درد های ملت - چاره پیشنهاد کند و طبعا تدبیر منزل از حقوق مرد و زن و اولاد و برادر بحث میکند پس اگر روزی مد یونیت ملت را تعیین میکنند پس باید حقوقی را که قانون شریعت بر آنها تحمیل میکند نیز ادا نمایند. اگر روزی بمجلس نمى آیند باید دوسه نفر و کلا برای سنجیدن راه حلی بنزد آنها بروند.

محمد کبیر خان وکیل غور بند - اول توجه رئیس مجلس را بیک مسئله محظوف میسانم که حق شان بوده و باید بان خوب ملتفت شوند - رئیس صاحب میدانند که کلا همه برای مصالح ملت و سنجیدن خیر و سعادت قوم بشورا جمع شده اند نصبرای جنگ و تنقید و مشت و گریبان شدن - من میدانم که شورا جای تیر و تبر نبوده ولی یقین کنید که من عواملی را مشاهده میکنم که باید بعد ازین اله را با خود بشورا بیاریم که در صورت حمله و وارد شدن در ضربه اول از طرف شخصی بتوانم از شرافت خود دفاع نمایم بعقیده من مراقبت اوضاع مجلس و وظیفه رئیس است و طوریکه تا کون مراقبت کرده اند باید جدا متوجه باشند که بشخص وکیل تعرضی بعمل نیاید و کلا هم بین انتقاد و شتم و تعرض قرقی قابل شوند و رتبه و وضعیت شورا بر عسم خواهد خورد و رئیس صاحب خوب ملتقت اند که بعضا حرف های بیبدان می آید و مثلا میگویند که حرف های فلان وکیل از منبع خارجی است و یا نسبت های دیگری را بوکلا میدهند

اعلامیه سفارت کبرای شاهنشاهی ایران

مقیم کابل

سفارت شاهنشاهی ملت دوست و برادر ما ایران اعلامیه ذیل را برای تشریح ندای خلق فرستاده اند که ما با کمال احترام انرا برای آگاهی هموطنان عزیز خویش نشر و این را هم متذکر میشویم که ما اساسا خبرهای مذکوره را حتمی بنا داشته و همرا ساختن و یا قه دستگهای استفاد مجبور و آشوب طلبان میدانیم و آرزو مندیم ملت عزیز ایران بحقوق مشروع خویش درین مبارزه کامیاب گردند ما بنمایندگی از احساسات خلق از صمیم قلب طرفداری خویش را طولینکس بارها اظهار داشته ایم بلی شدن تیل ایران و رفع کانون قساد از جنوب این مملکت عزیز اظهار مینمائیم - اینک اعلامیه که خود از نظر انضباط یک ملتی برای تیل بیک هدف بزرگ مشترک ملی قدر فراتری دارد و بخوبی نشان میدهد که ملت و دولت ایران با چه وحدت و عزم را سخی برای احقاق حق مشروع و طبیعی خود قیام نموده اند و یقین است مترصد حوادث غیر مترقبه هستند و یا اینکه دولت شاهنشاهی که این نوع شایعات و تملیحات احدی را در دنیای آزادی ایران کارکنان انگلیسی سابق شرکت نفت را تحت فشار و تهدید قرار داده و عده از کارمندان شرکت سابق را توقیف نموده و یا اینکه وضع آبادان هر آن مستعد انفجار و احتراق است و یا مذاکرات با نمایندگان شرکت سابق در محیسط خصومت اجز آغاز شده است از آنجا دیکه این نوع شایعات کابلا بی اساس و کذب محض بوده و برای تشویش از همان منظورهای خاصی انجام می گیرد. لذا مستشار فرهنگسی و مطبوعاتی سفارت کبرای شاهنشاهی ایران لازم میدانند که بمنظور روشن نمودن از همان و انکار عامه با اطلاع برسانند که این نوع اخبار بکلی دروغ و خلاف حقیقت است و جدا تگدیب میشود چه آنکه کارمندان انگلیسی شرکت سابق نفت بهیچوجه تحت فشار و تهدید قرار نگرفته و حتی دولت شاهنشاهی ایران صمیمانه از ایشان دعوت نموده که با همان موازای و حقوقی که سابقا داشته اند بکار مفید و صهم خود ادامه دهند و با آنها اطمینان داده شده است که مادامیکه در کار خود صمیمیت و حسن نیت بخرید همد دولت شاهنشاهی ایران همه گونه وسایل تشویق آنها را فراهم خواهد ساخت مذاکرات هم بین نمایندگان دولت شاهنشاهی ایران و شرکت سابق نفت در محیط آرام و دوستانه صورت گرفته است بالنتها بت چون پیشتر ادای نمایندگان شرکت

سابق با مرملی شدن صنعت نفت بطوریکه منظور نظرسر قانون گذاران ایران و هدف عالی ملت ایران بوده مخالفت داشته به نتیجه ترسیده است و هکذا وضع آبادان و کلیه نواحی نفت خیز و سایر نقاط کشور شاهنشاهی نیز آرام و در کمال نظم و امنیت است و نظا هراتیکه قاطبه مردم ایران صرفا بسایقه احساسات ملی و افکار پرشور و وطن پرستانه مینمایند فقط و فقط برای اعلان بختیمانی از دولت و ابراز مراتب فداکاری و ایثار ملت جهت تسریع در احقاق حقوق مشروع خویش است ولی در کلیه این نظا هرات باحدی از اتحاد تعرض نشده و صدقه و لطمه وارد نیامده و بحمد الله امن و امان برقرار و حکمفرماست قساد از جنوب این مملکت عزیز اظهار مینمائیم - اینک اعلامیه که خود از نظر انضباط یک ملتی برای تیل بیک هدف بزرگ مشترک ملی قدر فراتری دارد و بخوبی نشان میدهد که ملت و دولت ایران با چه وحدت و عزم را سخی برای احقاق حق مشروع و طبیعی خود قیام نموده اند و یقین است مترصد حوادث غیر مترقبه هستند و یا اینکه دولت شاهنشاهی که این نوع شایعات و تملیحات احدی را در دنیای آزادی ایران کارکنان انگلیسی سابق شرکت نفت را تحت فشار و تهدید قرار داده و عده از کارمندان شرکت سابق را توقیف نموده و یا اینکه وضع آبادان هر آن مستعد انفجار و احتراق است و یا مذاکرات با نمایندگان شرکت سابق در محیسط خصومت اجز آغاز شده است از آنجا دیکه این نوع شایعات کابلا بی اساس و کذب محض بوده و برای تشویش از همان منظورهای خاصی انجام می گیرد. لذا مستشار فرهنگسی و مطبوعاتی سفارت کبرای شاهنشاهی ایران لازم میدانند که بمنظور روشن نمودن از همان و انکار عامه با اطلاع برسانند که این نوع اخبار بکلی دروغ و خلاف حقیقت است و جدا تگدیب میشود چه آنکه کارمندان انگلیسی شرکت سابق نفت بهیچوجه تحت فشار و تهدید قرار نگرفته و حتی دولت شاهنشاهی ایران صمیمانه از ایشان دعوت نموده که با همان موازای و حقوقی که سابقا داشته اند بکار مفید و صهم خود ادامه دهند و با آنها اطمینان داده شده است که مادامیکه در کار خود صمیمیت و حسن نیت بخرید همد دولت شاهنشاهی ایران همه گونه وسایل تشویق آنها را فراهم خواهد ساخت مذاکرات هم بین نمایندگان دولت شاهنشاهی ایران و شرکت سابق نفت در محیط آرام و دوستانه صورت گرفته است بالنتها بت چون پیشتر ادای نمایندگان شرکت

بقیه در آتی

بقیه بیاتیه وکیل صاحب فرزند - میشد بد نبود - اکنون وظیفه کمیون تمام شده و را بور خود را آورده اند پس اکنون آنها حق صحبت فصل در هر قسمت ندارند - و صرف میتوانند توضیحاتی بمجلس دهند - رابور وزارت مالیه نیز در مجلس قرائت شد و من بحیثیک وکیل تعمق بیشتر را درین مورد ضیاع وقت میدانم - غله خریداری خلاف قانون بر ملت تحمیل شده و در اول موقت هم بوده و ملت فهمیده و یا تفهمیده تا امروز غله خریداری دادند ما بچشم سرمی بینیم که هر زمانیکه ملت سر خود را بلند نموده و یا حتی خواسته است از طرفیک طبقه بسر خود خورده و این مسئله را ملت خوب می فهمد ولی امروز ملت ستوه آمده و در وقتیکه به بنده رضا نامه و کالت میدادند اظهار نمودند که باید قوانین ظالمانه از سر ما رفع شود امروز روز آخرین است و ما میدانیم که بدون ما لیه و محصول چرخ حکومت بیچرخد ولی ملت اظهار میکند که ما بقدر توان هر چه بخواهیم میدهیم ولی باید حکومت برای ترقی و زراعت

بقیه در آتی

بقیه در آتی

شانلی معتز شیر احمد خان جامراد
مرده سرگردان (سیار) وکیل

بحساب شان میرسد - این مرده که شاید بر اثر ندای
کسی در حیات باین سرگردانی در مرک محکوم شده -
و شاید سرگردانی هایش در حیات بیشتر بوده ۰۰ بهر
صورت ۰۰ دوباره دیگر از قهرش چهرن کشیدند ۰۰ تا به
مد عای ۰۰ دوستان چیزی بگوید .

بر سر تربت من بی می و مطرب متشین
تا زاغوش احد رتص کمان بر خیسزم
ملا الله اتفاقات بعد از مرگ برای انسانها خیلی جذاب
است ۰۰ درین ستن شکفت حادثه را میخواهید که
تا آخر جز راستی و حقیقت دوران نیست .

- نوای خلق - شانلی نادر محمد خان نوا

ای صبا! از من بگو بر مفرضین قون بیست

ایک میگوئید ملت تا پل اصلاح نیست

فی الحقیقت ای دعا بازان بی شوم و حیصا

هر چنین عقل و چشمن ادراک میباید گریست

چیز فرب و غدر کذب عده ارباب کسا ر

عامل بد بختی این ملت بیچاره چیست ؟

گر شما فاسد تکرار کنید اوضاع عسوم

انکه بیعوجب ز ملت ناله خواهد کرد کیست ؟

چیز خوابی فکر اصلاحات از مخرب خطا است

از شما یکدسته بیحس - استعانت اهل بیست

اغرای بد مسلکان! ای عاشق ظلم و ستم

کیست آن بیچاره کرد ست شما ارام زیست ؟

در چنین عصری که هو ملت غنی و عالم است

ما بیچاره ظلم و جهل فقر ۰۰ اینهم زند کیست ؟

هیچ ملت در جهان بی رهنما چیزی نشد

واقعا پس ما نی این ملت از بی رهبری است

ای جوان ای چشم ملت ای چراغ مملکت

رهنمای ملت خود شو که ملت مرد نی است

ملت خود را رهان از چنگ بیداد و ستم

پیش از آن ساعت که طبعاً روزگار آوردنی است

ملت خود را رهائی ده ز غرقاب تنگ

موقع گارت مده از آن که فرصت رفتنی است

با چنین احوال اگر گویند ملت خوشدل است

من تمیگویم تو خود بنگر ۰۰ که با ور کردنی است ؟

هان جوانا! این نه عرض من نوای ملت است

این نوای خلق را بشنو که آن بشنید نی است

معدرت

وزارت صحیه اسم بنده را در جمله دکتور های توکری

وال شپ قید نموده امانظر زیاد مشغولیت های زیاد بیماری

کرده بنده با کمال تاسف معدرت خویش را بحضور همشهریان

گرامی خود با کمال احترام تقدیم به وزارت صحیه نموده ام (محمود ی)

در قریه میرخان از توابع تهر باغ غزنی گدائی از گرسنگی و

یا؟؟ در گذشت چون دکتور معتد نبود که تصدیق

میکرد اهل ده به تکفینش بیجیده و از خوف تعقیب -

و او نه شب هنگام ۲۵۰۰ متر دور تر در ده (میر و

وال) میت را گذاشته و گریختند . دهقانی از قشیم

صالح و این برف بام دیگران را در همان شب برداشت

و ۵۰۰۰ متر دور تر در قریه ملوک نهاد - انگری در

پاسا آخر شب مرده را بدوش کشیده و یک میل دور تر

در قریه سنکی کنج دامان مسجد نهاد به طالبی را گردان

صرف میر بخواب گذاشته و هنوز از عمرو زید ناغ نشده

بود که نعشی را با کفن سفید نزدیک خود دید - روز

را صبر نموده و شب دیگر سه گروه دور تر در قریه (مشکی)

مرده را بردند به مسجد نهادند . ملا امام که برای

اذان گفتن میباید - با پیشه میت بند و در فرسوخ

گوگرد می بیند چه پسر اعشامده ۰۰ تا گهان غش و در

پهلوی مرده می افتد - کدام عقده مشوش شده و تا

میخواهد از ملا خبر گیرد - وضع ملا و مرده مد هوش

نموده و در حالیکه زانوشند میگرد - فریاد میکند

مقتد بان از مشاهده قبرستان عجیب تا پا دارند فرار

مینمایند اهل قریه مرده را برداشته و چند گروه در

تر در قریه باران رها نمودند و در آن جا که خمر میشوند

مرده بیچاره را بر جعت جبر و باز قریه (ملوک) میرا

ملا ی قریه که میت را با همان تکش می بیند متعجب و

واقعه را بدست های جن و اسرار دیگر حمل مینماید

میت قریه بلج را کرد شردوده (لایق) کرمی ایداز

بخت زبون جنانکه روح روزگار است ده (لایق) به

مصیبتی که دیگران از او میترسیدند مبتلا و تواندا ن

امنیه از حکومتی اعلی با ۲۲ نفر پولیس و یک تن

عکاس قریه را محصور و مرده را دستگیر نمودند . نخست

صرف یک نلم را ۲۰۰ اتفاقی دریافت و حالا است که

خواند تپهای خلق:

از پرده بیسرون

گر مسلمانی همین است که حافظ دارد

آه آرزای امروز بود فردا نفسی

دوستان بهانه جو در مکره رقابت بارها از هر چه خواسته اند - استفاده تیر و تیر ساخته اند - از دوران آدم تا

امروز دنیا و بشر بهزار امین گزاشیدند و بد نیال بشما و یسا پیامبری رفتند - خدا این ادیان آسمانی و راستی و خواه از ایجادات و تصنع بوده ... برای مدتی رواج و پرستش روزگار در تحول دچار صعود و نزول گردیده است - تا ریش که سرگذشت گنگ های بشر است میرساند که در گیر مدار مسایل دینی چه حادثه هولناک و فجایعی را جهان بشر گذر شنانده ... گاهی مملکتی بر دیاری دین را حربه ساخته تا خفته و زمانی عده بر مردمی تمویز و این تهاجمات بر سر اشتگی بشری سامان ادامه میدهد ...

در غرب دوره " اسکلاستیک " و قابع " سن پارتنس " و انگلیسیهون هسپانیه از فجایع و خون ریزی هائی است که هر که فراموش نمیکرد در دنیای اسلام نیز بعد از وفات سید یشبران (ص) - مانند مسیلمه و سجاح ... حسن صباح ابن مقفع و واقعه قتل گنبداد بدست هلاک بسا شمول و فرق دیگر تا قادیانیهای همسایه فتنه هائی ایجاد بردشمار سیاسی خود دین را الت تمویز قرار داده و انتقامهای کشیده اند - البته بزرگترین گناهان همین است که از بیسادی نفی و سادگی مردم استفاده و یفریب با این و مسایل انتقام گیرند - بیگانه علاج چنین قضایای مهم و بنیای کن همانا سواد علم است که ر شخص خودش در دین مطالبه و تعالیم دینی را بر اساس قرآن حمید - صحاح سته و کتب معتبره فرا گیرد - بدین ترتیب از تلقینات اهل غرض در لافاه مطامع نجات ممکن است و بس .

خلق سلمان - شاه سلمان و خدنگاران خلق مسلمان البته گفتار و افراش گروه را و دشمنان وطن را درین دیار راهی نیست و افتاب را نمیتوان به مشت لوش سیاه نمود .

جان های مسلم و سلمان دوست را نتوان فریفت و یا تهمتی زد ... بازی درین جا است که باید خلق علمای علام را از عالم نما ها امتیاز نماید .

در بیری که دوره جوانی را مهمل گذر شنانده - الحال جوان را

بی تجربه مست - بختن سخنانند اما امروز این موضوع نه حیث یک میثود در دنیا قبول شده - شست کار - انروی سرعت کار و توانائی در جوان بیشتر است - تعلیم و تربیه خود تجربه است تجارب و شکست و ناکام چه دردی را دروا میکند جوان اقلان و بلند و ست - با وفا - صادق و مسلمان است . (مست و پر کال)

جان سوخته میباید نزل گوید x دلخستند و احد وین حرف یقین باشد یک خواهش از اوانس ششدرک : خیر نگار محتیم . ایسم خویش را اوانس ششدرک معرفی نمیده - ای صاحب است که چار سرک قیر - بند اندرابی را سپر و از احوال خلق چندان اطلاعی بدست ندارد - من در شهر تاریخی نزهت و مسرت میکنم که اخر بازارک های تنگ و تاریک و سه دروازه معروف بدروازه گنگ و شیردل و مهلول آن را در غوغایم نقل - خواهند داد - چند از خواهش نمودیم که این شهر تاریخی را کمی زیب و زینت بخشند اما ما سفاهت کدام مهندس شهری وجود ندارد تا کدام نقشه درستی طرح نماید - گویند زمانی تصویر شده بود که در هر علاقه که از بازار خانه بیشتر باشد شرکت برقی تکلف است تا یک ایبه مائین دیزل نصب کند مگر انسون تا حال ملاحظتند موده ها در قیر نشسته و شب را صبح میکنیم - اولاد های ما مانند مردمان وحشی منقل برقی و بخاری برقی را نمیدانند که چیست - رادبو که زاده برق است درین جا وجود ندارد دیگر و سایل تفریح مانجه های اطفال که هنوز مود نشده است چند روز قبل در بازار مندوی شهر فروتنی ارد به نرخ قیمیر ۱۷ - ۱۸ افغانی بدست آمد مگر در فتنه چندین خروار ارد تلخ شاید از تارت جناب ششدرک در بازار مندوی داخل و این ارد تلخ - گرت حسب دلخواه شان فروش شده و باز مندوی نرخ به حال سابق عود نمود (ششدرک : شانزده درک بیادار ... از گله گذاری شما خوده فراموش کردم چه میشه تا تکلیف تو و منظوری یک نماینده - دوستان ما با ما همکاری و این درک ها ؟؟؟ را بما نشان دهند یا احترام)

در دوتیرد

فریاد من از دست عدو از سر درد است

اندیشه هرانگس کند از مرگ - نه سرد است

جان بازی عشاق نه چین بازی نرد است

مردی اگرگ هست اکنون وقت نبرد است

(عارف)

قیمت این شماره یک افغانی است

مطابعه - گسنتنر ندای خلق - کابل

دکتر محمد رحمن محمدی
مدیر مسئول
انتیفرولی احمدی
اردو شنبه - تحسین به شنبه
فارسی نشر میشود

نظاره خلق

چاپه میوند - کاپی
تبر تیلون
ادرس تدراتی "خلق" - ۱۳۳۰
تاسیس ۱۲ حمل ۱۳۳۰

نامه ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

شماره بیست و هشتم

سال اول

پنجشنبه ۱۲ سرطان ۳۰

اثر تربیه در حیات

در قرون و آثار مختلفی در اثر تربیه محیط انکسار و روتین های و تالیفی در حینه یقی ظهور و ثبت تاریخ گردیده است - دماغ لولاد بشر لوح ساده ایست که هر چه را بخواهند میتوانند در آن نقش نمایند - باسالی این مفکوره آنها فیکه خواسته اند اذ همان عامه را منموش ساخته مردم را برای منافع و افتراخ خود استخدام کنند - دایما ازین روحیات بشر استفاده سو نموده و مردم را برای وقفات کوتاه و یا باویلی برای مقاصد خود استخدام نموده اند - حقایق های سلیب که بصورت اساسی با افتراخ حکمداران و جهان گیران خدمت مینمود - رهی همین اساس و استفاده از تمصیبات و روحیات خلق بنا گردیده است - تا زمانیکه اثر بی علی در اروپا مخصه صا در قرون شان مشتمل بود - منفعت برستان هم از بی علی مردم استفاده نموده - این اثر تمصیبات مردم را دامن زده - اثراتی شوم خود را علی کردند - تاریخ بشر بیسی از داستان های خونین - نتاین این درامه های فجیع را قید کرده - با غیر مبارزات سیاسی و کشمکش های جهانشکافی در صحنه گیتی - مردمانیکه و آن و وجدان و شرافت و ایسان نداشته و قضا منافع و افتراخ - شخصی را می برستند - در سلسله سیاست برای استفاده ازین نیروی خلق داخل فعالیت شده و از زمان بسیار قدیم تا کنون در زیر پرده خدمت بدین و - افین - یلان های شوم اجانب را علی ساخته و اثر های بزرگی را افروخته اند - انقلاب سال ۱۳۰۶ در مملکت ما بسبب اساس همین قارول معلول و با استفاده از روح حیات پاک مردم برپا شده و معتلین که درین صحنه کار کرده اند - همه در زیر لولا و نام مقدس اسلام مردم را قزبنده و از روح پاک و روان بسیط مردم استفاده سو نموده اند - ایفک ما هم در یک مرحل مجبران اجتماعی زیست داریم - شاه جوان و با ناموس و مسلمان مابرای دفاع از نوامیس ملی ایشان با دشمنان اسلامیت و افغانیست و دستگاه های دسیسه های شوم استعمار و قدا ایمان دستگاه های

اتالیسی بیواتان دعوت مبارزه داده اند و ملت و دولت ارزه دارند که برای حصول این مرام مبارزه نمایند - اکنون فرض خلق است که استفاده حیوان و آله های دستگاه های سیاه استعمار و خائنین ملی را خوب شناخته و بد سالیس آنها فریب نخورند - اما جوانان ... همه از جان و دل در هر گوشه این مبارزات اجتماعی و ملی بدور شاه جوان و عزیز خود اسب تاده بوده و در راه خدمت بقوم و جان مانند یک سرباز منتظر - در اوامر شاه جوان خویشتند - باسالیس توشیح قوه ارزومندیم شاه عزیز ما امر فرمایند که روح تربیه ملی و ایثار و قدا اگر در راه حفظ ناموس دین و جان را بیشتر در دماغ جوانان افغان با تمام سایل ممکنه تزئین فرمایند و چشم و گوش مردم را درین زمینه باز سازند تا منفعت برستان آله های دستگاه دسیاس استعمار از موقع استفاده ننموده و این دشمنان دین و ناموس ملت قوم را بنام دین فریب ندهند (محمودی)

سو قصه صاحب امتیاز نامه

بین ساعت ۱۲ و ۱۱ یازده سرطان شانلی محمودی و کیا کابل در شورایی و صاحب امتیاز نامه ندای خلق راه بهانه معا پشه مریض دریمه مؤثر طرف شاه شهید بردناز مقابل عمارت دو اند عامه سابق عبور و تو یک کول مؤثر را متوقف ساختند و گفتند که کدام جای مؤثر عیب پیدا نموده ... از پیلو ها چند نفر - اراغی که از گفتار و ظاهر شان قمعیده شده کجائی هستند مؤثر داخل و اراغی شانلی محمودی را احاطه نمودند ... اشتباهی آقای محمودی را درین حرکات از مؤثر ما مین نموده و خینیکه عقب مؤثر در خریده اند از عقب دستهای همان را بیجانیده با ننگائی بنگوی شان فشار و عتک شان را کیمانه وسیله دیدن بود برداشتند و مقاصت شانلی محمودی سبب گردیده که با ضربتی به پشت سر گیش سازند ... چسبون تقدیر اتلیا با این تدابیر شوم موافقت ندارد و خداوند یار حق است چند قاطبیکه در آن نزدیکی مشغول بازی بودند داد بقیه درس ۴

بقیه بیانیه شافلی محمد کبیر خان وکیل نوریند
 ملی ارژو دارم که در عرض مالیات حکومت صنعت - زراعت
 معارف و غیره امور شان را تمام و نسق بخشیده و بجز موقوفات
 قانون ترقی دهد اینکه زیر مالیه میفرماید که بدون خریداری
 و آن هم بطریق موجهه کار نمیتوانند عرض میکنم که بفرمایند
 بخانه خود بنشینند زیرا ماه ما با کتاب شناسی دیگر همکاری
 کرده نمیتوانیم زیرا اوریکه اثبات شده مدارک ما را باز هم
 بدیگر را نمیتوانند ملی با وزیر جدید ممکن راه نشان بدهیم
 در حصه اعتماد و عدم اعتماد اگر چه در قانون چیزی
 نیامده ملی اینهم شده میتواند که کابینه جدید مورد اعتماد
 ملت از طرف اعلیحضرت امر شود لهذا باید این وزیر
 بر طرف شده و وزیر جدید با مر اعلیحضرت تشکیل شده
 و با مقامه و کلا ی ملت چاره درد های ملت را بنمایند .
 محمد رحیم خان وکیل گفتار - در حصه غله بحث زیاد
 شده ولی باید تذکر داد که سال گذشته مجلس عمومی -
 کمیسیون را ما طرف بمذالعه موضوع نمود ما اعضای کمیسیون
 بعد از مذالعه غله را تکلیف دانسته و موضوع را دوباره
 تذکر دادیم ولی وزیر گفتند که ما در صورتی غله را برداشته
 میتوانیم که شورا مدارک پیدا نماید که بهمان اساس -
 در عرض ۴۳ ملیون کسری بودجه ۴۹ ملیون تهیه کرد ولی
 چون کمیسیون صلاحیت کافی نداشت نمیتوانست که به
 فیصله قاضی برسد لهذا لازم است که وزیر در مجلس عمومی
 حاضر شوند بدلیل ارائه نماید اگر مجلس عمومی را قانع
 ساختند البته مسئله فیصله میشود و الا مذالعات و هدایات
 شورا را باید عملی بکنند (تا شاید و کلا) اینکه
 حالا از وزیر عدم اعتماد کنیم بچنان بنده درست نیست و
 باید چندی دیگر انتظار بکشیم تا وزیر حاضر شوند و جواب
 بگویند و اگر باز گفتند که قاضی فیصله شورا را قبول ندارند
 البته آنوقت همه ما با اتفاق هم رای عدم اعتماد میدهیم -
 محمد صدیق خان وکیل گفتار - اینکه میخواهند که غله
 خریداری خلاف قانون است من مخالف میباشم و اعتراض
 دارم زیرا غله خریداری باید اصول مالیاتی گرفته شده
 و چون فعلا هم صورت تعامل را دارند مری الا جرایمه
 میباشد - اینکه گفته اند خلاف اصول است عرض میکنم که
 هنوز هم اصولنامه های زمان امین الیه بخان نافذ است در بود

حصه عدم اعتماد میگویم که در صورتیکه مسئله غله تحت بحث
 است نمیتوانیم از وزیر عدم اعتماد کنیم و لازم است که به وزیر
 حق بدهیم که در مجلس آمده و دلایل بگویند در حصه
 اینکه ما لیه به شکل دارد باید بدانیم که این ما اند شرعا
 مشروع است و لایحه که از زمان امین الیه مانده ماند
 مذالعه شود پس باید را بپورهای وزارت ما لیه خوب -
 خوانده شود .

رئیس - وقت تمام شده زیرا وقت نماز رسیده است . . .
 محمد صدیق خان وکیل گفتار - بی باید جلسه دوام
 کند باین صورت - جلسه خاتمه پذیرفت .

جلسه سه شنبه ۳ سرطان

روز سه شنبه ۳ سرطان - جلسه علنی شورا ی ملی ساعت ۱۰ و
 ده دقیقه تحت ریاست شافلی داوی آغاز گردیده و مذاکرات
 در اجاره غله خریداری به ترتیب ذیل صورت گرفت -

نور علم خان وکیل میدان - رئیس باید قبلا نوبت نامتین
 را اعلان کند تا و کلا نوبت خود را بدانند .

رئیس - قبل از شروع مذاکرات عرض میکنم که مقصد ما
 معلوم است و آن غله خریداری میباشد لهذا اگر توجیهی
 شود بهتر است .

محمد عثمان خان وکیل رودات - در ضمن شکایت از
 نبودن مکاتب عالی در مشرق ارژو نمودند که قضیه غله را
 تا تشریح آوری صدر اعظم صاحب محال سازند .

غلامعلی خان وکیل جاغوری - ارامی ملت ضروری بوده
 و رفاهیت عمومی باعث سعادت جامعه است و این ما در
 اجاره غله خریداری بارها بحث کرده و باز بحث میکنیم و
 این را هم میدانیم که غله خریداری بزرگترین تکلیف ملت است
 ولی با انهم بقیعه تیرسیم در - بلکه کارهای بنامی
 داریم و گذشته این وزارت مالیه نیز در باره توزیع تخمینه
 غله بیگ سته فعالیتها دست زده است .

عبد الا ول خان قریشی وکیل تالقان - از چند سال
 باینطرف راجع ببنده خریداری حرف زده میشود ولی فیصله
 بعمل نمی آید مانند گفته غلامعلی خان باید بقیصلیرسیم
 لیکن باید بدانیم که وزارت مالیه خلاف اراده شورا رفتار
 کرده و مدارک شورا را بملف ماورین بکار برده و کمیسیون
 زمستان هم برای رفع غله و مذالعه بوده گذشته شده
 در بود ولی متاسفانه کاری از پیش برده نتوانست مجلس سال

و دگور محمودی نمیده اند که يك نذر را - اضر میدان کند
 (وکیل بگرمای - تمام شش گروهی بمندای محمودی
 حاضر میدان میشوند و ناگفته نماند که شش گروهی سالها
 امتحان ایشار و فدا کاری خود را داده اند - قبیل و قال و کلا
 بطرفداری محمودی) :

رئیس - سخن را کوتاه کنید زیرا وقت کم است . . . وکیل
 مقرر دوباره رشته سخن را بدست گرفته وقت هرگز کوتاه
 نمیگم بلکه امروز تا توب جا شد سخن میزنم (رئیس -
 داخل موضوع صحبت کنید) چیزی که خان موضوع گفته
 ام پس میگویم (خنده و کلا) اگر کسی از لویه جرگه بیاد
 داشته باشد خواهد فهمید که انوقت و کلا قانون را قبول
 نکردند و اعلیحضرت شهید نام قانون را امضا نداشتند
 لهذا باید با حکومت معاهده رسیده و از خدمات شان چشم
 پوشی نکنیم .

یکی از وکلای - تنبلی - من بی نوبت حرفه میزنم .
 رئیس - برایشما نوبت تعیین کرده ام .

تیمار - وقتیکه در موضوع حرفه زده میشد باید چنین باشد
 که شورا در سال گذشته فیصله کرده که غله باور رعایت
 از اهالی خریداری شود ولی حکومت را بوری پیش کرد و
 دران عوض رقع غله مالیه را سه چند تذکر داد پس ما نباید
 با اساس این فیصله کنیم که فیصله وزرا صحیح است یا نه و به
 همان اساس رای گرفته شود و یا غله خریداری را قبول
 نمائیم و باین اساس از وکلا رای گیری شود و راه سوم این
 است که نه مالیه سه چند گرفته شود و نه خریداری چیزی اجرا
 گردد و شورا در عوض برای همه مدارک بیدار کند و درجه
 اینکه میگویند که کمیسیون مسئله غله را مورد مطالعه قرار
 داده و فیصله نماید عرض میکنم که تمدن کمیسیون مسئله
 غله را بطول انداخته و فیصله موقوف نمی شویم - اینکده
 میگویند شورا عسکرا بی غله میگذارد اقترا است و اگر این
 عقیده تصمم شورا میشود هرگز ۴۹ ملیون افغانی مدارک
 بیدار نمیکرد و کسر بودجه را برای رقع غله خریداری حبیبه
 نمیکرد . درباره اعتماد وعدم اعتماد میگویم که باید رای
 گرفته شود ولی خود من بحیثیکه وکیل حاضر هستم که
 مدارکی بیدار کنیم که بالا ی تمام ملت بطور غیر محسوس -
 تقسیم شود پس مدارک خود را باین وزرا نشان نمیده اند
 زیرا ما او بیان اعتماد ندارند - اینکده بعضا وکلا در امرای
 نامه در این

۱۳۳۰ به ماه جوزا افتتاح و به ۱۶ ماه مذکور افزودی ممانش
 باستاناد ماده ۳۲ قانون اساسی اعلان و بجمعه ذات شاهان
 رسیده در حالیکه مجلس دائر باشد باید موضوع بمجلس پیش
 میشد و همچنین ماده ۳۳ درین زمینه تأیید شده نمیتواند
 علاوه بران ماده ۴۲ قانون اساسی تصریح میکند که تصویب
 بدجه از وظائف شورا است در حالیکه تا حال به دجه بشورا
 نیامده و افزودی ممانش هم بدون اراده شورا صورت گرفته
 اینکه بعضی وکلا درباره خدمات اعلیحضرت شهید صحبت
 کردند منهم ممتقد بوده و عرض میکنم کوبه نسبت خدمات
 عالی شان بود که سلاطنت برایشان از طرف ملت داده شد
 و گمان میکنم مکافاتی زیاد ازین پیدا نشود اندیم درباره
 اعتماد وعدم اعتماد وزرا که این مسئله طبق ماده ۷۶ قانون
 اساسی وزیران در ما مسئول بوده و میتوانیم که از او شان سلب
 اعتماد کنیم ولی باید گفت که شرعا شاه هم مسئول است -
 (عریض شریفسرا قرائت نمودند) پس وزرا و تمام کسانیکه
 داخل کار میباشند نزد ما با بقره تصویب لوی جرگه و امیر
 قانون اساسی مسئول میباشند - مسئله غله خریداری از هر
 جانب بلند شد سال گذشته فیصله هم دران باره به
 تصویب شورا رسید ولی تا حال از دوش ملت رفع نشده لهذا
 نظریه دارم که این مسئله در بریمه عریضه سرکشاده بحضور
 اعلیحضرت عرض شود و همچنین در عریضه باید تذکر
 داده شود که وزرا بمندای شورا اعتنا نکرده اند و با شورا
 از در همکاری پیش نیامده اند لهذا لازم است که یک کابینه
 مسئول بشو را معرفی شود تا از در همکاری و موافقت بحل
 مسئله غله و سایر کارهای خود موفقه شویم (تأیید اکثریت
 و کلا)

حاجی عبد التیوم وکیل مقرر - تعداد وکلا ۱۲۰ بوده
 اگر هر کدام ما علیحدده علیحدده سخنرانی کنیم در ظرف ۴
 سال دیر هم موفقه بحل يك مسئله نمیویم - من هم
 گام میدهم و الله تا حال کدام خود را تحویل نکرده ام و
 گذشته ازان بیست سال است که وکیل شورا میباشم ولی -
 امسال نزدیک است قبل از اختتام دوره استعفا بدهم زیرا
 در ظرف دو سال با مشکلات زیاد بر خورده و کاری نکردیم
 در حمله غله باز عرض میکنم که وزیر داخله هم زربار کدام قرار
 دارد در حالیکه داکتر محمودی يك خورد گام نمیده و ما
 چون در سرحد میباشیم سینه ما مقابل گلوله دشمن قرار دارد

XX
 X عید قطر X
 X در اتمام ماه مبارک رمضان عید است. بحد یکماه روزه
 X و ریاضت بشکر اینکه امر خدای (ج) را خلق بجای آورده
 X شادمانی گنان عید بگیرند. صمیمیت - محبت و اخلاص
 X
 X مقابله در هموطنان عزیز رواج است.
 X
 X ندای خلق ایام یکم و روزگار خلق را مدام مسعود و این
 X عید مذ هبن را بشاه جوان و هموطنان گرامی معینا نه
 X تبریک میگوید.
 X
 XXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXXX

بقیه سو قصد
 و فریاد نموده - حریفان از ترس فرار نمودند.
 صد مات وارده جز وی و شائلی محمودی صحیح و سالم
 هستند.
 ندای خلق - ازین تا جوانمردی که چند نفر بفریب و دسیسه
 يك ادم را میخواستند بر بایند اظهار نفرت و یقین است این
 دسیسه ها از اعمال آنها بی است که اراده دارند بیسن
 باقیه جوان و دولت رخنه انداخته بمقاصد شوم خود برسند

خرهای از آنس شمشدرك
 از خارج - انگلیس ها در تبلیغات حرکات مسکری و انتزاعی
 های سیاسی ایرانیا را تهدید مینمایند تا به برستی سیاسی
 شان در منابع تیل صدمه وارد نگردد اما با این تکلید
 نفت ملی خواهد شد .. زیرا اتفاق ارا و نظار و غیره
 با لاخر غالب است.
 در داخل - حرارت تابستانی تاثیر خود را فوراً بخشیده
 بمنما در جاده های قیر با سنگ ها تور میخورد و سر و
 کله نیست که نشکند .. پنج و باره یادگار قرن ۱۹ کامل
 در عقب وزارت مخابرات ویران میگردد تا ایارتمان و -
 عمارت قرن ۲۰ جای اثر بگیرد. نرخ میوه در بازار هما
 متفاوت است . تلفات موتور ها کم بوده صرف پیره زتنی
 در جاده میوند و غیر بیگاری در حومه خواهد ملاحظه دیده
 بود در شفا خاتمه منتظر شفا هستند . شائلی عبدالحمید
 طرزی بار اول است که به نمایندگی روز شکار های افه استان
 با دو نفر سایر یک سوار هندی بدوره شش ساله دنیا میرانده
 از دحام سواد خواندا در کورس اکبر روز افزون و از ۱۲
 به ۲۰۰ رسیده است خدا کند مانند سابقه و معلمین خوش
 ذوق انزمان که هر روز اسم شان در روزنامه ها نشر و از
 اینار آنها اعلام میشد منظم فرار نمایند ؟
 شنیده میشود قریه داری در غزنی يك نفر معلم و خاتم خود
 را بد یار علم فرستاده و تیکو درس داده .. يك امام
 مصدقه اما تیرسی حکایت میکند از گسوه های آخرین در بعضی

خواندنیهای خلق - (توبه فرما بان) -
 و اعطای گاین جلوه در نخراب و منبر میکنند
 چون بخلوت میروند آن کار دیگر میکنند
 مشکلی دارم ز دانشمند مجلس باز پرس !
 توبه فرمایان چرا خود توبه کمتر میکنند ؟
 گوئیا باور نمیدارند روز داوری
 گاین همه قلب و دغل در کار داور میکنند
 یارب این نو دولتان را بر نخر خودشان نشان
 گاین همه ناز از غلام ترک و استر میکنند
 بنده بپیر خرابانم که درویشان او
 گنج را ازین نیازی خاک بر سر میکنند
 ای گدای خانقہ بلژا که درد بر منمان
 میدهند آبی و دلها را توانگر میکنند
 " حسن بی با یان اچند آنکه ما شق میکند "
 " زمره دیر بمشق از غیب سر بر میکنند - د
 خانه خالی کن دلا تا منزل خاتان شود
 گاین حوسناگان دل و جان جای دیگر میکنند
 آه آه از دست صرافان گوهر تا شناس
 هر زمان خرمهره را با در برابر میکنند
 بر در میخانه عشق ای ملک تسبیح گوی
 کاندرا نجا طینت آدم مخور میکنند
 صبحدم از عرش میامد سروش - عقل گفت
 قد سیان گوئی که شعر " حافظ از بر میکنند

دواثر و هجوم خریداران صحنه خلق زیاد است خدا کند تا
 X همه اطالام دارند و وزارت معارف باسایس حسن فکوره
 و توجوه هیئت یونسکو در مذاق فارسی زبان پشت
 را بس از سال چهارم و در ششوزبان فارسی را نیز سمن
 طور در نصاب تجلی گرفته و به نقصه مذکوره نامه داد باند
 و زبان خارجی را هم بعد از صف ۷ درس میدهند که باید همچ
 تطبیقات مفید معارف را تهیت گفت .

توضیح
 بنده در بیانیه خود در ضمن اینکه وزرا از تقاضای معارف و
 نبودن معلمین لایق حرف زده اند گفته ام که تبدیسل
 پروگرامها و نصاب تعلیمی بصورت متواتر از پشتوبقا رسمی
 و از فارسی به پشتو سوبه تعلیمی رأیا بین تر ساخته است -
 ولی نامه انیس این بیانیه بنده را مغلوب ساخته طو ریگند

نداء خلق

نامہ ملی ادبی - اجتماعی و سیاسی

شمارہ بیست و نهم

سال اول

دوشنبہ ۱۶ سرطان ۱۳۳۰

چهارم * درد خلق بیست

چهارم * درد خلق، مخصوصاً در زمان بحران در یک مملکت فقط و فقط جمع شدن مردم بدور یک مفکرہ سیاسی و سنجیدن راه علاج الام اجتماعی میباشد و بس - اگر حکومتی باموجودیت بحرانهای سیاسی به تشکیل احزاب قانونی مطابق قوانین دیموکراسی اجازه نمیدهد - گویا بداره ماری ها و انتقامش رسماً جواز میدهد - امروز ما در دما و الام زیاد اجتماعی داریم - هر دو ستم مردم تنگایانی دارند - هر کس عوامل سیاه روزی و بد بختی خلق را به سابقه و علتی منسوب میکند نظم و نسق زندگی برهم خورده - آراض ضعیف و ظلم نیست و جود نداشته - ترخیل بلند رفته - احتیاجات زندگی مردم بیجهت و بی تناسب عایدات بالا رفته و میرود - در -

۱ - نامہ "نداء" ذیل را بنام مرا نامہ (حزب خلق) مردم را دعوت نام داده و بیاری خدای تو تا قدمی برای نجات و اره درد ما عیدیده خود می برداریم :

بسم الله الرحمن الرحيم
مرا نامہ " حزب خلق "

اول - حزب خلق يك حزب ملی است که بر اساسات معلومه دیموکراسی بنا یافته است .

۲ - تقسیم و تبلیغ بین مبین اسلام را بخلق و اصلاح اعمال را با اساس اسلام یگانه عامل کامیابی و پیشرفت مردم و جود نداشته - ترخیل بلند رفته - احتیاجات زندگی مردم بیجهت و بی تناسب عایدات بالا رفته و میرود - در -

۳ - چون حزب خلق یا حزب دیموکراسی - خلقی است ساحه انقلابی و رسوم و آداب اجتماعی ضعیف و انحطاط موجود فلذا برای تأمین نماید - حقوقی دیموکراسی یعنی حکومت خلق توسط خلق و برای خلق مبارزه میکند .

۴ - حزب خلق اساس حکومت را متکی بر اصول دیموکراسی مستند بر یک شورای اساسی و آزاد و محترم و انتخاباتی موقر را نمیتشمرده و به ناخوش و تازها میبرد دارند - گویا يك بحران بزرگ اجتماعی سر تا سر مملکت را استیلا نموده و

۵ - تأمین عدالت اجتماعی در حقوق و محاکم - رفع مآل تازه نیست - همه ملل گیتی این مرحله زندگی را پیموده و از خلق - تأمین يك حیات اجتماعی مأمون و مصون - نشر مآل هم خواهی نخواهی این مرحله را باید طی نموده و حتما مبارزه عمومی - تأمین يك حیات اجتماعی مأمون و مصون - تأمین این بحران را میگردانیم - اما یگانه - اره درد خلق و راه نجات اساسات آزادی فکر - بیان و نشرات - تولید عدالت مملکت جمع شدن مردم بدور یک مفکره و خط مشی سنجیده و اجتماعی در کار و ارتقا و حقوق سیاسی از و اثاث اساسی اساسی بوده و البته زمانیکه جمعیت و یا حزب مذکور قوت - و اولیہ حزب است .

۶ - حزب خلق تمام طائف اجتماعی خویش را که در ماده مرا نامہ خویش تشکیل و قوانین درستی تدوین و بسرای بد بختیها و سرگردانیهای خویش درمانی یافته و بتفرقه از افکار عمومی خلق تأمین کرده و لذا نشر - ایضاً - تجدید سرگردانی - تذبذب و نا کامیهای اداری و حیاتی خود و اصلاح قوانین و تأمین عدالت اجتماعی و مساوات قانونی خاتمه بخشیده و دست شفقت در بیان و آشوب البیان را از و سببسی را توسط قانون از و طائف مہمہ خود من شمارد .

۷ - قداکاری در راه حفظ تمامیت خاک و ناموس و آبرو دامن باک جامه کوتاه میسازند - اینک بر روی همین اساس

فرض اولیه حزب خلق بوده و با تمام عواملی که این هدف مقدس را تهدید کند مبارزه و جان نثاری را فرض خود می شمارد .

۸ - حزب خلق وحدت ملی را اساس فرایض خود قرار داده و لذا تمام افرادی را که در حدود سیاسی افغانستان زیست مینمایند بلا تفریق نژاد - زبان و رنگ و پوست همه را یک وجود واحد شناخته و در مقابل قانون دارای حقوق مساوی دانسته و هرگونه امتیازخواهی و تفریق جغی را منافی عدالت اجتماعی و اساسات دیموکراسی میدانند .

۹ - حزب خلق کار را یگانه عامل شهادت دانسته بیگاری را ننگ و عار شمرده و لذا برای تولید دستگا های کار در سرتا سر مملکت - رهنمائی خلق بکار توسط تعلیم و تربیه عصری - تأمین عدالت اجتماعی در کار - تأمین حقوق کارگر - رفع اسارت و استثمار در ساحه کار - تأمین حقوق کارگر در زمان کار و بیگاری و تضمینات اجتماعی در کار را توسط قانون فرض خود دانسته و پیشرفت دگر و اخذ مقام را مربوط به پیچنوع امتیازات شخصیت و قومیت ندانسته و بلکه فقط و فقط مهارت و فدا کاری و استمداد در کار را اساس پیشرفت و احراز مقامات و مناصب قبول میکند .

۱۰ - حزب خلق برخلاف تأمین منافع فردی - دفاع از حقوق فرد و آزادی فردی نبوده ولی کسانی را که بتمام دفاع از حقوق و آزادی فردی بصورت غیر مشروع فعالیت نموده و سعادت فرد و جمعیت را تهدید مینمایند منقبت جو شناخته و با اساس قمانین دیموکراسی یا نهسا مبارزه معامله مینماید .

۱۱ - کسانیکه با اعمال رفتار نامشروع کسب جاه و مال کرده و ان سبیله تحکم بر خلق سازد و عمدا برخلاف مصالح عمومی کار کند - خائن ملی شناخته شده و تأمین عدالت اجتماعی و استمداد حق را درین موارد - حزب خلق فرض اساس خود می شناسد .

۱۲ - حزب خلق با داری خویش را با اساسات دیموکراسی و مشروطیت اساسی از فرایض خود دانسته و لذا تأمین - تعادل حقیقی را در بین قوای ثلاثه با تقنین - روشن ساختن حدود حقوقی را در اجتماع و تشریح و اثبات

دولت و ملت را و جیهه خود می شمارد .

۱۳ - اصلاح و تعدیل امور اجتماعی - تأمین عدالت اجتماعی در اخذ هر گونه مالکات - محصولات و - فعالیت ای اجتماعی - تأمین عدالت در تطبیق قوانین - عدم قائل شدن به هیچگونه امتیازات در امور اجتماعی - عالیات و تکالیف عامه اجتماعی - اصلاح جریان امور بمنفع خلق از وجایب اولیه حزب است .

۱۴ - آزادی در فعالیت های اجتماعی اساس فرض اولیه حزب بوده و لذا آزادی در تجارت و کسب منافع و اتخاذ فسلک را در هر رشته - اساس دیموکراسی قبول نموده و مبارزه با هرگونه انحصارات شخصی و فردی که منافع خلق را تهدید میکند فرض اولیه حزب است .

۱۵ - حفظ روابط حسنه با همسایگان (تا پانزده ساله) حقوق و آزادی و ناموس ملی نباشد (اطمینان) تأمین عامه بین المللی - تأمین و اساسات اولیه حقوق بشر (تا جاییکه با قوانین دین مبین اسلام منافق نباشد) همکاری در راه صلح و سلم عمومی را حزب خلق از فرایض اولیه خود شمرده و از هرگونه همکاری درین راه دریغ نخواهد نمود .

۱۶ - تأمین آزادی و حقوق ایمنی بشری مصونیت حیات - مسکن - مرادات - آزادی فکر و بیان و نشرات و آزادی در فعالیت های اجتماعی را اصل حقیقی و ففاری حساب نموده و لذا هرگونه تجاوز را باین حقوق ففاری ایمنی بشر - استمداد و تجاوز شمرده و مبارزه با هرگونه استمداد رای و تجاوز را فرض اولیه و اساس فعالیت حزب حساب میکند .

۱۷ - تشکیلات حزب و ائتلاف شمعیات مرکزی و ولایاتی - نشر - اصلاح و تعدیل قانون اساسی تشکیلات اساسی دولت - قانون انتخابات - قانون تفریق و ائتلاف مامورین - قانون کار و کارگر و عملی ساختن آنها و تأمین عدالت اجتماعی در هر ساحه توسط

قانون از و ائتلاف اساسی حزب خلق بوده و با اساسی جزئیات معلومه دیموکراسی تأمین میشود .

۱۸ - دخول در رژیمه اراکین حزب با مابندی با خلاصه حزب یعنی فدا کاری در راه تأمین و اظیف

رساند. ثبات اخلاقی در راه نشر و تفهیم اساسات اسلامی و
حزبی و دموکراسی و تامین حقوق عامه حاصل شده و دیگر
توأم امتیاز و فرقی را حزب مخالف عدالت اجتماعی حساب میکند

۱۹ - قانون وظایف داخلی حزب - شرایط قبول در
اراکین حزب - اختصار تهدید و حتی اخراج از حزب -
تعیین رئیس و اراکین حزب و تشکیلات آن با استشاره مجلس
عمومی حزب بعمل آمده و احکامات اساسات آن و تأیقه هر فرد
است .

۲۰ - هر فردیکه دارای تابعیت افغانی بوده باشد به
شرطیکه در سوابق آن محل اساسات حقوق عامه چیزی نباشد
بلا امتیاز داخل حزب شده میتواند -

۲۱ - سن افرادیکه شامل حزب میشوند باید از -
هجده کم نباشد .

۲۲ - اشخاصیکه داخل حزب میشوند بایست -
ماهور مبلغ ده افغانی جهت تقویه و پیشبرد امور حزبی
تادیه نماید - کذا خرید یک سهم از سهام صحنه خلق
نیز حتمی است .

تصوره - اشخاص فقیر و نادار به صوابدید هیئت منتخبه
مستثنی خواهند بود .

۲۳ - اصلاح - تبدیل - حذف و یا ایجاد مواد
به مرام نامه هذا به گهرت ارای مجلس عمومی حزب مربوط است
(ملی هیئت ماده که منافی حقوق و آزادی عامه و یا وحدت
ملی و یا اخلاقی دیانت اسلام و تهدید حدود سیاسی -
افغانستان باشد طرح و قبول شده نمیتواند) .

۲۴ - افرادیکه در حزب خلق داخل میشوند بکلمات
ذیل قسم یاد میکنند :

من بنام خدای یاک سوگند یاد میکنم که بتمام مواد
اساسنامه حزب خلق صادق بوده و برای پیشبرد امور حزبی
از هیچ گناه فداکاری دریغ ننمایم و در صورت خروج از حزب
نیز اسرار حزب را محفوظ نگاهدارم والله - بالله - طلا .
کسانیکه از بی دخول در حزب خلق را داشته باشند هر روز
برای مراسم تحلیف در اداره جریده ندای خلق در جاده
میوند از ساعت ۳ الی ۷ بعد از ظهر مراجعه فرمایند .

عزیز شکران
از احساسات یک هموطنان گرامی خود که در قضیه سو -
قصد سیاست شده اظهار ازینده تفقد فرموده اند خیلی
متنون و متاسفیم - این احساسات زنده هموطنان -
عزیز معاصرتان را بر من سهل ساخته و محبت شانرا تمام میکنم
چهارم

ندیسنده همانانی فرمان

روز یازده سرطان

مردان بزرگ را چگه ندما داش میدهند

در یکی از روزهای بزرگ تاریخی ملت جوان و نوع پرور افغان
نسبت احیای حق یا مال شده دور هم گرد آمدند تا مشعل
افکار و آرای خود ها را بمیشگاه قانون و عدالت کشور تقدیم
نمایند - در آن روزها اوضاع کلیه کشور یکی درهم و یا شیده
حال ببقرار ملت قابل ترحم - اجحاف و تعدی حکام از حد

فزون . . و هر یک بقوبه خود ها در تزیید و شکار ریهای مخالف
قانون سعی و جدیت تحویل میدادند . مختصر در آن روز ورود
مثل افکار و آرای ملت در تماشای خانه زندگی از همان را متوجه
امید و اریهای بزرگ و شکست انگیزی در راتبه نزدیک میشوند چه

مخصوصا تبارز و شخصیت بزرگ از بین آنها و نشر انعکاس
ناله های ملت از پشت دیوار های مرتفع شورا توسط همان سه
خارج در یک موقع باریک خاطر را مشوجه ایشار و خودگذر ریهای
لیدر های مبتکر قرن ۱۷ اروپا میشاید - مدتی ازان تاریخ
بگذشت نتیجه فعالیت و پشت کار و کلاهی میرز و قداکار توأم

با برو یا گند های نادرست اجانب یکدم بهیچ منحرف شد اما
از آن جا نیکه مشعل های فروزان حقیقت پیمان زوایای تاریخ
جامه راروشنائی من بخشد به میرامون از خود لعمه های آتش
باشکال مختلف تیت و پراکنده میسازد . . و به پیمان اشناره ها
تولید میکند - تا رفته رفته خود بخود خاموش شده و از بین
برود . همچنانیکه دیدیم از آتش افروزی و مشعل فروزان حقیقت
دو آتش باره خیره کننده بشکل دو نامه بوجود آمد (وطن)

(ندای خلق) که بدون تردید وصول چنین دهنه کاری سهل
و آسانی نبوده . . اکنون دیده میشود صدمات ثورا به
صورت مبرهن و واضح توسط همین و نشریه که مملود آتش
افروزی همان باره آتش است در سراسر کشور بخش و بدسترس
عامه گذاشته شد . بگورز شنیده شد که عده بی سروما به تحریک
دسته خیره سربوی باک نسبت خاموش نمودن یکی ازان دو
مشعل قامت بینهرتی خم کرده اند . ما نمیگویم که چرا اینسان
داشتند مرتکب چنین عملی میشدند . . و باز هم نمیگویم که
وکیل شورا آقای دگور محمود . مشعلد از راه حقیقت چگونه از

خطر مرگ جان بیسلامت برد . . ما نمیگویم چرا مبارز خلق
در نامداد آن روز شوم و وحشت انگیز تبدیلگان را بمیل و دشمنان
ازادی حقیقت قهره نسبت . . سید که در ما بزرگه نیم
محمود دی و کجیل شو را ازان روز بزرگه نیم
آمد کارشرا تحمل سختیها سو ده . . مبارز خلق

خواندنیهای خلق

بک نکته!

دل درد مند در تکانهای حوادث ... شکیا ست ...
 بهو خلقی زنجیر که مبارزه و زحمت را لذت عمر کو تا فهمیده
 اند ... اتفاقا بر خورد تا گوارها بر زبان ما ملامت است .
 گل و میره زیبای بوستان در تهدید باد و طوفان مدتی
 در شاخسار جسمیده ... برندگان گل دوست بدو رش در
 پرواز و بیوس ستبشور و شگفت میبرند . ازند ... جبرالچین
 و سلی مصر - باره اعرس بوستان را پریشان تر از
 خار مهجوران ساخته . اما بر این صحبت ... هفوز
 ناله ها و سوز د های شوریدگان باغ از لای برگ و شاخ
 بگوش میرسد . آه شرر باره ده بیچاره ندای خلق را
 ندیده ... بینوای و فقر و برانه ها ... رسوای انسانی
 که به شب نشینی زندانیان حسرت میبرد ... کلبه های
 پیدا و غذا ... ضجه مظلوم و نوحه بیمار ... شاید به
 التفات هم توغان محور زد ... اما نوع دوستی کسه
 التفات کند کدام و عزیزی که بشنود کجا است ؟
 مردی بی اصلاح احوال متواری مردم با نیت پاک و عزم
 مردانه از خانه پدر و محیط بینوای بدر شده و اطمینان
 دارد که این درد ها بدرمان میرسد و پراگندگیها را
 جمعیتی است . میگوید از روی من تلمین حقوق هم
 و طمان است و اصلاح حال خلق ... شما هر چه
 میگوئید !!!

اهرین صفتان بفریبکاری و دسیسه خواستند این وکیل
 خلق و مرد غریب دوست را محو نمایند اما خداوند نخواست
 . . . آنکه در دلها راه دارد . . . البته دلها باو مشغول
 و عالم دل هم خدائی دارد . . . حذر از شو رش دلها
 که فتنه هائی پدید آورد . . . پس شیرازه دلهای که بسا
 صمیمیت در رشته یگانگی و محبت بسته شده باشد . . .
 بیمان کو دکان نیست . . . که بود و نبود ؟؟ . . . از دم
 بگسلد .

رسم طبیعی است که از پی طبیعه بامداد آفتاب تابناک
 گیتی را روشنتر میسازد . . . هر چند صبح و بامداد و -
 آفتاب گذشتنی است . . . اما ؟؟

یادداشت

(افرادی معتدل)
 قرار تجویزی آردی که همان ۲۱ مرد ۱۴ به ۱۳۳۳ درج
 برای خلق توفیق و سعادت در روزی سرفراز بود

بقیه ۱۱ سرطان

با بیمودن راههای پر تشبیب و حضور یابی با انواع صحنه
 های خونین و رقت اور اثبات شده از درد و الم در سینه
 غیر تشند انباز نمود و اینکه دیدیم تنها و تنها معرفت این
 همه دشمنی هارنج و تحب فراران بوده که در هر نظام
 اسلحه دشمن او را تهدید بگشته شدن میبندد . . . آری
 ما نایبست بگویم محمودی چرا کشته نشد . . . ازینکه میگویند
 در مملکت ما بخاور عموم عکس ملل را قبه جهان عواصل
 جاریه وجود دارد که اگر اشخاص میکه مورد سوء قصد
 واقع میشوند باثر اتهام بارتکاب عمل خیانت بوده . . .
 چون درین ازان صاحب امتیاز جریده خلق مورد سوء قصد
 مخالفین واقع شد . . . پس او نیز نظار بقضای نظاریه فوق
 شتم بجرم غیر قابل جبران بوده . . . تا سف درین حاست
 که در مملکت ما عکس قاعده عمی من عوامل تطبیق و تنبیت
 می باید چنانچه به شخص خائن و پرور ما دانش نکسو
 میدهند و از طرفی دست خود را بچسب و ن مرد درست
 کار و نوع پرور زمین میکنند این است معنای واقعی تعادل
 بین دو افراط و تقریب . اینجا است که توده حساس و -
 غیرتمند و طیفه خود را تشخیص داده و به پشتیبانی این
 مبارز راه حقیقت تحمل بس سختیهای فراوان و جان فرسا
 را بر خود هموار ساخته از بدل هیچگونه ایشار و خودگذری
 دریغ نفرما بد - زیرا ارزش حیات این مرد ما شهادت و -
 بر دل ۱۰۷ تر ازان است که مانندین تصور میکنند . . .
 جالب توجه این است که آیا مشول قضیه فاجعه انگیز
 روز ۱۱ سرطان کدامیک از دستگاههای قانونی خواهد
 بود ؟ آیا از وقوع چنین سانحه ها که امیک بداد
 ذیصلا حیت جلوگیری میکند - اینهمه مطالبی است که عده
 ظفیری از مردم در بیخوهان صحبت میکنند . با کمال بی
 صبری انتظار اقدامات جدی مقام بالا را در جستجوی محرک
 واقعی قضیه میبرند .

خبر های اژانس ششدرک : از خارج - دلخک را خواب
 برده از املاعات خارجه معذرت میخواهد .

در داخل - مراسم عید سعید فطر در ظرف سه و نیم روز
 برگزار شد . . . دوسیه شانلی محمد عمر خان پیلوت
 تکمیل نشد . باری اگر تبرئه نمیگرددمجازاتش فیصله شود .

دوای خلق

بشنو عزیزمن سخنی از نداء خلق
یعنی بگیر گوش شور ونوای خلق
از حق مرنج گرچه مرارت نشان بود
تلخی بکش ز دهر که گردی دوای خلق
آنکس که عیب خلق نهان میکند زخلق
بالله که تیشه میزند اندر بنای خلق
جنبش فگنده در دل پیرو جوان ملک
صاحب اثر شده است فغان رسای خلق
صد شکر باز شکر که در گوش شاه ما
اینک رسیدنی است صدای گدای خلق
گر نیست دست آنکه بچینی ز راه خار
خود را مساز خارستم پیش پای خلق
خود خواه و خود پرست و وزارت طلب مباد
آنکس که میزند سخن از اعتلای خلق
شاگرد خصم کهنه سیاست به پشت در
بنگر که آمده است برای فنای خلق
برخیز تا بنوک قلم تیغ برکشیم
بگذار تا بلند بگردد "نداء خلق"

ضیا قاریزاده

برگرفته شده از شماره هجدهم نداء خلق

نشر: راه رحم
۴۴

شماره ۱